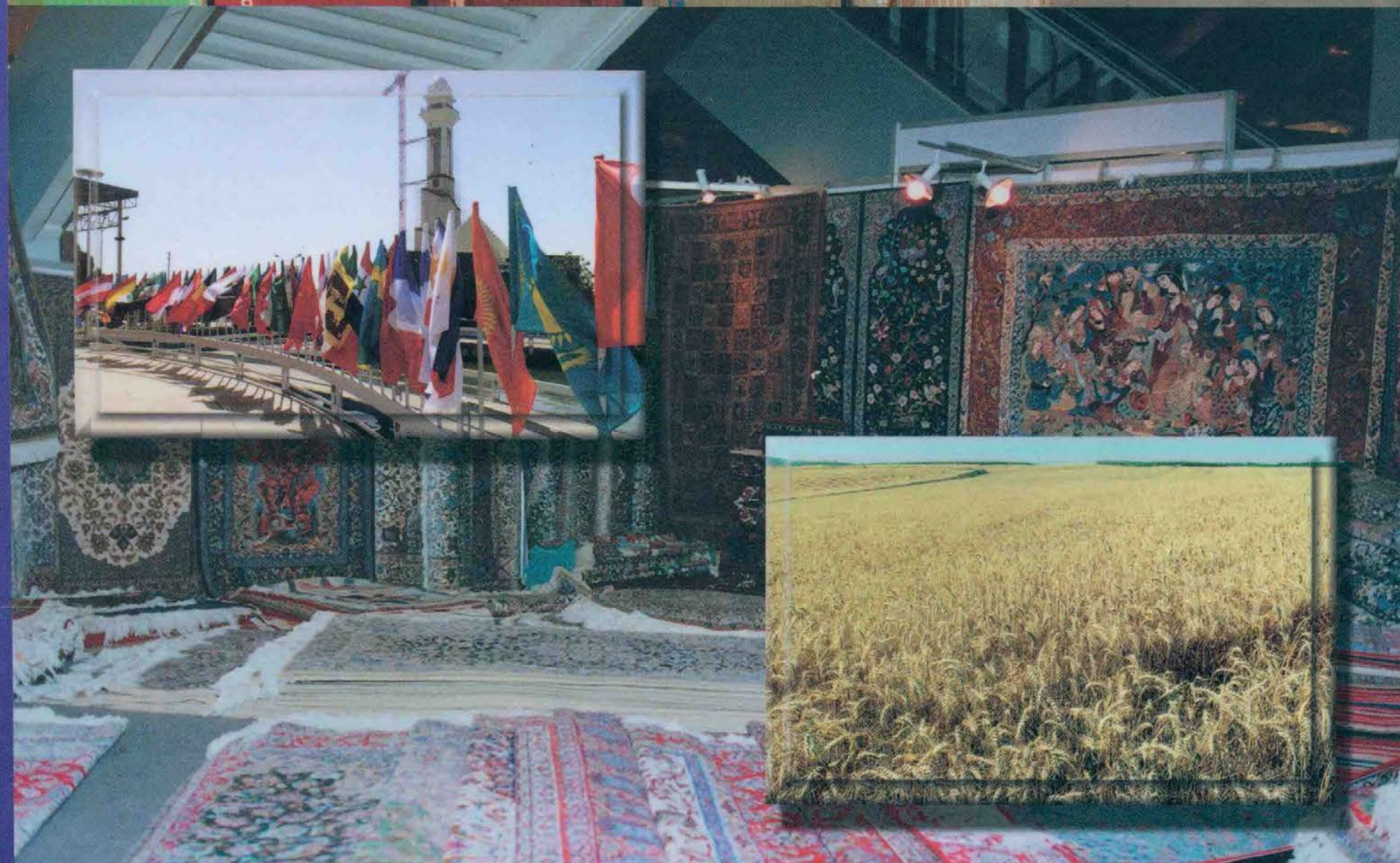


اطلس ملی ایران

بازرگانی



جلد ۱۱

جمهوری اسلامی ایران
سازمان برنامه و بودجه
سازمان نقشه برداری کشور



اطلس ملی ایران بازرگانی

دست‌اندرکاران تهیه اطلس ملی ایران «بازرگانی»

مجری طرح: دکتر محمد مدد

مدیر پروژه: مهندس بهداد غضنفری

نظارت کارتوگرافی:

مهندس بابک شمعی

مهندس بهداد غضنفری

نگارش:

محمدعلی حلیمی

دکتر بهرام امیراحمدیان (فصل دوم)

ثریا چرخچی (فصل چهارم)

طراحی و اجرای جلد:

مهندس بابک شمعی

کارشناسان مسئول آمار و اطلاعات:

ابوالفضل بلندیان

مهران مقصودی

گردآوری آمار و اطلاعات:

محمدعلی حلیمی

ویراستار:

فرشته حق شناس

ناشر: سازمان نقشه‌برداری کشور

چاپ: چاپخانه سازمان نقشه‌برداری کشور

چاپ اول: ۱۳۷۸

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

طراحی و اجرای کارتوگرافی:

مهندسین مشاور گستره نگار ترسیم

ISBN: 964-6922-04-X

شابک: ۹۶۴-۶۹۲۲-۰۴-X



امروزه، در روند رو به رشد و تکامل زندگی هر جامعه و ملتی، فراهم بودن «اطلاعات» در زمینه‌های گوناگون حیات آن جامعه، هم یک «نیاز» درجه اول و هم یک «الزام» میهنی به شمار می‌آید. تجزیه و تحلیل روشمندانه این داده‌ها و اطلاعات گسترده و بی‌شمار و نتیجه‌گیری صحیح از آنها، سیستمهای مختلف اطلاع رسانی در چند دهه اخیر، در سطح جهان، رشد بی‌سابقه‌ای را نشان داده و توجه برنامه‌ریزان، مدیران و مجریان امور را به این سیستمها قویاً جلب کرده است، تا آنجا که - در حال حاضر - یکی از شاخصهای توسعه و رشد در جوامع پیشرفته، حجم سرمایه‌گذاریهای مالی و انسانی در تأسیس و تکامل سیستمهای اطلاعاتی (عمومی - فنی - تخصصی) آنهاست. در این فرآیند، انواع نقشه‌ها در خانواده‌های مختلف تخصصی، به سبب نحوه ارائه اطلاعات دقیق کمی و کیفی از محیط فیزیکی، در شمار عناصر و ابزار مقدم و پایه قرار می‌گیرند و طبعاً مقام و اهمیت ویژه‌ای نیز در کلیه سیستمهای اطلاع رسانی کوچک و بزرگ، از سطوح شهری و روستایی گرفته تا سطوح منطقه‌ای و ملی، دارند.

اطلسهای ملی

در فرهنگ علوم تهیه نقشه (کارتوگرافی) و نیز در جوامع بین‌المللی که با تهیه انواع نقشه سر و کار دارند، اطلسها مجموعه‌های مدون و مجلدی از نقشه‌ها، نمودارها، تصویرها و گزارشهای مربوط به یک یا چند موضوع هستند که با نظمی خاص و با دقیق‌ترین و جدیدترین روشها تهیه می‌شوند. اطلسها بخوبی قادرند جایگزین دهها جلد کتاب و هزاران برگ گزارش فنی شوند و رؤس برنامه‌ها و تصمیم‌گیرها را روشن‌تر از هر واسطه اطلاعاتی دیگر، عیان و بیان کنند. در میان انواع اطلسها، اطلسهای ملی هر کشور جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند.

عواملی چون دقت در اطلاعات، حجم اطلاعات در واحد سطح، کیفیت هنری نمایش پدیده‌ها و پیوند و روابط آنها، اطلسها را از دو جهت در اعتبارات ملی هر کشور صاحب سهم کرده است. نخست، محتوای اطلاعاتی اطلسها - که نمایانگر پیشرفت، توسعه و تکامل هر کشور است - و دیگر، نفس کار و ساختارهای فنی خود اطلسها که بیانگر درجه تعالی آن کشور در تولید نقشه‌های بسیار دقیق و، در عین حال، زیباست تا سریعترین رابطه را با بیننده و استفاده‌کننده برقرار کنند. این دو علت، وظیفه تهیه‌کنندگان اطلس را در بخش دولتی هر کشور بسیار سنگین و حساس می‌کند و، به همین سبب، ممکن است که این مسأله برای موسسات بخش خصوصی تهیه نقشه و اطلس، با همه تعهد و وظیفه‌ای که در قبال فرهنگ ملی دارند، در درجه اول اهمیت قرار نداشته باشد.

ویژگیها و بهره‌های محوری و جانبی اطلسهای ملی

۱ - از آنجا که نقشه‌های مندرج در اطلس ملی در برگیرنده بخش وسیعی از مسائل اطلاعاتی مربوط به جامعه و کشور است، امکان اخذ سریع اطلاعات را برای هر گروه استفاده‌کننده - از دانشجویان گرفته تا مدیران و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران - را فراهم می‌سازد.

۲ - در بسیاری از موارد، اطلس ملی کلاسیک می‌تواند همانند یک سیستم زنده و فعال GIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی)، با روش قیاسی (و بدون استفاده از کامپیوتر) عمل کند و لایه‌های اطلاعات

مرتبط قابل مقایسه را ارائه نماید.

۳ - برنامه‌ریزیهای استانی، منطقه‌ای و کشوری، بدون مراجعه و بهره‌گیری از اطلس ملی، جامع و کامل نخواهند بود.

۴ - اطلس ملی روشنگر و گزارش دهنده‌ای دقیق از پیشرفتهای برنامه‌ریزی شده و کاستیهای موجود در هر یک از بخشهای اقتصادی، منابع و ثروتهای جایگزین شونده و یا پایان‌پذیر است و هشدارهای لازم را به مسؤولان ذیربط خواهد داد.

۵ - اطلس ملی یک واسطه و رسانه اطلاعاتی مهم کشوراست؛ این واسطه و رسانه انتقال‌پذیراست و در دسترس همه مراکز تحقیقاتی، اجرایی و آموزشی قرار می‌گیرد. بنابراین، زبان واحد فنی محاوره‌ای را در بین تخصصها و بخشهای گوناگون و همچنین در میان آحاد جامعه و مسؤولان فراهم می‌کند.

۶ - اطلس ملی نه تنها جایگاه هر کشور را از نظر شاخصهای توسعه در خانواده ملل تعیین و معرفی می‌کند بلکه ویژگیهای خاص اقتصاد، فرهنگ و ... هر کشور را - که در هیچیک از مراجع دیگر قابل درج و انعکاس نیست - به صورتی ساده، فشرده و دقیق عرضه می‌دارد.

اطلسهای تهیه شده در ایران و آغاز طرح اطلس ملی

در کشور ما تلاشهایی در زمینه تهیه چندین اطلس موضوعی صورت گرفته است. اطلسهای موضوعی قابل ذکری که در سطح بین‌المللی در ایران تهیه شده‌اند، عبارتند از:

اطلس اقلیمی ایران، اطلس تاریخی ایران، اطلسهای شیب و مقاطع (موسسه جغرافیای دانشگاه تهران)، اطلس فرهنگی شهر تهران (شورای فرهنگ و هنر)، اطلس هیدرولوژی (وزارت نیرو)، اطلس بهداشتی و کشاورزی (سازمان نقشه برداری کشور)، و چندین اطلس از سوی بخش خصوصی. به رغم این تلاشها، چه قبل و چه بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، کمبود اطلس ملی ایران از سالها قبل محسوس بود و، در این زمینه، پیشنهادها و بحثها به سوی سازمان نقشه‌برداری کشور متوجه و احاله می‌گردید. تا اینکه، سرانجام، با پایان گرفتن جنگ تحمیلی و همزمان با آغاز برنامه‌های نوسازی کشور، ضرورت تهیه «اطلس ملی ایران» محسوس‌تر شد و در خرداد ماه ۱۳۷۰، بنابه تصویب هیأت محترم وزیران، این وظیفه سنگین به سازمان نقشه‌برداری کشور واگذار گردید.

فرآیند اجرای طرح تهیه اطلس ملی به دو مرحله کلی تقسیم‌بندی گردید:

در مرحله اول طرح، که از سال ۱۳۷۲ آغاز شد، هدف تهیه یک جلد اطلس عمومی بود؛ این جلد مشتمل بر چهار فصل سیاسی، طبیعی، جمعیتی و اقتصادی بود و در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید.

مرحله دوم، با هدف تهیه حدود بیست جلد اطلس تخصصی در زمینه‌های مختلف، از سال ۱۳۷۴ آغاز گردید و جلد حاضر نیز یکی از جلدهای تخصصی همین مرحله است. برای تهیه این جلد، ابتدا اطلاعات و آمار مختلف در زمینه بازرگانی گردآوری شد و پس از پردازش، آمار و اطلاعات مورد نیاز - با توجه به فصل بندی انجام شده - استخراج گردید. سپس، با استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای پیشرفته، تمام مراحل تهیه اطلس به شکل کاملاً رقومی انجام شد. کتاب حاضر، بعد از اطلسهای جمعیت، زمین‌شناسی، بهداشت، انرژی، کشاورزی، حمل و نقل، آموزش عمومی، آموزش عالی، صنایع و دامپروری یازدهمین جلد اطلس ملی تخصصی است که توسط سازمان نقشه‌برداری کشور تهیه گردیده است.



فهرست مطالب

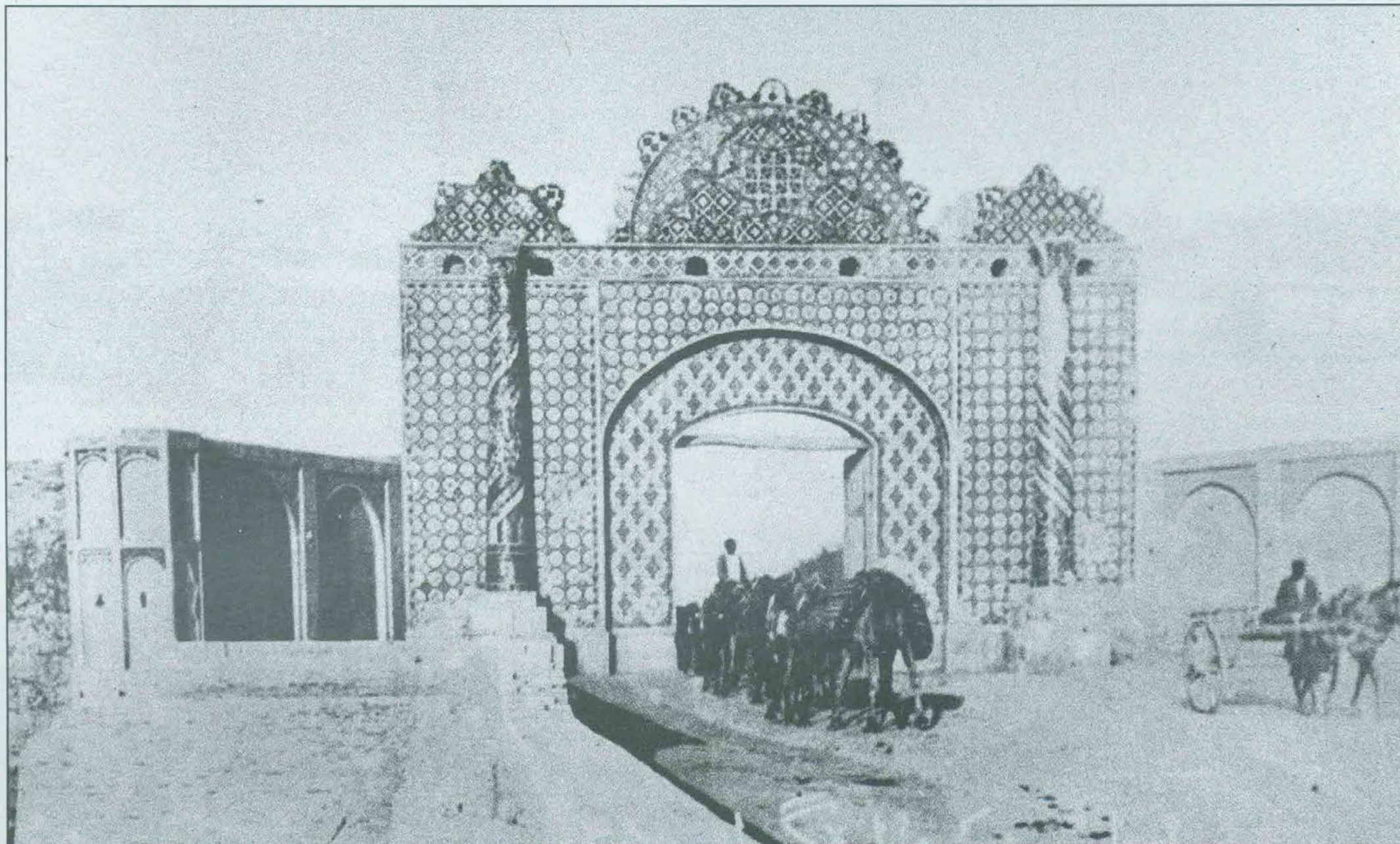
صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۴۱	فصل پنجم: بازرگانی و تعاون	۱	مقدمه
۴۱	عملکرد تعاونی‌های بخش بازرگانی		
۴۱	اتحادیه‌های تعاونی	۲	فصل اول: بازرگانی داخلی
۴۱	تعاونی‌های مصرف	۲	تأمین کالا
۴۲	تعاونی‌های تأمین نیاز تولیدکنندگان	۱۲	ترخیص، تخلیه و بارگیری
۴۴	تعاونی خدمات	۱۳	حمل و نقل و بازرگانی
۴۴	سازمان تعاون مصرف شهر و روستا	۱۶	نگهداری و ذخیره‌سازی
۴۴	صادرات تعاونی‌ها	۲۱	شبکه توزیع بازرگانی داخلی
۴۴	سهم بخش تعاون در تولید ناخالص ملی	۲۳	قیمت‌گذاری، نظارت
		۲۵	اشتغال در بخش بازرگانی
۴۵	فصل ششم: عضویت در تشکّل‌ها و مجامع بازرگانی	۲۶	عملکرد بازرگانی داخلی
۴۵	سازمان‌های بین‌المللی		
۴۵	سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	۲۷	فصل دوم: بازرگانی خارجی
		۲۷	واردات
		۳۰	صادرات
		۳۴	فصل سوم: خدمات بازرگانی
		۳۴	مبادله الکترونیکی اطلاعات تجاری (E.D.I.)
		۳۴	مرکز ملی شماره‌گذاری کالا و خدمات ایران (بارکد)
		۳۵	نوین‌سازی شیوه‌های بازرگانی - کمیته ملی ادیفاکت
		۳۵	نقطه تجاری ایران - مرکز خدمات صادراتی
		۳۵	خدمات نمایشگاهی
		۳۶	صندوق ضمانت صادرات ایران
		۳۷	فصل چهارم: مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی
		۳۷	مناطق آزاد تجاری
		۳۷	مناطق ویژه اقتصادی
		۴۰	بازارچه‌های مرزی



مقدمه

بازرگانی مجموعه فعالیت‌هایی است که وظیفه تبادل کالا و خدمات، و مواد اولیه مورد نیاز خانواده‌ها، واحدهای تولیدی، و دولت را، از مبادی عرضه به مراکز تقاضا، مصرف و نگهداری فراهم می‌سازد. رفع کمبودهای داخلی و کاهش فشارهای تورمی از طریق تهیه کالا، و توزیع عادلانه آن، و تنظیم بازار کالاهای اساسی، و توسعه و بهبود صادرات، و حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و اعمال نظارت دولت براین فعالیت‌ها، قلمرو بخش بازرگانی را تشکیل می‌دهد. بنابراین بازرگانی بخش فراگیر در اقتصاد کشور است که نه تنها در

عاملان فعالیت‌های اقتصادی به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند، که عبارتند از: بخش دولتی، بخش خصوصی، و بخش تعاونی اختلاف این بخش‌ها به طور عمده در اهداف و روش تصمیم‌گیری آنها است. هدف بخش دولتی از فعالیت‌های بازرگانی معمولاً متعدد بوده و منحصر به کسب سود نمی‌باشد. این اهداف توسط قانون، یا در اساسنامه برای هر عامل یا واحد فعالیت تعیین و تصریح می‌گردد. هدف بخش تعاونی از فعالیت‌های بازرگانی، تحقق اهداف اعضا و تأمین نیاز مشترک آنهاست. در واقع تعاون راهی برای واگذاری کار مردم به خود آنهاست



خدمت خانواده‌ها و واحدهای مصرف‌کننده، بلکه در خدمت بخش‌ها و واحدهای تولیدکننده قرار دارد، و مبادلات بین بخشهای اقتصاد را تسهیل می‌کند.

مروری اجمالی به تاریخ تمدن بشری حاکی است که زندگی جوامع در ابتدا ساده و فاقد پیچیدگی بوده، و به تبع آن روش‌های بازرگانی و گستره آن نیز بسیار محدود بوده است. با در اختیارگرفتن منابع و کاربرد آنها در جهت زندگی آسان و مرفه، همگام با تنوع نیازها، بازرگانی نیز نقش پیچیده‌تر و قاطع‌تری ایفا نموده است. به طوری که امروزه درصد بالایی از کوشش‌های اقتصادی جامعه به فعالیت‌های بخش بازرگانی اختصاص دارد.

بازرگانی صرفنظر از اینکه یک فعالیت اقتصادی است، یک ابزار سیاسی مؤثر نیز به‌شمار می‌آید. به نحوی که گاه از آن در تغییر دولت‌ها و حکومت‌ها استفاده می‌شود، و همواره گروه‌های ذینفع و به ویژه قدرتمندان، علاقمند به تسلط و در اختیارگرفتن آن می‌باشند.

اهمیت کلیدی بخش بازرگانی در اقتصاد کشور، و نیز اقتصاد بین‌الملل، بر کسی پوشیده نیست. بازرگانی به عنوان بخش واسط، پیوند دهنده بخش‌های اقتصادی کشور، و در برگیرنده کلیه اقداماتی است که به مدیریت واردات و صادرات، بیمه، بانکداری، حمل و نقل، توزیع توسط شبکه‌های عمده فروشی و خرده فروشی، انبارداری، بازاریابی و بازاریابی مربوط می‌شود.

در واقع قابلیت‌های اقتصادی هر جامعه‌ای، خواه به صورت کالا و یا خدمات، در چرخه بازرگانی داخلی و خارجی بازتاب می‌یابد، و در نهایت این بخش است که می‌تواند ارتباط بهینه میان عرضه و تقاضا را برقرار نماید.

و سرانجام فعالیت‌های بازرگانی بخش خصوصی را می‌توان در انگیزه کسب سود و تأمین منافع بیشتر صاحبان این فعالیت خلاصه نمود.

در ایران سهم بخش دولتی از فعالیت‌های بازرگانی بسیار تعیین‌کننده است، به نحوی که علاوه بر بانکداری و بیمه که در انحصار دولت است، توزیع بخش بزرگی از کالاها از طریق شرکت گسترش خدمات بازرگانی، و فروشگاه‌های زنجیره‌ای عملاً در اختیار بخش دولتی است.

فارغ از طرح این کلیات یادآوری نکاتی چند ضروریست:

۱- تفکیک مباحث خدمات بازرگانی به دو بخش بازرگانی داخلی، و خارجی، به لحاظ اهمیت آنها، و اثرگذاری هر یک بر دیگری، هر چند به سهولت امکان‌پذیر نیست، معه‌ذا باتوجه به ارتباط مستقیم کلیه فعالیت‌های بازرگانی تفکیک موردنظر انجام گردید.

۲- هرچند که در گام نخست این اطلس بنا داشت مباحثی نظیر بانکداری، بیمه، و بورس را نیز در فصل بازرگانی ارائه نماید. لیکن به لحاظ اهمیت بازارهای مالی، و توصیه اساتید صاحب نظر مؤسسه پژوهش‌ها و تحقیقات بازرگانی کشور، که همواره مشوق و یاری دهنده تهیه این اطلس بوده‌اند، طرح مباحث مذکور به تدوین اطلس دیگری موکول شد.

۳- اذعان دارد که مجموع حاضر - به عنوان اولین اطلس بازرگانی کشور - به لحاظ مشکلات دسترسی به آمار به هنگام، و تنوع و تعدد منابع اطلاع‌گیری، و دستگاه‌های متولی امر بازرگانی - خالی از نقص نیست. به ویژه که میان زمان تألیف مطالب و طبع و نشر آن یکسال وقفه افتاده است. با این حال ضرورت نیاز به هنگام‌سازی اطلس‌های تخصصی و اطلاع‌رسانی در فواصل زمانی مناسب، نقطه قوتی است در بازنگری و تکامل آتی این مجموعه، که به یاری خداوند متعال و با راهنمایی صاحب‌نظران ارجمند، می‌توان به آن همت گماشت.



فصل اول: بازرگانی داخلی

تأمین کالا

گندم

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که بشر گندم را از دوره مفرغ می‌شناخته و از آن استفاده می‌کرده است. گندم و جو به طور متوسط حدود ۱۰ هزار سال قدمت دارند (برای گندم‌هایی که از حفاری‌های ژارمو (Jarmo) در نزدیکی سلیمانیه عراق به دست آمده است، حدود ۱۰ هزار سال طول عمر تعیین شده است).

می‌توان گفت که تا اواخر قرن نوزدهم تحول چشمگیری در زراعت گندم ایجاد نشده بود. در اوایل قرن بیستم محققین در صدد مطالعه گیاهان مناطق مختلف جهان و انتخاب انواع گوناگون دارای ارزش مناسب و بازدهی کافی برآمدند، تا آنجا که با استفاده از علم ژنتیک و اصلاح بذر به تهیه گونه‌هایی از گندم پرمحصول و مقاوم دست یافتند. از این پس بشر با به کارگیری روش‌های فنی جدید و استفاده از ماشین آلات و مکانیزه کردن زراعت غلات تحول بزرگی در تولید گندم پدید آورد، و به یکباره میزان بهره‌برداری از واحد سطح را به چندین برابر افزایش داد. شرکت‌های چند ملیتی غلات در کشورهای توسعه یافته، با به کارگیری سرمایه‌های عظیم، سرعت عمل، تحرک، انحصار، و ارتباطات سریع بین‌المللی و اطلاعات دقیق توانستند به سرعت جای خود را در تاریخ اقتصاد جهان باز کنند، و کنترل قیمتهای جهانی غلات را به عنوان یکی از نیرومندترین سلاح‌های در اختیار بشر در دست گیرند.

با اینکه طی نیمه دوم قرن بیستم در نتیجه توسعه فرهنگ و بهداشت و افزایش نسبی درآمد سرانه، و ملی، و نیاز عمومی به مصرف بیشتر و بهتر مواد غذایی، از سهم گندم در شاخص هزینه خانوار کاسته شد، با این حال افزایش سریع جمعیت، به ویژه رشد بی‌رویه آن در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده، حجم جهانی این محصول و تقاضای آن را افزایش داده است.

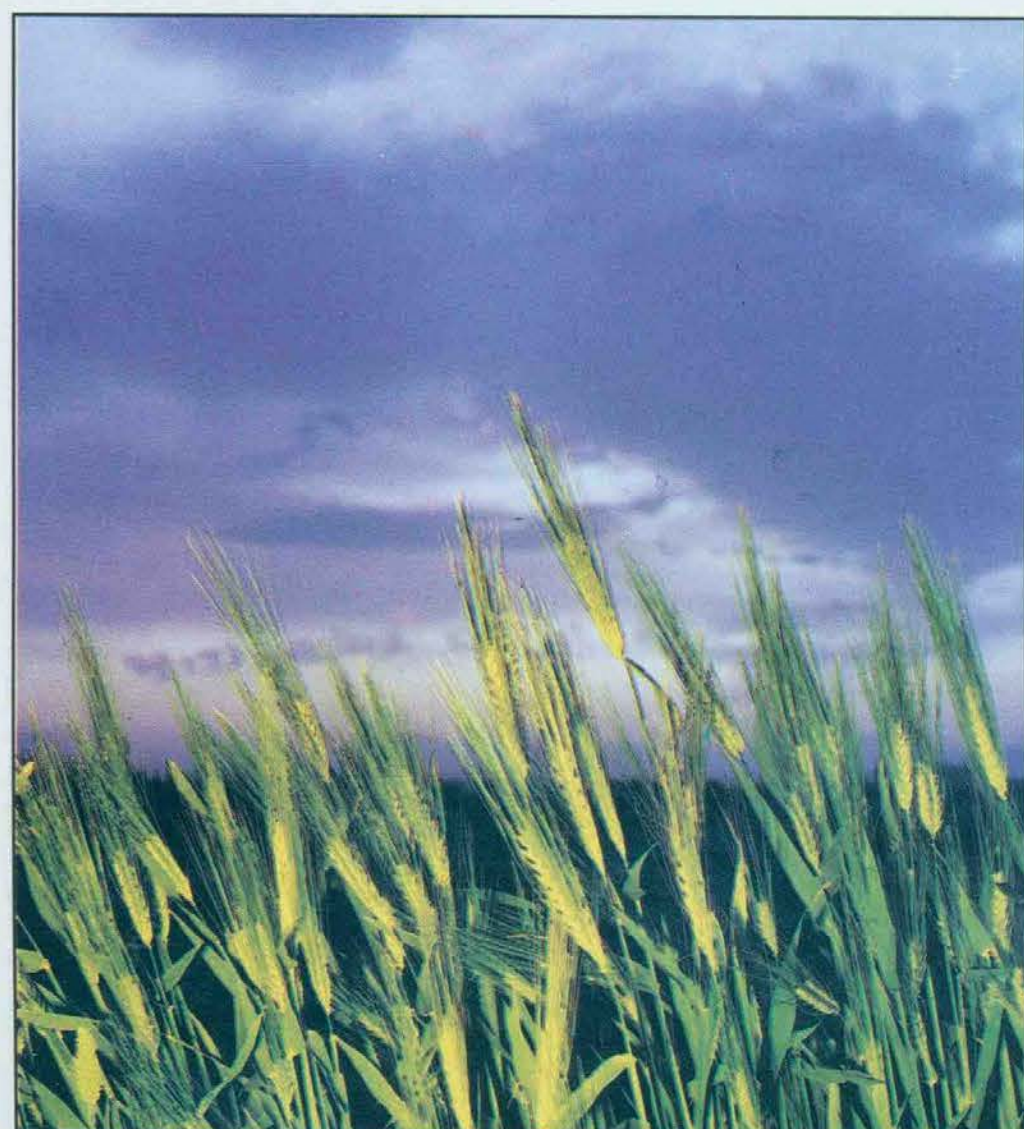
تولید گندم

نظریه اینکه شرایط لازم برای تولید گندم در بیشتر نقاط ایران فراهم است، و این محصول در حیره غذایی مردم نقش اساسی دارد و زراعت آن توسط زارعین اهمیت حیاتی دارد. سطح زیر کشت گندم در هر دو الگوی زراعی آبی و دیم از سطح زیر کشت تمام محصولات بیشتر، و در هر شرایطی لااقل ۶۰ درصد سطح زیر کشت به این محصول اختصاص دارد. به همین دلیل طرح‌های مربوط به توسعه کشت و افزایش تولید گندم در برنامه‌های عمران و توسعه کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

طبق آخرین آمار موجود، سطح زیر کشت گندم کشور ۶/۳ میلیون هکتار است، که ۳۶ درصد آن به کشت آبی و ۶۴ درصد بقیه به کشت دیم اختصاص دارد. سهم استان‌های کشور متناسب با امکانات و استعدادها بالقوه و بالفعل آنها متفاوت است. به نحوی که استان خراسان با ۹۱۵ هزار هکتار (معادل ۱۴/۵ درصد) بیشترین سطح زیر کشت گندم کشور را به خود اختصاص داده است، و استان خوزستان با ۸/۷ درصد، و کردستان با ۷/۹ درصد، و آذربایجان شرقی با ۷/۷ درصد، فارس با ۷/۵ درصد، و همدان با ۶/۵ درصد مقام‌های دوم تا ششم را دارا هستند. این استان‌ها جمعاً ۵۲/۸ درصد سطح زیر کشت گندم کشور را دارند. کمترین سطح زیر کشت گندم در استان‌های کشور با ۱۱ هزار هکتار به استان گیلان اختصاص دارد.

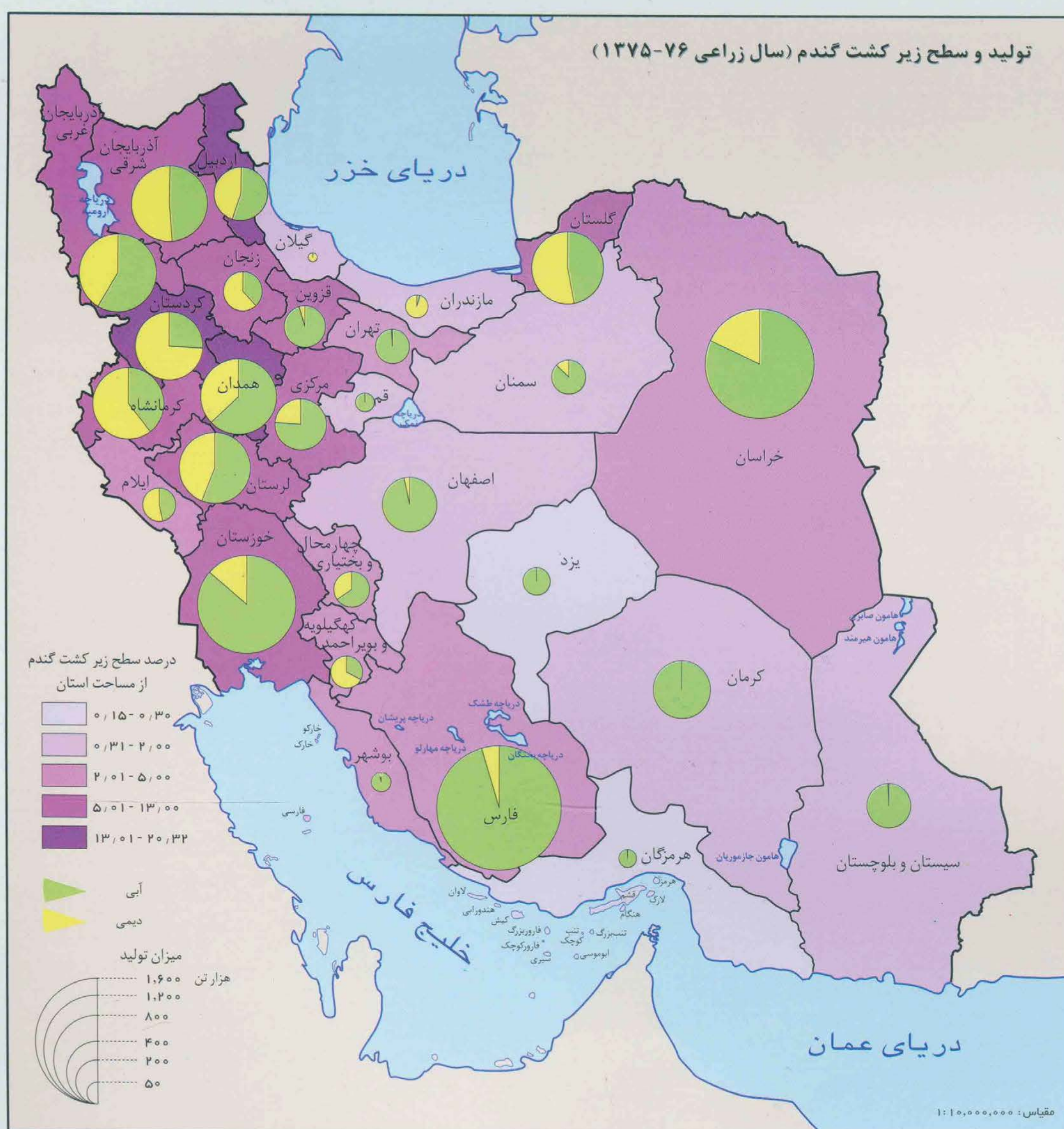
متوسط میزان تولید گندم کشور از حدود ۴/۲ میلیون تن در دهه ۱۳۴۰

اختصاص دارد.



به ۵/۲ میلیون تن در دهه ۱۳۵۰ فزونی یافت، و در ادامه این روند افزایشی، طی دهه ۱۳۶۰ به ۷ میلیون تن افزایش یافته است. در سال ۱۳۷۶ با وجود شرایط نامساعد فصلی میزان تولید گندم کشور به حدود ۱۰ میلیون تن رسید، که از این مقدار ۷۱/۱ درصد از کشت آبی، و ۲۸/۹ درصد آن از کشت دیم حاصل شده است. استان فارس با برداشت ۱،۵۶۴ هزار تن گندم (۱۵/۶ درصد) بیشترین مقدار تولید گندم کشور را به خود اختصاص داد و پنج استان، خراسان با ۱۲ درصد، خوزستان با ۹/۶ درصد، آذربایجان غربی با ۶/۱ درصد، آذربایجان شرقی با ۵/۸ درصد، و همدان با ۵/۷ درصد از کل برداشت، جمعاً ۵۴/۸ درصد میزان تولید کشور را داشته‌اند. استان گیلان با ۸/۵ هزار تن تولید کمترین میزان برداشت گندم را داشته است.

به موجب آخرین ارقام، میانگین عملکرد گندم آبی کشور ۳،۱۴۶ کیلوگرم، و میانگین عملکرد گندم دیم ۷۲۱ کیلوگرم در هکتار است. بیشترین متوسط عملکرد گندم آبی برابر ۴،۲۱۶ کیلوگرم می‌باشد و به استان فارس تعلق دارد، و بیشترین متوسط عملکرد گندم دیم با ۲،۱۴۶ کیلوگرم به استان گلستان



خرید داخلی گندم

مقایسه ارقام خرید گندم تولید داخلی، توسط دولت، و قیمت‌های عمده‌فروشی، نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸ قیمت تعیین شده توسط دولت پایین‌تر از قیمت‌های عمده‌فروشی و دست‌فروشی بوده است. طبیعی است که با ادامه چنین وضعی، کشاورزان حاضر به فروش گندم مازاد بر مصرف خود به دولت نمی‌باشند، و این مسأله، نقش تعیین‌کننده‌ای بر روند توسعه کشت گندم داشته و یکی از دلایل عمده کاهش سهم خرید گندم مازاد بر مصرف کشاورزان در سنوات گذشته بوده است. تجربه نشان می‌دهد، در سال‌هایی که اختلاف قیمت کمتر است، و در مواردی که اهدای جوایزی، توسط

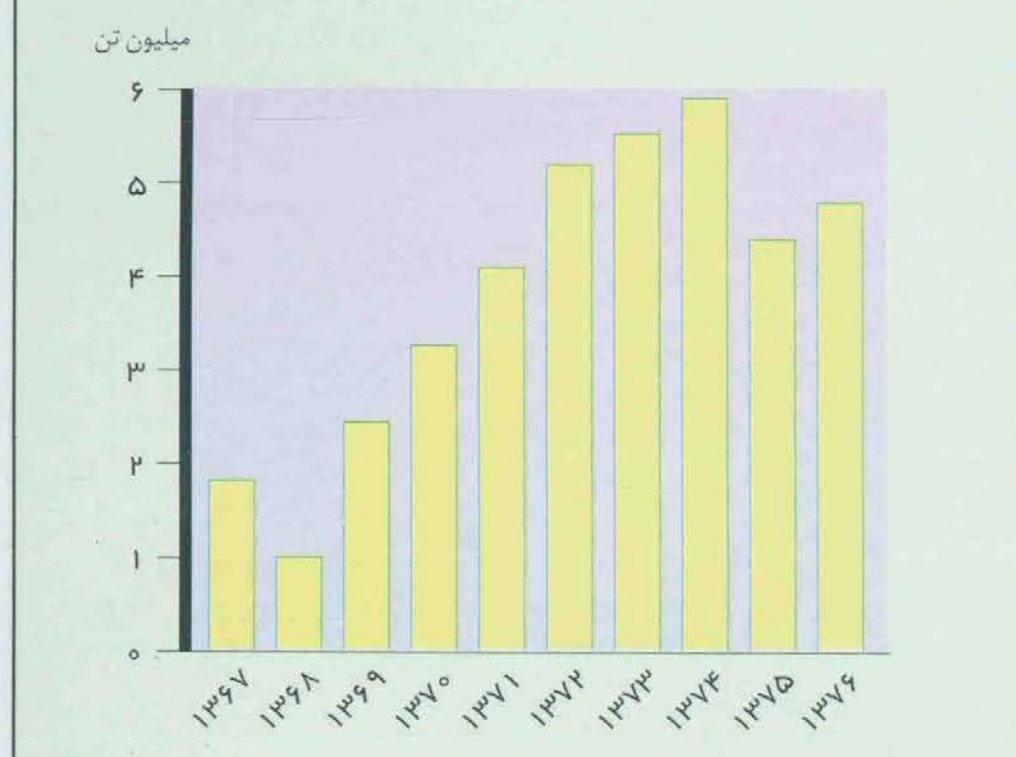


دولت به کشاورزان گندم کار صورت گرفته است، استقبال کشاورزان از طرح تولید و فروش گندم مازاد بر مصرف خود، به دولت افزایش یافته است. ارقام خرید داخلی گندم نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ به ترتیب ۲/۳، ۱/۳، ۱/۸، ۱/۰ و ۲/۴ میلیون تن گندم توسط کشاورزان به دولت فروخته شده است. بالاترین میزان عرضه گندم به دولت، توسط کشاورزانی است که بین ۱۰ تا ۲۰ تن گندم مازاد خود را به دولت فروخته‌اند. به‌نحوی که ۲۹ درصد گندم تحویلی به دولت توسط این گروه - که ۱۲ درصد زارعین هستند - تحویل شده است. در مرتبه بعد گروه، ۵ تا ۱۰ تن و ۵۰ تن به بالا می‌باشد، که هر یک به‌طور جداگانه سهمی معادل ۱۶ درصد گندم تحویلی به دولت را عهده‌دار بوده‌اند.

چنین برداشت می‌شود که زارعینی که بیش از ۵ تن گندم به دولت فروخته‌اند، ۷۵ درصد کل گندم خریداری، و ۳۰ درصد کل زارعین تحویل‌دهنده گندم را تشکیل می‌دهند. بنابراین افزایش قیمت گندم و پرداخت جوایز فروش



خرید داخلی گندم طی سالهای ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۶

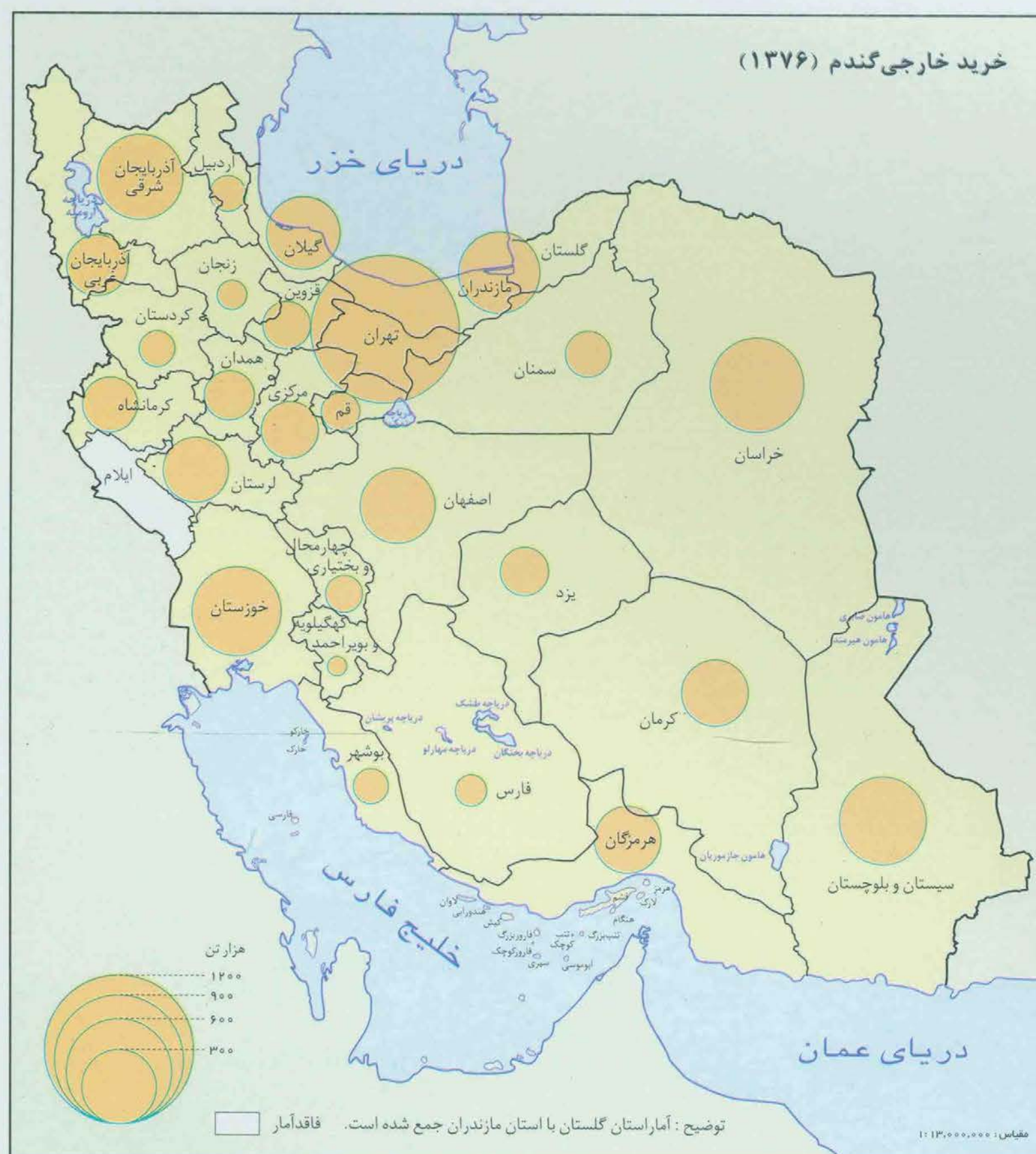


در درجه اول به سود تولیدکنندگانی است که به‌صورت نیمه مکانیزه عمل می‌کنند، و هزینه تولید کمتر و مازاد تولید بیشتری دارند.

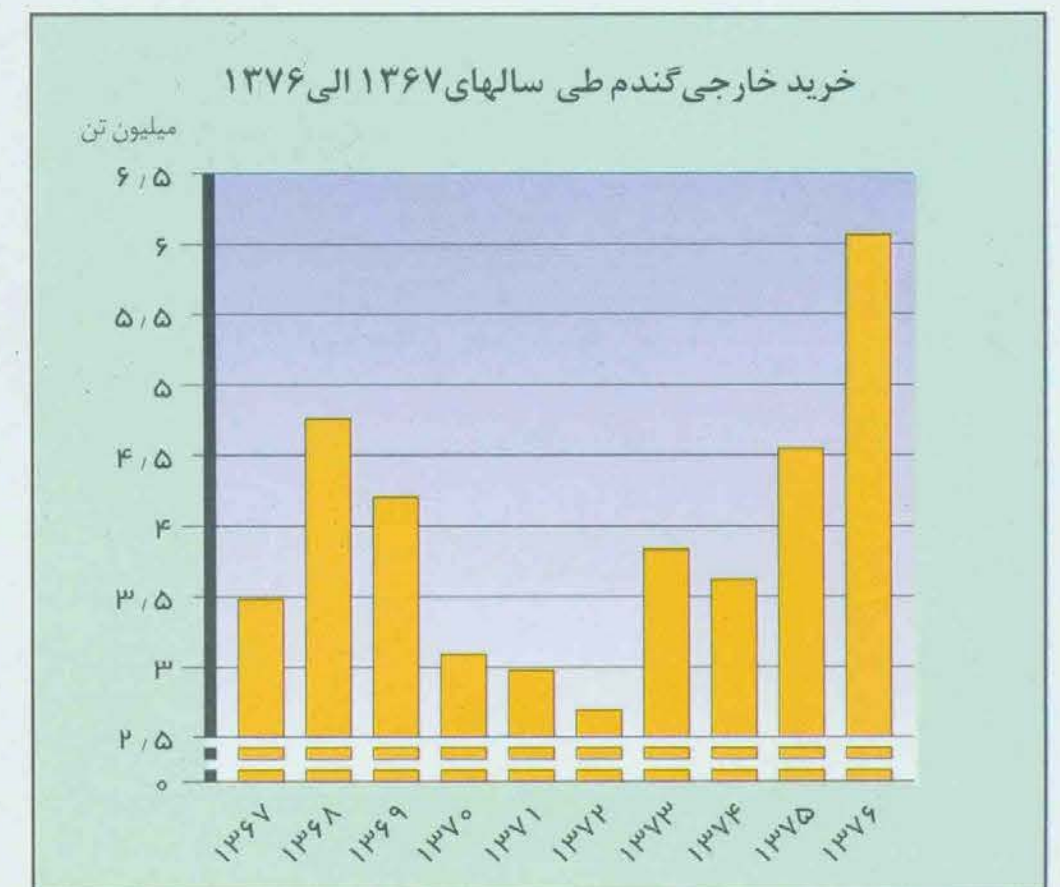
از سال ۱۳۷۰ به بعد روند خرید داخلی گندم به تدریج تحول یافت، به‌نحوی که در سال ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۶ به ترتیب ۳/۳، ۴، ۵/۲، ۵/۵، ۵/۹، ۴/۴ و ۴/۸ میلیون تن گندم توسط دولت از کشاورزان خریداری شد.

خرید خارجی گندم

با توجه به میزان مصرف، مصرف سرانه و مصارف بذری، همه ساله درصد قابل توجهی از نیاز داخلی گندم کشور از خارج وارد می‌گردد. طبق بررسی‌های موجود براساس میزان رشد جمعیت و مصرف، طی سال‌های گذشته، مقدار مصرف گندم در ایران با نرخ رشد ۳/۵ درصد در پایان برنامه اول توسعه، به ۱۲/۴



میلیون تن، و در سال ۱۳۷۹ به ۱۵/۸ میلیون تن، برآورد گردیده است. بدیهی است، براساس ارقام فوق همه ساله مقدار قابل ملاحظه‌ای از نیاز کشور باید از محل واردات یا کاهش مصرف سرانه تأمین و جبران شود. به همین منوال طی سال‌های ۱۳۶۵ تا پایان سال جاری، میزان کسری گندم مورد نیاز مصرف



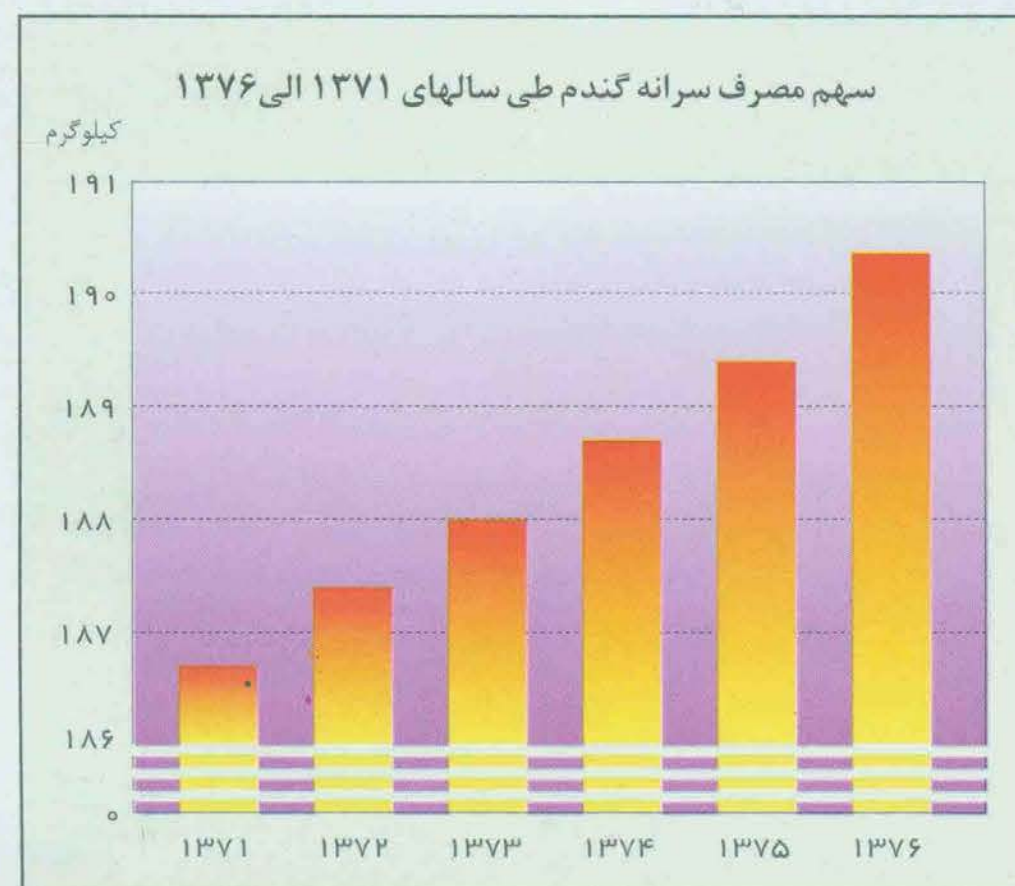
داخلی، به صورت فزاینده‌ای از خارج کشور خریداری و به تناسب نیاز بین استان‌ها و مناطق مختلف کشور حمل شده است.

توزیع و مصرف گندم

از مهمترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر مصرف گندم، می‌توان به میزان و نحوه توزیع درآمد، رشد جمعیت، توسعه شهرنشینی، قیمت گندم و آرد، قیمت کالاهای جایگزین و مکمل آن، کشش درآمدی تقاضای گندم، میزان یارانه،

میزان عوارض بر گندم‌وارداتی، و میزان توسعه یافتگی کشورها اشاره نمود. نظر به اینکه گندم جزء مواد غذایی لازم و ضروری برای رفع نیازهای بیولوژیکی انسان می‌باشد، و حدود ۷۰ درصد از کالری مورد نیاز شبانه روز مردم از نان گندم و یا ترکیباتی از آن تهیه می‌شود، و بخش عظیمی از غلات - که گندم نیز قسمتی از آن است - صرف تغذیه دام‌ها و تأمین پروتئین حیوانی می‌گردد. بنابراین کشش درآمدی آن نسبت به سایر کالاهای حساسیت کمتری برخوردار است.

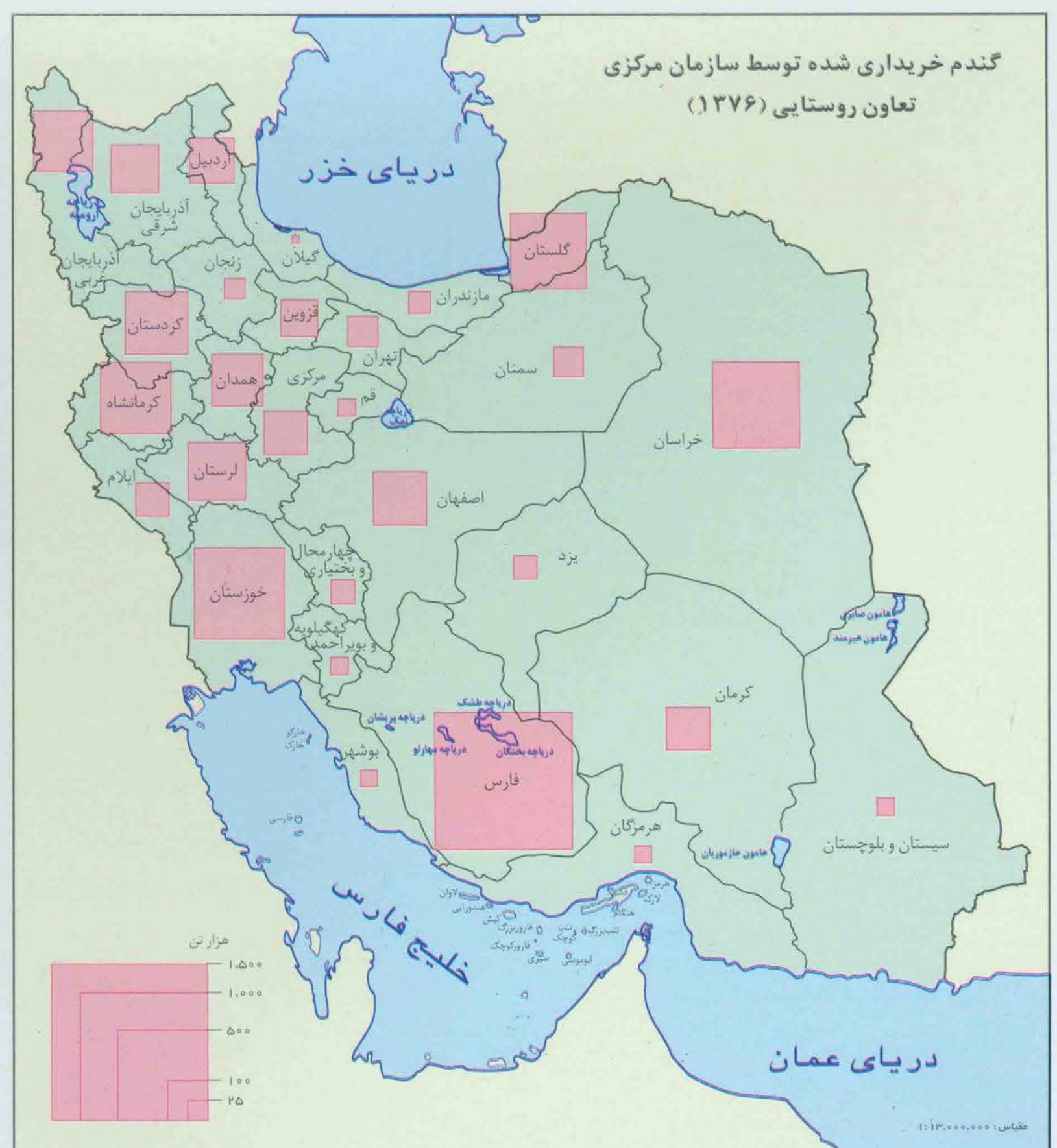
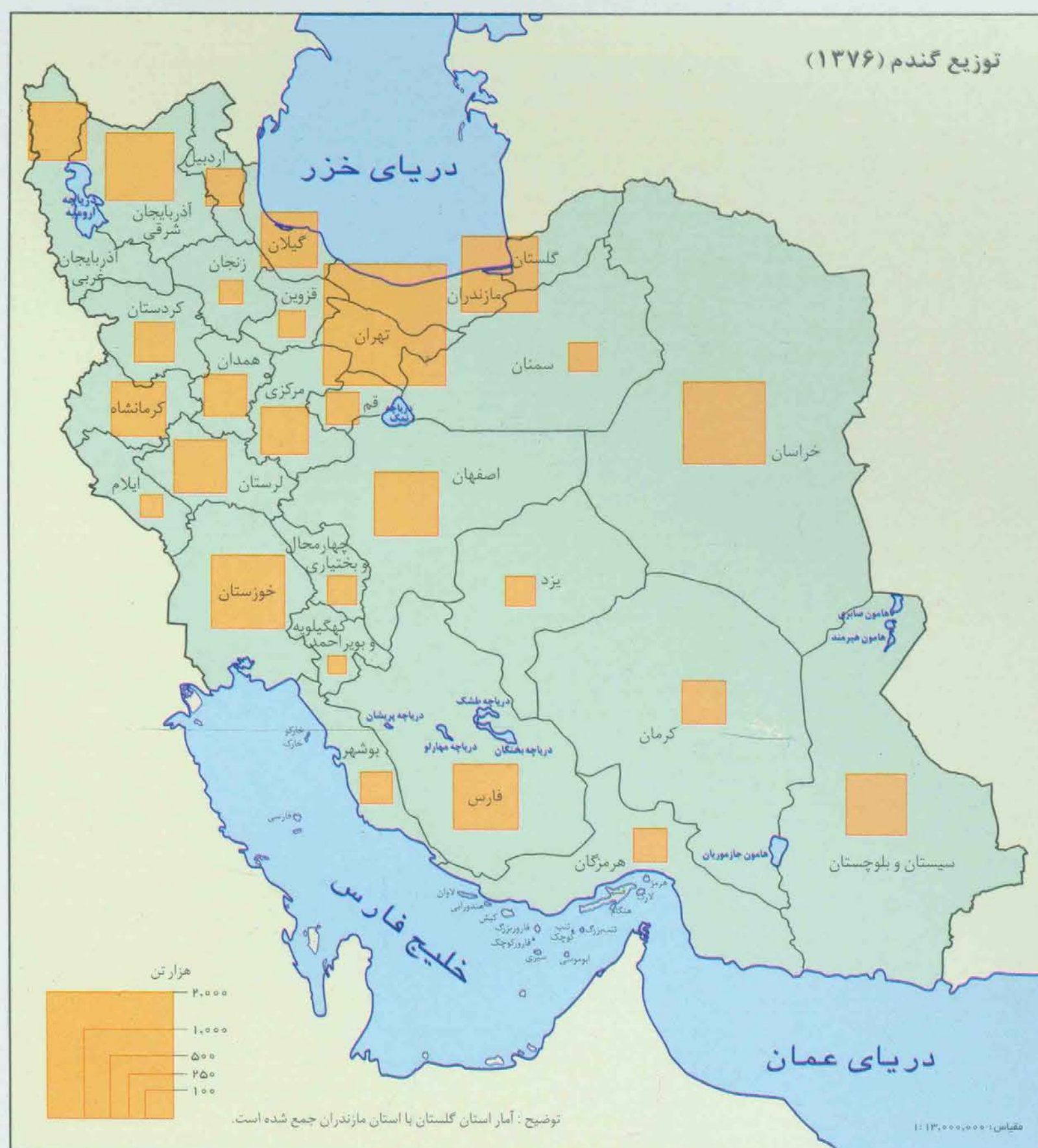
رونق و رکود اقتصادی نیز از عوامل مؤثر بر مصرف جهانی گندم می‌باشد. همان‌گونه که توسعه سریع اقتصاد جهانی، در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ میلادی، در افزایش مصرف گندم تأثیرگذار بوده است، اما کاهش درآمد همواره به کاهش



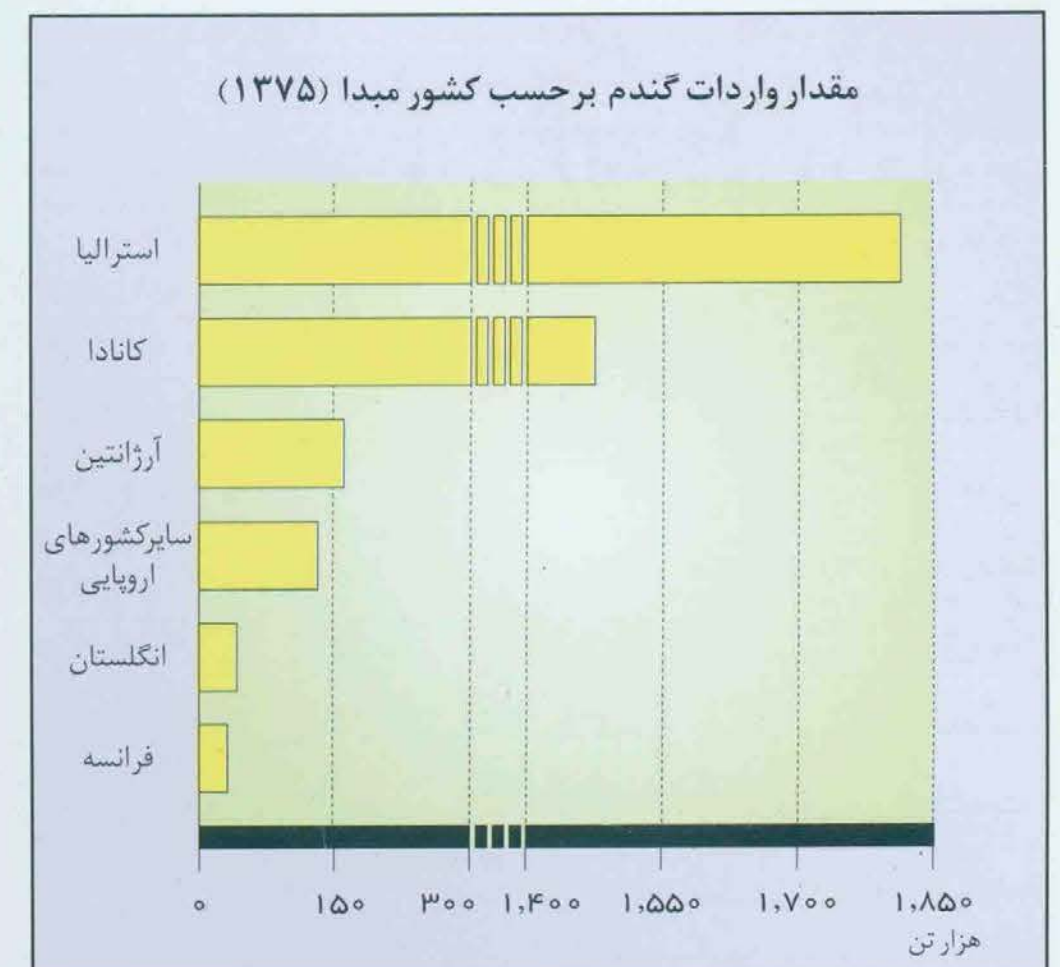
مصرف گندم نمی‌انجامد. زیرا که مصرف کنندگان ترجیح می‌دهند که در شرایط حاد اقتصادی، مصرف کالاهای غیراساسی را فدای مصرف گندم کنند. روی هم رفته همبستگی بین کاهش قیمت‌ها و افزایش واردات و مصرف گندم، در میان کشورهای توسعه نیافته با شدت بیشتری نسبت به سایر کشورها مشاهده می‌شود. مسأله قابل توجه دیگر این است که، هر چند مصرف گندم تأثیر یافته از قیمت‌های داخلی است، اما به لحاظ تخصیص یارانه روی نان مصرفی، قیمت‌های داخلی رابطه اندکی با قیمت‌های جهانی دارند. کمااینکه در مواردی کاهش یارانه نیز نتوانسته است روی مصرف نان اثر قابل ملاحظه‌ای بگذارد. اما طبیعی است که قیمت‌های بالاتر گندم، استفاده دامی از آن را محدودتر می‌سازد.

برعکس، تفاوت اندک قیمت گندم با غلات دامی، مصرف گندم را در دوره‌ای افزایش می‌دهد. همچنین در اثر جایگزینی گندم به جای برنج - به دلیل افزایش غیرمتعارف قیمت برنج - بر میزان تقاضا و مصرف گندم کشور، افزوده است. رشد جمعیت و گسترش سریع شهرنشینی و حاشیه‌نشینی، ایجاد و توسعه شهرکها و تداوم و تشدید مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها، و افزایش جمعیت آنان در اثر جاذبه‌های شهری، امکانات شغلی، درآمد بالاتر، و ادامه سیاست پرداخت یارانه، نقش تعیین کننده‌ای بر میزان تقاضا و مصرف گندم ایفا می‌کند. همچنین عوامل طبیعی و جغرافیایی و شرایط اقلیمی نظیر خشکسالی و ... در ایجاد نوسانات تولید و تقاضای گندم و آرد اثر دارد.

عوامل سیاسی نیز یکی از مهمترین عوامل مؤثر در تولید، مصرف و تجارت جهانی غلات است، که به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به مقاصد اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی کشورهای قدرتمند، بر کشورهای نیازمند به کار می‌رود. بررسی ارقام مربوط به تولید و مصرف گندم و آرد کشور در سال‌های گذشته

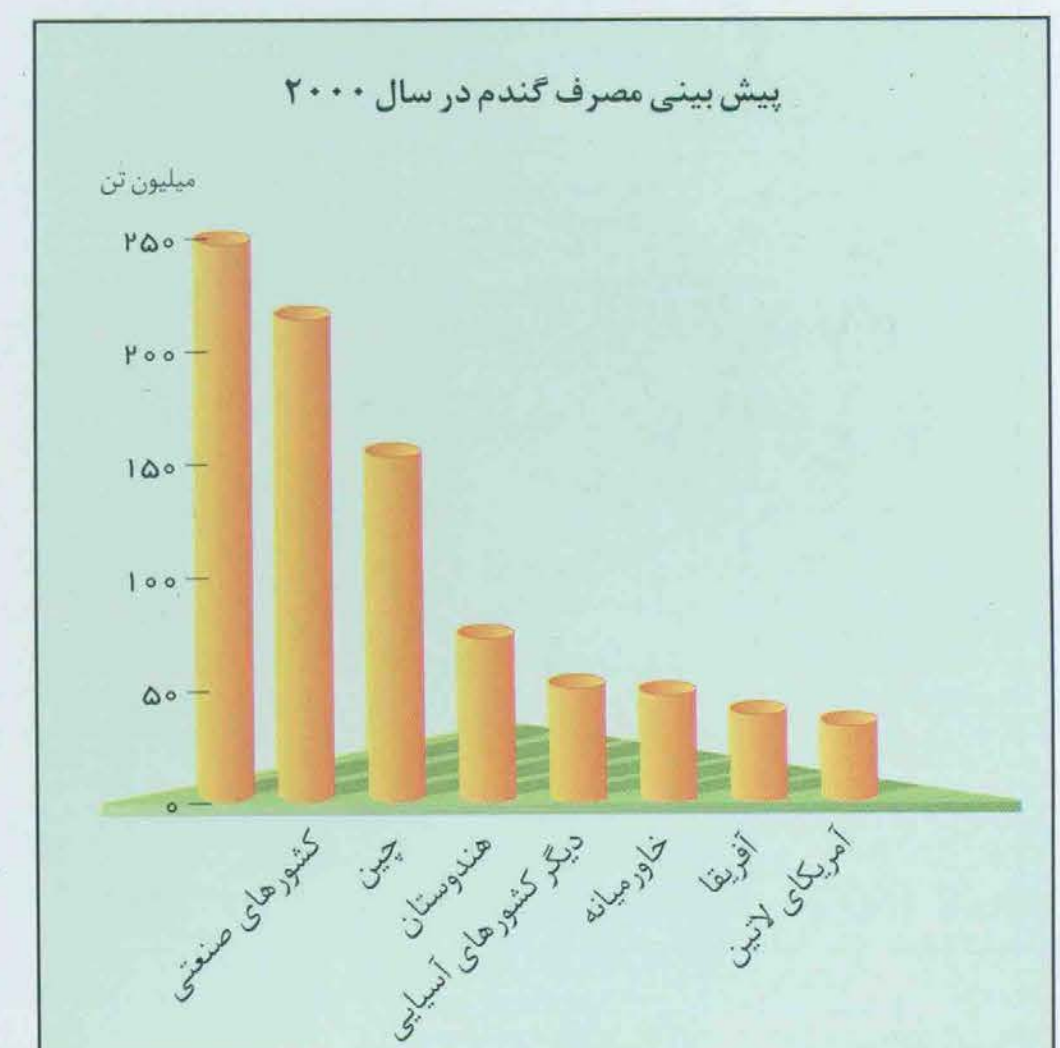


نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۶، سهم خودکفایی مصرف، از تولید داخلی گندم به ۸۰ درصد (تولید سرانه ۱۵۸ کیلوگرم، مصرف سرانه ۱۹۶ کیلوگرم)، و در سال ۱۳۷۶ این سهم به ۶۲ درصد کاهش یافته است (تولید سرانه ۱۶۱ کیلوگرم، و مصرف سرانه ۱۹۰ کیلوگرم).



این در شرایطی است که به موجب گزارش بانک جهانی، متوسط رشد سالیانه مصرف گندم در جهان در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ برابر ۲/۳ درصد برآورد گردیده است. به موجب این پیش‌بینی سهم کشورهای پیشرفته صنعتی طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ به ترتیب از ۱۹/۶ به ۱۷/۸ و ۱۶/۷ درصد کاهش یافته است.

متقابلاً سهم کشورهای در حال توسعه در سال‌های فوق به ترتیب از ۴۹/۸ درصد به ۵۳/۹ درصد، و سپس به ۵۶/۶ درصد افزایش یافته است. همچنین پیش‌بینی شده که سهم کشورهای سوسیالیستی سابق طی دوره‌های مذکور از



۳۰/۶ به ۲۸/۳ و ۲۶/۷ کاهش یابد. برابر پیش‌بینی مذکور روند رشد مصرف گندم در جهان طی دوره‌های یاد شده در مقایسه با دو دهه قبل کندتر شده و سالیانه، رشدی معادل ۲/۳ درصد خواهد داشت. همچنین، به موجب محاسبات شورای بین‌المللی گندم، رشد مصرف گندم در جهان طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ در مقایسه با دو دهه قبل، سالیانه یک درصد کاهش خواهد یافت؛ که با روند رشد مصرف گندم در ایران مغایرت دارد.

آرد

ظرفیت تولید کارخانه‌های آرد در کشور ما برحسب نوع تولیدات به دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

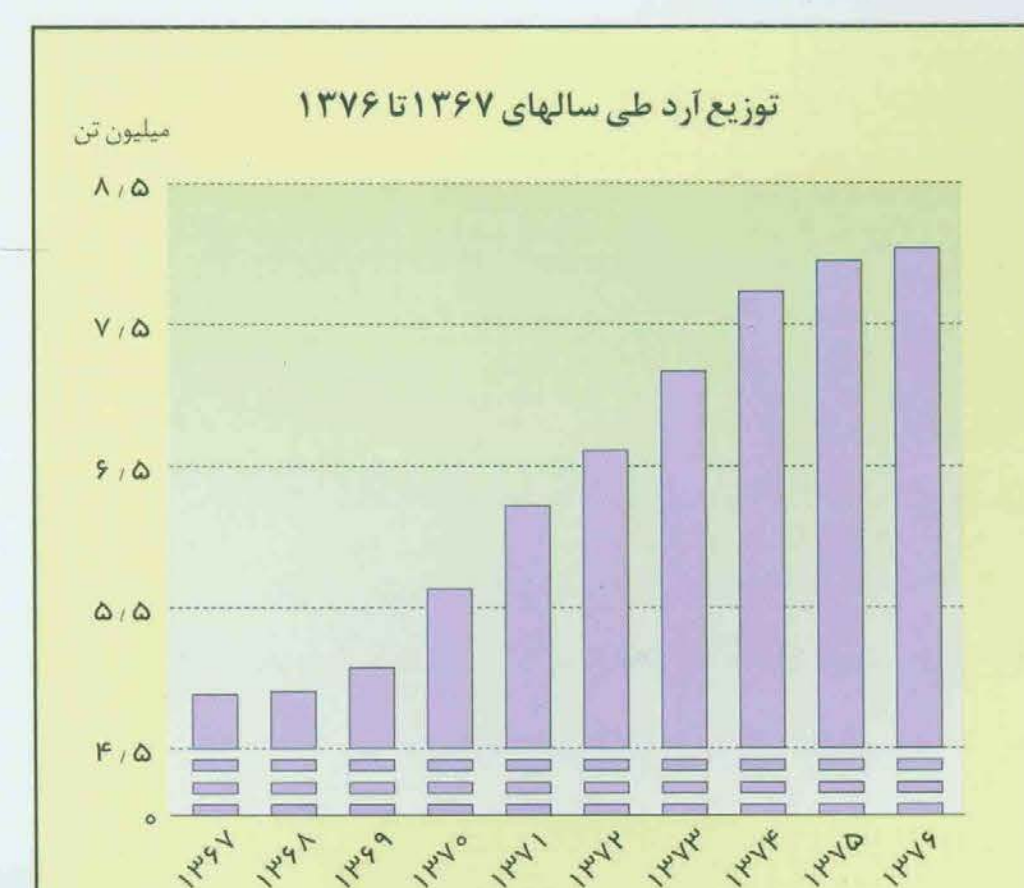
۱- کارخانه‌هایی که منحصراً آرد کامل تولید می‌کنند، و به دو دسته سنگی و چکشی تقسیم می‌گردند، و اصول کار آنها براساس تبدیل گندم به آرد کامل است. یعنی، گندم به طور کامل با وسایل مکانیکی نظیر: سنگ آسیاب، یا تحمل ضربه‌های شدید وزنه‌هایی حول یک محور (آسیای چکشی) خرد شده و به مخلوطی از ذرات آرد و سبوس تبدیل می‌شوند. بررسی‌های انجام شده بیانگر آن است که چنانچه مصرف آرد کامل به عنوان بخش کوچکی از آرد مصرفی کشور مورد نظر باشد، تولید آن توسط آسیابهای سنگی، به شرط رعایت مسائل بهداشتی، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۲- کارخانه‌های غلطکی (والسی)؛ در این روش گندم، پس از جدا شدن از ناخالصی‌ها، رطوبت داده شده، و پوسته آن در برابر خردشدن مقاوم می‌گردد،



به نحوی که سبوس گندم در حین عملیات آسیابانی خرد نشده و قابل جدا شدن از آرد می‌باشد. هدف این فن آوری جداکردن لایه‌های سبوس، جوانه گندم، و مغز گندم از یکدیگر در حد امکان است. قابل ذکر است که بخش عمده آرد تولیدی کشور توسط کارخانه‌های غلطکی به دست می‌آید.

همچنین کارخانه‌هایی برای تهیه آرد بیسکویت و نانویی به‌طور یکجا



طراحی و نصب شده است، و کارخانه‌هایی نیز منحصراً برای تولید سمولینا از گندم دوروم طراحی شده‌اند، و یا واحدهایی که برای آسیاب کردن گندم سخت، و یا سخت و نرم با هم طراحی شده‌اند.

پس از تولید آرد، لازم است حداقل به مدت یک هفته در مخازن و سیلوها نگهداری شود. طی این مدت با تأثیرگذاری جریان هوا، ضمن بالارفتن کیفیت آرد، رطوبت آردهای به دست آمده یکنواخت گردیده و کیفیت ظاهری آن نیز با تغییر رنگ بهبود پیدا می‌کند. قدر مسلم آمیختن انواع آرد و به دست آوردن آردی با مشخصات از قبل تعیین شده فقط با داشتن سیلوهای متعدد امکان‌پذیر است. آرد حاصل از عملیات اختلاط که معمولاً به ۱۲ نوع مختلف درجه‌بندی شده است، به سیلوهای ثانوی و سپس به قسمت بسته‌بندی انتقال می‌یابد و تحویل مشتری می‌گردد. این نوع آردسازی باعث تولید آردهای با کیفیت دلخواه و تولید محصولاتی مرغوب با ضایعاتی کم می‌شود.

انتقال آرد از کارخانه‌های تولید آرد، یا با استفاده از بسته‌بندی‌های مختلف و انتقال توسط کامیون صورت می‌گیرد و یا به صورت فله توسط بونکر به محل مصرف حمل می‌گردد.

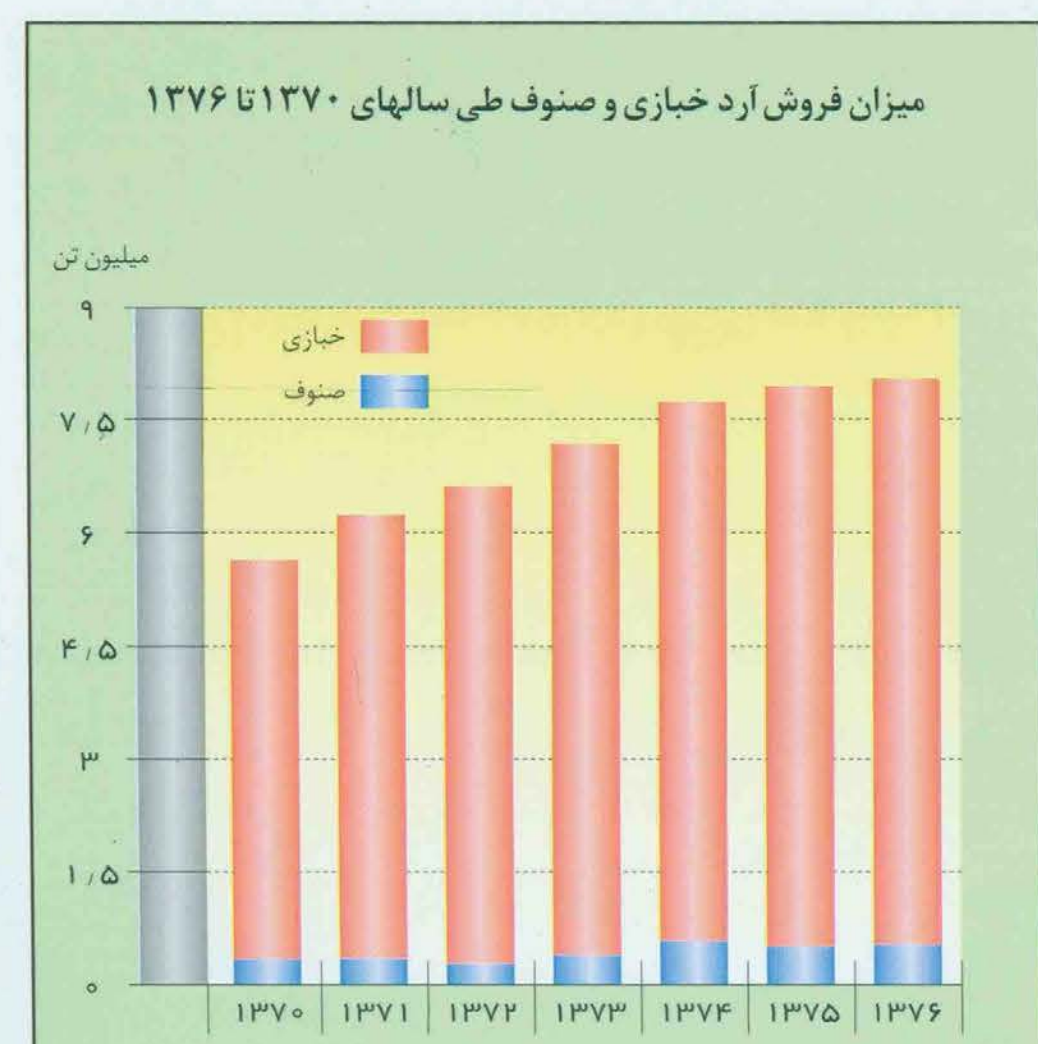
ظرفیت اسمی کارخانه‌های آرد تحت پوشش وزارت صنایع در سال ۱۳۷۱ حدود ۶/۲ میلیون تن برآورد شده است. این ظرفیت در سال ۱۳۷۲ به ۶/۵ میلیون تن، و در سال ۱۳۷۳ به ۷/۶ میلیون تن افزایش یافته است.

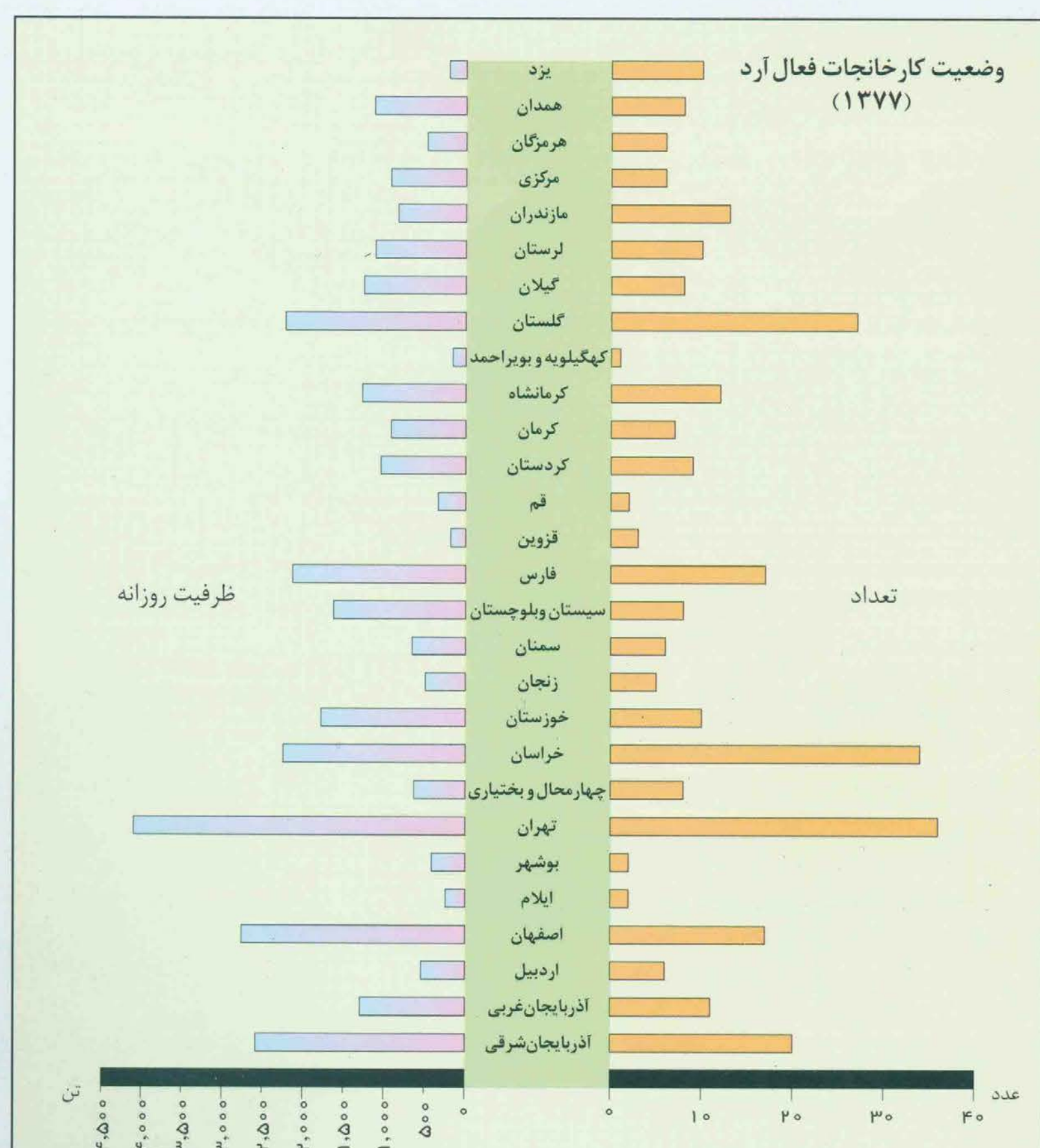
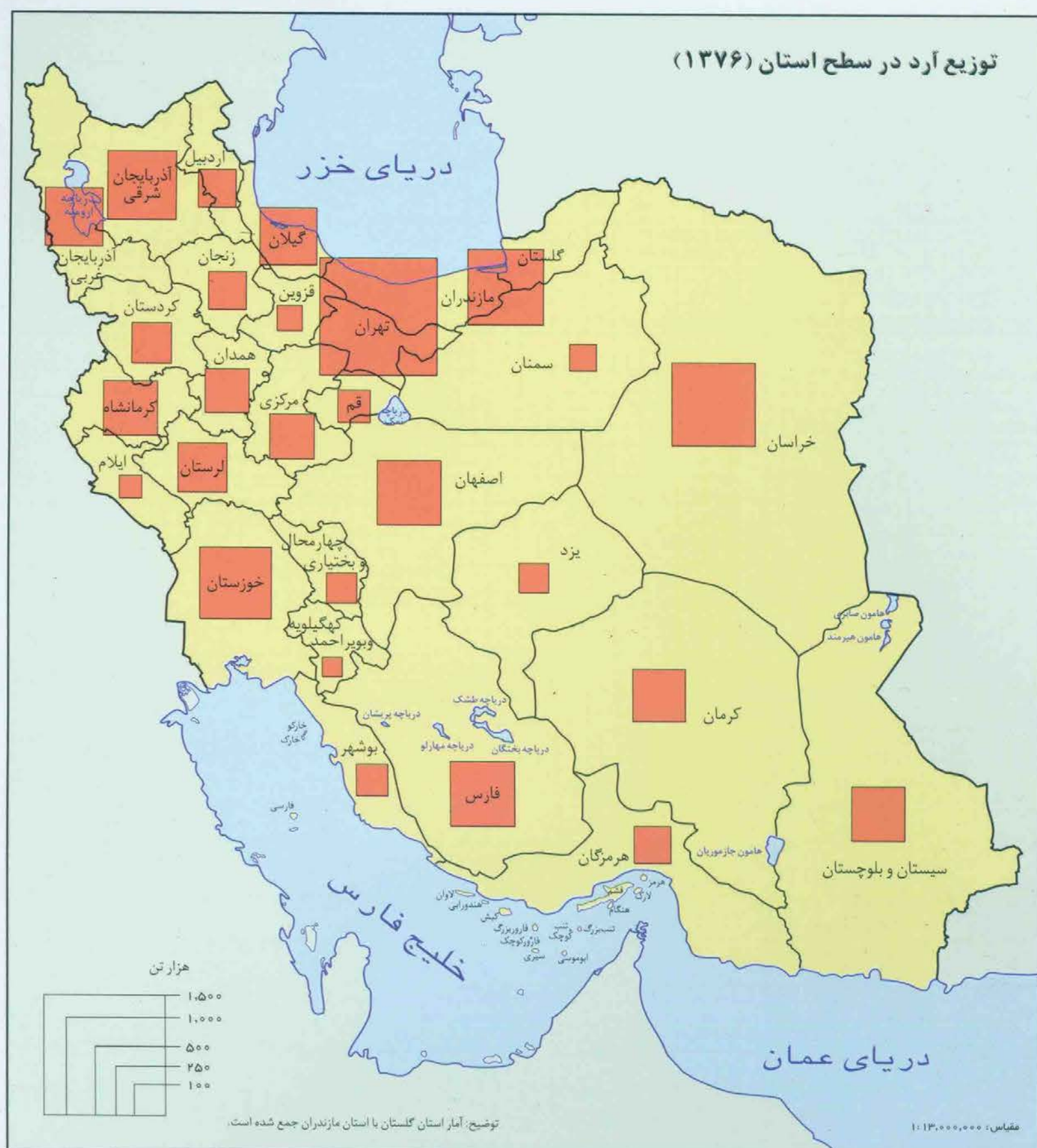
استنباط براین است که تعداد ۲۹۲ واحد کارخانه آرد غلطکی و ۱۲ واحد چکشی و ۸ واحد سنگی با ظرفیت روزانه ۳۲,۴۰۸ تن، در مدت ۳۰۰ روز کاری معادل ۹,۷۲۲,۴۰۰ تن آرد تولید کنند.

براساس آمار رسمی سازمان غله کشور در سال ۱۳۷۱ ظرفیت اسمی کارخانه‌های آرد کشور ۸/۱۹۸ میلیون تن برآورد گردیده است که از این مقدار ۱/۹۴۶ میلیون تن توسط واحدهای سنگی، و ۶/۲۵۲ میلیون تن توسط کارخانه‌های آرد غلطکی تولید گردیده است.

توزیع آرد

در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۷/۹۴۳ میلیون تن آرد توزیعی، مقدار ۷/۰۲۱ میلیون تن بین نانوائی‌ها، و ۹۲۲,۷۶۱ تن به منظور تهیه ماکارونی، شیرینی، بیسکویت و سایر فرآورده‌های آرد بین اصناف توزیع شده است. میزان توزیع آرد بین استانهای مختلف از ۴/۲۹۸ میلیون تن در سال ۱۳۶۵، با رشدی معادل ۸۷ درصد، به ۸/۰۳۴ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است.





تولید، توزیع و مصرف نان

بعد از قحطی سال ۱۲۸۸ (ه. ق.)، ناصرالدین شاه برای اولین بار در طول سلطنت خود تصمیم گرفت حساب کار نان تهران را تحت نظارت مستقیم خود قرار دهد. از آن پس مورد به مورد تشکیلاتی به اسم اداره انبارها، اداره ارزاق، کمیته نان، سرویس ارزاق و ... به وجود آمد که هر چند به طور رسمی و قانونی عملیات انحصاری نداشتند، ولی عملاً دخالت‌های بسیاری در امر غله و نان می‌کردند.

این تشکیلات در سال ۱۳۱۲ (ه. ق.) به مؤسسه نان تبدیل شد، و سرانجام با هدف انحصار خرید و فروش گندم، و تعیین قیمت، با توافق وزارت مالیه و وزارت داخله، به شرکت تثبیت نرخ غله، و در سال ۱۳۱۶ به اداره کل تثبیت نرخ غله تغییر نام یافت.

در سال‌های بعد نیز اداره غله مرتباً تغییر نام داد و ضمیمه دستگاه‌های دولتی وقت مانند وزارت دارایی، وزارت خواروبار، شهرداری، وزارت گمرکات و انحصارات، وزارت کشاورزی گردید. سرانجام در سال‌های اخیر با نام اداره کل غله و بعد با نام سازمان غله کشور ضمیمه وزارت بازرگانی گردید.

اما نحوه توزیع گندم و آرد، بین نانوایان در دهه اول قرن حاضر بدین گونه بود که، امور نان توسط بلدیه اداره می‌شد، و براساس قراردادهایی که با خبازها بسته می‌شد، گندم بوسیله دولت به طور غیرنقدی بین نانوایان توزیع می‌شد، و خرید و فروش گندم در میدانهای بلدیه صورت می‌گرفت. در سال‌های جنگ جهانی خبازخانه‌های دولتی به وجود آمدند، و اتحادیه نانوایان سهمیه خود را از دولت دریافت کردند. پس از جنگ نیز تعدادی نانوائی آزاد تأسیس شد، به نحوی که در سال ۱۳۳۰ تعداد ۱,۱۰۰ نانوائی آزادپز و ۴۰۰ مغازه دولتی در تهران مشغول به کار شدند.

در حال حاضر آرد تولیدی در کارخانه‌های آردسازی کشور به مصارف مختلفی نظیر انواع نان، رشته و ماکارونی، شیرینی، بیسکویت و ... اختصاص می‌یابد. مهمترین مورد مصرف آرد تهیه نان است، که با توجه به مطالعات انجام شده برآورد ۲,۴۰۰ کالری برای زنان و ۲,۵۰۰ کالری برای مردان به عنوان متوسط احتیاج روزانه تعیین گردیده است. نان مورد تقاضا به ترکیب سنی و جنسی جمعیت بستگی دارد. به موجب یک بررسی انجام شده، میزان مصرف نان سرانه سالیانه براساس روند دهه ۶۵-۵۵ برای سال ۱۳۷۵ معادل ۱۰۱/۵۷ کیلوگرم برآورد گردیده است. باید در نظر داشت که اولاً بسیاری از مردم به دلیل ارزانی نان، آن را جایگزین کالاهای دیگر نموده‌اند، و ثانیاً، بین مقدار مصرف نان و مقدار خرید آن به دلیل مشکلات پخت و ضایعات توزیع و مصرف، تفاوت چشمگیری وجود دارد.

به موجب یکی از بررسی‌های انجام شده، با توجه به مقدار مصرف واقعی نان، سیر تحول و علل تفاوت آن با مقدار نان جیره غذایی مورد بحث، متوسط مصرف سرانه سالیانه مناطق شهری ۱۱۵ کیلوگرم، و در مناطق روستایی ۲۲۴ کیلوگرم برآورد گردیده است. براین اساس کل گندم مورد نیاز نان شهری ۱,۷۴۹,۸۷۷ تن، و گندم مورد نیاز نان مناطق روستایی ۳,۸۲۰,۲۸۱ تن و جمعاً ۵/۵۷۰ میلیون تن برآورد گردیده است.

لیکن سهم تولید و مصرف انواع فرآورده‌های نان در دهه‌های گذشته همواره تغییراتی داشته است. به نحوی که در سال‌های اخیر برخی از انواع نان سهم خود را در بازار تقاضا از دست داده‌اند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که، به طور متوسط نان لواش ۳۴ درصد، تافتون ۳۷ درصد، بربری ۳۲ درصد و سنگک ۲۹ درصد و نان ماشینی ۳۲ درصد ضایعات دارند.

مصرف انواع نان بستگی به سلیقه مردم، کیفیت نان و سیاست‌های اجرایی

حاکم بر تولید نان دارد، و طی سال‌های گذشته تغییرات چشمگیری داشته است. به عنوان نمونه نان تافتون که در سال ۱۳۵۶ معادل ۳۹ درصد سهم نان مصرفی را شامل می‌شد، در سال ۱۳۶۸ به ۲۴ درصد کاهش یافته است. متقابلاً نان لواش از ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۶، به ۴۴ درصد در سال ۶۸ افزایش یافته است.

در خصوص ایجاد کارخانه‌های نان ماشینی نیز تاکنون اقدام مؤثری انجام نشده است. هر چند که در برنامه توسعه احداث این کارخانه‌ها تماماً از محل منابع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی پیش‌بینی شده بود، لیکن هیچ‌گونه موفقیتی در جذب سرمایه‌های بخش غیردولتی حاصل نشده است. زیرا از یک سو بر اساس مصوبات شورای اقتصاد مقرر گردیده بود که آرد مصرفی این کارخانه‌ها با قیمت تمام شده عرضه گردد، که تحت این شرایط قدرت رقابت با نانوبیهای موجود را - که از سهمیه آرد پارانه‌ای برخوردار می‌شوند - نخواهند داشت، و از طرف دیگر به دلیل اینکه احداث کارخانه‌های نان ماشینی سرمایه زیادی را طلب می‌نماید، و افزون بر آن با توجه به تمایل مردم به مصرف نان داغ و نان‌های سنتی و محلی، از احداث کارخانه‌های نان ماشینی استقبال نشده است. بدیهی است که با تغییر تدریجی فن‌آوری پخت از شکل سنتی به شکل ماشینی در مقیاس کوچک و افزایش بازدهی این شیوه پخت، و فزونی عرضه نان و به تبع آن کاهش ازدحام نانوائی‌ها، و بهبود نسبی سود نانوائی‌های سنتی به دلیل هزینه‌های ناشی از تغییر فن‌آوری مزبور، تقاضای مصرف‌کنندگان نان ماشینی اجباراً جذب نانوبیهای سنتی و ماشینی کوچک شده است. گفته می‌شود که آرایه تسهیلات سرمایه‌گذاری و یارانه سهمیه‌بندی پس از انتخاب مناسبترین تکنولوژی پخت ماشینی شرط لازم موفقیت این برنامه است.

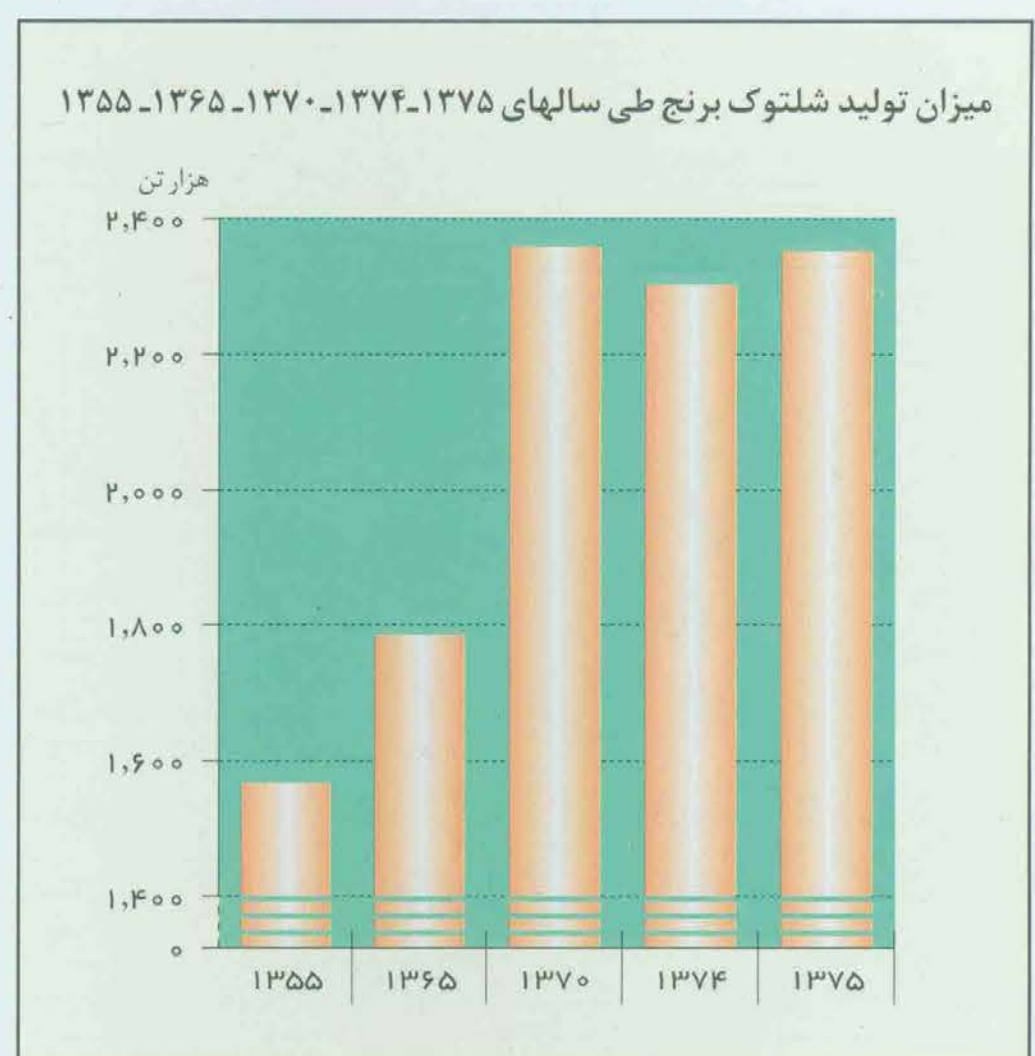
برنج

محصول برنج بعد از گندم کهن‌ترین غله شناخته شده روی زمین است، و به اعتقاد مورّخین از ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح کشت آن در ایران، به‌ویژه در بابل و شوش مرسوم بوده است، و یونانی‌ها و ترک‌ها کشت این محصول را از ایرانی‌ها آموخته‌اند.

امروزه، کشت این محصول در بیشتر کشورهای پرباران جهان، و به‌طور عمده در نواحی کم ارتفاع و دلتای رودخانه‌ها، بین ۲۰ درجه عرض جنوبی، و ۴۵ درجه عرض شمالی، معمول است، و از نظر سطح زیر کشت و ارزش غذایی در مرتبه پس از گندم قرار دارد.

تولید برنج

در سال زراعی ۷۶-۱۳۷۵ سطح زیرکشت شلتوک کشور ۵۶۳ هزارهکتار برآورد گردیده‌است، استان مازندران با ۲۰۷ هزار هکتار (۳۶/۸ درصد)، و استان گیلان با ۱۹۰ هزار هکتار (۳۳/۸ درصد)، در مجموع بالغ بر ۷۰ درصد سطح زیر کشت شلتوک کشور را به‌خود اختصاص داده‌اند. استان‌های خوزستان، فارس



و گلستان به ترتیب با ۹/۹ و ۵/۷ و ۴/۶ درصد در مراتب بعد قرار دارند.

میزان تولید شلتوک کشور در سال زراعی ۷۶-۱۳۷۵ حدود ۲/۳۵۰ میلیون تن برآورد گردیده است که نسبت به عملکرد سال قبل آن معادل ۱۲ درصد کاهش داشته است. بدین ترتیب با احتساب ضریب تبدیل شلتوک به برنج خالص (۰/۶۳) مقدار تولید برنج کشور در سال ۱۳۷۶ معادل ۱/۴۸۰ میلیون تن برآورد شده است. استان مازندران با ۹۳۸ هزار تن شلتوک (۳۹/۹ درصد)، و استان گیلان با ۷۹۳ هزار تن شلتوک (۳۳/۷ درصد)، مقام‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند.

گفتنی است که میانگین عملکرد شلتوک کشور ۴,۱۷۳ کیلوگرم برنج است. استان اصفهان با ۵,۴۵۹ کیلوگرم در هکتار دارای بیشترین، و استان کردستان با ۲,۰۰۰ کیلوگرم در هکتار، دارای پایین‌ترین حد عملکرد شلتوک بوده‌اند.

واردات برنج

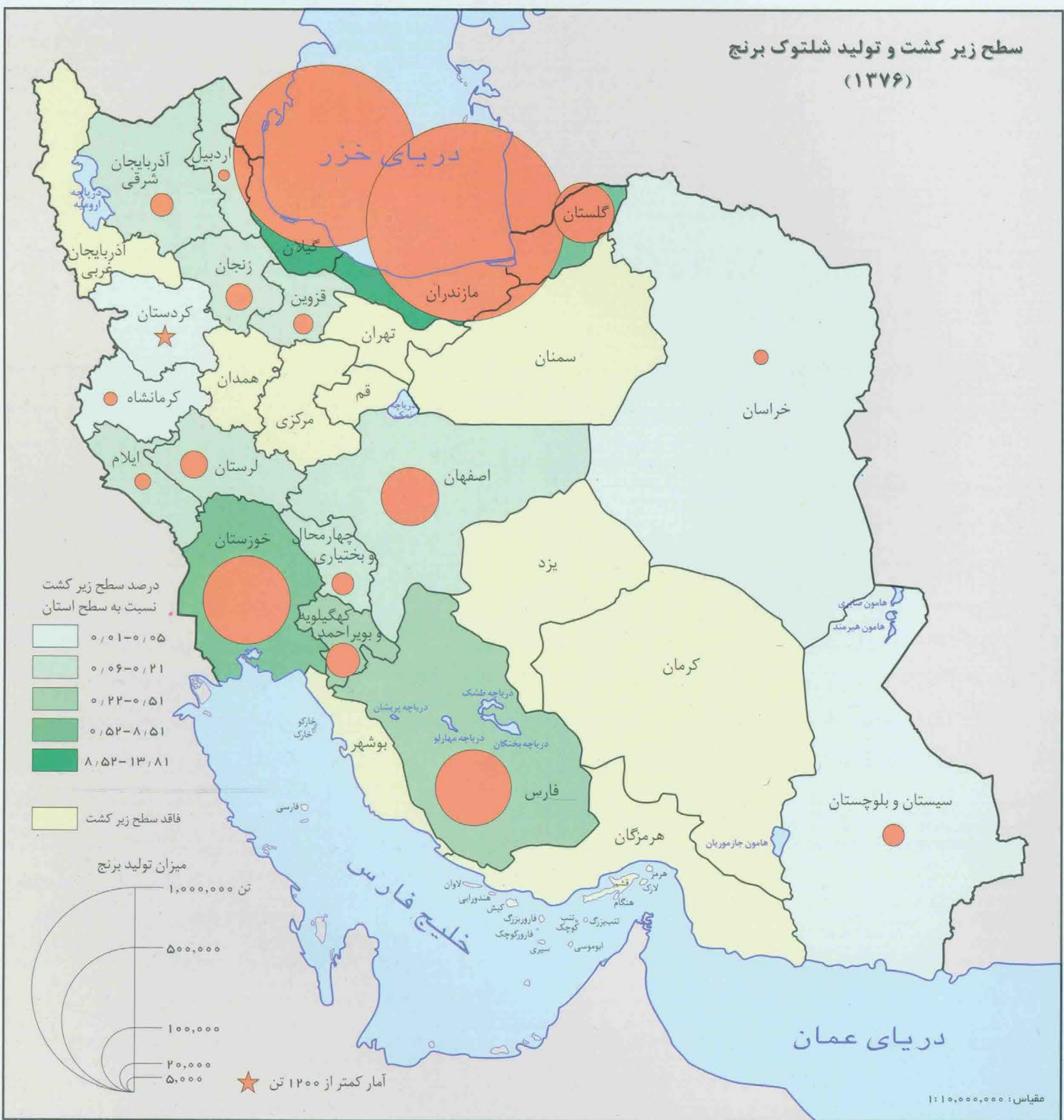
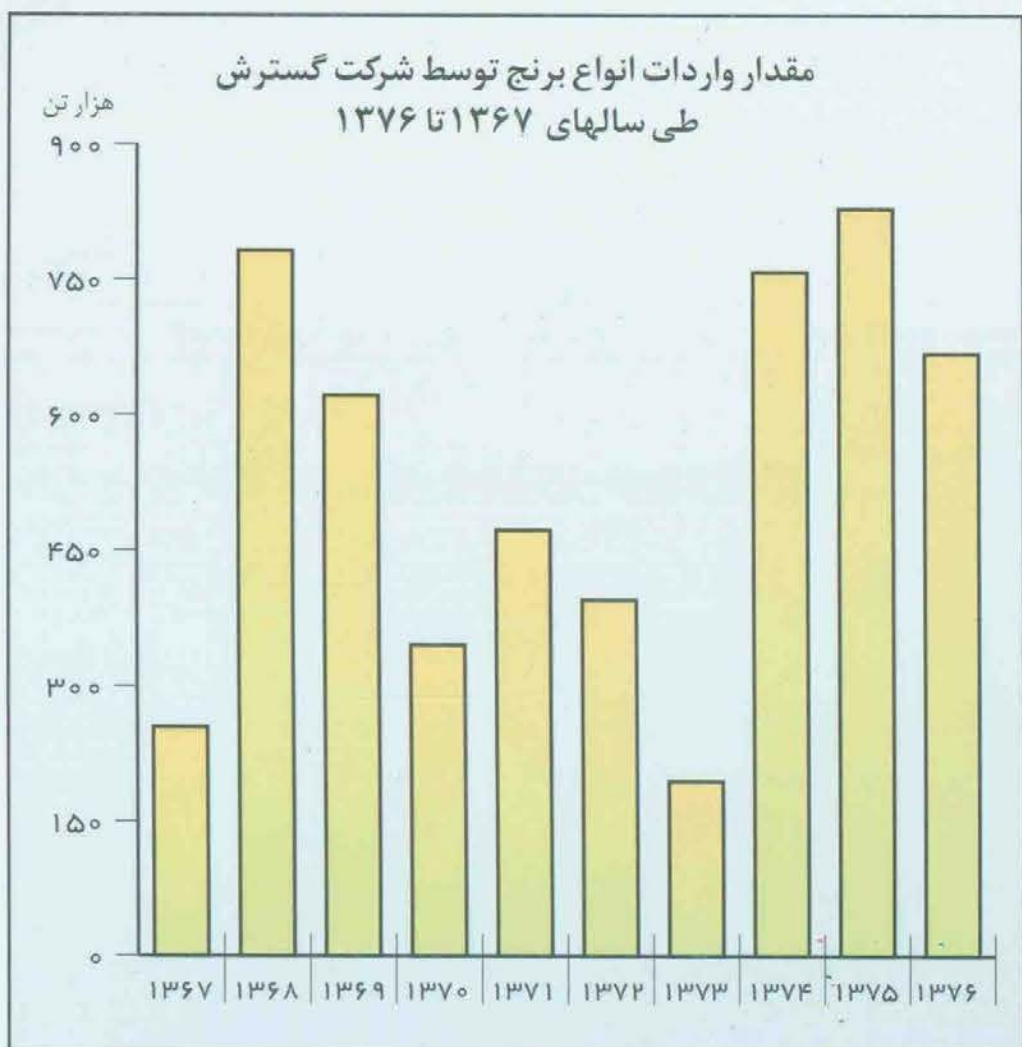
واردات برنج طی دهه گذشته تحت تأثیر تأمین ارز و گشایش اعتبار و سیاست‌های اقتصادی دولت بسیار در نوسان بوده‌است، و می‌توان گفت که رابطه متناسبی با میزان تولید داخلی و افزایش جمعیت و رشد مصرف نداشته است. روند رشد جمعیت طی این دوره اگر چه کاهش یافته است، لیکن تعداد مطلق جمعیت همواره روند صعودی یافته است. طی سال‌های ۶۸-۱۳۶۵ به

طور متوسط سالانه حدود ۶۰۰ هزار تن برنج وارد کشور شده است، و شاخص واردات (۱۰۰ = ۱۳۵۰) از ۸۹۲ در سال ۱۳۶۴ به ۸۲۳ در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته و سپس به ۱,۳۵۴ در سال ۱۳۶۶ افزایش یافته است.

این شاخص در سال ۱۳۶۷ به یکباره به ۳۴۶ افت نموده است، و در سال ۱۳۶۸ شاخص واردات برنج مجدداً به ۱,۴۵۷ افزایش یافته است. به‌طور کلی روند واردات برنج طی سال‌های ۶۸-۱۳۶۵ معادل ۲۱ درصد رشد داشته است. نوسان شدید در واردات برنج زمینه‌ساز نوسان بسیار در قیمت برنج گردیده است. به‌نحوی که، از سال ۱۳۷۳ با کاهش واردات برنج، ناشی از اتخاذ سیاست‌های آزادسازی اقتصاد و کاهش سهمیه کالاهای یارانه‌ای، بحران افزایش قیمت و کمبود برنج یارانه‌ای تشدید گردید. بدین لحاظ برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مجدداً واردات برنج افزایش یافت.

بر این اساس طی دهه ۷۶-۱۳۶۷ جمعاً ۵,۳۲۲ هزار تن برنج خارجی توسط سازمان گسترش خدمات بازرگانی وارد شده است. بدین ترتیب طی دو برنامه پنج ساله بیشترین مقدار واردات برنج با ۸۲۹ هزار تن مربوط به سال ۱۳۷۵، و کمترین میزان آن با ۱۹۵ هزار تن، به سال ۱۳۷۳ تعلق داشته است. متوسط واردات برنج خارجی طی این دوره، سالانه ۵۳۲ هزار تن بوده است.

در بین منابع عمده تأمین برنج وارداتی کشور، کشور تایلند با ۵۵/۵ درصد از کل واردات ده ساله رتبه اول را احراز کرده، و پس از آن پاکستان با ۱۶/۸ درصد،

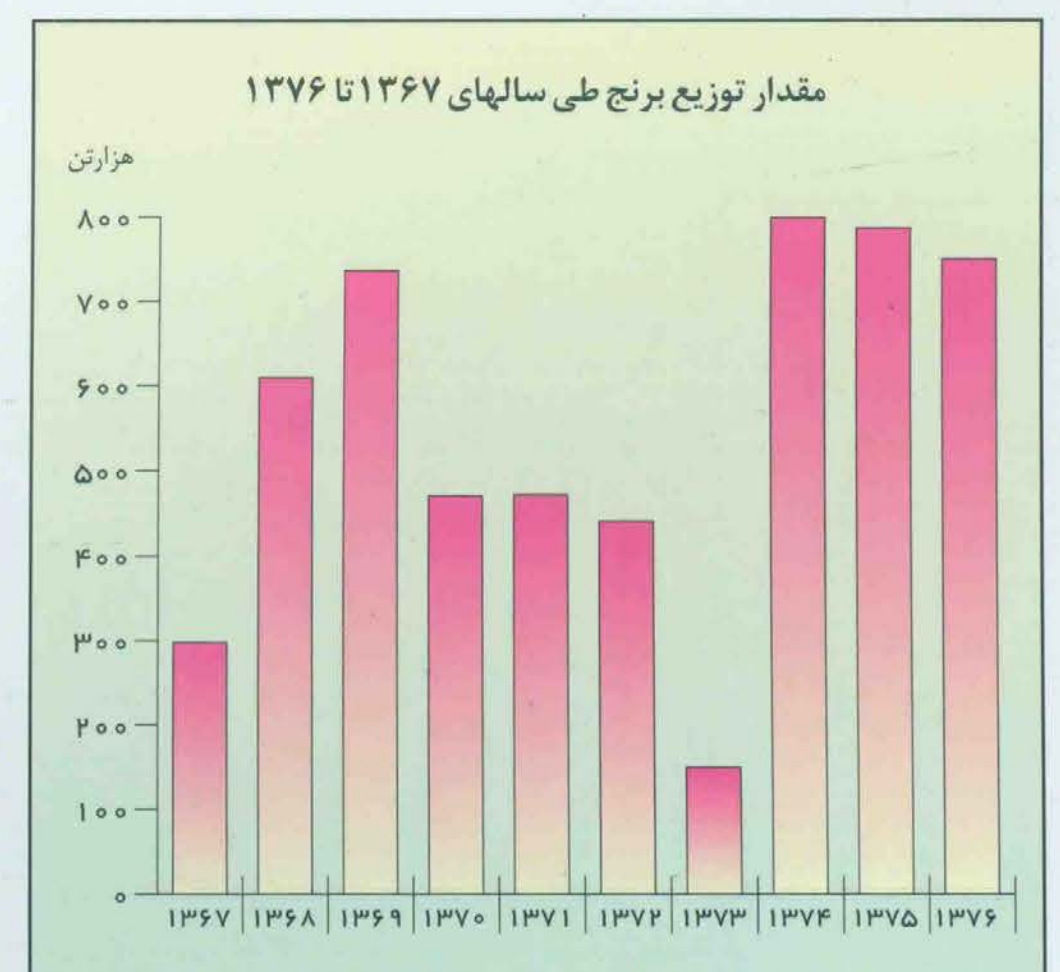


سال	مقدار تولید برنج (هزار تن)	توزیع برنج وارداتی (هزار تن)	مصرف سرانه (کیلو گرم)
۱۳۷۴	۱,۴۴۰	۷۶۷	۳۸
۱۳۷۵	۱,۶۹۰	۷۸۷	۳۸
۱۳۷۶	۱,۴۸۰	۷۰۰	۳۸/۵

و ویتنام با ۱۳/۷ درصد، در مکان‌های دوم و سوم قرار داشته‌اند.

توزیع برنج

به موجب آمار موجود مقدار برنج توزیع شده، در ارتباط با مقدار واردات طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ در نوسان بوده است. طی ده سال مذکور متوسط سالیانه توزیع برنج ۵۳۱ هزار تن بوده است. بیشترین افزایش توزیع برنج مربوط به سال ۱۳۷۴ است، که نسبت به سال قبل از آن ۴۳۵ درصد افزایش یافته است. کمترین میزان توزیع برنج نیز مربوط به سال ۱۳۷۳ است، که نسبت به سال قبل از آن ۶۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ نیز سیر نزولی توزیع برنج با روند کاهش واردات مطابقت دارد.

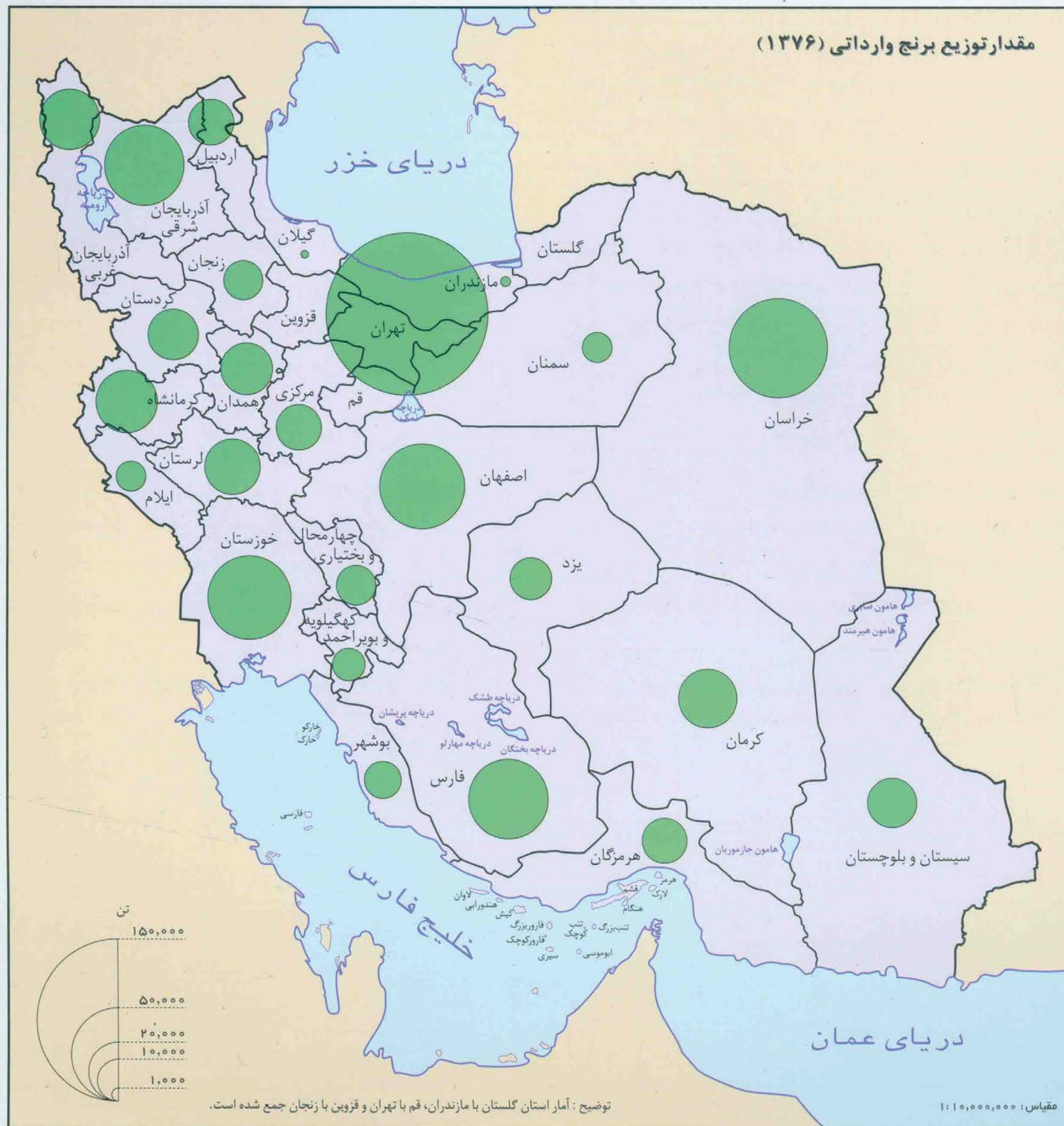


مصرف برنج

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در هیچ یک از سطوح آماری، ارتباط و پیوستگی میان تولید و مصرف کل برنج وجود ندارد.

بدین گونه مشاهده می‌شود که فاصله میان تولید سرانه و مصرف سرانه همواره رو به افزایش نهاده است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۶۵ تولید و مصرف سرانه برنج به ترتیب برابر ۲۱ و ۳۱ کیلوگرم در سال بوده است، که اختلافی برابر با ۱۰ کیلوگرم را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۵ بر خلاف افزایش تولید سرانه، به میزان ۲۶ کیلوگرم، مصرف سرانه با شتاب بیشتری افزایش یافته و به میزان ۴۲ کیلوگرم رسیده است. در نتیجه، اختلاف میان تولید و مصرف سرانه برنج در سال ۱۳۷۵ به ۱۶ کیلوگرم رسید، و میزان وابستگی به خارج افزایش و درصد خودکفایی کاهش یافت. بررسی ارقام نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ بیشترین مصرف سرانه خانوار شهری ۴۶/۲ کیلوگرم (سال ۱۳۷۰)، و در خانوار روستایی ۳۹/۷ کیلوگرم (سال ۱۳۷۲)، بوده است.

از میان عواملی که منجر به افزایش مصرف سرانه برنج گردیده است،

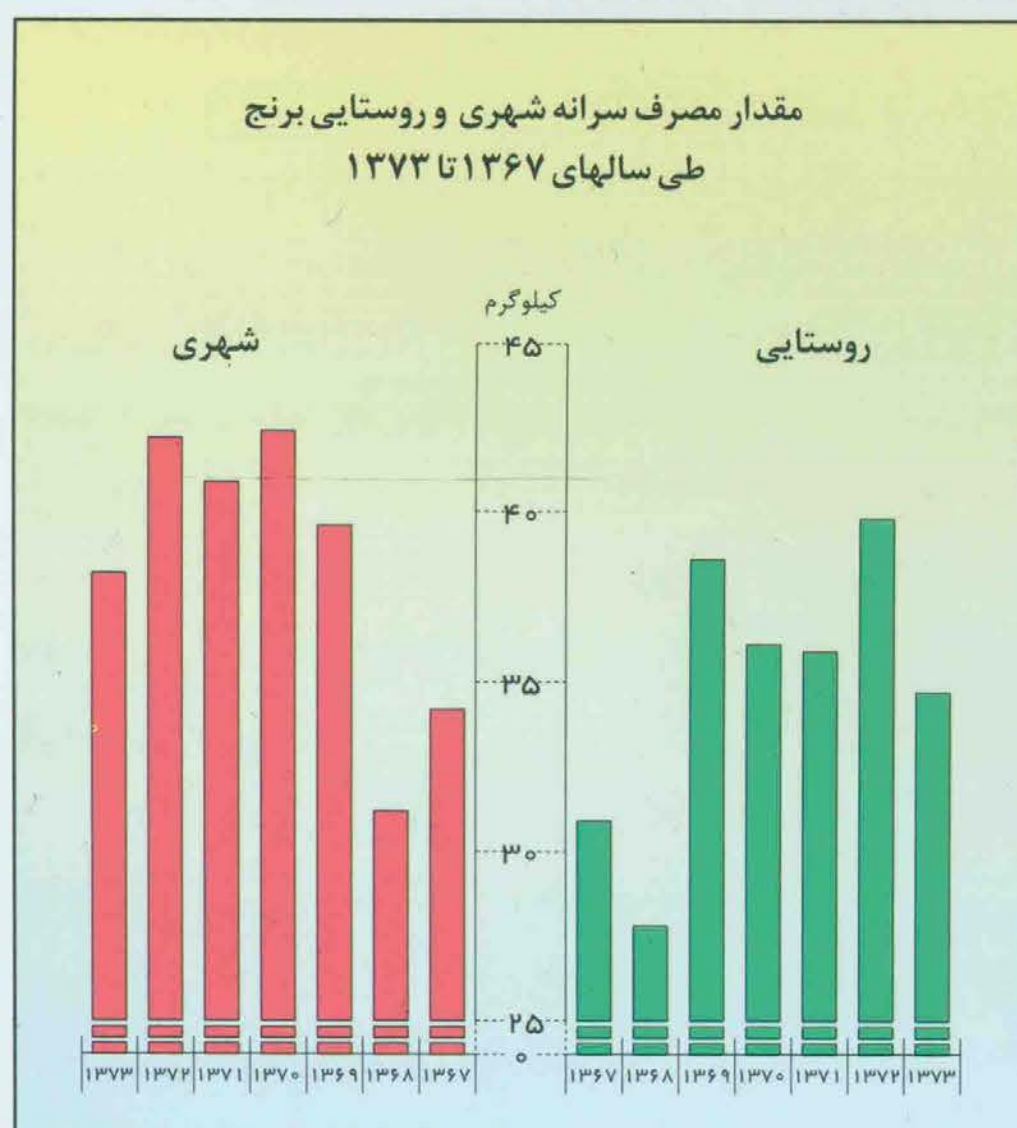


کیلوگرم بوده است.

می‌توان به سیاست سهمیه‌بندی توزیع برنج یارانه‌ای اشاره نمود، که با وجود آنکه سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه افزایش تولید برنج از موفقیت‌های نسبی برخوردار بوده است، لیکن با الگوی مصرف همگرایی نداشته، و در بلند مدت این همگرایی کاهش یافته است. استنباط بر این است که سیاست‌های دولت در زمینه واردات برنج و توزیع آن به بهای ارزان و اختصاص یارانه به عموم خانواده‌ها سهم به سزایی در افزایش مصرف برنج داشته است.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت، که از ۲/۵۲۲ میلیون تن برنج مصرفی سالیانه کشور، در سال ۱۳۷۵ (بر اساس شاخص سرانه مصرف) معادل ۸۲۸,۸۹۲ تن آن از محل برنج وارداتی، و ۱/۶۹۳ میلیون تن از محل تولید داخلی تأمین گردیده است.

بررسی ارقام برآورد ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار بر اساس مصرف سرانه ۳۸/۵ کیلوگرم برنج در سال ۱۳۷۶، و جمعیت ۶۱ میلیون نفری کشور، پیش‌بینی مصرف کلی کشور معادل ۲/۴ میلیون تن برآورد گردیده است. از این مقدار ۱/۶ میلیون تن در کشور تولید می‌گردد، و مابقی از طریق واردات به میزان ۸۰۰ هزار تن تأمین می‌گردد. با این حال بررسی عملکرد تولید و توزیع برنج وارداتی نشان می‌دهد که مصرف سرانه برنج در سال ۱۳۷۶ برابر با ۳۵/۷



دانه‌های روغنی – روغن‌های خوراکی

دانه‌های روغنی به عنوان مادهٔ اولیهٔ صنایع روغن‌کشی و تأمین‌کنندهٔ نیازهای چربی، پروتئین، و ویتامین در حیات موجودات زنده نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. چربی‌ها پس از مواد نشاسته‌ای از اصلی‌ترین مواد غذایی مورد نیاز انسان محسوب می‌شوند و با توجه به همین نقش در ردیف کالاهای اساسی مصرفی قرار می‌گیرند.

بدین جهت دانه‌های روغنی در گردش فعالیت روغن‌کشی، تهیهٔ خوراک دام، صابون‌سازی، و دیگر مواد بهداشتی و آرایشی و صنایع غذایی و تولید سایر فرآورده‌های جانبی از اولویت خاصی در سیاست‌های کشاورزی و بازرگانی اکثر کشورها برخوردار هستند، و همه ساله یارانه قابل توجهی نیز برای افزایش تولید آنها به ویژه در کشورهای پیشرفته پرداخت می‌شود.

گرانی و کمبود چربی حیوانی موجب گردیده است که مصرف روغن‌های نباتی از منابع مهم تأمین انرژی محسوب شود. افزایش جمعیت جهان و لزوم برخورداری از سطح تغذیه مناسب، نیز افزایش تولید روغن‌های نباتی در کشورهای مختلف جهان را ایجاب نموده است. با توجه به غنی بودن روغن‌های نباتی از اسیدهای چرب پروتئینی و ویتامین‌های محلول در چربی (نظیر ویتامین‌های A و D) که نقش اساسی در سوخت و ساز و مراحل رشد انسان ایفا می‌کنند، تولید این مواد در زمرهٔ منابع مصرفی استراتژیک قرار گرفته‌اند. به‌نحوی که صدور دانه‌های روغنی و روغن‌های نباتی به‌عنوان یکی از منابع اصلی کسب درآمدهای ارزی در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه برخی از کشورهای در حال توسعه درآمده است. از این رو نقش و اهمیت روغن نباتی را در ایجاد اشتغال و درآمد، ارزانی نسبی در مقایسه با سایر جایگزین‌ها، رعایت بهداشت در صنعت آن، سهولت توزیع و امکان استفاده گسترده از آن در صنایع غذایی، بهداشتی، صابون‌سازی و آرایشی باید در نظر داشت.

در کشور ما نیز روغن‌های نباتی یکی از مهمترین اقلام وارداتی را تشکیل می‌دهد. لذا با توجه به اهمیت آن در ترکیب غذایی جامعه طی سالیان اخیر در ردیف کالاهای اساسی سهمیه‌بندی شده است. میزان مصرف سالانه روغن نباتی خام کشور برای تصفیه و تولید روغن نباتی در سال ۱۳۷۶ حدود ۷۰۰ هزار تن برآورد گردیده است، که به طور متوسط فقط ۶/۴ درصد آن (معادل ۵۵,۶۵۶ تن) از منابع داخلی تأمین شده است. در چنین شرایطی، برطرف نمودن قسمت اعظم نیازهای مصرفی روغن خوراکی کشور، خروج سالیانه بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار ارز را موجب شده است. تداوم این وضع عدم کفایت تولید داخلی از یک سو، و افزایش روزافزون رشد جمعیت کشور و لزوم تأمین نیازهای مصرفی جمعیت رو به رشد از سوی دیگر، وابستگی هر چه بیشتر کشور به واردات این کالای اساسی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. هر چند در اکثر کشورها دانه‌های روغنی به مصرف تغذیه مستقیم می‌رسد. لیکن در کشور ما دانه‌های روغنی برای اهدافی غیر از روغن‌کشی نیز به مصرف می‌رسد، و یا از محصولات فرعی آن در تأمین سوخت، علوفه و خوراک دام استفاده می‌شود. این موضوع هم از نظر اشتغال در کشت دانه‌های روغنی، و هم در صنایع جانبی آن نقش مهمی ایفا می‌نمایند.

تولید دانه‌های روغنی

کشت دانه‌های روغنی نظیر پنبه دانه، آفتابگردان، گلرنگ، کنجد، بادام زمینی و زیتون از گذشته‌های دور در نقاط مختلف ایران متداول بوده است. تا دههٔ ۱۳۴۰ عمده‌ترین روغن مصرفی در ایران روغن حیوانی بوده است. لیکن شروع تغییرات اساسی در ساختار جمعیت، تبلیغات مصرفی و الگوی تغذیه و عدم تکافوی تولید روغن‌های حیوانی منجر به افزایش مصرف روغن نباتی شد.

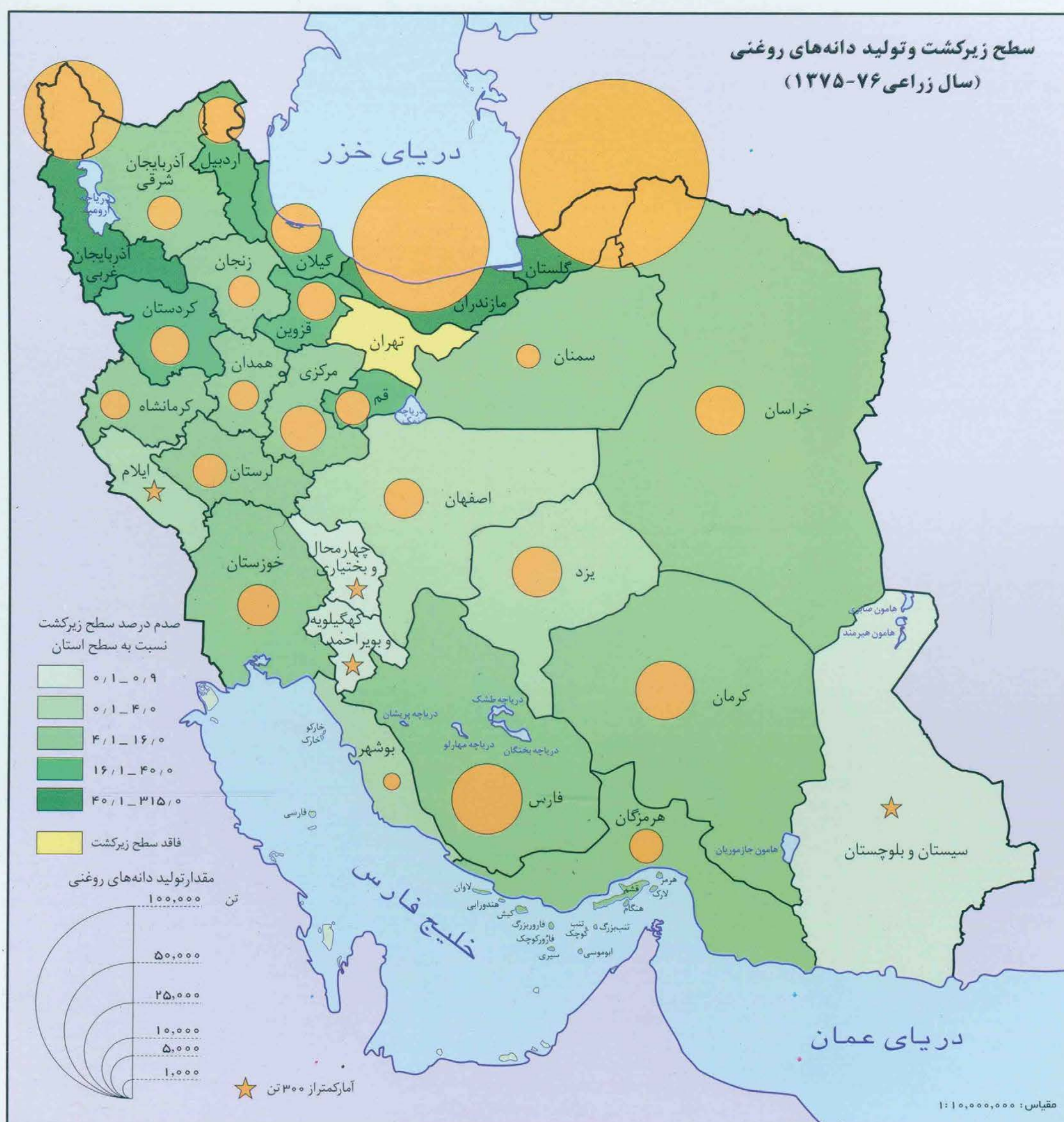
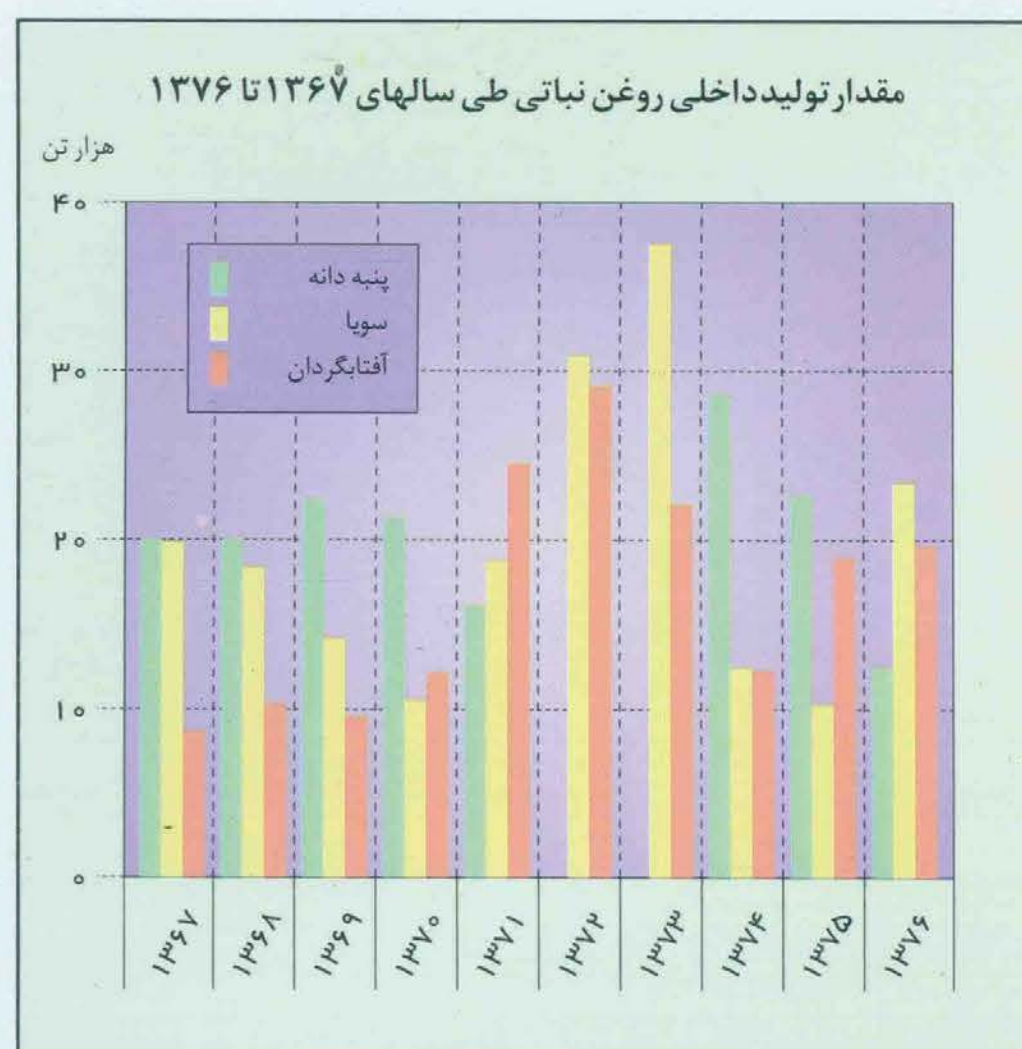
همگام با این تغییر ساختار، کشت برخی از دانه‌های روغنی، به ویژه سویا و آفتابگردان نیز در سطح وسیعی آغاز شد.

بررسی‌های انجام شده حاکی است که سطح زیر کشت دانه‌های روغنی کشور ۲۳۳ هزار هکتار است. از این مقدار ۵۴/۷ درصد آبی، و ۴۵/۳ درصد دیم است. استان گلستان با ۶۷ هزار هکتار (۲۹ درصد) بالاترین سطح زیر کشت را به خود اختصاص داده است، و استان‌های آذربایجان غربی، مازندران، و خراسان به ترتیب با ۱۳/۷ و ۱۰/۴ و ۷/۵ درصد در مقام‌های دوم تا چهارم قرار دارند.

چهار استان مذکور ۶۰/۵ درصد سطح زیر کشت دانه‌های روغنی کشور را در خود دارند و پایین‌ترین سطح زیر کشت با ۸۲ هکتار (۰/۰۴ درصد) به استان کهگیلویه و بویراحمد تعلق دارد. همچنین میزان تولید دانه‌های روغنی کشور ۲۶۷ هزار تن است، که استان گلستان با ۳۶/۲ درصد مقام نخست، و استان‌های مازندران، آذربایجان غربی و فارس به ترتیب با ۱۸/۸، ۹/۹، و ۵/۱ درصد در مقام‌های بعدی قرار دارند. کمترین میزان تولید کشور با ۵۲ تن (۰/۰۲ درصد) به استان چهارمحال و بختیاری اختصاص دارد.

قابل ذکر است که متوسط عملکرد دانه‌های روغنی کشور در اراضی آبی ۱,۳۱۸ کیلوگرم، و در اراضی دیم ۹۳۷ کیلوگرم می‌باشد. استان یزد با ۳,۴۴۳

کیلوگرم دارای بالاترین عملکرد آبی و استان ایلام با رقمی برابر ۳۸۶ کیلوگرم در هکتار دارای پایین‌ترین عملکرد آبی دانه‌های روغنی است. بالاترین عملکرد



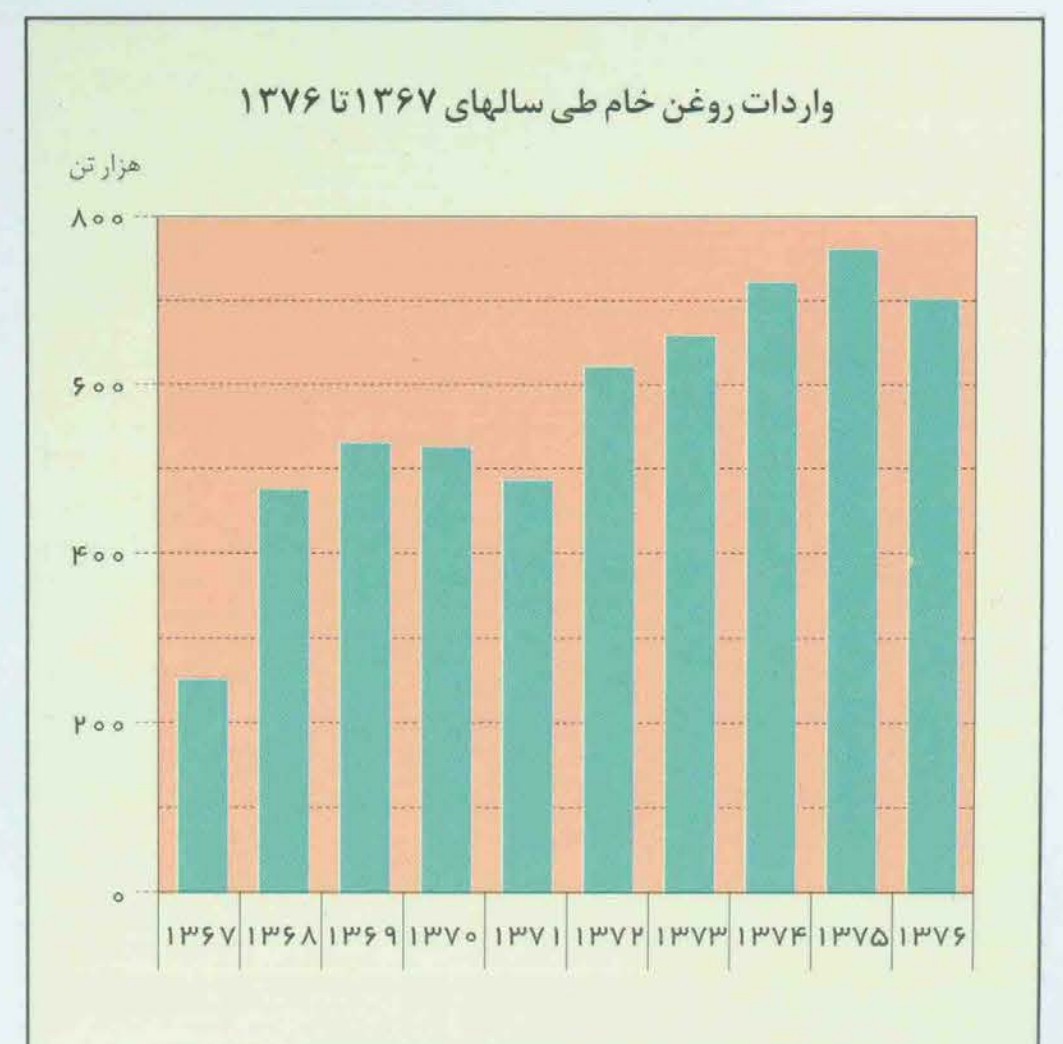


دانه‌های روغنی دیم با ۱,۹۵۱ کیلوگرم به استان مازندران و پایین‌ترین عملکرد آن با ۲۳۷ کیلوگرم به استان‌های سمنان و کردستان اختصاص دارد. بدین ترتیب در سال ۱۳۷۶ میزان تولید روغن داخلی کشور ۵۵,۶۵۶ تن بوده است. که از این مقدار ۱۲,۵۲۹ تن از پنبه‌دانه، و ۲۳,۴۰۷ تن از سویا، و ۱۹,۷۲۰ تن از آفتاب‌گردان به دست آمده است. نکته‌ایز اهمیت این است که میانگین مصرف سرانه روغن نباتی کشور ۱۲/۵ کیلوگرم می‌باشد، و ۹۳/۶ درصد مصرف داخلی وابسته به واردات روغن خوراکی از خارج کشور است.

واردات روغن خوراکی

روند واردات روغن خام طی سال‌های ۷۶-۱۳۶۷ دارای نوساناتی بوده است که، در مقدار تولید، فروش و عرضه، تغییراتی به وجود آورده است. مقدار واردات از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ روند افزایشی داشته است. لیکن از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ رو به کاهش گذارده است. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ مجدداً روند واردات روغن نباتی خام سیر صعودی یافته است. در سال ۱۳۷۶ مقدار واردات روغن خوراکی با ۷/۷ درصد، نسبت به سال قبل از آن کاهش یافته و به ۷۰۴,۷۷۵ تن رسیده است که، با توجه به رشد جمعیت و عدم تغییر الگوی مصرف، کمبود عرضه و گرانی نسبی قیمت‌ها را به دنبال داشته است.

می‌توان گفت که واردات روغن خام هماهنگ با رشد جمعیت و گرایش روزافزون مصرف صورت نگرفته است، و بیشتر متأثر از سیاست ارزی و تصمیمات



موردی شورای خرید و بازرگانی دولتی انجام شده است. طی ده سال گذشته به طور متوسط سالانه ۵۸۴ هزارتن روغن نباتی خام وارد کشور شده است.

عمده‌ترین عامل در میزان واردات روغن‌های خوراکی در کشورهایی نظیر پاکستان، هند و ایران، جمعیت زیاد، رشد سریع جمعیت، و فاصله بین سرانه مصرف بهینه و سرانه مصرف واقعی (۹/۷ کیلوگرم و ۱۵ کیلوگرم) می‌باشد.

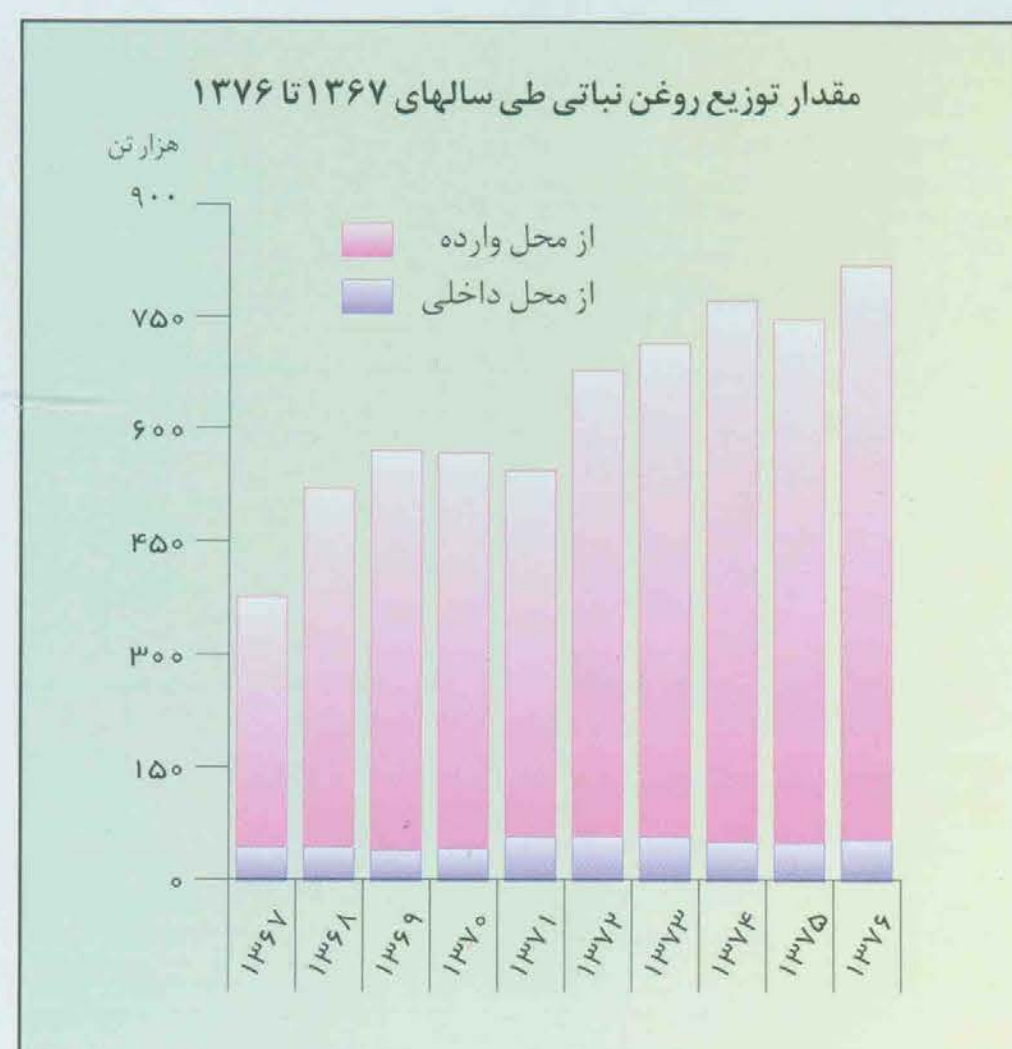
توزیع روغن نباتی

روند توزیع روغن نباتی خام بین کارخانه‌های تولید و بسته‌بندی روغن نباتی توسط سازمان گسترش خدمات بازرگانی نشان می‌دهد که در ده ساله ۷۶-۱۳۶۷ تحت تأثیر واردات، عرضه روغن نباتی خام نیز از نوسانات بسیار برخوردار بوده است. به نحوی که در سال ۱۳۶۷ نسبت به سال قبل ۳۵ درصد کاهش داشته است. ولی در سال ۱۳۶۸ یکباره ۴۳ درصد فزونی یافته است. همچنین در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۱۶/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. سازمان گسترش خدمات بازرگانی طی سال‌های گذشته علاوه بر واردات روغن نباتی خام، اقدام به خرید و توزیع روغن نباتی مایع آماده مصرف خارجی نیز نموده است. به نحوی که میزان آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۸ از ۱۰ هزار لیتر تا ۳۳ میلیون لیتر در نوسان بوده است. کشور ترکیه بزرگترین منبع تأمین روغن نباتی مایع آماده مصرف طی سالیان اخیر بوده است.

مصرف روغن نباتی

مروری به روند مصرف روغن نباتی در ایران طی سالیان گذشته حاکی است که در سال‌های ۶۳-۵۶ نرخ رشد مصرف سالانه روغن نباتی با ۶/۵ درصد از ۳۰۷ هزار تن به بیش از ۴۷۶ هزارتن بالغ گردیده است. روند افزایشی مصرف طی سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱ بدنال کاهش تولید داخلی و مقادیر وارداتی تنزل یافت. در همین مدت سهم تولید داخلی روغن نباتی نیز در مصرف از ۲۱ درصد به کمتر از ۶ درصد کاهش یافت. از جمله عوامل مؤثر بر افزایش مصرف روغن نباتی می‌توان به کاهش تولیدات دامی و روغن‌های حیوانی، و تغییر الگو و عادات مصرفی بدلیل تبلیغات گسترده، و مضرات روغن‌های حیوانی، افزایش جمعیت و تداوم مهاجرت جمعیت روستا به شهر و ارزانی نسبی روغن نباتی در مقایسه با سایر جایگزین‌ها دانست.

درآمد به عنوان عمده‌ترین متغیر مصرف سرانه به‌شمار می‌رود. در ایران ضریب همبستگی بین دو متغیر مصرف سرانه روغن نباتی و درآمد سرانه ۸۰ درصد برآورد شده است.

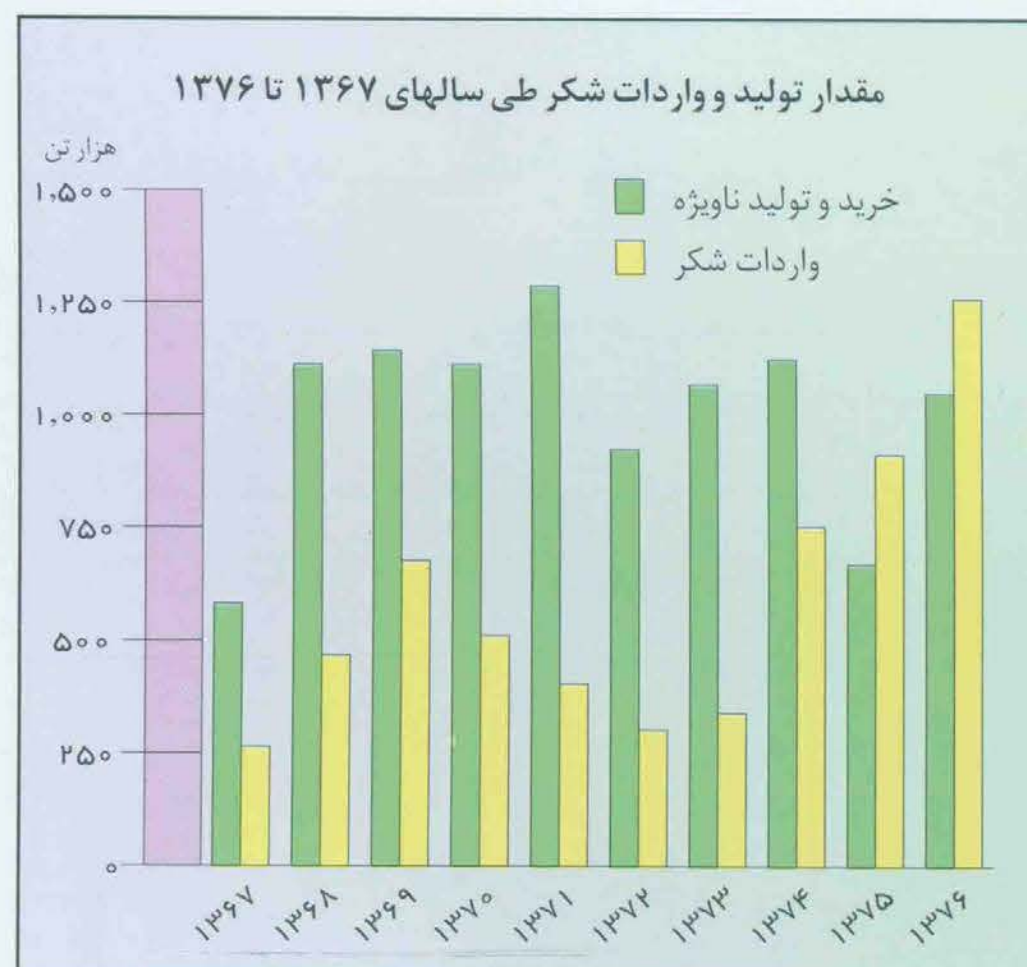


قند و شکر

تهیه و توزیع قند و شکر همواره تحت تأثیر سیاست‌های دولت در زمینه تأمین و توزیع کالاها بوده، و از عواملی نظیر میزان تولید داخلی، مقدار واردات، نحوه تأمین ارز، و گشایش اعتبار، دارای نوسان بوده است. بیشترین مقدار توزیع قند و شکر ۱,۸۳۷ هزار تن مربوط به سال ۱۳۷۶ می‌باشد، که نسبت به سال ۱۳۷۵ معادل ۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. کمترین میزان توزیع و فروش با ۶۳۸ هزار تن به سال ۱۳۷۳ اختصاص داشته است. قابل ذکر است که متوسط توزیع قند و شکر طی دهه ۷۶-۱۳۶۷ سالانه ۱,۱۰۸ هزار تن می‌باشد.

تولید قند و شکر

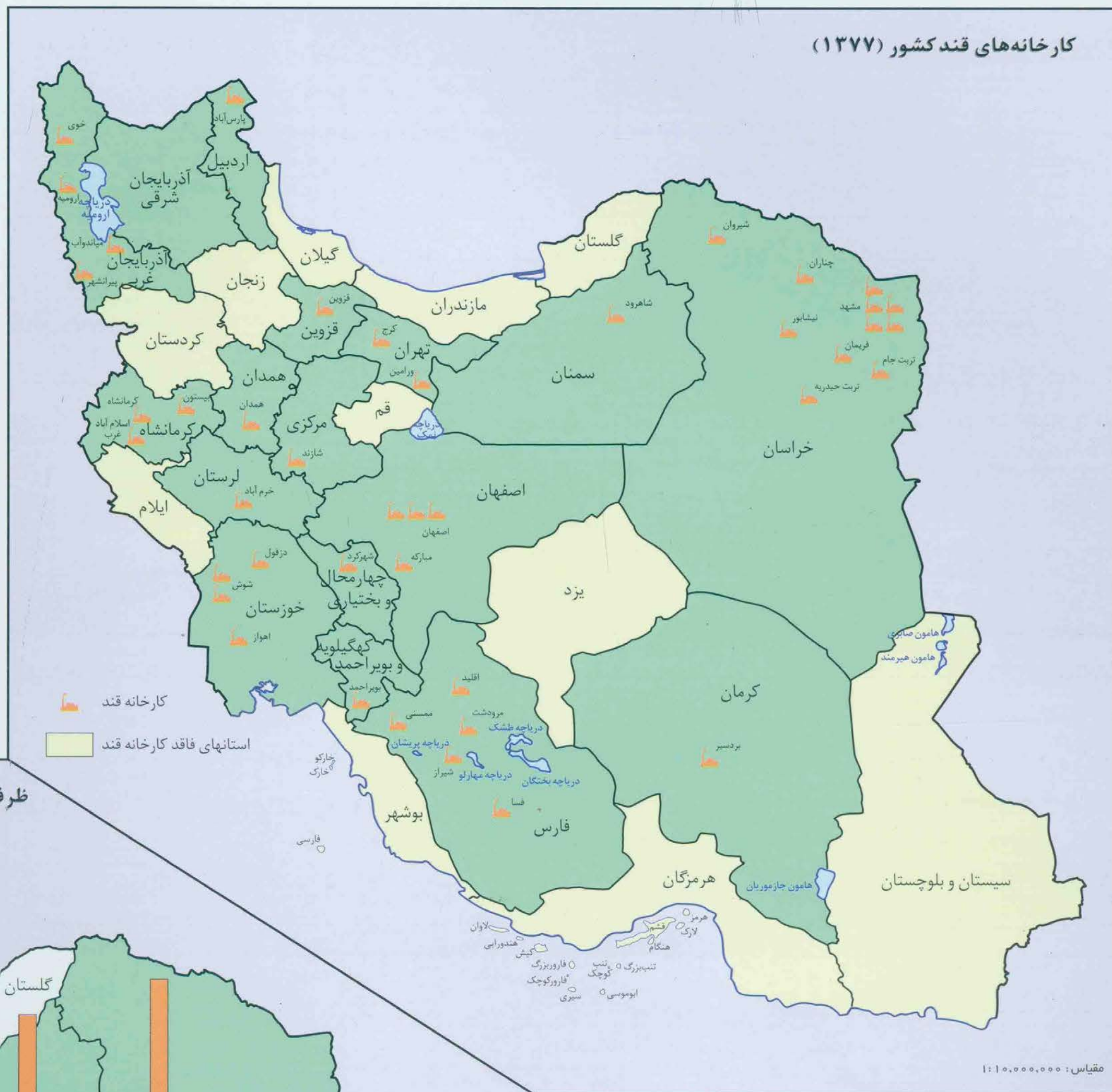
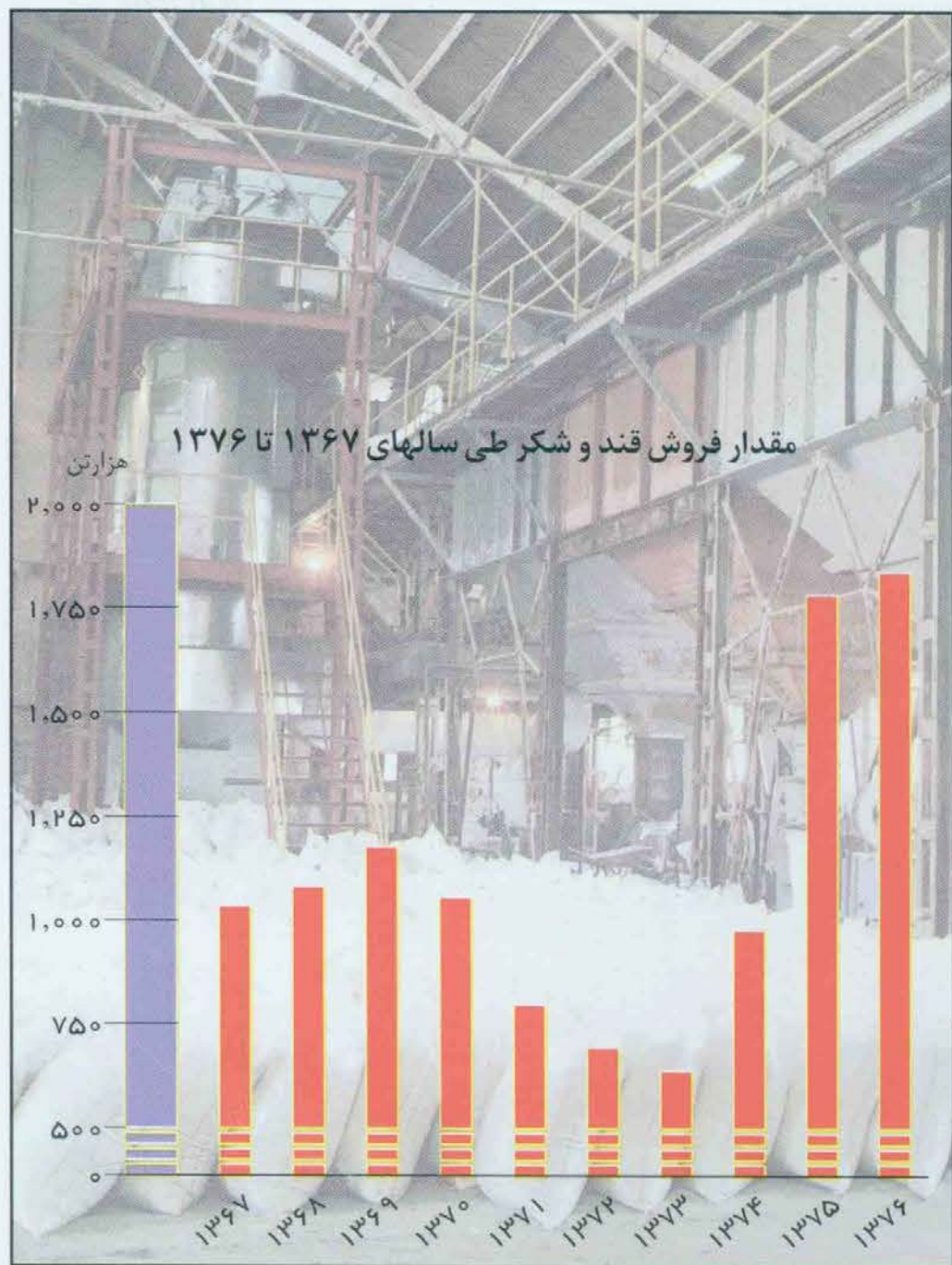
ظرفیت تولید ۴۲ کارخانه قند کشور بر اساس فرایند مصرف روزانه چغندر قند، معادل ۹۱,۱۴۰ تن می‌باشد. لیکن با توجه به اینکه متوسط روزهای تولید هر کارخانه در ارتباط با شرایط منطقه و مقدار دریافت چغندر قند، در طول سال بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ روز است، مجموع ظرفیت اسمی به دست آمده چغندر قند و نیشکر کشور، حدود ۱۱ میلیون تن، در ۱۲۰ شبانه روز فعالیت برآورد گردیده است. قابل ذکر است که کارخانه‌های احداث شده طی سه دهه گذشته از ظرفیت اسمی نسبتاً بالایی برخوردارند. به نحوی که پنج کارخانه کارون، هفت تپه، جوین، مغان و دزفول، نیمی از ظرفیت کارخانه‌های موجود قند و شکر کشور را به خود اختصاص داده‌اند. بااین حال مشخصه عمده کارخانه‌های قند کشور عمر طولانی آنهاست، به نحوی که ۳۶ کارخانه قند فعال کشور متجاوز از ۳۰ سال قدمت دارند، و از این تعداد ۱۲ واحد بالای ۴۰ سال سابقه فعالیت دارند. کوشش‌های به عمل آمده و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بر این منوال است که، متوسط برداشت نیشکر از ۷۰ تن در سال جاری به ۱۰۰ تن در سال زراعی ۸۰-۷۹ افزایش یابد. بر این اساس میزان تولید شکر با برداشت ۱/۲ میلیون تن نیشکر در سال ۱۳۷۷، تا ۱۱۵ هزارتن افزایش خواهد یافت.



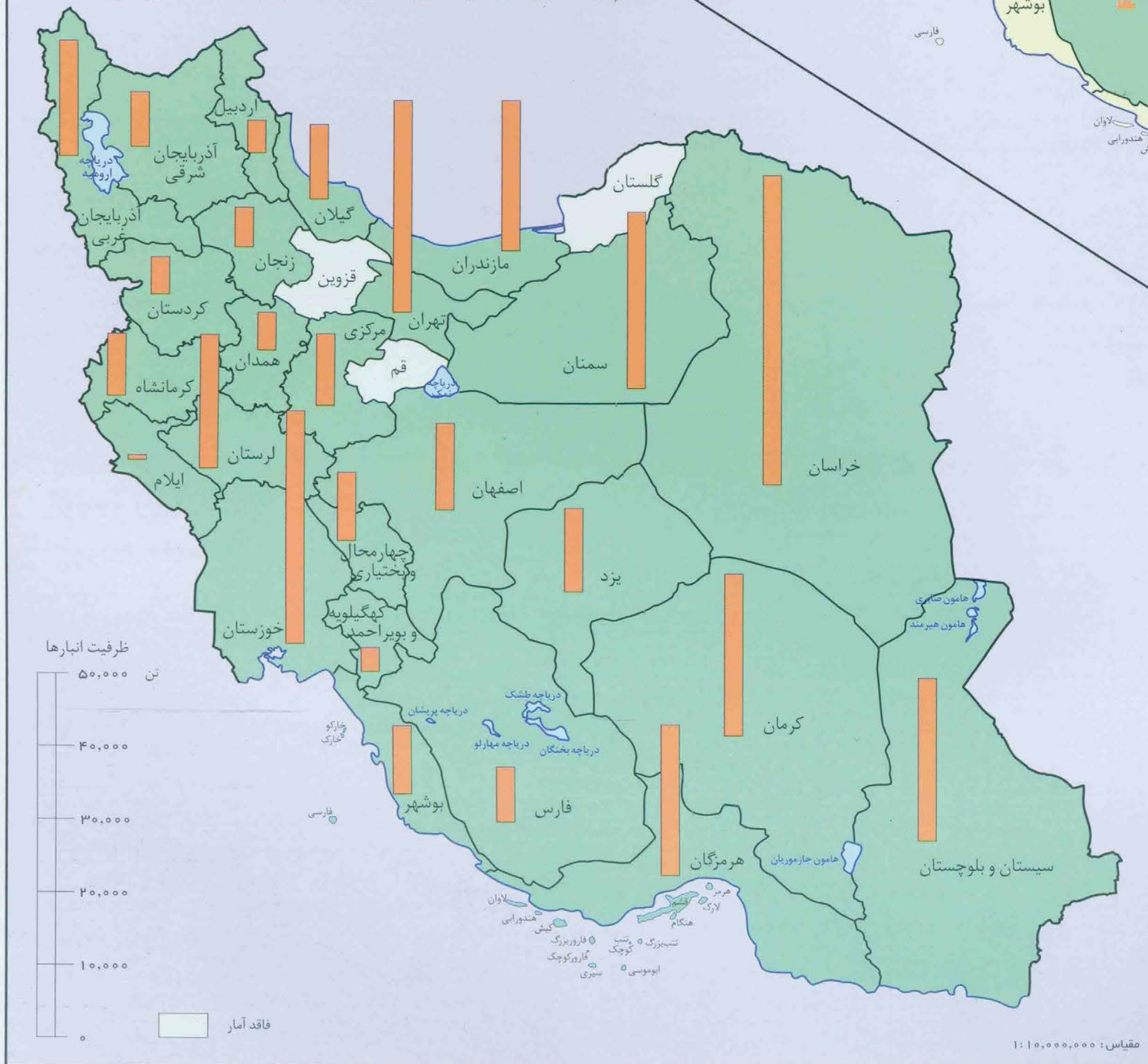
مصرف قند و شکر

بررسی ارقام مصرف قند و شکر طی دو دهه گذشته بیانگر این واقعیت است که علی‌رغم افزایش مطلق مصرف قند و شکر (معادل ۳۳ درصد)، سهم مصرف سرانه سالیانه (طی دهه ۶۷-۱۳۵۸) رو به کاهش نهاده است، و از ۳۷/۸ کیلوگرم در سال ۱۳۵۸، به ۱۹/۹ کیلوگرم در سال ۱۳۶۷ تقلیل یافته است. گرایش مصرف، طی دهه ۷۶-۱۳۶۷ مجدداً رو به فزونی گذارده، به نحوی که در سال ۱۳۷۶ به ۳۰/۵ کیلوگرم افزایش یافته است.

سهم واردات قند و شکر کشور نیز طی دو دهه گذشته از روند یکسانی



ظرفیت انبارهای در اختیار سازمان گسترش خدمات بازرگانی (۱۳۷۷)



برخوردار نبوده است، و تحت تأثیر مقدار تولید و استحصال چغندر قند و نیشکر و میزان افزایش جمعیت، امکانات ارزی و گشایش اعتباری کشور، در نوسان بوده است. به نحوی که از حدود ۶۲ درصد در سال ۱۳۵۸، به ۲۴ درصد در سال ۱۳۶۷، کاهش یافته است، و مجدداً روند صعودی یافته و در سال ۱۳۷۶ به ۵۳/۴ درصد کل مصرف سالیانه بالغ گردیده است.



ترخیص، تخلیه و بارگیری

گمرک

اجرای قانون امور گمرکی، و اعمال مقررات سالانه واردات و صادرات، و سایر قوانین و مصوبات مربوط به وصول آن قسمت از درآمدهای مالیاتی، که در قانون بودجه به عنوان درآمدهای گمرکی منظور گردیده است، حفظ و حراست از کالاهای وارده و صادره در اماکن گمرکی، مبارزه با قاچاق و سرقت کالا، هماهنگی و ارایه خدمات پشتیبانی جهت گمرک اجرایی در زمینه حل اختلافهای گمرکی با صاحبان کالا، بهینه سازی طرح ها و اصلاح روش های اجرای کار، اهداف اصلی گمرک کشور را تشکیل می دهد.

انجام عملیات مربوط به تخلیه و بارگیری و تشریفات ترخیص کالاهای وارداتی به اماکن گمرکی، انجام تشریفات گمرکی مربوط به مسافری و وسایط نقلیه توریستی ورودی و خروجی به کشور، انجام امور مربوط به ترانزیت کامیون های ورودی و خروجی با محموله و بدون بار، انجام تشریفات گمرکی مربوط به مبادلات پایاپای و پیک های سیاسی و محموله های پستی بین المللی، انجام تشریفات گمرکی مربوط به صادرات و واردات موقت، کابوتاژ و اعمال مقررات گمرکی در رابطه با معافیت ها و ممنوعیت های ورود و خروج کالا، تشکیل کمیسیون های رسیدگی به اختلافات گمرکی و تجدید نظر در آراء صادره از کمیسیون های مربوطه در خصوص اختلافات گمرکی با صاحبان کالا، بدرقه کالا در زمان ترانزیت کالا از مبادی ورودی یا خروجی به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده در طی مسیر ترانزیت کالا، تهیه، آموزش و اجرای طرح های مبارزه با حریق، تشکیل دوره های آموزش در ستاد و واحدهای اجرایی، تهیه و تنظیم دفاتر و صورت های مالی به منظور نگهداری حساب های گمرک ایران، رسیدگی به اظهارنامه های گمرکی و اسناد ترخیص، پس از ترخیص کالا و تعیین درستی و نادرستی تعرفه های تعیین شده کالاهای ترخیصی، همکاری گسترده با شورای همکاری های بین المللی امور گمرکی و نظارت بر اجرای مقررات و روش های گمرکی، کنترل موجودی انبارها و درآمدهای گمرکی از طریق تطبیق اسناد وصولی، رسیدگی به حساب های مالی و بازرسی های منظم، مطالعه مستمر ساختار تشکیلاتی و وظایف سازمانی و روش های اجرایی کار، نظارت بر اموال و حراست از سرمایه های در اختیار، تهیه و انتشار منظم آمار بازرگانی خارجی، تهیه نشریات آموزشی در امور گمرکی، و تهیه پیش نویس لوایح قانونی لازم سرفصل های عمده وظایف گمرک ایران را تشکیل می دهد.

اجرای وظایف مذکور در نقاط مختلف کشور متناسب با حجم واردات و صادرات کشور در ۱۰۴ واحد گمرکی صورت می پذیرد.



توزیع جغرافیایی گمرکات (۱۳۷۶)



حمل و نقل و بازرگانی

تنوع نیاز جوامع بشری و تحول فن آوری، با گستردگی حمل و نقل رابطه مستقیم دارد، تا آنجا که می‌توان آن را ستون فقرات تولید و خدمات جامعه شمرد. به تعبیر برخی از دانشمندان جهش اقتصادی کشورهای صنعتی و حتی انقلاب صنعتی اروپا و توسعه قاره‌ها به دلیل تحولاتی است که، در فن آوری حمل و نقل اتفاق افتاده است.

مروری به تاریخ حمل و نقل در ایران جایگاه و اهمیت آن را برای کشوری با موقعیت جغرافیایی و اقتصادی ایران، که در کانون بخش عظیمی از مبادلات بازرگانی جهان قرار گرفته است، روشن می‌سازد.

کما اینکه انعقاد موافقتنامه‌های حمل و نقل بین‌المللی جاده‌ای کالا و مسافر بین جمهوری اسلامی ایران و ۲۸ کشور دیگر، و فعال شدن تمام مرزهای زمینی و دریایی برای رفت و آمد وسایط نقلیه، زمینه مناسبی برای تجدید اعتبار کهن ایران به عنوان گذرگاه اصلی جاده ابریشم فراهم ساخته است. حمل و نقل از بخش‌های زیربنایی اقتصاد کشور است. فعالیت‌های حمل و نقل علاوه بر تأثیرات شدید بر فرایند بازرگانی و اقتصاد، در جریان توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه، تغییر و تحولات کمی و کیفی فراوانی دارد. در طبقه‌بندی نظام حساب‌های ملی کشور، فعالیت‌های حمل و نقل در گروه خدمات طبقه‌بندی می‌شود. این گروه با ارزش افزوده‌ای معادل ۱۰۰،۱۳۶/۲ میلیارد ریال (به قیمت‌های جاری) بیش از ۴۲ درصد تولید ناخالص داخلی جامعه را در اختیار دارد. بر اساس آمار موجود در سال ۱۳۷۵ میزان تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت‌های جاری ۲۳۳،۶۵۰/۶ میلیارد ریال بوده است. در برآورد انجام شده، ارزش افزوده بخش حمل و نقل ۱۲،۳۷۶/۷ میلیارد ریال، معادل ۵/۳ درصد تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد. همچنین ارزش افزوده زیربخش حمل و نقل زمینی که سهمی بالغ بر ۹۰ درصد از کل بخش حمل و نقل است، معادل ۱۱،۱۳۹ میلیارد ریال، یا ۴/۸ درصد تولید ناخالص داخلی کشور می‌باشد. در همین سال براساس سرشماری جمعیت و نفوس کشور، تعداد کل شاغلان کشور، قریب ۱۴/۶ میلیون نفر، و میزان اشتغال در بخش حمل و نقل حدود ۸۴۷ هزار نفر بوده است. این رقم سهم بخش حمل و نقل را در کل اشتغال کشور ۵/۸ درصد نشان می‌دهد. از این تعداد ۸۰۲ هزار نفر در بخش حمل و نقل زمینی فعالیت داشته‌اند. یعنی ۵/۵ درصد کل شاغلان کشور در این رشته فعالیت دارند. سهم ۵/۳ درصدی بخش حمل و نقل در تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت جاری، و ۷/۳ درصدی آن به قیمت ثابت (۱۳۶۱)، و اشتغال ۵/۸ درصدی این بخش در کل نیروی کار شاغل در جامعه، گویای بهره‌وری بالاتر نیروی کار این بخش از بهره‌وری کل جامعه در سال مزبور است.

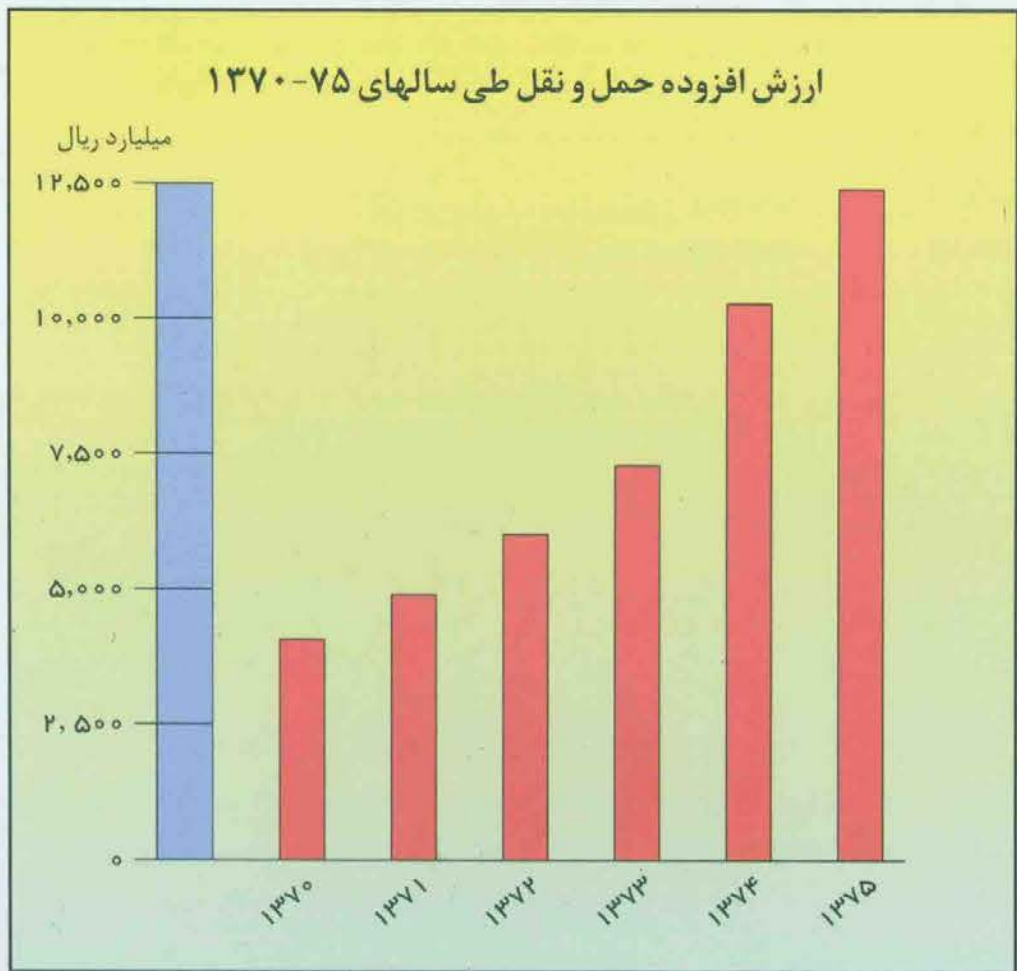
شایان ذکر است که سهم ۴/۸ درصدی در بخش حمل و نقل زمینی در تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت جاری (۶/۱ درصد به قیمت ثابت ۱۳۶۱)، و اشتغال ۵/۵ درصدی این زیر بخش نیز بیانگر همین واقعیت است.

از دیگر شاخص‌های عمومی بهره‌وری در خدمات حمل و نقل، سهم هر یک از شاغلان مربوطه، در ارزش افزوده این بخش، یا به تعبیری سهم این گروه در تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت جاری است:

- سهم هر یک از شاغلان بخش حمل و نقل از ارزش افزوده این بخش ۱۴/۶ میلیون ریال.

- سهم هر یک از شاغلان بخش حمل و نقل زمینی از ارزش افزوده این بخش ۱۴ میلیون ریال.

رشد سریع سرمایه‌گذاری برای دوره‌های کنونی بیشتر ناشی از توسعه



طرح‌های عمرانی، توسعه راه‌ها و گسترش خدمات بازرگانی و افزایش میزان کالا و مسافر جابه‌جا شده است.

طی دوره مورد بحث سهم سرمایه‌گذاری در بخش حمل و نقل از کل

سرمایه‌گذاری‌های ثابت ناخالص کشور (به قیمت جاری) از ۹/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۴/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. از این مقدار سهم ارزش افزوده بخش‌های خصوصی در خدمات حمل و نقل زمینی بیش از ۹۰ درصد، و این سهم در بخش‌های دولتی کمتر از ۵ درصد بوده است.

هزینه‌های مصرفی خانوارها در بخش حمل و نقل نیز یکی از مباحث اقتصادی این بخش به شمار می‌رود. با اطلاع از برآورد هزینه‌های مصرفی و ارزش افزوده این بخش می‌توان حدود امکانات مالی برای هزینه کردن و میزان سرمایه‌گذاری، با توجه به نیاز و تقاضاهای داخلی در حمل و نقل کالا و مسافر را به دست آورد.

- سهم هزینه مصرفی خانوار در بخش حمل و نقل از کل مصرف ۸،۴۴۴ میلیارد ریال (به قیمت جاری) معادل ۵/۹ درصد می‌باشد.

حمل و نقل جاده‌ای کالا

آخرین اطلاعات در خصوص ناوگان حمل و نقل زمینی برون شهری حاکی از وجود ۲۳۷،۲۸۲ دستگاه نقلیه در سطح کشور می‌باشد، که از این تعداد سهم ناوگان باربری ۷۵ درصد، و سهم ناوگان مسافری ۲۵ درصد می‌باشد.

قابل ذکر است که متوسط عمر وسایط نقلیه باربری ۱۹ سال است، و بالغ



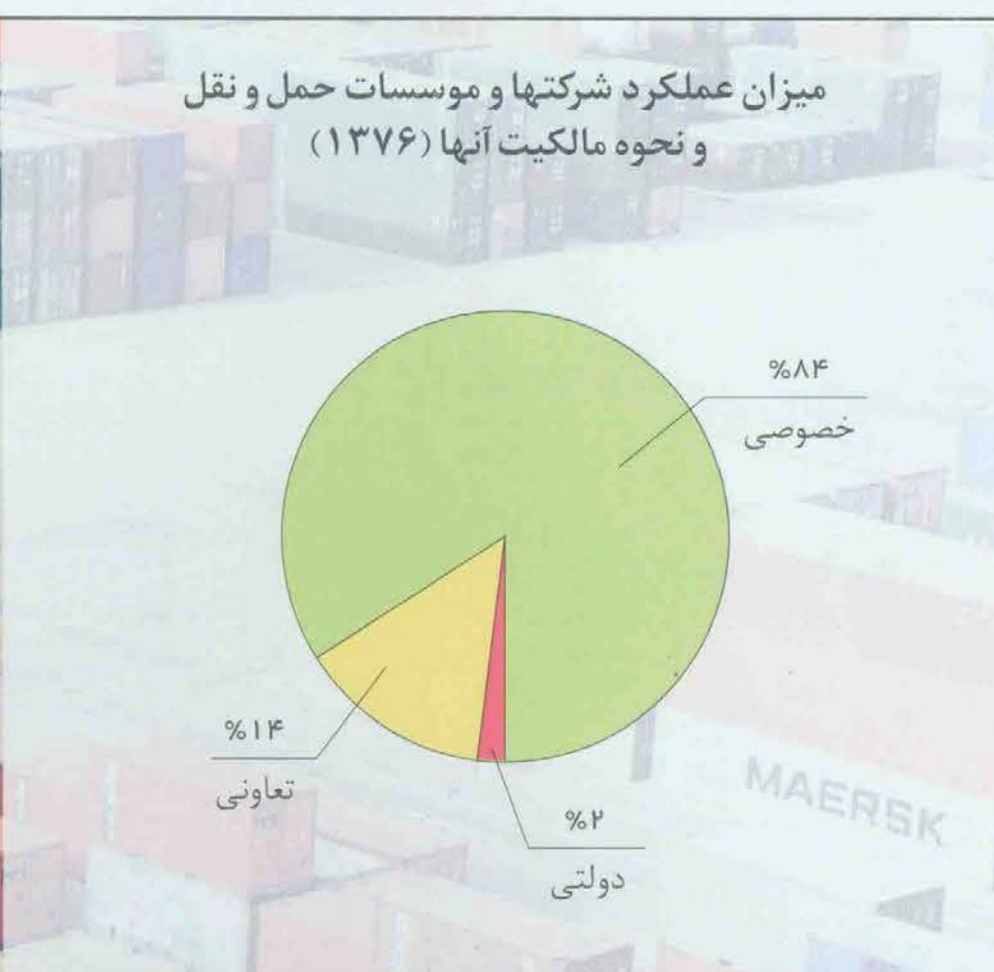
این کاهش عدم پوشش بارنامه برای حمل محصولات کشاورزی و مصالح ساختمانی می‌باشد.

شاخص‌های مورد بهره‌برداری در حمل‌ونقل کالاهای بازرگانی در سال

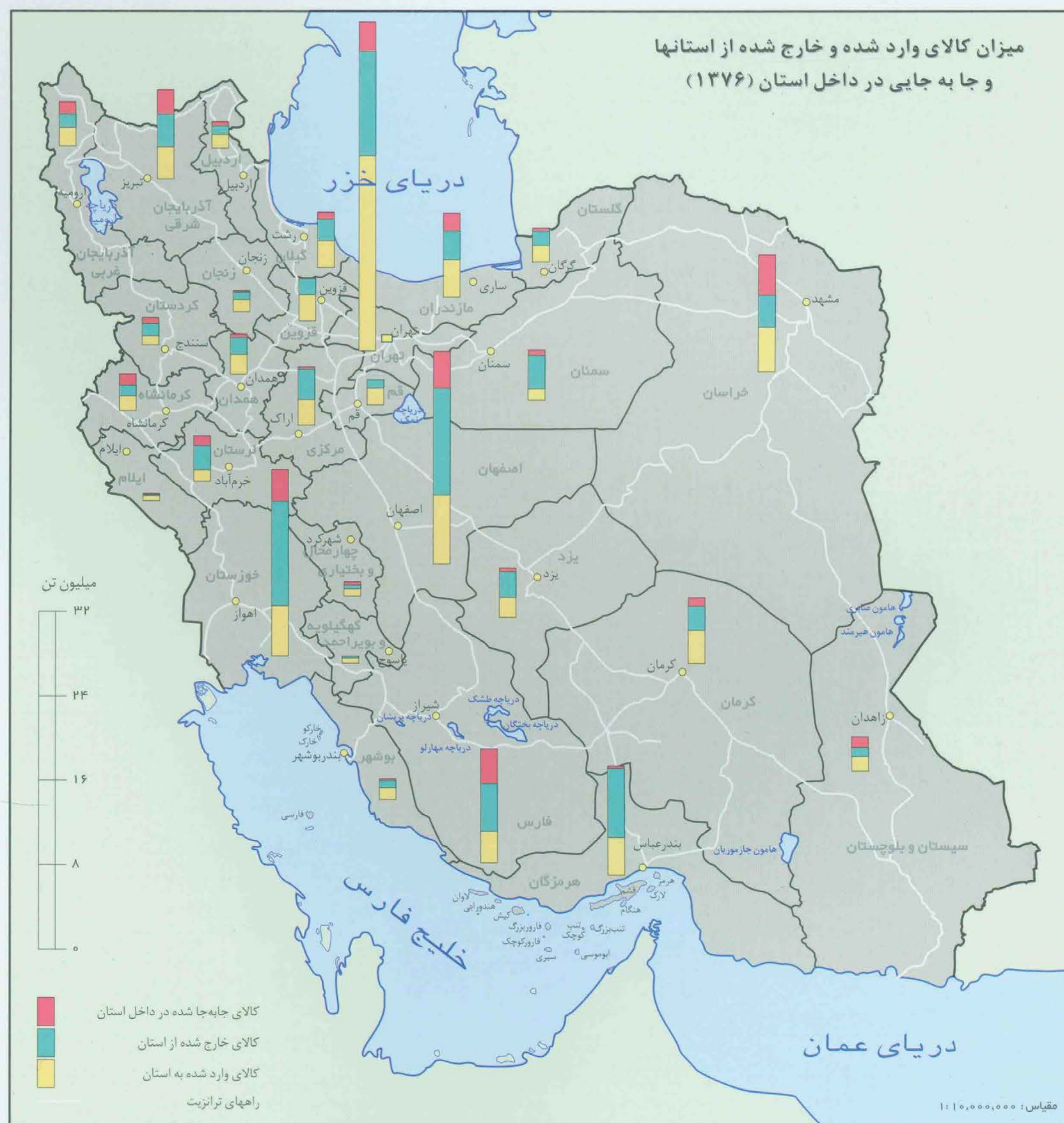
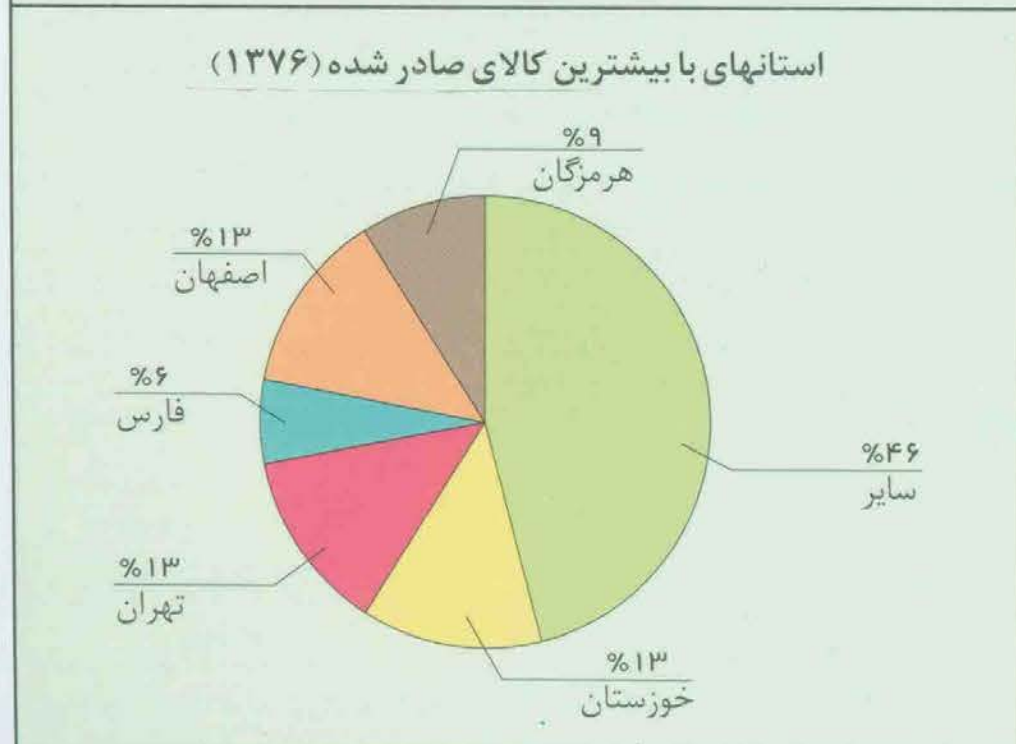
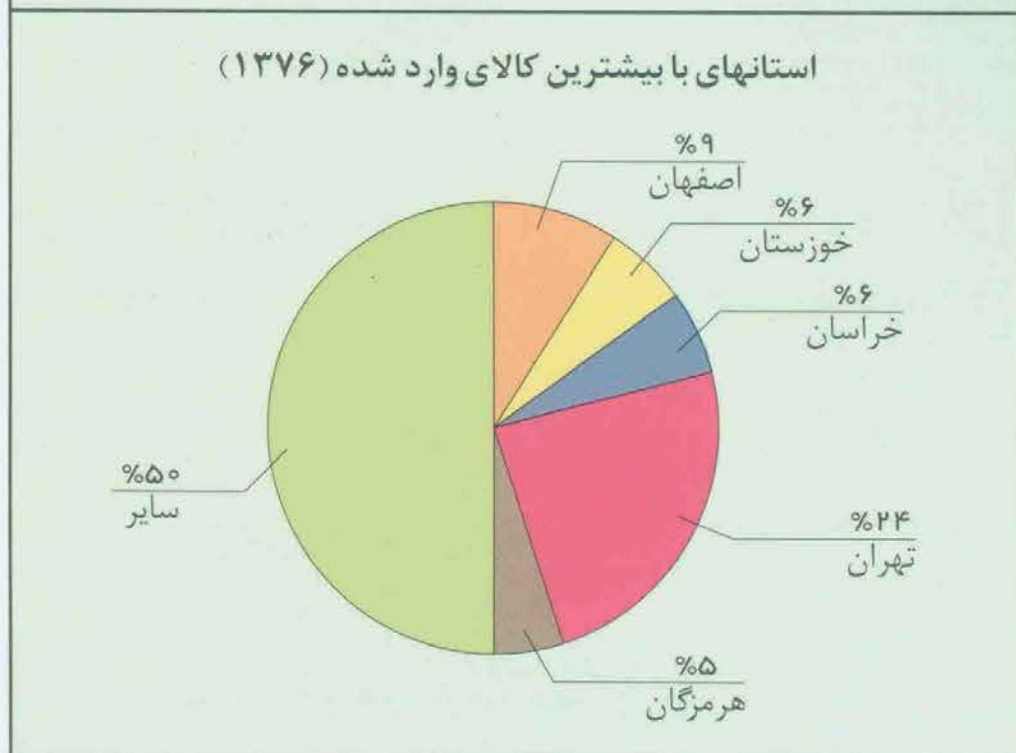
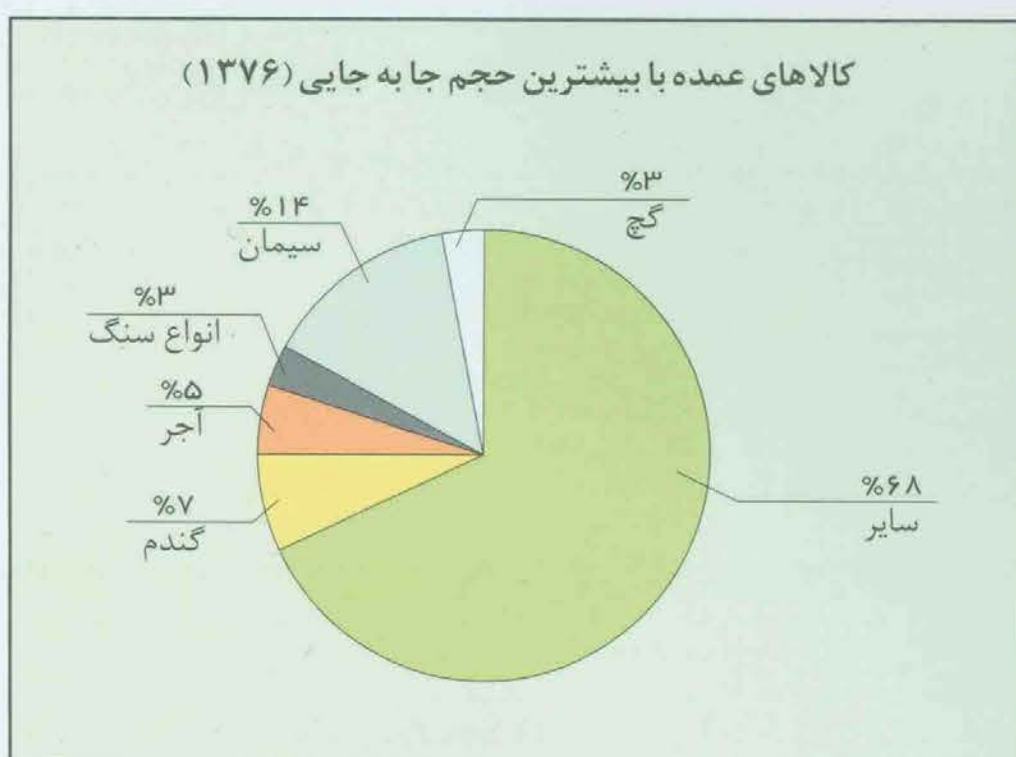
در حال حاضر بخش عمده حمل و نقل کالا در کشور از طریق جاده انجام می‌شود. همان گونه که ملاحظه می‌شود سرانه حمل کالا توسط ناوگان باربری از ۱۲ تن در سال ۷۰ به ۱۱ تن در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است. یکی از دلایل

بر ۵۵ درصد این ناوگان دارای مالکیت خصوصی است. همچنین متوسط عمر وسایط نقلیه مسافری ۱۶ سال است، و بیش از ۶۵ درصد ناوگان در مالکیت خصوصی است.

در اینجا نقش و اهمیت پایانه‌ها به عنوان مکان هماهنگی، برای ارایه خدمات حمل و توزیع کالا و جابجایی مسافر در شبکه گسترده حمل و نقلی کشور آشکار می‌گردد.



مجموع‌های خدماتی بین راهی و پیشرفت فیزیکی آنها (۱۳۷۶)		
نوع	مورد بهره‌برداری	در دست احداث
پایانه باری	۲۵	۷
پایانه مسافری	۷۹	۲۴
مجموع‌های خدماتی بین راهی	۶	۲۳
پایانه‌های موقت مسافری	۵۳	-



۱۳۷۶ به شرح زیرند:

- میزان کالای حمل شده جاده‌ای ۱۰۷ میلیون تن.

- متوسط کالای حمل شده در هر سفر ۱۱ تن.

- تعداد سفر کامیون ۹/۷ میلیون سفر.

- تن کیلومتر طی شده ۶,۰۴۱ تن/کیلومتر.

- متوسط کرایه هر تن/کیلومتر طی شده ۸۲ ریال.

- متوسط مسافت طی شده در هر سفر ۵۲۸ کیلومتر.

در حمل کالاهای وارداتی به کشور، ناوگان حمل جاده‌ای با ۱۷/۲ میلیون

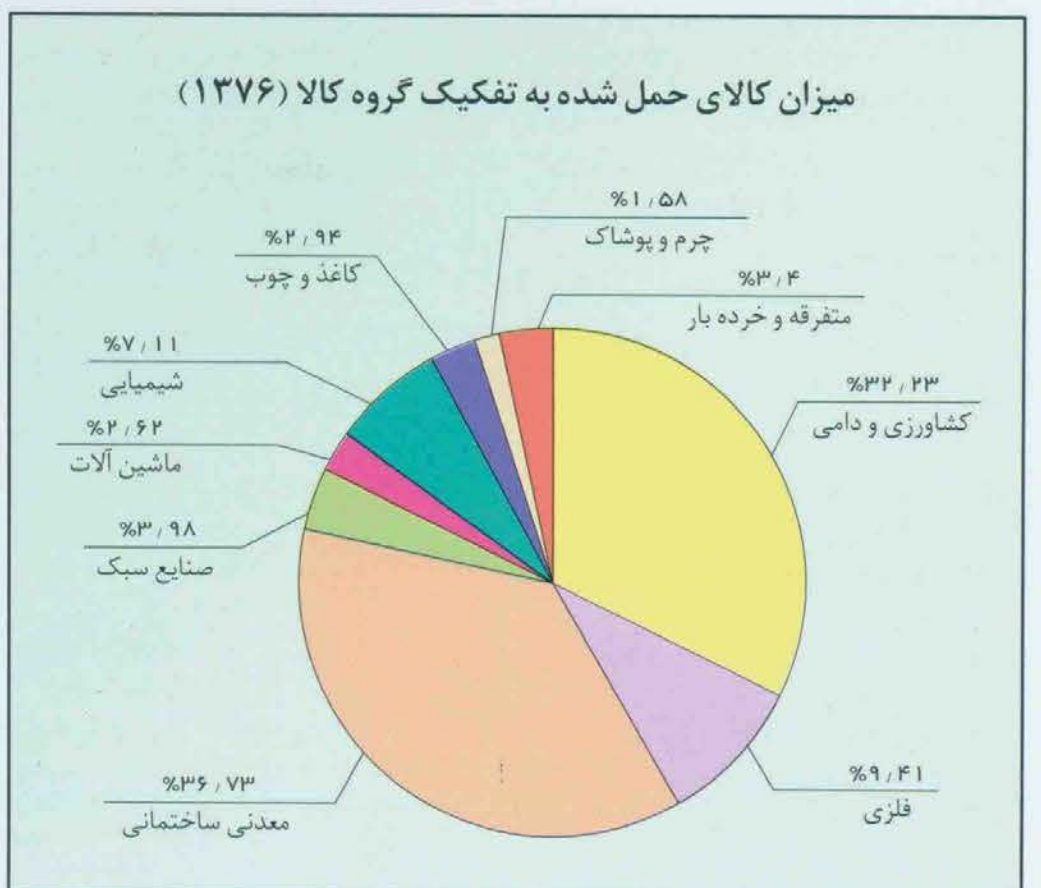
تن کالا، سهمی معادل ۷۵ درصد را به خود اختصاص داده است. سهم حمل

و نقل ریلی ۵/۷ میلیون تن، یعنی ۲۵ درصد می‌باشد.

ترانزیت کالا

با وجود مشکلات و نارسایی‌های قبلی در کار ترانزیت و خدمات حمل و نقل به کشورهای منطقه، با تصویب «قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از کشور» تسهیلات لازم برای حمل و نقل سریع، آسان و ارزان فراهم گردیده است. موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی کشور ما به عنوان پل ارتباطی اروپا و آسیا، و شمال و جنوب موجب گردیده است تا در چند سال اخیر اقدامات مؤثری در امر فعال نمودن ناوگان بین‌المللی حمل کالا به خصوص به کشورهای آسیای میانه و ماوراء قفقاز فراهم شود.

با ابلاغ آیین‌نامه اجرایی قانون ترانزیت، تمام قوانین و مقررات مرتبط با ترانزیت مورد بازنگری قرار گرفته، و بعد از این تمام دستگاه‌های مرتبط با این بخش، اعم از، وزارت راه و ترابری، نیروی انتظامی، گمرک و قرنطینه‌ها به صورت قانونمند با ترانزیت برخورد خواهند کرد. براساس این آیین‌نامه تمام کالاها مجاز به عبور از خاک ایران هستند، و محدودیتی برای آنها وجود ندارد. تنها مواد مخدر، مشروبات الکلی، مواد آتش‌زا و پرتوزا از این قاعده مستثنی هستند، و تصمیم‌گیری راجع به آنها به عهده شورای امنیت ملی کشور است. پذیرش اسناد الکترونیکی به جای اسناد کاغذی، ضابطه‌مند شدن فک پلمب کامیون و کانتینر حامل کالای ترانزیت، و ضابطه‌مندی هزینه‌های تخلیه، بارگیری، انبارداری محموله ترانزیت از ویژگی‌های این آیین‌نامه است، و به موجب آن تمام سازمان‌های مسؤول، موظفند بخش‌های جداگانه برای انجام امور ترانزیت کالا دایر کنند. در این مقررات برای تسریع ترانزیت، تسهیلاتی برای کامیون‌های خارجی در نظر گرفته شده است، و قرنطینه‌های دامی و نباتی که گاهی در گمرکات موجب معطلی کالا می‌شدند، مکلف گردیدند در کوتاه‌ترین زمان نسبت به صدور مجوز کالای ترانزیت اقدام کنند.



فراهم شدن امکان تکمیل یا تغییر بسته‌بندی کالای ترانزیت در قلمرو

ایران، و معافیت کانتینرهای حامل کالای ترانزیت از پرداخت سود و عوارض

گمرکی از دیگر مواردی است که در این آیین‌نامه مورد تأکید قرار گرفته است.

حمل بار با راه آهن

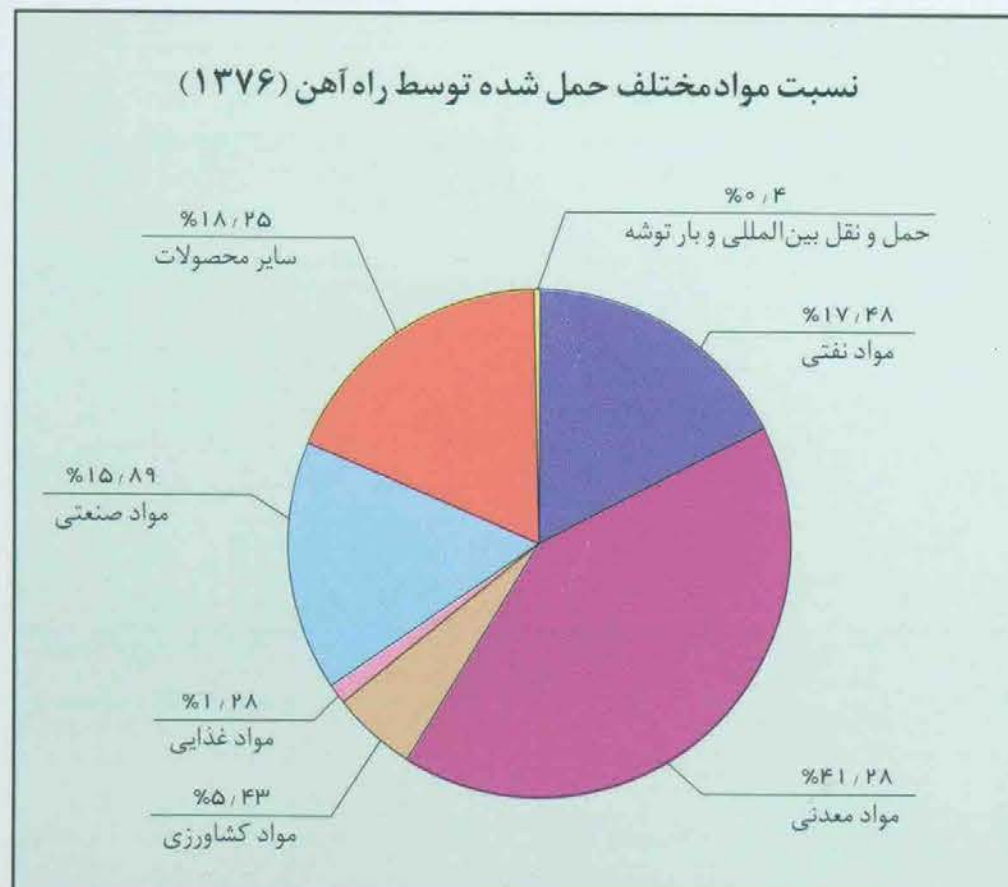
حمل کالا با راه آهن در مسافت‌های طولانی موجب گردیده است، تا مراکز

عمده عرضه و تقاضای بار نظیر بنادر، صنایع و معادن و تأسیسات ذخیره‌سازی

نظیر سیلوها و انبارهای بزرگ کالا و مواد با خطوط ریلی به هم متصل شوند، و

بازرگانی کشور از برتری نسبی برخوردار شود.

به موجب آمار رسمی در سال ۱۳۷۶ مقدار ۲۴/۴ میلیون تن بارخالص بین



نواحی مختلف راه آهن حمل شده است که در مقایسه با عملکرد سال ۱۳۷۵

معادل ۷/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. این مقدار کالای جا به جا شده معادل

۱۴,۴۰۰ میلیون تن/کیلومتر بارخالص حمل شده است. همچنین درآمد خالص

حمل کالا توسط راه آهن در سال ۱۳۷۶ برابر ۷۸۸,۸۳۱ میلیون ریال بوده

است، که نشان‌دهنده ۵۴/۷ ریال برای حمل هر تن/کیلومتر کالا می‌باشد.

مقدار بار حمل شده در سال ۱۳۷۶ به تفکیک شامل ۱۰ میلیون تن

مواد معدنی، ۴/۳ میلیون تن مواد نفتی، ۳/۹ میلیون تن مواد صنعتی، ۱/۳

میلیون تن کالای کشاورزی، ۳۱۳ هزارتن مواد غذایی، و ۴/۵ میلیون تن سایر

محصولات بوده است.

حمل و نقل دریایی کالا

در سال ۱۳۷۶ جمعاً ۶۰/۳ میلیون تن کالا و مواد نفتی و غیرنفتی در

بنادر کشور تخلیه و بارگیری شده است. این رقم نسبت به سال ۱۳۷۵ معادل

۱۵ درصد افزایش نشان می‌دهد، و در مقایسه با سال ۱۳۶۷ معادل ۴/۴ برابر

افزایش یافته است. از این مقدار ۳۷/۴ میلیون تن تخلیه کالاهای غیرنفتی و

مواد نفتی است، و ۲۲/۹ میلیون تن بارگیری کالا و مواد نفتی و غیرنفتی

می‌باشد. قابل ذکر است که ۳۱/۷ میلیون تن از این مقدار به تخلیه و بارگیری

کالا و مواد غیرنفتی اختصاص داشته است، که این رقم ۱۰ درصد نسبت به

عملکرد سال ۱۳۷۵ افزایش نشان می‌دهد.

میزان «تخلیه کالاهای و مواد نفتی کشور» در سال ۱۳۷۶ معادل ۲۴/۵

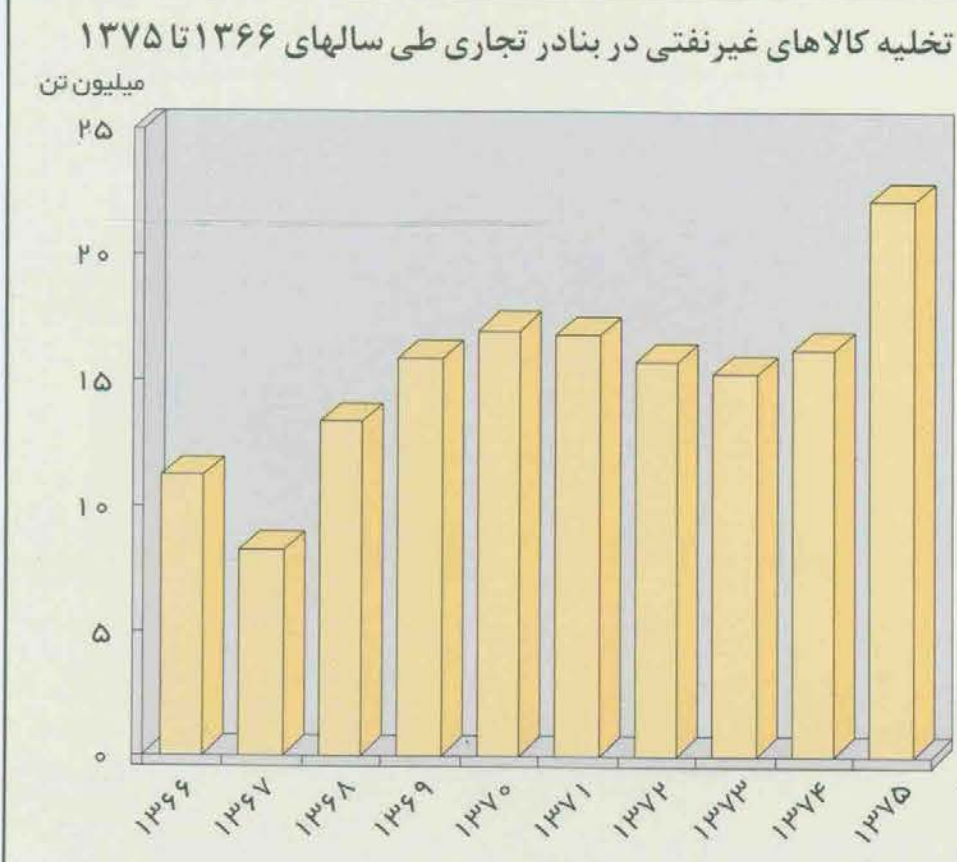
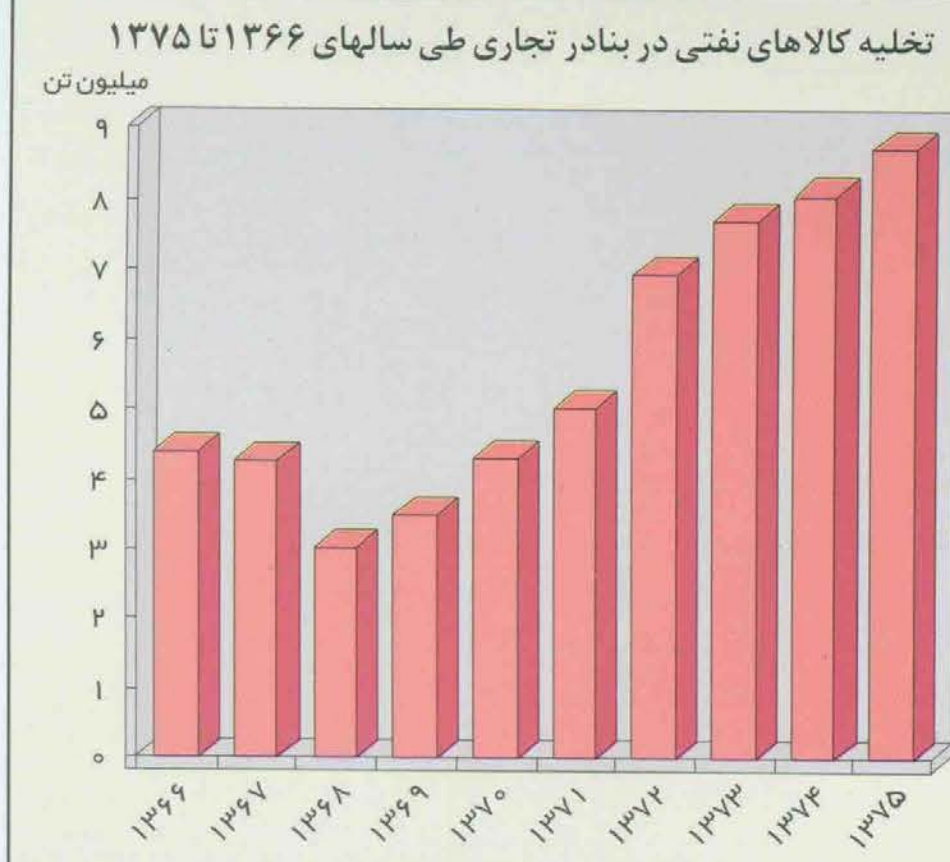
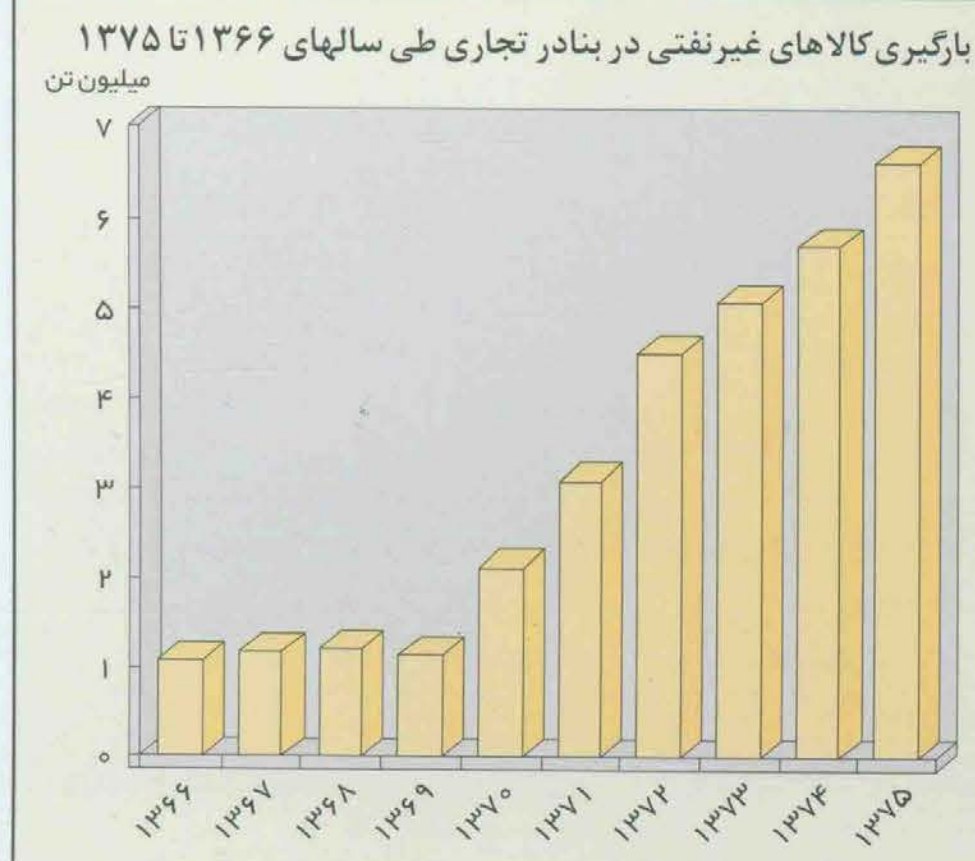
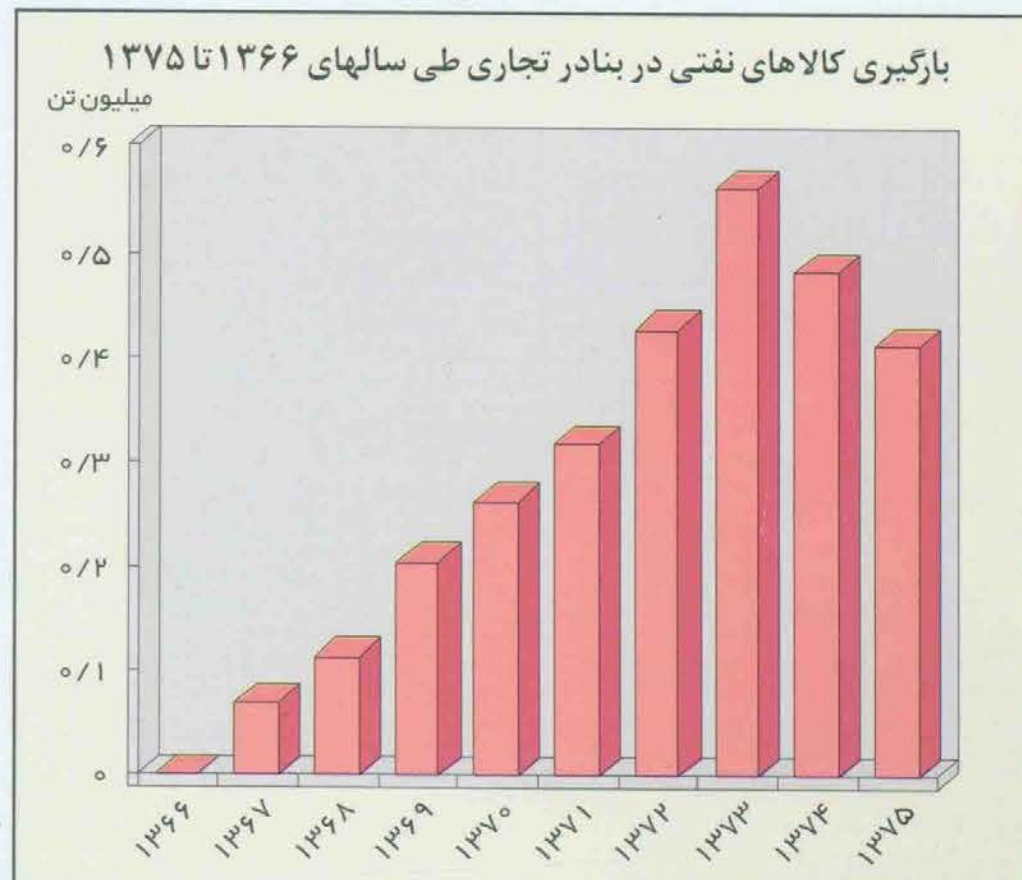
میلیون تن، شامل واردات و تخلیه کابوتاژ بوده است، که ۱۱ درصد نسبت به

سال ۱۳۷۵ رشد یافته است. همچنین مقدار «بارگیری کالاهای و مواد غیرنفتی

کشور» در سال مذکور ۷/۲ میلیون تن بوده است، که شامل صادرات و بارگیری

کالای ترانزیت و کابوتاژ می‌باشد. این رقم در مقایسه با عملکرد سال ۱۳۷۵

معادل ۸ درصد افزایش نشان می‌دهد.



آمار موجود حاکی است که در سال‌های ۷۶-۱۳۷۴ بر روی هم ۴۱/۵ میلیون تن کالا توسط شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران حمل شده است. این رقم شامل کالای وارداتی، و حمل بین‌المللی کالا بین بنادر خارجی (۲/۴ میلیون تن کالا) می‌باشد.

به موجب آمار رسمی در سال ۱۳۷۶ تعداد ۳,۷۳۲ فروند کشتی به منظور انجام عملیات تخلیه و بارگیری کالا و مواد و مایعات در بنادر تجاری کشور پهلو گرفته‌اند. این رقم در مقایسه با ۳,۳۳۴ فروند کشتی مربوط به سال ۱۳۷۵ معادل ۱۲ درصد افزایش داشته است.

قابل ذکر است که بخشی از کالاهای بازرگانی نیز توسط شناورهای کوچک و ناوگان سنتی کشور جا به جا می‌شود. به نحوی که در سال ۱۳۷۵ مقدار ۱/۹ میلیون تن، و در سال ۱۳۷۶ حدود ۲/۴ میلیون تن کالا به وسیله این شناورها تخلیه و بارگیری شده است.



براساس اعلام سازمان بنادر و کشتیرانی، تعداد کشتی‌های ثبت شده با ظرفیت بیش از هزار تن تا پایان سال ۱۳۶۸ مجموعاً ۴۲۸ فروند بوده است. از این تعداد ۱۶۵ فروند کشتی کانتینری و متفرقه، ۴۴ فروند تانکر، و ۲۱۹ فروند انواع دیگر کشتی‌ها است. همچنین تعداد ۶,۰۰۰ فروند موتور لنج و شناور کوچک نیز تا تاریخ مذکور به ثبت رسیده است.

حمل و نقل هوایی کالا

حمل بار با هواپیما به لحاظ محدودیت امکانات، و هزینه نسبتاً بالای حمل کالا، سهم بسیار کمی در بازرگانی داخلی و خارجی کشور دارد. مقدار کالای حمل شده در سال ۱۳۷۶ توسط ناوگان هوایی باری کشور ۳۳,۵۵۷ تن بوده است.

آمار ناوگان هواپیماهای باری غیرنظامی کشور در سال مذکور شامل ۱۳ هواپیما، در مجموع با ظرفیت ۷۶۶ تن می‌باشد، که تعداد ۶ فروند از آنها با ظرفیت ۴۱۶ تن متعلق به شرکت‌های داخلی و ۷ فروند بقیه با ظرفیت ۳۵۰ تن خارجی و در اجاره شرکت‌های پیام و اطلس ایر قرار دارند.



نگهداری و ذخیره‌سازی

انبارداری در ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، و نگهداری گندم تولیدی از زمانهای قدیم در کندوهای گلی به نحوی کاملاً بهداشتی مرسوم بوده است. با افزایش جمعیت و رشد تولید، و توسعه بازرگانی و اقتصاد، ذخیره‌سازی به صورت یک نیاز جدی جامعه تلقی شده است.

اصولاً هماهنگ کردن زمان و مکان تولید، با زمان و مکان تبدیل و مصرف به گونه‌ای که انطباق فرایند تولید و مصرف را در طول سال فراهم سازد، و ثابت‌نگه داشتن روند تقاضا و توزیع و قیمت همواره از اهداف اولیه ذخیره‌سازی بوده است.

تأسیسات ذخیره‌سازی گندم

در ایران انبارداری و نگهداری گندم به شیوه علمی و فنی با تشکیل شرکت سهامی تثبیت غله در سال ۱۳۱۴ آغاز گردید. هدف از تشکیل این شرکت در درجه اول جلوگیری از نوسانات غیرعادی بهای غله در سطح کشور، و حمایت

تسهیلات ذخیره‌سازی برای انبارکردن طولانی مدت گندم، و یا کمبود امکانات مالی برای ایجاد این تأسیسات، موفق به افزایش قابل توجه تأسیسات ذخیره‌سازی و تقویت ذخایر احتیاطی خود نشدند. به‌ویژه اینکه در بسیاری از کشورهای جهان سوم حتی تأسیسات ذخیره‌سازی لازم برای نگهداری مازاد تولید احتمالی آنها نیز وجود ندارد. قدر مسلم ایجاد این امکانات برطرف کننده مشکلات نارسایی همه ساله این کشورها به واردات غلات، و انتزاع واردات این کشورها از نوسانات شدید قیمت‌های جهانی می‌باشد و به عنوان یک پشتوانه محکم و مطمئن، در بلایای طبیعی نظیر قحطی، خشکسالی و نارسایی قدرت خرید عمل می‌نماید. کمااینکه کشورهای عمده تولیدکننده گندم هم‌اکنون از این تأسیسات به منظور نگهداری ذخایر و تثبیت قیمت‌های جهانی و حقوق تولیدکنندگان در درجه اول، و حصول اطمینان از انجام تعهدات صادراتی به عنوان هدف بعدی بهره‌می‌برند. البته باید توجه داشت که هزینه ایجاد تأسیسات ذخیره‌سازی گندم مسئله



کم اهمیتی نیست. زیرا منافع حاصل از ذخیره‌سازی به حدی است که اکثر کشورهای جهان سهم قابل توجهی از اعتبارات عمرانی خود را به این مهم اختصاص می‌دهند. از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تلاش‌های ثمربخشی برای بالابردن ظرفیت ذخیره‌سازی گندم کشور صورت پذیرفت. مقایسه ظرفیت ایجاد شده سنوات قبل و بعد از انقلاب گواه درستی این مدعاست. البته باید در نظر داشت که وسعت، جمعیت، اقلیم، و پراکندگی سکونتگاه‌ها و مناطق تولید و مراکز مصرف، کشور ما را ناگزیر از اتخاذ سیاستی نموده است که در پرتو آن ایجاد ظرفیت ذخیره‌سازی مصرف یک ساله گندم را امری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. بدین لحاظ تا زمان ایجاد ظرفیت‌های جدید، و بهره‌برداری از سیلوهای در دست احداث، ذخیره‌سازی بخشی از گندم موردنیاز سالیانه کشور، در انبارهای متفرقه، به عنوان یک راه حل موقت لازم به نظر می‌رسد.

در مورد فن آوری ذخیره‌سازی گندم باید گفت، علاوه بر روش‌های سنتی نگهداشت گندم، طی دهه‌های اخیر استفاده از سیلوهای بتنی برای ذخیره‌سازی و فرایند گندم با ظرفیت‌های بالا رایج گردیده است. همچنین در سال‌های اخیر احداث سیلوهای فولادی برای ظرفیت‌های کمتر، به دلیل سرعت اجرا، و کاهش هزینه‌های احداث و نگهداری، و مقاومت در مقابل ترک خوردگی، و امکان نصب و جابجایی سریع آن از محلی به محل دیگر مورد استقبال قرار گرفته است.

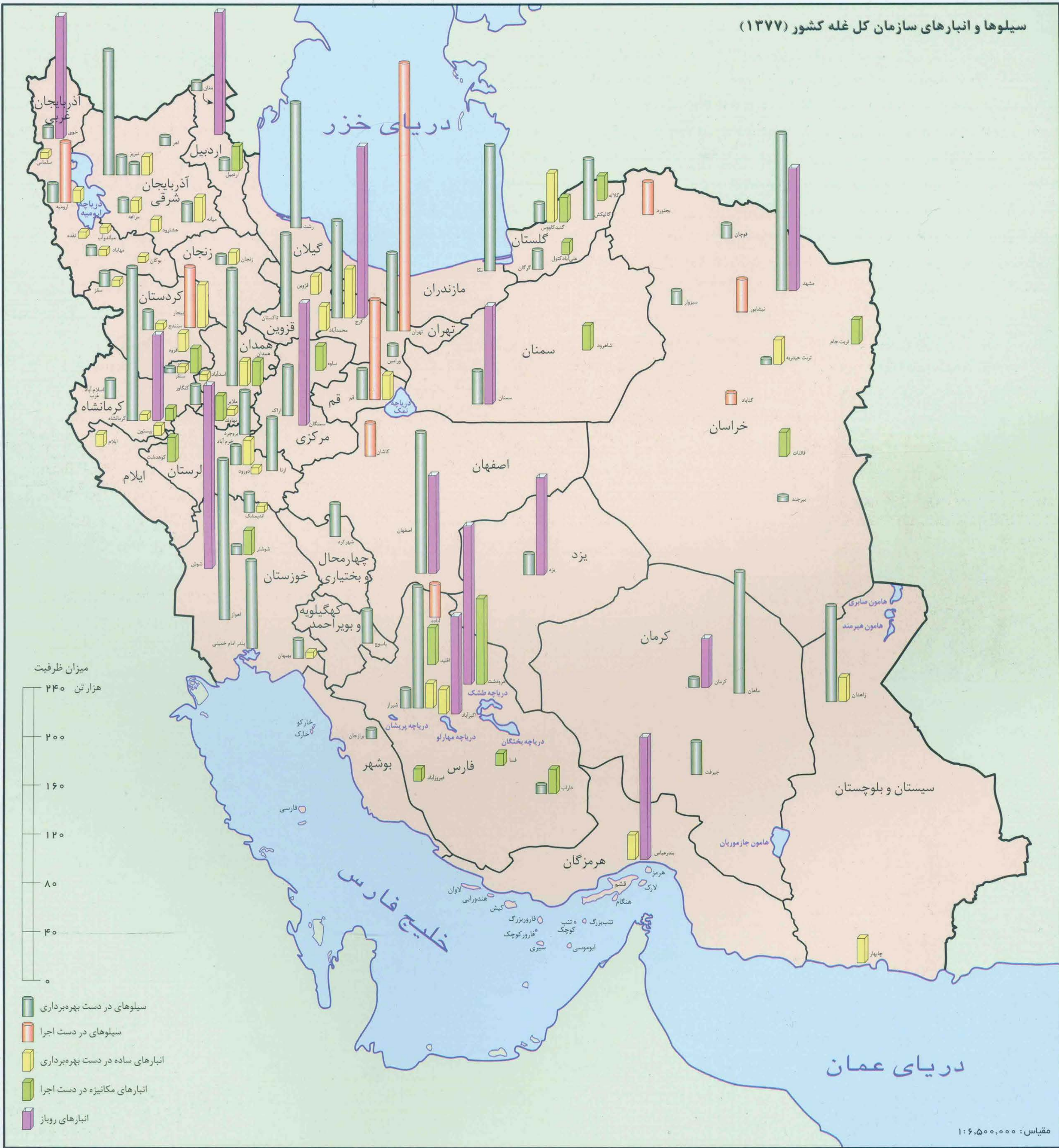
از منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بود. طی سال‌های بعد عملیات سیلوسازی به شکل نوین و با حجم ذخیره قابل ملاحظه آغاز، و به تدریج گسترش یافت، به گونه‌ای که تعداد آن از ۷ واحد سیلو در سال ۱۳۳۶ به ۴۴ واحد در سال ۱۳۵۲ و ۵۳ واحد در سال ۱۳۶۳، و سرانجام به ۶۳ واحد سیلو با ظرفیت ۱,۸۹۵,۰۰۰ تن، و ۳۹ واحد انبار ساده با ظرفیت ۵۱۸,۰۰۰ تن، و ۱۶ واحد انبار روباز با ظرفیت ۱,۳۵۰,۰۰۰ تن، در پایان سال ۱۳۷۶ افزایش یافت.

علاوه بر تأسیسات فوق، ۱۲ سیلوی جدید جمعاً با ظرفیت ۷۸۸,۵۰۰ تن، و ۱۸ واحد انبار مکانیزه جمعاً با ظرفیت ۳۹۰,۰۰۰ تن نیز در دست احداث می‌باشد، که به‌زودی به بهره‌برداری خواهند رسید.

بدین ترتیب مجموع ظرفیت تأسیسات ذخیره مورد بهره‌برداری گندم کشور تا پایان سال ۱۳۷۶ به ۴,۱۵۳,۰۰۰ تن و مجموع سیلوهای در دست احداث کشور ۷۸۸,۵۰۰ تن بالغ می‌گردد، که قریب ۲۰ درصد به ظرفیت‌های فعلی مورد بهره‌برداری اضافه خواهد شد.

باید گفت، که گرایش به ایجاد تأسیسات ذخیره‌سازی گندم منحصر به کشور ما نیست و بیشتر کشورها بنابه ضرورت به انجام این سرمایه‌گذاریها مبادرت می‌کنند. همانگونه که با پیدایش بحران غذایی سال ۱۹۷۱ در جهان تمهیدات زیادی برای جلوگیری از تکرار آن توسط بسیاری از کشورها اتخاذ شد، تا ذخایر احتیاطی خود را به حد اطمینان بخشی برسانند. هرچند برخی به جهت کمبود

سیلوها و انبارهای سازمان کل غله کشور (۱۳۷۷)



انبارها

نیاز به انبار و ذخیره‌سازی کالا از زمانی پیدا شد که انسان توانست بیش از احتیاج روزمره خود تولید کند. تا زمان انقلاب صنعتی، و در جوامع روستایی کار ذخیره‌سازی کالا محدود به نگهداری مایحتاج غذایی و بذرمصرفی بود. با پیشرفت فن‌آوری و تولید انبوه کالاها ضرورت ایجاد انبار به منظور نگهداری طولانی مدت کالاها احساس گردید، و جوامع صنعتی باتوجه به ویژگی اقتصادی خود ایجاد انبارها و سیلوهای مختلف را مورد توجه قرار دادند.

اهمیت اقتصادی انبار در حفظ و نگهداری کالا و تنظیم بازار عرضه و تقاضا هر روز آشکارتر می‌گردد. با ایجاد شبکه کارآمد نگهداری کالا می‌توان محصولات آسیب‌پذیر را از انواع ضایعات حفظ و مقدار تولید و عرضه آن را با تقاضای مازاد در فصول مختلف کم کرد. در گذشته کمبود انبارهای مناسب و پایین بودن ظرفیت انبارها، نسبت به حجم واردات از بنادر کشور سبب می‌شد، تا بخش قابل ملاحظه‌ای از کالاهای وارداتی تلف شود، یا تخلیه آنها از کشتی با تأخیر انجام گیرد. از این رهگذر خسارات فراوان مالی و هزینه قابل ملاحظه ارزی، ناشی از جریمه تأخیر تخلیه کشتی (دموراز) همواره به کشور تحمیل می‌گردید. تجربه‌های ناشی از افزایش درآمد نفت در اوایل دهه ۵۰ به‌خوبی نشان داد، که تنها با داشتن پول نمی‌توان مشکلات اقتصادی جامعه را چاره نمود. وجود تأسیسات زیربنایی مناسب، و از جمله شبکه کارآمد نگهداری کالا، هریک به سهم خود نقش بزرگی در پیشرفت اقتصادی کشور ایفا می‌نماید. در زیر به بررسی نقش و جایگاه دستگاه‌ها و بخشهای مختلف اقتصادی در ارتباط با امکانات و ظرفیت نگهداری کالا می‌پردازیم:

- به منظور نگهداری سایر کالاها بیشترین ظرفیت و تعداد انبارهای دولتی که

مورد استفاده قراردارند، انبارهای گمرک است. در مجموع گمرکات عظیم‌ترین انبارهای سرپوشیده و روباز کشور را اختیار دارند. با این حال رسوب کالا در انبارها و انباشتگی آن برای مدت‌های طولانی هنوز بزرگترین مشکل انبارهای گمرکی است. - برخی از دستگاه‌ها و نهادهای دولتی نیز به دلیل تنوع و گستردگی فعالیت‌های جاری و عمرانی خود اقدام به ایجاد انبارهای متعدد برای ذخیره مواد و مصالح مصرفی خود نموده‌اند، که مجتمع انبارهای وزارت جهادسازندگی و شرکت‌های خدماتی حمل و نقل وابسته به وزارت بازرگانی نظیر بهمن، طریق القدس، خیبر، شرکت بار و انبار از آن جمله است.

علاوه بر اینها تعداد قابل توجهی از انبارهای کشور در اختیار بخش تعاونی است، و ظرفیت قابل ملاحظه‌ای از انبارهای سرد طی برنامه دوم توسعه برای سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران در دست اجراست، که اکثر آنها به مرحله بهره‌برداری رسیده‌اند.

قابل ذکر است که هریک از تعاونی‌ها به تناسب امکانات و بنابر نیاز خود اقدام به تهیه انبارهای کوچک و بزرگ به صورت استیجاری و تملیکی نموده‌اند، که ذکر مشخصات و دست‌یابی به تعداد و ظرفیت و محل استقرار آنها، به دلیل تنوع و تعداد آنها در این مختصر امکان‌پذیر نیست.

علاوه بر گندم که کالای اساسی بخش کشاورزی است و در مورد امکانات ذخیره‌سازی آن جداگانه بحث گردیده است، نگهداری سایر تولیدات کشاورزی نظیر سیب زمینی، پیاز، سیب درختی، و سایر میوه‌ها و مواد غذایی، نهادهای زراعی، محصولات دامی، علوفه و خوراک دام و طیور (که در اختیار شرکت تهیه و توزیع علوفه می‌باشد) مستلزم ایجاد تأسیسات نگهداری جداگانه‌ای است، که به طور کلی زیر پوشش سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور، و یا واحدهای

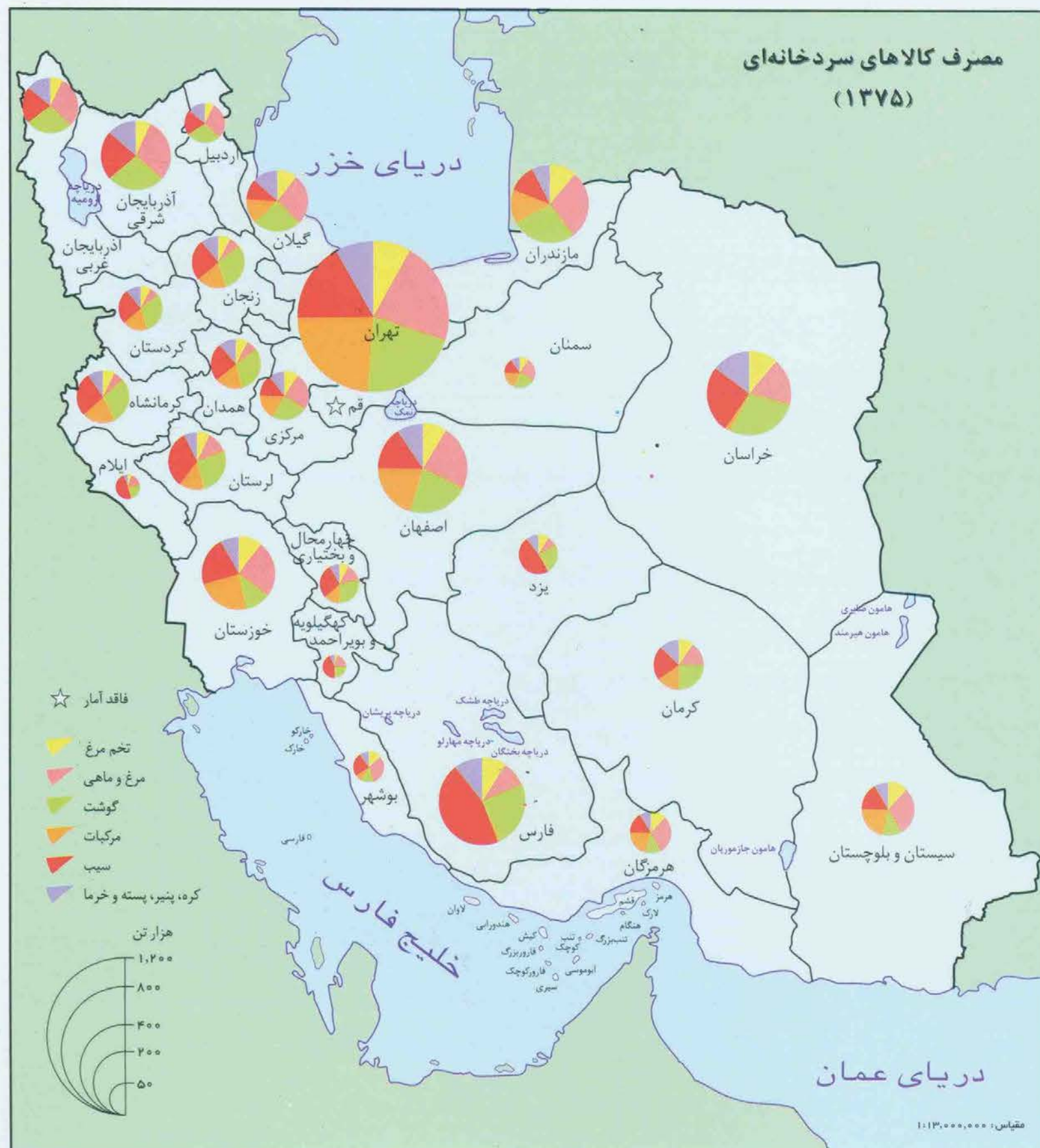
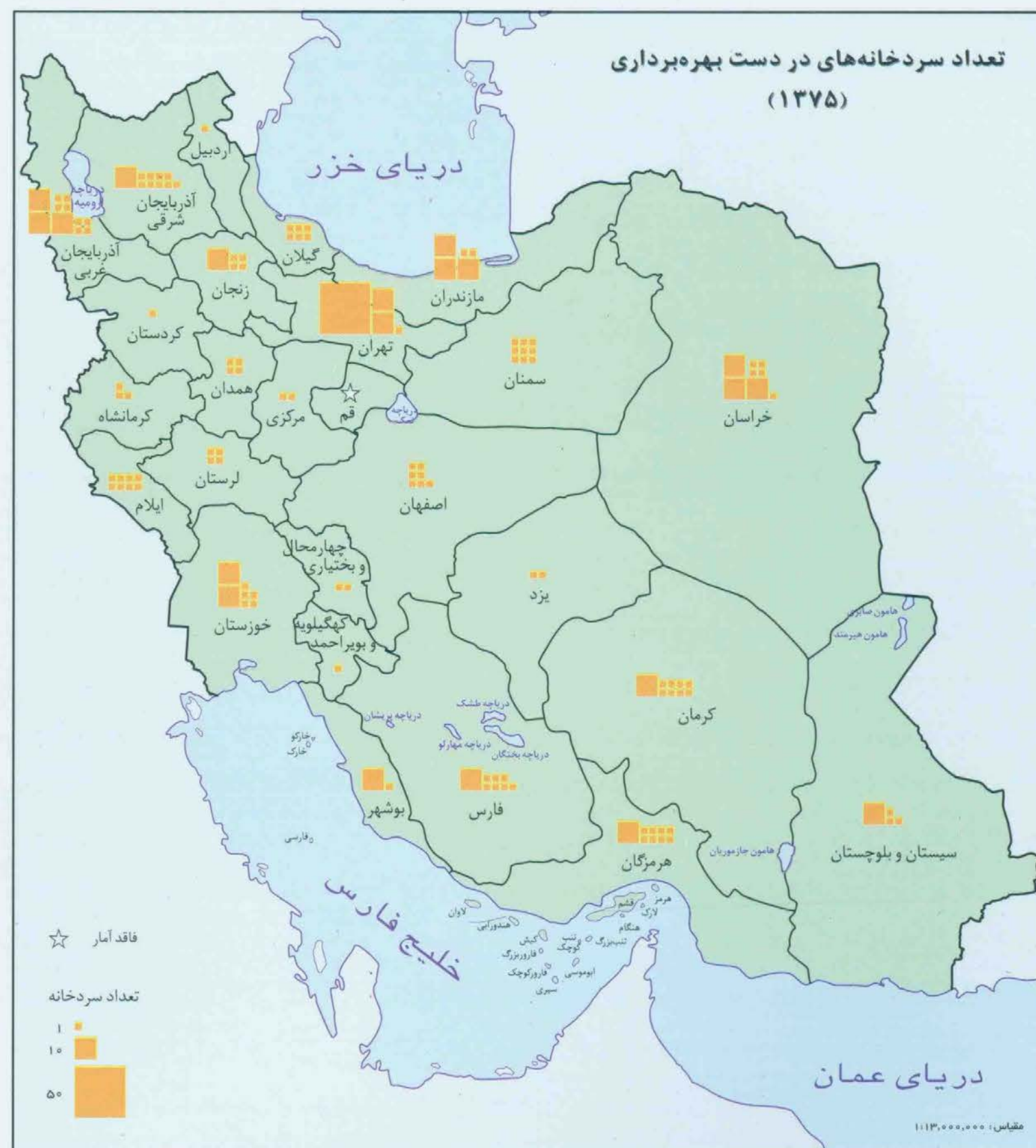
تابع وزارت کشاورزی است.

این انبارها چند منظوره بوده و در فصول مختلف کاربریهای گوناگون دارند. کار نگهداری و توزیع نهادهای زراعی، نگهداری محصول در فصل برداشت و ذخیره‌سازی موقت بخشی از عملکرد این انبارهاست. باید افزود که جایگاه بخش دولتی در مورد نگهداری تولیدات کشاورزی بسیار محدود می‌باشد، و تنها با سیاست‌های اتخاذ شده پیرامون خرید تضمینی محصولات کشاورزی، انبارهای چندمنظوره با همکاری وزارت کشاورزی و سازمان مرکزی تعاون روستایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش سازمان مذکور در رابطه با خرید و نگهداری محصولات کشاورزی استانها با اهمیت می‌باشد، و محصولات عمده کشاورزی آنها نظیر سیب‌درختی، سیب‌زمینی، پیاز، حبوبات، گندم و جو و... در موارد فراوانی یا کمبود به منظور جلوگیری از زیان کشاورزان تولیدکننده، و کوتاه کردن دست واسطه‌ها، به قیمت تضمینی خریداری و در این انبارها نگهداری می‌شوند.

انبارهای چای؛ این انبارها در گذشته همه در مالکیت سازمان چای کشور قرار داشت و علاوه بر ۴۳،۱۵۰ تن ظرفیت موجود، احداث ۱۵ هزارتن ظرفیت جدید نیز در برنامه اول برای آن افزوده گردید. میزان بهره‌برداری این انبارها براساس موجودی پایان نیمه اول سال مذکور حدود ۹۵ درصد برآورده شده است.

انبارهای علوفه؛ این انبارها متعلق به صندوق عمران مراع بوده و در پایان سال ۱۳۶۳ میزان بهره‌برداری آن براساس موجودی پایان نیمه اول معادل ۱۱۱ هزارتن اعلام گردیده است. از این مقدار ۳۷ درصد ملکی (۴۱ هزارتن) و بقیه به صورت استیجاری است. میزان بهره‌برداری از انبارهای صندوق عمران مراع در سال ۱۳۷۳ معادل ۴۸ درصد اعلام گردیده است، که حداقل معادل ۶ ماه از تعهدات سالیانه دولت می‌باشد.





انبارهای کودشیمیایی؛ این انبارها که همگی در مالکیت شرکت پخش کود و تولید سم قرار دارد، در سال ۱۳۷۱ معادل ۲۴۷,۵۰۰ تن بوده است، و بین استان‌های مختلف کشور توزیع شده است. میزان بهره‌برداری از انبارهای کودشیمیایی و سم در سال ۱۳۷۱ معادل ۳۳ درصد، براساس میانگین موجودی طی سال و حدود ۵۵ درصد براساس حداکثر موجودی طی سال بوده است.

سردخانه‌ها

سابقه نگهداری مواد غذایی به قدمت تاریخ پیدایش انسان‌ها است. حفظ غذای مازاد از دسترس رقا و گزند جانوران و موجودات دیگر و جلوگیری از فساد آن، همواره یکی از دغدغه‌های فکری و مشغله‌های کاری انسان را در طول تاریخ تشکیل می‌داده است. که با تحولات چشمگیر سال‌های اخیر، به‌ویژه افزایش جمعیت و پیدایش مراکز جمعیتی انبوه، و مراکز عمده تولید مواد غذایی، همگام با پیشرفت علوم و تکنولوژی، روشهای مختلف و مدون نگهداری مواد غذایی فاسدشدنی نیز رو به گسترش گذاشته است.

در سال ۱۸۷۵ سیستم مکانیکی تولید سرما با استفاده از آمونیاک ابداع شد، و از آن به بعد استفاده از انبارهای سرد برای نگهداری مواد غذایی رایج شد. تجارب موجود نشان داده است که در بین روشهای مختلف نگهداری، استفاده از برودت، نسبت به سایر روش‌ها حداقل تغییرات را در ساختمان بافت‌ها و نسوج و کیفیت ظاهری مواد غذایی به وجود می‌آورد. کاربرد این روش در همه جای دنیا به صورت یخچال‌های خانگی، و کشتی‌های عظیم سردخانه‌دار و انبارهای سردخانه‌ای و وسایط نقلیه مجهز به سردخانه، کار حمل و نقل و نگهداری مواد غذایی فاسدشدنی را برای مدتهای طولانی امکان‌پذیر ساخته است.

ایران از جمله کشورهایی است که در امر استفاده از تأسیسات سردخانه‌ای

پیشقدم بوده است: اولین سردخانه‌های صنعتی در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی با اعتبار وزارت صنایع و معادن توسط دولت روسیه در بندرانزلی برای شیلات شمال احداث شد. این تأسیسات به روش سرماسازی با مخلوط آب و نمک ایجاد گردیده بود. تا سال ۱۳۵۱ با وجود توسعه‌ای که در فعالیت سردخانه‌ها در کشور پیدا شد، لیکن برنامه‌ریزی مدونی برای ایجاد و استفاده منظم از سردخانه در



ایران وجود نداشت. در این سال برای نخستین بار «استاندارد و آیین‌نامه کاربرد ساختمان، تأسیسات و تجهیزات فنی، بهداشتی و نگهداری سردخانه‌های مواد غذایی» تهیه و انتشار یافت.

بدین ترتیب احداث سردخانه در محل‌های مناسب و به کارگیری آن برای نگهداری کالاهای فسادپذیر، به عنوان یک فعالیت اقتصادی با اهمیت در چارچوب برنامه‌ای جامع و هماهنگ با سیاست‌های تولید، واردات، و توزیع

مواد غذایی و با هدف ذخیره کالا، عرضه به موقع کالا، جلوگیری از احتکار، و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در فصول مختلف سال، و در نهایت کنترل و تثبیت قیمت‌ها، و تأمین منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مواد غذایی مورد توجه قرار گرفت، و در پرتو آن نظام تولید، توزیع و مصرف فرآورده‌های دامی و میوه، دگرگون و امکان تولید انبوه و توزیع وسیع، و مصرف دایمی این کالاها فراهم گردید.

محل سردخانه‌ها به طور معمول در نزدیکی مراکز شهری استان‌ها واقع گردیده و مساحت زمین آن با در نظر گرفتن ظرفیت سردخانه، فضای سبز، و توسعه آتی آن تعیین می‌گردد، و پس از انجام مطالعات اقتصادی و فنی، و برآورد دقیق عرضه و تقاضا و تعیین ظرفیت سردخانه و واحدهای جانبی آن، حجم سرمایه‌گذاری، و زمان‌بندی اجرایی، به صورت سالن‌های یک مداره زیرصفر، و سالن‌های یک مداره بالای صفر و سالن‌های دومداره ایجاد می‌گردد.

بررسی‌های انجام شده در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که در مجموع ۳۶۱ واحد سردخانه با ظرفیت ۹۲۵,۰۲۰ تن مواد خوراکی در کل کشور به فعالیت اشتغال دارند. از این تعداد ظرفیت ۴۴۷,۷۶۷ تن مربوط به سردخانه‌های بالای صفر، و ۱۷۹,۴۰۶ تن مربوط به سردخانه‌های زیر صفر، و ۲۹۷,۸۴۷ تن بقیه به سردخانه‌های دومداره اختصاص دارد. همچنین ۷۷ واحد نیز با ظرفیت نگهداری سالیانه ۱۷۹,۶۴۵ تن در حال احداث است. از این مقدار ظرفیت ۸۶,۶۷۰ تن برای نگهداری در شرایط بالای صفر و ۴۸,۶۲۵ تن برای شرایط زیرصفر و ۴۴,۲۰۷ تن ظرفیت به سردخانه‌های دومداره اختصاص دارد.

بدین ترتیب با احداث و بهره‌برداری واحدهای در دست اقدام، جمع کل تعداد سردخانه‌های کشور به ۴۳۸ واحد، و جمع ظرفیت نگهداری سالانه به

۱,۱۰۴,۶۶۵ تن خواهد رسید.

از سردخانه‌های موجود ۲۹ واحد با جمع ظرفیت ۱۷۹,۵۵۱ تن متعلق به شرکت گسترش خدمات بازرگانی، و ۳۲۲ واحد با جمع ظرفیت ۷۵۷,۸۱۴ تن متعلق به بخش خصوصی، و ۱۵ واحد با جمع ظرفیت ۲۶,۷۰۰ تن متعلق به سازمان گوشت، و ۲۶ واحد با جمع ظرفیت ۱۶,۴۵۰ تن متعلق به شرکت شیلات، و ۶ واحد با جمع ظرفیت ۱۸,۵۰۰ تن به وزارت کشاورزی، و ۴ واحد با جمع ظرفیت ۷,۸۶۰ تن به بنیاد شهید، و ۳۶ واحد بقیه با جمع ظرفیت ۷۸,۸۰۰ تن به سایر مؤسسات دولتی متعلق بوده است.

از این تعداد استان تهران با وجود ۷۱ سردخانه با مجموع ظرفیت ۳۰۰,۶۲۴ تن، معادل ۲۷/۲ درصد ظرفیت کل کشور را به خود اختصاص داده و در مقام اول قرار دارد. استان خراسان با جمع ظرفیت ۱۰۴,۷۵۹ تن (معادل ۹/۵ درصد ظرفیت کل کشور) در مقام دوم، و استان مازندران با جمع ظرفیت ۷۵,۵۰۰ تن (معادل ۶/۸۵ درصد کل ظرفیت کشور) در مقام سوم، و استان کرمان با ۷۰,۳۵۰ تن (معادل ۶/۳۵ درصد کل ظرفیت کشور) در مقام چهارم قرار دارند. متقابلاً استان‌های اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام به ترتیب ۰/۲۷ درصد، ۰/۲۹ درصد، و ۰/۳۱ درصد ظرفیت سردخانه ای کشور را دارا می‌باشند.

قابل ذکر است که با تأسیس سازمان گسترش خدمات بازرگانی، وابسته به وزارت بازرگانی در سال ۱۳۷۷ تعداد ۲۶ سردخانه جمعاً با ظرفیت ۱۵۷,۴۰۵ تن ظرفیت توسط سازمان مذکور مورد بهره برداری قرار گرفته است.

کشتارگاه‌ها

پایین بودن سطح فرهنگ عمومی، و نارسایی امکانات سرمایه‌گذاری در ایجاد و توسعه تأسیسات بهداشتی، و در نتیجه فقر و تنگدستی طبقات محروم،

و عدم رعایت مسایل فنی و بهداشتی، موجب گردیده است تا میلیون‌ها نفر از مردم جهان همه ساله به دلیل استفاده از گوشت‌های آلوده به بیماری‌های گوناگون، تلف شوند، و از این طریق ضایعات فراوان و خسارات اقتصادی قابل توجهی به کشورها وارد گردد. نتایج بررسی‌ها و تجارب کسب شده گواه این واقعیت است که ایجاد و بهره‌برداری از کشتارگاه‌های صنعتی و مجهز یکی از راه‌های مفید و مؤثر در امر نظارت و کنترل بر تأمین و توزیع بهداشتی مواد گوشتی و جلوگیری از ضایعات انسانی و دامی است.

در این راستا طی دهه‌های اخیر تقریباً اکثر شهرهای کشور ما نیز به کشتارگاه‌های نسبتاً بهداشتی مجهز گردیده‌اند. بدین منظور مطالعات مکان‌یابی کشتارگاه‌ها در نقاط دور از شهرها صورت پذیرفته است، تا ساکنین شهرها از آثار منفی نظیر بوی زننده، کثافات، حشرات و دیگر عوارض دامی و انسانی در امان باشند. هرچند با تحولاتی که در ساختمان کشتارگاه‌های جدید پدید آمده معایب تا حد زیادی برطرف شده است. به نحوی که در مطالعات جدید فاصله مناسب احداث کشتارگاه‌های بزرگ را حد اکثر ۶ کیلومتر، و برای کشتارگاه‌های متوسط ۳ کیلومتر، و برای کشتارگاه‌های کوچک ۲ کیلومتر، کافی می‌دانند. لیکن محل احداث این تأسیسات الزاماً می‌بایست در مجاورت یکی از جاده‌های اصلی یا فرعی مرتبط به شهر و یا در مسیر دام تعیین گردیده، و رعایت نکاتی نظیر شیب اراضی، مسیر باد، دسترسی به شبکه‌های آبرسانی، برق رسانی، تخلیه بهداشتی فاضلاب، و سایر ضوابط فنی و بهداشتی از نکاتی است که رعایت آنها لازم شمرده می‌شود.

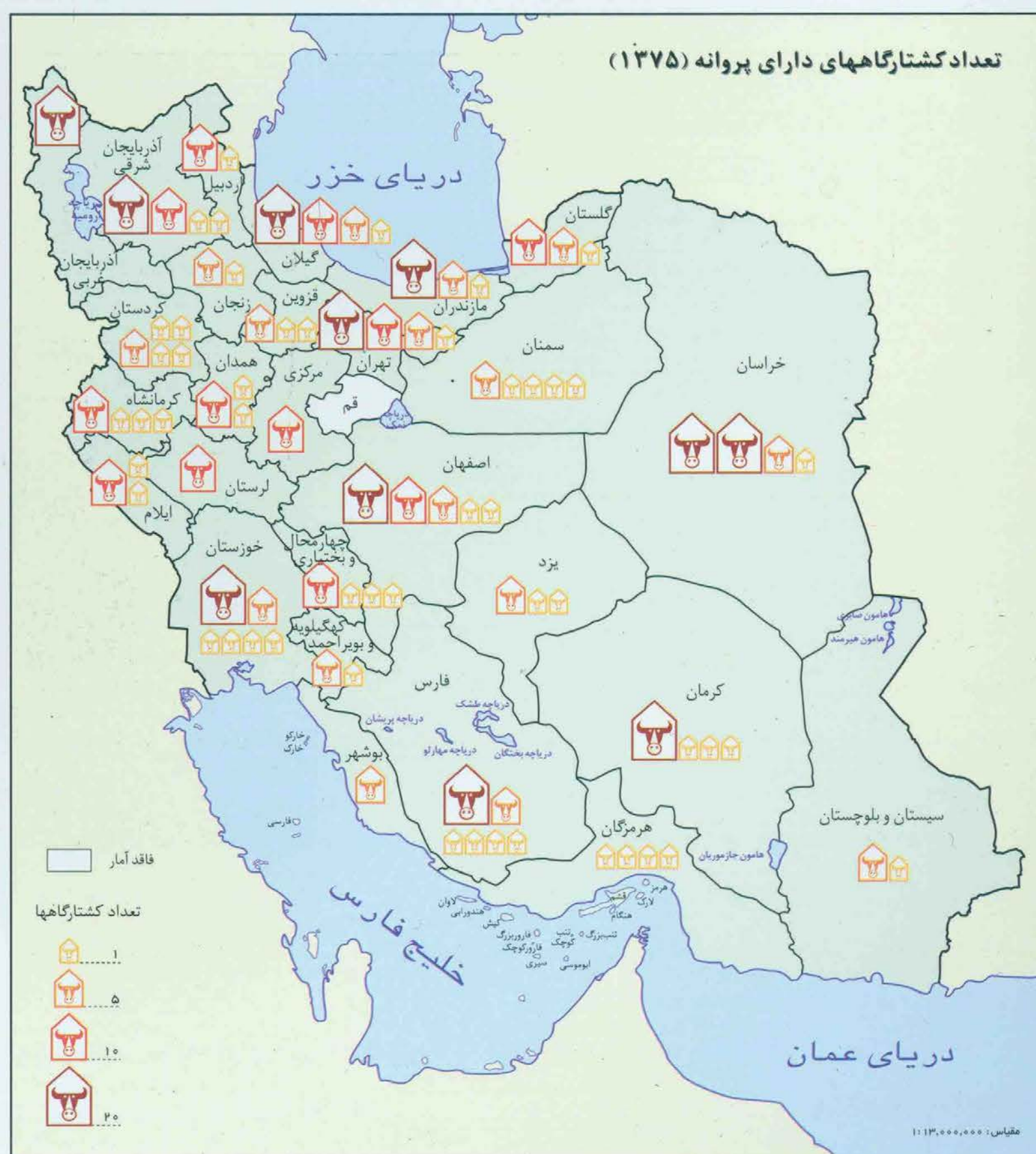
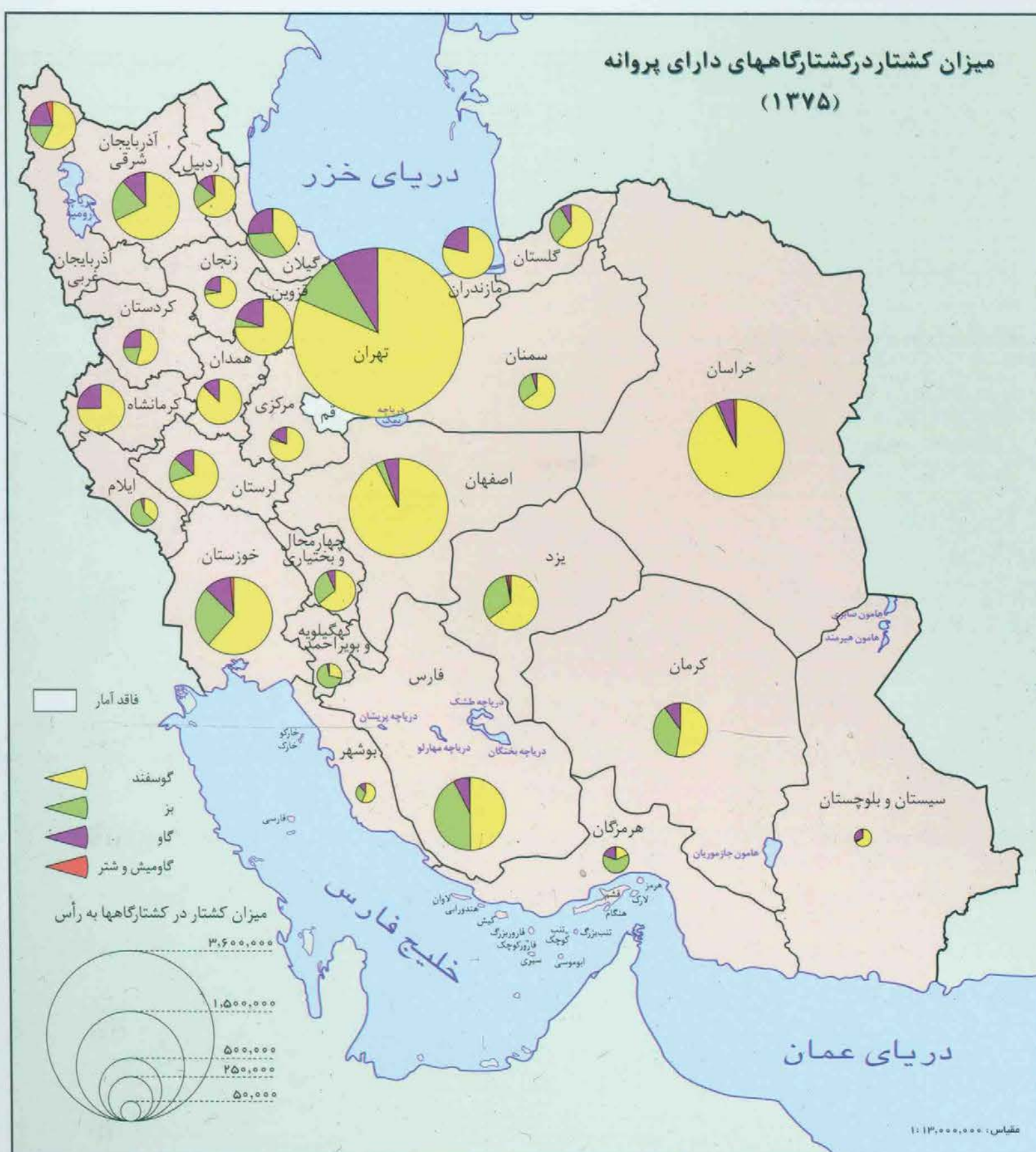
نگاهی اجمالی به وضعیت کشتارگاه‌های کشور در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی (۱۳۶۰) حاکی است که از ۴۴۶ شهر دارای شهرداری کشور

۳۸۸ شهر کشتارگاه داشته‌اند، و ۴۱ شهر فاقد کشتارگاه بوده‌اند، و در ۲۰ مورد اعلام نظر نشده است. از این تعداد ۳۳۶ مورد دارای آب لوله کشی، ۳۶۰ مورد دارای چاه آب، و در ۱۰ مورد آب مورد نیاز را به طرق دیگر تأمین می‌ساخته‌اند. همچنین ۱۹۷ کشتارگاه دارای چاه فاضلاب، و ۴۳ مورد دارای شبکه فاضلاب و ۴۹ مورد دارای سپتیک، و در ۵۱ مورد فاقد فاضلاب بهداشتی بوده‌اند. در سال مذکور ۱۳۵ کشتارگاه دارای وسیله توزین، ۵۰ مورد دارای وسیله نقلیه سردکننده، و ۳۲۱ مورد دارای برق رسانی، و ۳۶ مورد از ارتباط تلفنی برخوردار بوده‌اند.

در سال مذکور در ۲۶۰ کشتارگاه شهری لاشه‌ها، پس از ذبح معاینه شده‌اند، و این کار در ۵۰ مورد به وسیله دامپزشک، و در ۲۰۷ مورد توسط تکنیسین دامپزشکی، و در ۷۵ مورد توسط بازرسی بهداشتی انجام گردیده است.

با وجود سیاست‌های تشویقی دولت برای خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری در کشتارگاه‌ها، استقبال بخش خصوصی پایین بوده است و به استان تهران محدود می‌شود. نرخ بهره بالا، کنترل قیمت و رقابت دستگاه‌هایی نظیر: شهرداری، سازمان گوشت - که از یارانه دولتی استفاده می‌کنند - باعث عدم استقبال سرمایه‌گذاران بخش خصوصی گردیده است.

در مجموع می‌توان گفت که شهرداری‌ها بیشترین تعداد کشتارگاه‌های کشور را در اختیار دارند، به موجب آمار برداشت شده در سال ۱۳۷۴ از تعداد ۴۵۷ کشتارگاه دارای پروانه در کشور، تعداد ۴۲۳ واحد در مالکیت شهرداری‌ها، و ۲۰ واحد در مالکیت شرکت‌های خصوصی، و بقیه در تملک سازمان گوشت، بانک‌ها و سازمان‌های دولتی قرار داشته، و یا به صورت استیجاری به فعالیت اشتغال داشته‌اند.

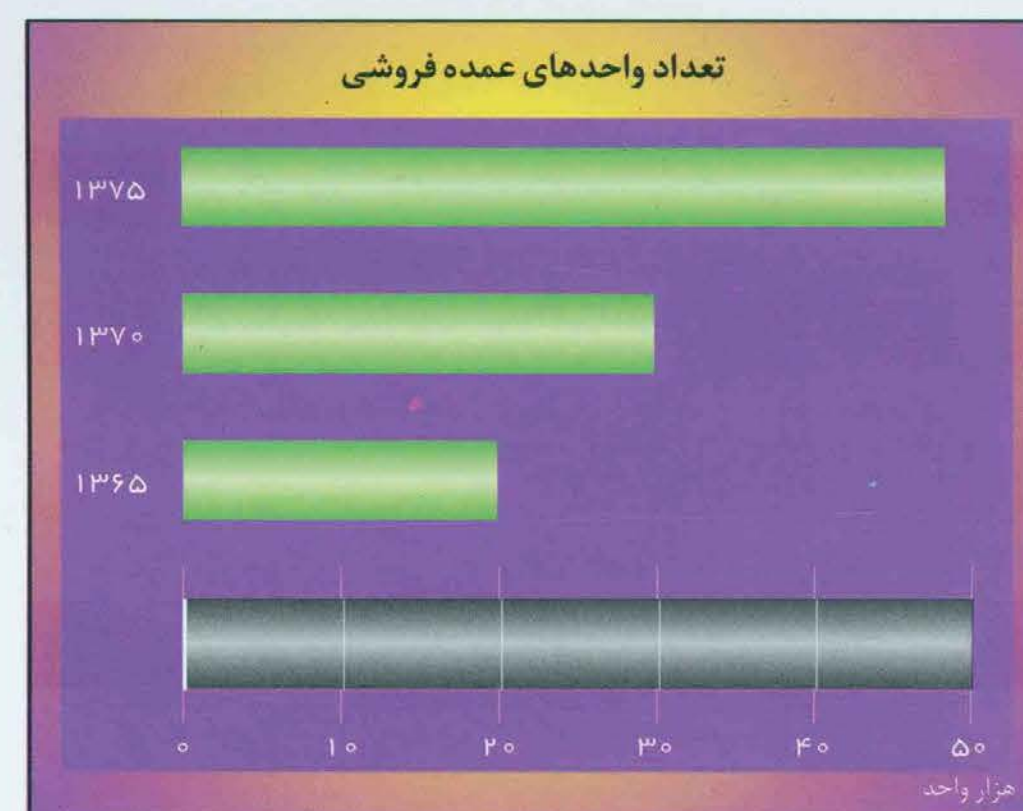


شبکه توزیع بازرگانی داخلی

کلیه فعالیت‌ها و نهادهایی که اقدامهای مربوط به خرید، نگهداری، جا به جایی، و عرضه و فروش کالا از مراکز تولید، یا مبادی واردات به داخل، تا رسیدن به مصرف‌کننده نهایی، را در داخل کشور برعهده دارند، شبکه توزیع بازرگانی داخلی نامیده می‌شوند. این نهادها عبارت از شرکت‌های عمده فروشان داخلی، بنکداران، سیلوها، سردخانه‌ها، انبارها، متصدیان حمل و نقل و فروشندگان جزء می‌باشند.

عمده فروشی و خرده فروشی

بررسی وضعیت کارگاه‌ها طی دهه‌های گذشته حاکی است که تعداد آنها اعم از عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، در سال ۱۳۵۵ معادل ۳۹۲،۰۳۰ واحد بوده است. این رقم با ۹۲ درصد رشد، در سال ۱۳۶۵ به ۷۵۲،۸۴۳ کارگاه افزایش یافته است. در سال ۱۳۷۰ تعداد واحدهای عمده و خرده فروشی به ۸۵۲،۸۱۳

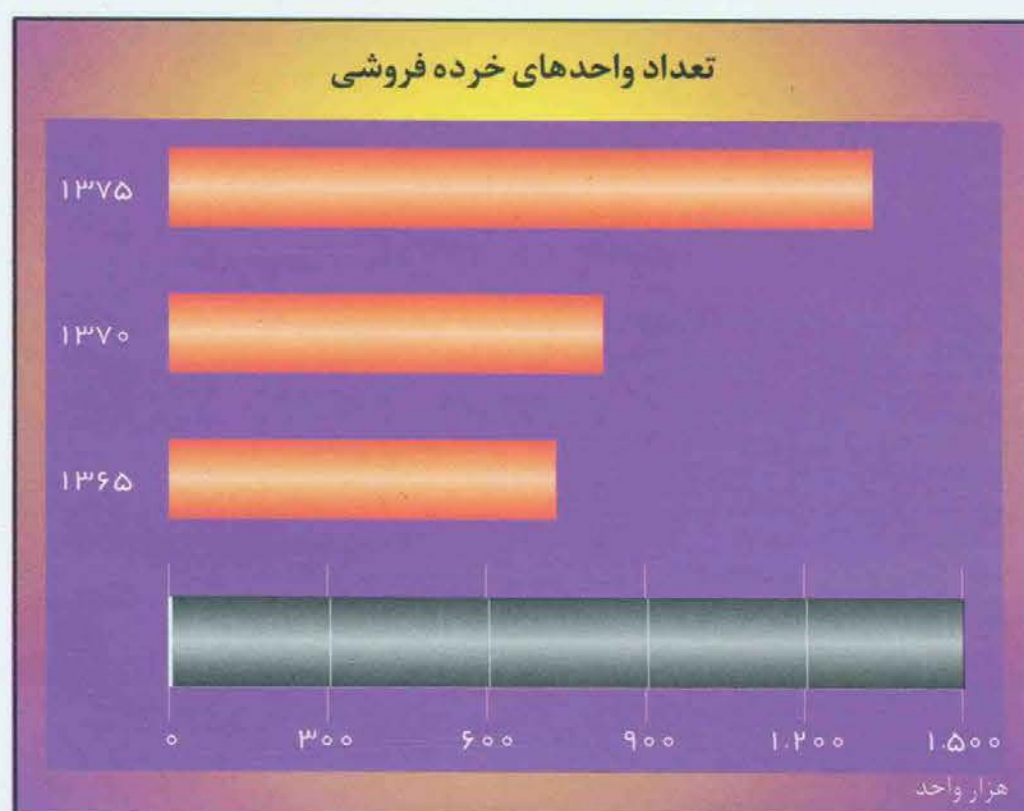


واحد رسیده است، که رشدی معادل ۱۳/۳ درصد را طی ۵ سال نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۵ تعداد کل کارگاه‌های عمده و خرده فروشی به ۱،۳۸۲،۰۸۳ کارگاه رسیده است، که نسبت به سال ۱۳۶۵ حدود ۸۳/۶ درصد افزایش یافته است. بدیهی است این روند افزایش بسیار فراتر از شاخص‌های جهانی است، و دلایل عمده آن را باید در اشتغال‌زایی، و درآمدزایی کوتاه مدت، سهولت راه‌اندازی و سرمایه‌بری، افزایش تفاوت درآمد ناشی از تورم، ضعف نظام صنفی، ترویج روزافزون واسطه‌گری در شبکه توزیع کشور و به طور خلاصه نارسایی و ناهماهنگی نظام توزیع با توسعه اقتصادی - اجتماعی، و گسترش شهرنشینی، و تغییرات ساختاری اقتصاد طی این دوره برشمرد. ادامه این روند ضرورت اصلاح نظام توزیع و گسترش فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای را به نحو روزافزون قوت می‌بخشد.

بررسی آمار موجود حاکی است که در سال ۱۳۷۵ حدود ۸۷ درصد عمده فروشی‌ها در شهرها، و ۱۳ درصد آن در روستاها قرار داشته‌اند. همچنین ۷۳ درصد از خرده فروشی در سال مذکور، در شهرها و بقیه در روستاها فعالیت داشته‌اند. در سال ۱۳۶۵ به ازای هر ۶۷ نفر جمعیت یک خرده فروشی وجود داشته است. این نسبت در سال ۱۳۷۰ به ۶۸ نفر رسیده است. شاخص مذکور در سال ۱۳۷۵ به ۴۵ نفر در ازای هر خرده فروشی تغییر یافته است. در حالی که در سال ۱۳۵۵ در مقابل هر ۹۱ نفر یک خرده فروشی فعالیت داشته است.

روند گسترش عمده فروشی‌ها طی دهه ۷۵ - ۱۳۶۵ نیز حکایت از تحوّل ساختاری در نظام توزیع کشور دارد. در سال ۱۳۵۵ به ازای هر عمده فروشی ۱۸ خرده فروشی وجود داشته است. لیکن در سال ۱۳۶۵ در مقابل هر عمده فروشی بیش از ۳۶ خرده فروشی فعالیت داشته‌اند. این نسبت در سال ۱۳۷۵ به ۲۸ خرده فروشی در ازای هر عمده فروشی تغییر یافته است.

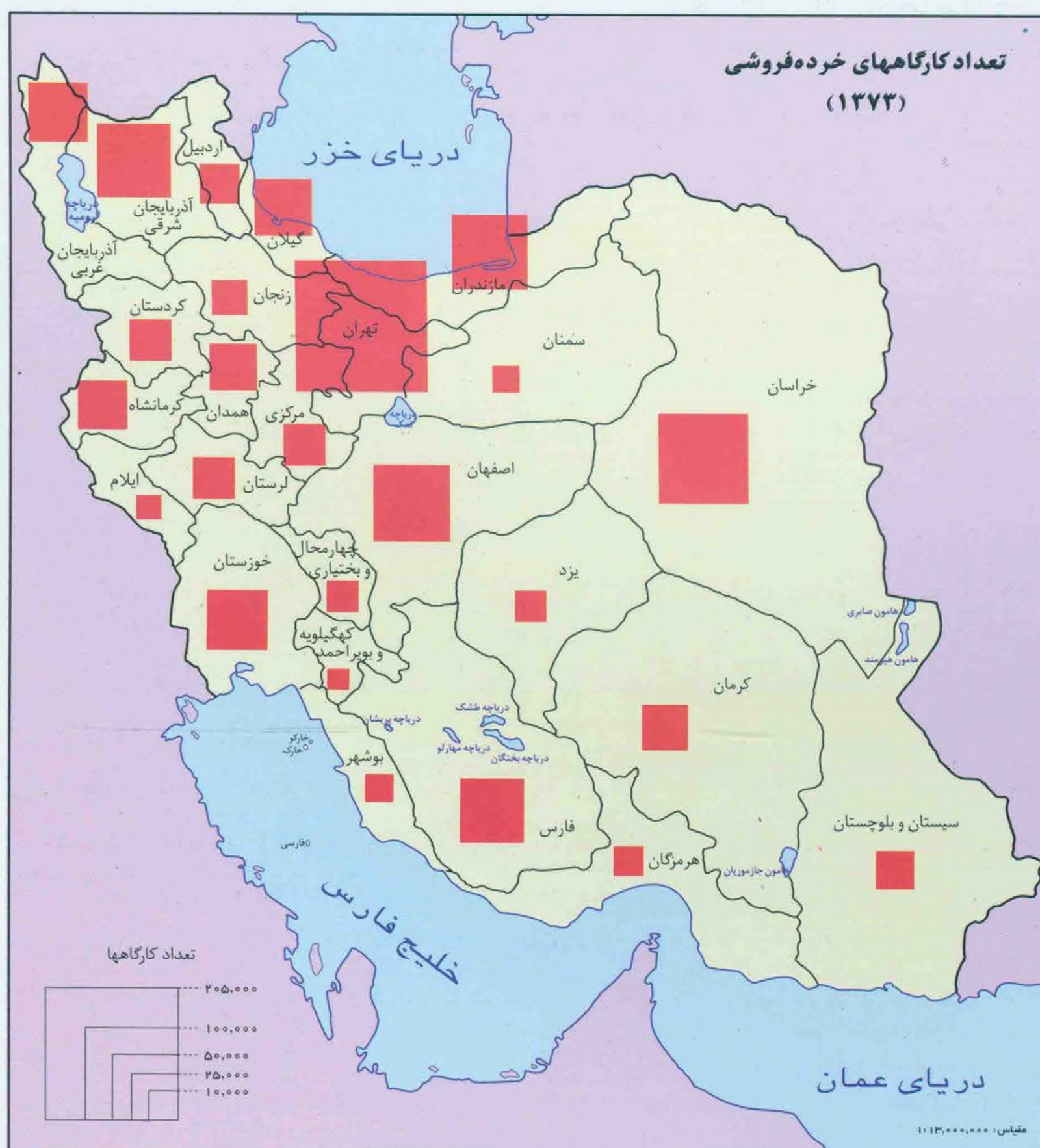
تعداد واحدهای خرده فروشی

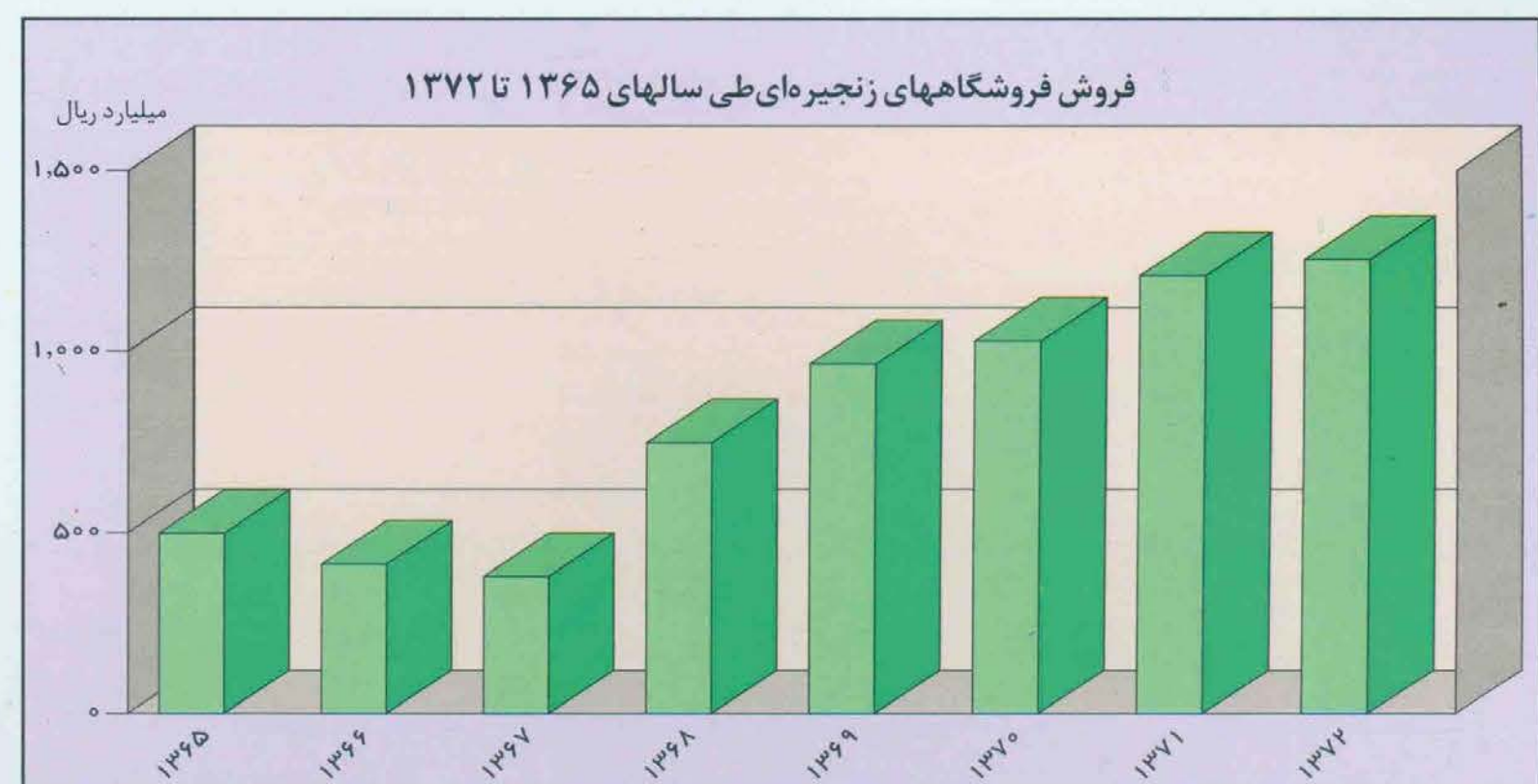
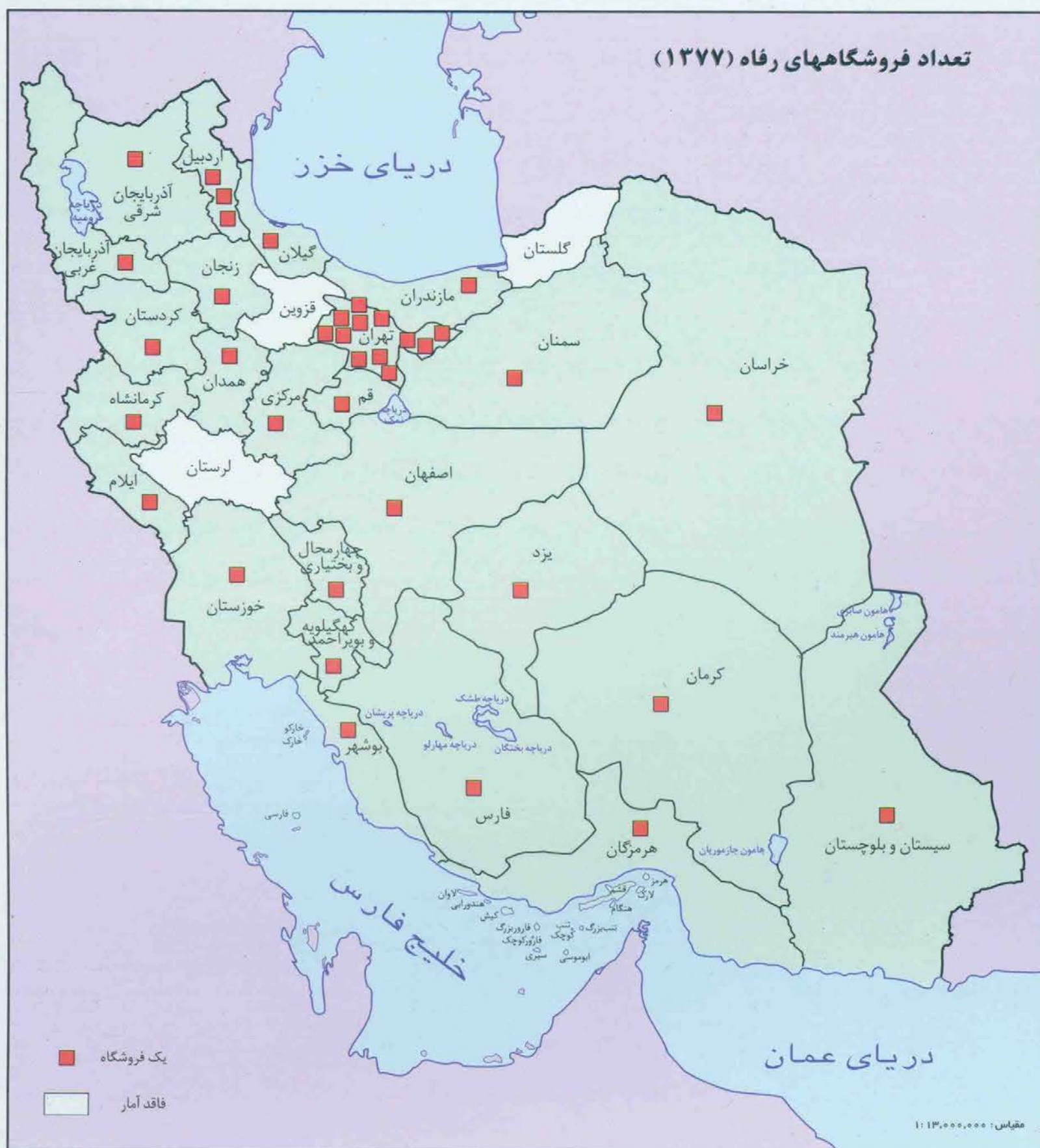


در سال ۱۳۵۵ به ازای هر ۱،۵۸۸ نفر جمعیت یک عمده فروشی وجود داشته است، در سال ۱۳۷۰ این رقم به ۱،۸۶۹ نفر به ازای هر عمده فروشی افزایش یافته است، که روندی معکوس با روند خرده فروشی‌هاست. بنابراین عمده فروشی‌ها تعداد بیشتری از خرده فروشی‌ها، و تعداد بیشتری از جمعیت را در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۵۵ زیر پوشش داشته‌اند.

نسبت قیمت عمده فروشی به خرده فروشی

متوسط شاخص بهای عمده فروشی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹) طی سال‌های ۷۶ - ۱۳۶۷ از ۴۸/۱ به ۶۶۳/۶ رشد یافته است، که متوسط نرخ رشد سالانه آن معادل ۲۸/۷ درصد می‌باشد. همچنین متوسط شاخص بهای خرده فروشی نیز از ۷۸/۲ در سال ۱۳۶۷ به ۵۳۸/۲ در سال ۱۳۷۶ افزایش داشته است، که بیانگر متوسط نرخ رشد ۲۴ درصد طی دوره دهساله مذکور





فروشگاهی، مجهز به خدمات رفاهی نظیر سینما، تئاتر، فضاهای ورزشی، تجاری و اداری نیز می‌باشد.

بررسی نحوه فعالیت و عملکرد فروشگاههای زنجیره‌ای با سابقه فعالیت چندین ساله در ایران نشان می‌دهد که سهم فروش این فروشگاهها به خانواده‌های ساکن در مناطق شهری کشور از ۱/۶ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۰/۸ درصد در سال ۱۳۷۳ تقلیل یافته است، که این تغییر مؤید محدود شدن نقش آنها در شبکه توزیع است. اظهارات عنوان شده از سوی کارشناسان و مسئولین ذیربط حاکی است که این فروشگاهها با مشکلات خاصی مواجه هستند، که از عمده‌ترین آنها به کمبود نقدینگی، عدم امکان ارتباط صحیح و مستقیم با بخش تولید، نارسایی استمرار عرضه کالا، عدم کارایی مدیریت آنها، و فقدان آموزش و مهارت‌های مورد نیاز، و فرسودگی تجهیزات موجود در بسیاری از فروشگاههای زنجیره‌ای قدیمی، می‌توان اشاره نمود. ضمن اینکه وابستگی به بودجه عمومی دولت در مورد فروشگاههای تعاونی شهر و روستا از جمله عواملی است که باعث کاهش کارایی، و میزان فروش این فروشگاهها در سالهای اخیر بوده است.

هر چند کل فروش فروشگاههای زنجیره‌ای شامل سپه، تعاونی شهر و روستا، و قدس طی سالهای ۷۶-۱۳۶۵ به قیمت‌های جاری حدود ۷ برابر افزایش یافته است، و به رقم ۲,۷۵۵ میلیارد ریال رسیده است. لیکن توجه به آمار مربوط به سالهای ۷۴-۱۳۶۵ نشان می‌دهد که فروشگاههای زنجیره‌ای سپه از رشد بیشتری نسبت به سایر فروشگاهها برخوردار بوده است. کمالینکه طی سال ۱۳۷۴ حدود ۶۱ درصد کل فروش فروشگاههای زنجیره‌ای را به خود اختصاص داده است. قابل ذکر است که این سهم در سال ۱۳۶۵ حدود ۴۲ درصد بوده است.

به دست شدن بی‌مورد کالا در شبکه توزیع مقابله کنند.

همان گونه که سیاست ایجاد فروشگاههای زنجیره‌ای در بسیاری از نقاط جهان مورد تأکید است، در ایران نیز برای نخستین بار در سال ۱۳۵۱ این طرح به اجرا درآمد. در سالهای پس از انقلاب اسلامی نیز، با تأسیس ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، ایجاد فروشگاههای زنجیره‌ای شهرنود، و رفاه به تصویب رسید. ایجاد این فروشگاهها، تسهیل دسترسی به کلیه کالاها و مایحتاج عمومی، بهبود ترافیک شهری، حذف سفرهای غیرضروری درون شهری، و جلوگیری از فروش کالاهای غیراستاندارد، رواج بارکد ملی، و بهبود کیفیت بسته‌بندی و عرضه کالا متناسب با نیاز خریداران، امکان عرضه کالا در طول شبانه روز، کاهش تبادل نقدینگی و استفاده از کارت اعتباری، و تثبیت قیمت کالا در مناطق مختلف شهر را به دنبال داشته است.

بدیهی است نیاز به نظام توزیع نوین، رواج شماره‌گذاری ملی و سیستم شناسایی کالا توسط رایانه، و تغییر شکل ورود اطلاعات دستی به ماشینی را، ضمن کنترل حجم بالایی از عملیات، صرفه‌جویی در نیروی انسانی، افزایش سرعت و دقت در کلیه مراحل خرید و توزیع فراهم ساخته است. کمالینکه استفاده از نرم‌افزارهای موجود در فروشگاههای زنجیره‌ای سرعت و سهولت خرید، تعدیل و کنترل قیمت‌ها را برای مدیریت این فروشگاهها امکان‌پذیر ساخته است.

نتایج نظرسنجی‌ها از افزایش رضایت خانواده‌ها به خرید از فروشگاههای زنجیره‌ای دلالت دارد. طبق گزارشات موجود، روزانه به‌طور متوسط بیش از ۱۶,۰۰۰ نفر از هر یک از فروشگاههای شهرنود خرید نموده‌اند. به نحوی که مؤسسه مذکور علاوه بر شعب موجود در سطح شهر، احداث چهار مرکز تجاری بزرگ در مبادی ورودی تهران را در دست طراحی و اجرا دارد. این واحدها علاوه بر خدمات

است. بدین ترتیب نرخ رشد شاخص بهای عمده فروشی بیشتر از خرده فروشی بوده است، و نسبت قیمت عمده فروشی به خرده فروشی از رقم ۱/۰۴ در سال ۱۳۷۰ به ۱/۳۱ در سال ۱۳۷۵ و ۱/۲۳ در سال ۱۳۷۶ تغییر یافته است.

نسبت واحدهای عمده فروشی و خرده فروشی به تولید و جمعیت

نتایج بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که نسبت تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱) به هر واحد عمده فروشی در سال ۱۳۶۵ معادل با ۵۳۷ میلیون ریال بوده است، که در سال ۱۳۷۰ به رقم ۴۴۴ میلیون ریال، و در سال ۱۳۷۵ به رقم ۳۳۴ میلیون ریال کاهش یافته است.

همچنین نسبت جمعیت به هر واحد عمده فروشی از ۲,۴۸۲/۵ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱,۸۶۹/۳ نفر در سال ۱۳۷۰، و در نهایت به ۱,۲۴۱ نفر در سال ۱۳۷۵ کاهش داشته است. ارقام مذکور در ارتباط با واحدهای خرده فروشی حاکی است که نسبت تولید ناخالص داخلی به هر واحد خرده فروشی از ۱۴/۶ میلیون ریال در سال ۱۳۶۵ به ۱۶/۱ میلیون ریال در سال ۱۳۷۰ افزایش، و مجدداً در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۱ میلیون کاهش یافته است.

فروشگاههای زنجیره‌ای

یکی از اقداماتی که طی سالهای گذشته برای اصلاح شبکه توزیع، و افزایش کارایی فضایی توزیع کالا به عمل آمده است، ایجاد و گسترش فروشگاههای زنجیره‌ای است. تجارب حاصله در کشورهای مختلف حاکی است که در صورت پوشش گسترده و بهینه‌سازی توزیع، این واحدها می‌توانند ضمن کاهش تعداد واسطه‌ها، و جلوگیری از توسعه بی‌رویه واحدهای تجاری خرده‌فروشی در فضاهای غیرتجاری، از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، احتکار و کمبود کاذب کالا، و در نتیجه اختلاف شدید قیمت‌های خرید، تولید، فروش، و دست

قیمت گذاری، نظارت

تصمیمات اتخاذ شده و اقدامات انجام یافته در زمینه قیمت گذاری و نظارت بر قیمت ها طی دهه گذشته به دو دوره مشخص تقسیم می گردد:

دوره ۷۲ - ۱۳۶۷

طی این دوره با توجه به شرایط خاص اقتصادی کشور بخش عمده محصولات تولیدی و وارداتی کشور مشمول استفاده از ارز دولتی بوده و بیشتر در شبکه تحت نظارت توزیع شده است. در این مدت تقریباً کلیه تولیدات و واردات کشور، به جز موارد خاص و غیراساسی مشمول قیمت گذاری بوده است. از اواخر سال ۱۳۶۸ تا پایان سال ۱۳۷۲ بخش قابل ملاحظه ای از کالاهایی که از شمول ارز دولتی خارج شده بود، از محدوده شبکه قیمت گذاری و کنترل توزیع خارج گردید. تنها آن دسته از کالاهای اساسی که همچنان مشمول استفاده از ارز دولتی بود و بیشتر در نظام سهمیه بندی و در خصوص قرارداد خاص وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی عرضه می شد، مشمول قیمت گذاری قرار داشت.

طی برنامه پنج ساله اول توسعه کالاها و خدمات زیر از سوی شورای اقتصاد قیمت گذاری گردیده است:

الف - قیمت های تضمینی؛ شامل محصولات کشاورزی نظیر: گندم، جو، چغندر قند، برگ سبز چای، وش پنبه، دانه های روغنی، انواع برنج پرمحصول، سیب زمینی، پیاز و حبوبات، محصولات دامی شامل شیر، گوشت قرمز، گوشت مرغ و تخم مرغ.

ب - قیمت های تثبیتی؛ شامل محصولات صنعتی و خدماتی نظیر: روغن نباتی، قند و شکر، کود شیمیایی، سیمان، انواع خودرو، فولاد، آهن، مس، نرخ حمل و نقل بار و مسافر، کارمزد آسیابانی، چای خشک کنی، نرخ گاز مایع، و ضوابط نرخ گذاری انواع نان در سراسر کشور.

ج - نحوه قیمت گذاری کالاهای واردتی؛ ضوابط مربوط به قیمت گذاری کالاهای وارداتی و مبنای اخذ مابه التفاوت از انواع کالاهای وارداتی برحسب نوع ارز تخصیصی از سوی شورای اقتصاد تعیین گردیده است.

وظیفه قیمت گذاری و نظارت را سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان عهده دار گردید که عملکرد آن به شرح زیر اعلام گردیده است:

۱ - کلیه کالاهای مشمول ارز دولتی براساس برنامه های پیش بینی شده، مشمول ضوابط قیمت گذاری بوده و به غیر از مواردی که ضرورت تصویب آن در شورای اقتصاد وجود داشته، با تصویب سازمان حمایت قیمت گذاری شده اند.

۲ - بخشی از کالاهای مشمول ارز رقابتی نظیر لاستیک، ماشین آلات کشاورزی و سیمان مشمول قیمت گذاری شد، لیکن بخش قابل ملاحظه ای از این کالاها از شمول قیمت گذاری معاف گردیدند.

۳ - کلیه کالاها و محصولات تولیدی مشمول استفاده از ارز شناور از ضوابط قیمت گذاری معاف گردیدند.

۴ - کمیسیون های نرخ گذاری مستقر در ادارات کل بازرگانی استان ها نیز موظف به قیمت گذاری خدمات شدند.

۵ - براساس ضوابط و مصوبات شورای اقتصاد، کلیه کالاهای وارداتی مربوط به بخشهای مختلف دولتی، تعاونی و خصوصی با ارز دولتی و برخی از کالاهای مشمول ارز رقابتی طبق برنامه پیش بینی شده قیمت گذاری شدند.

۶ - باتوجه به شمول ارز رقابتی و شناور برای بخش قابل توجهی از کالاهای وارداتی، اقدام به دریافت مابه التفاوت از انواع کالاهای وارداتی به منظور تأمین بخشی از اعتبار یارانه کالاهای اساسی گردیده است.

دوره ۷۶ - ۱۳۷۳

از سال ۱۳۷۳ به بعد کالاهای مشمول قیمت گذاری به سه گروه تقسیم شدند:

گروه اول؛ شامل کالاهایی هستند که ضوابط تعیین قیمت آن توسط سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان ارایه و سپس قیمت کالا توسط شرکت تولیدی تعیین می گردد. (وزارت بازرگانی مسؤول نظارت بر کنترل قیمت این گونه کالاهاست).

گروه دوم؛ شامل کالاهایی است که قیمت آنها توسط سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان تعیین می شود و در زمره کالاهای اساسی قرار دارند. از این گروه کالاها مابه التفاوت دریافت نمی شود.

گروه سوم؛ شامل آن دسته از کالاهایی است که جزو کالاهای غیراساسی تلقی گردیده، و مابه التفاوت قیمت کنترلی با قیمت بازار، توسط سازمان حمایت دریافت می گردد.

لازم به ذکر است که، قیمت کالاهای وارداتی نیز در سازمان حمایت، براساس نرخ ارز وارداتی مربوطه تعیین می شود و چنانچه نرخ ارز دریافتی آنها ارزانتر از نرخهای متداول باشد، از وارد کنندگان مابه التفاوت دریافت می شود. بررسی سهم کالاهای مشمول طرح تنظیم بازار در سیر محاسبه شاخص قیمت ها نشان می دهد که، سهم کالاهای مورد اشاره از ۱۶/۵۶ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۴/۵۶ درصد در سال ۱۳۷۶ تنزل یافته است.

از نیمه آبان ماه ۱۳۷۳ تا پایان اردیبهشت ۱۳۷۴ مهمترین اقدامی که، در زمینه نظارت انجام گرفته است. ایجاد "ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار" و "سازمان بازرسی و نظارت" و "سازمان تعزیرات حکومتی" است. (از خرداد ۱۳۷۴ تاکنون وظیفه نظارت و کنترل قیمت ها و نحوه توزیع کالا و بازرسی واحدهای تولیدی و صنفی برعهده نهادهای مذکور است).

در زمینه قیمت گذاری کالاهای اساسی اقدام مهمی که صورت پذیرفته یکسان سازی قیمت آرد نانوائی تحت سه نرخ، و تک نرخی شدن قیمت آرد مصارف صنفی و صنعتی از ابتدای سال ۱۳۷۷ است. مهمترین مشکلاتی که نظام قیمت گذاری و اعمال کنترل در بخش تولید و توزیع با آن مواجه بوده اند و در تدوین برنامه سوم توسعه می توان به رفع آن اقدام نمود، عبارتند از:

۱ - اختلال در قیمت های نسبی و در نتیجه تغییر در تخصیص منابع به سوی کالاهایی که مشمول قیمت گذاری نیستند.

۲ - ایجاد بازار سیاه برای کالاهای مشمول و دو نرخی شدن این قبیل کالاها.

۳ - کاهش تدریجی تولید کالاهای مشمول به واسطه تخصیص مجدد منابع به تولید کالاهای غیرمشمول، که برای دستیابی به سود بیشتر است، و تبعات آن برای دولت افزایش نیاز ارزی برای واردات جهت تنظیم بازار و افزایش سطح عمومی قیمتهاست، که نیاز مالی دولت برای حفظ خدمات رسانی خود را افزایش می دهد.

یارانه

موضوع یارانه های مستقیم براساس طبقه بندی موجود تحت عنوان یارانه های تولیدی، مصرفی و خدماتی به شرح زیر مورد بررسی قرار می گیرد.

یارانه تولیدی

شامل کمک هایی است که به نحوی به بخش تولید مربوط می گردد و سهم عمده آن به یارانه نهادهای تولید کالاهای اساسی نظیر گندم، دانه های روغنی، چغندر قند، علوفه و... تعلق می گیرد.

سهم یارانه تولید طی دوره ۶۷ - ۱۳۵۸ به طور متوسط ۲۵ درصد از کل

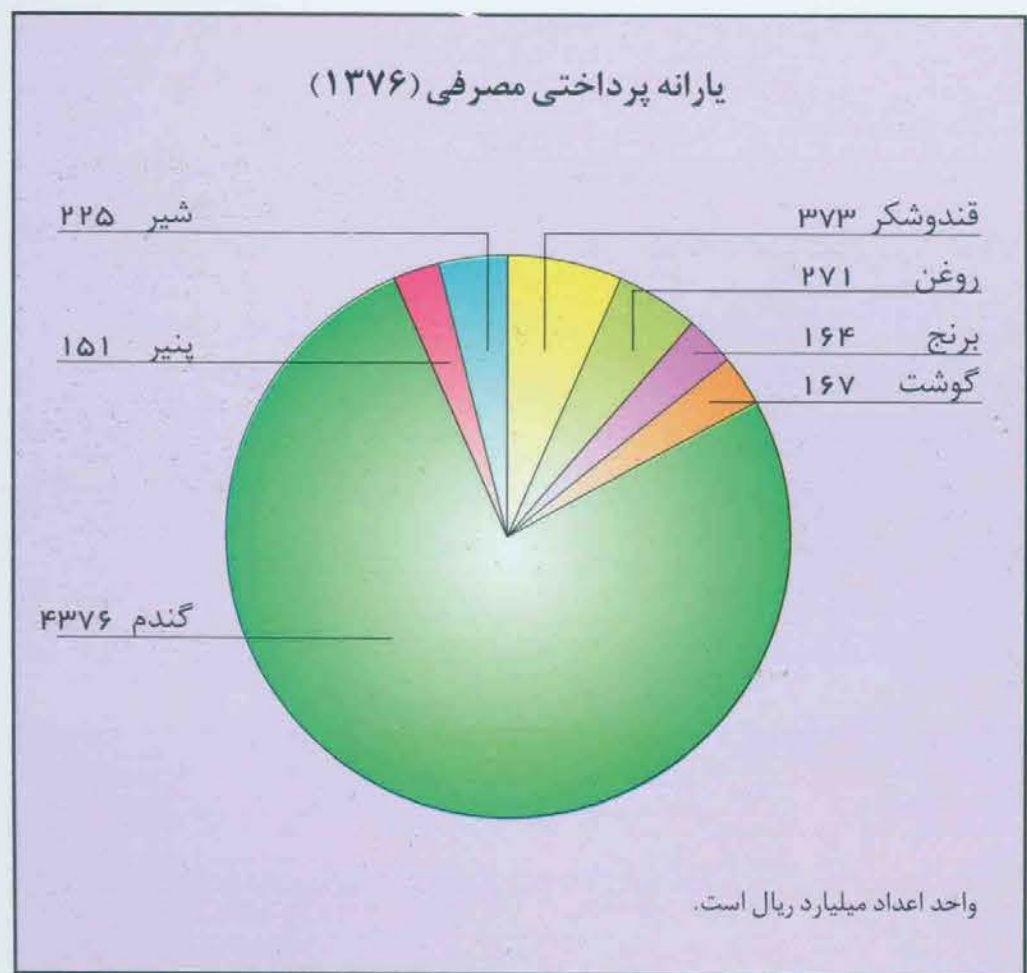
یارانه ها را تشکیل داده است. این سهم طی دوره ۷۲ - ۱۳۶۸ به طور متوسط به ۱۸/۴ درصد کاهش یافته است.

یارانه های مصرفی

عمده ترین یارانه پرداختی کشور یارانه های مصرفی می باشد. سهم یارانه های مصرفی به کل یارانه های پرداختی در دوره ۶۷ - ۱۳۵۸ به ۷۰ درصد، و در دوره ۷۲ - ۱۳۶۸ به ۷۳/۵ درصد افزایش یافته است. یارانه گندم برای تأمین نان مصرفی مردم بزرگترین سهم را در یارانه های مصرفی دارا بوده است. به طوری که در سال ۱۳۷۲ حدود ۷۰ درصد از یارانه های مصرفی و ۵۳ درصد از کل یارانه کشور به گندم اختصاص یافته است. روغن نباتی، قند و شکر به لحاظ سهم در جایگاه دوم و سوم قرار دارند.

یارانه های خدماتی

تغذیه رایگان مدارس و حمل و نقل مهم ترین مواردی است که در بخش خدمات، مشمول پرداخت یارانه گردیده است. از سال ۱۳۶۱ یارانه به این بخش



اختصاص یافته است. به نحوی که، طی دوره ۶۷ - ۱۳۵۸ به طور متوسط ۵/۹ درصد از کل یارانه به بخش خدمات مربوط می شده است. در این دوره به ویژه سال های ۶۵ - ۱۳۶۱ بخش عمده یارانه مربوط به مابه التفاوت قیمت بنزین و سایط نقلیه عمومی بوده است. سهم این یارانه در سالهای برنامه اول توسعه افزایش یافت و به ۸/۱ درصد بالغ گردید.

سهم ربالی یارانه های پرداختی آشکار، به کل بودجه عمومی دولت طی سالهای ۷۲ - ۱۳۶۸ رو به فزونی نهاده است. به نحوی که سهم یارانه و کمکهای



دولت از ۶ درصد کل بودجه عمومی در سال ۱۳۷۰ به رقم ۹/۸ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است.

بدیهی است کمکهای پنهان در سوخت و انرژی مصرف شده ارزان قیمت، بخشودگی و تخفیف اصل و فرع اعتبارات بانکی، اختصاص ارز به قیمت دولتی برای تأمین نیازمندیهای وارداتی بخشهای تولید، مصرف و خدمات، از جمله اقلام یارانههای پنهان را تشکیل داده است. طی سال ۱۳۷۲ یارانههای آشکار پرداخت شده برای گندم، قند و شکر، روغن نباتی و گوشت قرمز حدود ۱,۵۰۰ میلیارد ریال بوده است. در حالی که یارانههای پنهان (تفاوت نرخ ارز) جهت واردات این کالاها بالغ بر ۱,۴۰۰ میلیارد ریال بوده است. بدیهی است یارانههای نامرئی در بخش حمل و نقل، نگهداری و توزیع نیز سهم قابل توجهی از کمکهای دولتی را به خود اختصاص می دهد. یارانه پنهان در بخش خدمات برای واردات تجهیزات موردنیاز با ارز دولتی و نهادهای ارزان قیمت مصرف شده مانند سوخت، فرآورده های نفتی، گاز طبیعی و برق در سال ۱۳۷۲ حدود ۱۵ تا ۱۶ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. لازم به ذکر است که طی سال های ۷۲-۱۳۶۸ سهم مابه التفاوت سازمان حمایت در تأمین هزینه های یارانه به طور متوسط ۷۱/۷ درصد بوده است.

همچنین طی سال های ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۵ دولت مبالغی بابت تفاوت قیمت مواد غذایی و کالاهای اساسی به سازمان های مباشر یارانه، اعطا نموده است.

روند تغییر یارانه

بر اساس تبصره ۱۷ قانون برنامه دوم توسعه، دولت موظف گردیده است یارانه پرداختی برای مصرف کالاهای اساسی را با حفظ کالابرگ و مقدار ارز در سال ۱۳۷۲، در طول برنامه به صورت ارزی و ریالی در بودجه سالانه منظور نماید. براین اساس در سال های ۷۶-۱۳۷۳ یارانه پرداختی به کالاهای اساسی به ترتیب ۳,۶۸۷/۷، ۴,۸۷۸/۱، ۵,۵۰۶/۱ و ۶,۴۶۵/۷ میلیارد ریال بوده است. سهم یارانه از کل پرداختهای دولت طی دوره فوق از ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۹/۸ درصد در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است. لیکن به لحاظ مبلغ یارانه سرانه طی سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ از ۸۱,۳۰۱ ریال به ۱۰۵,۹۹۵ ریال افزایش داشته است.

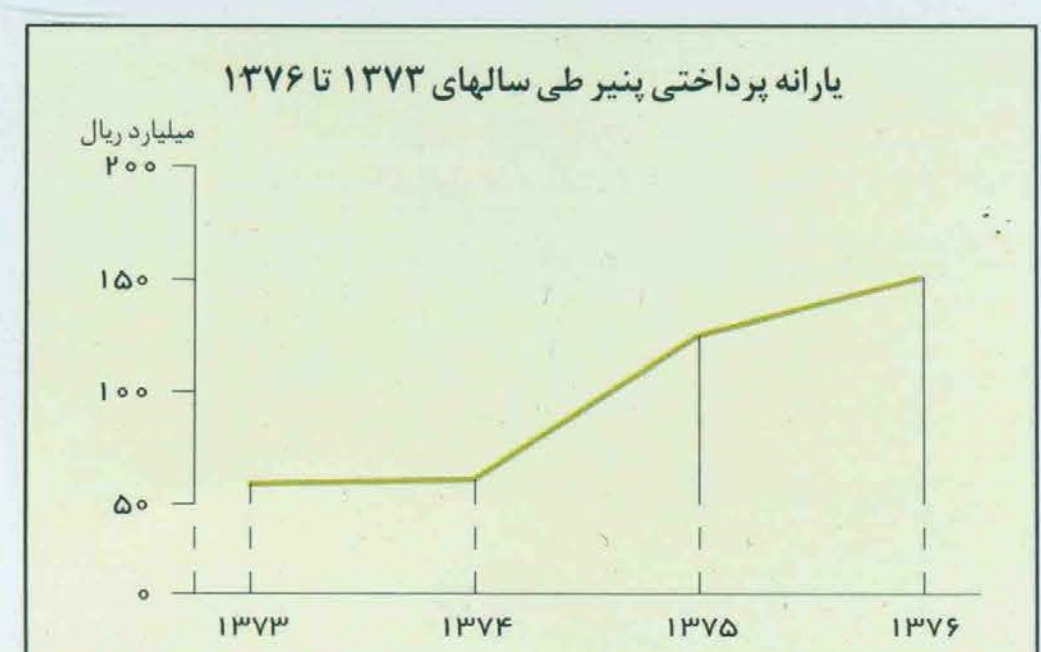
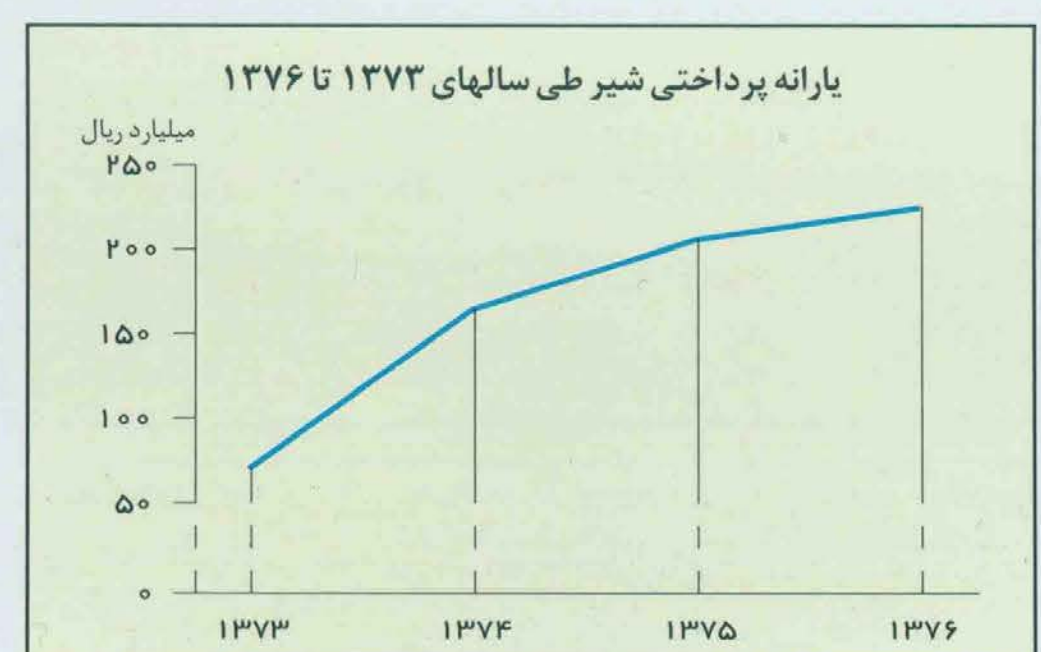
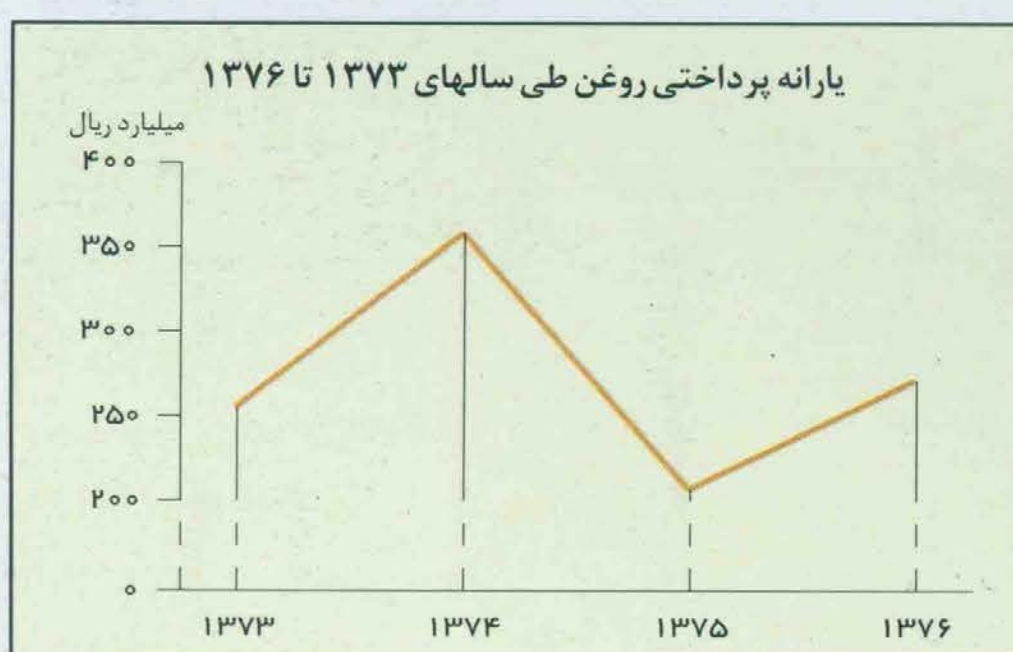
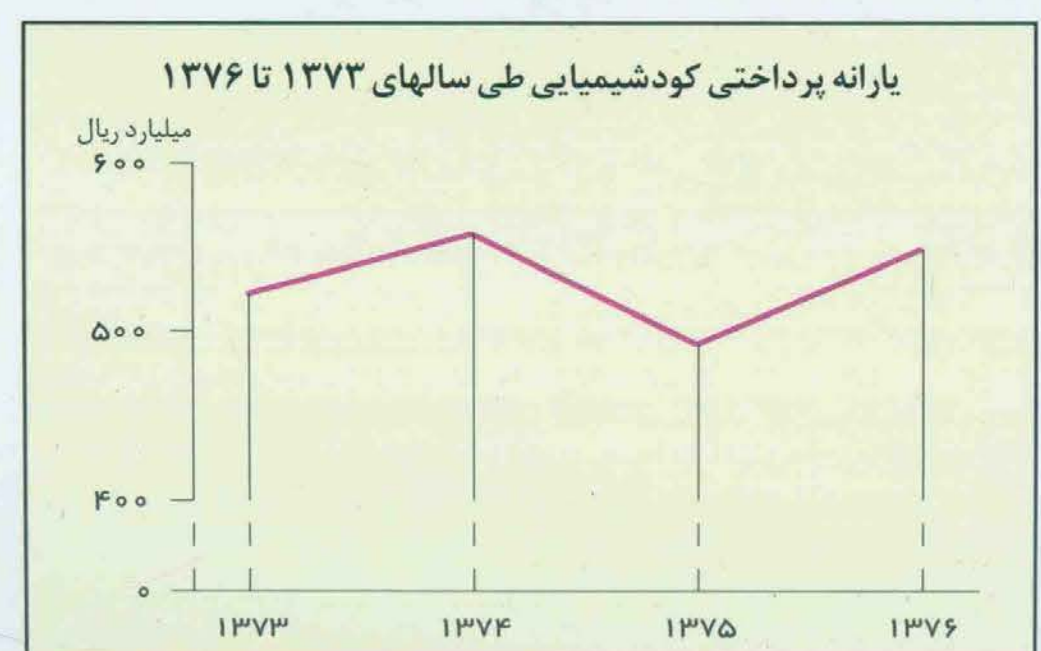
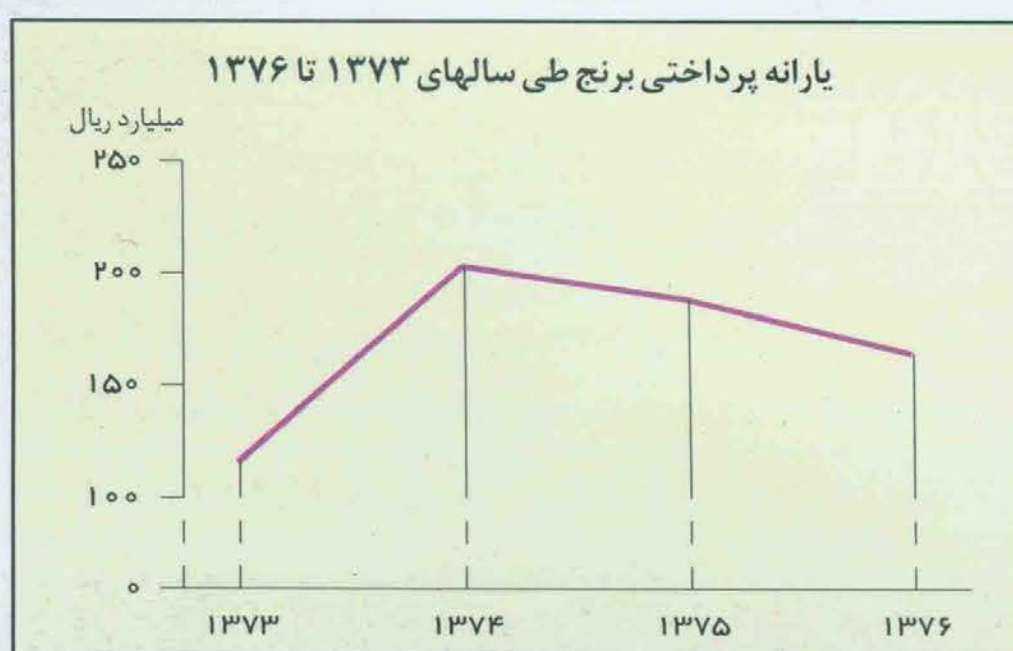
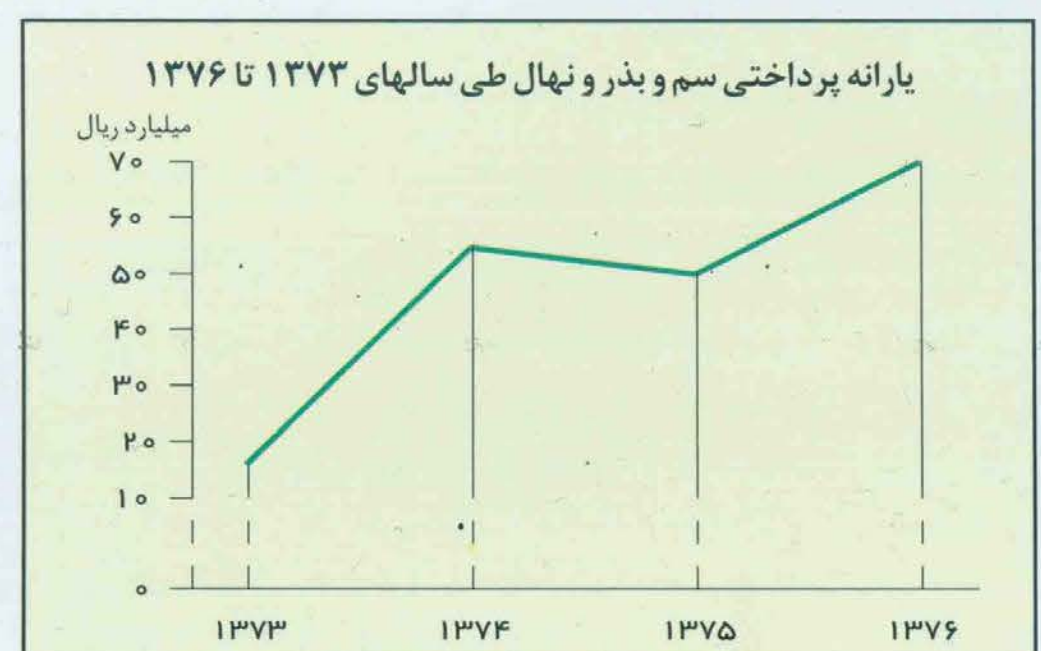
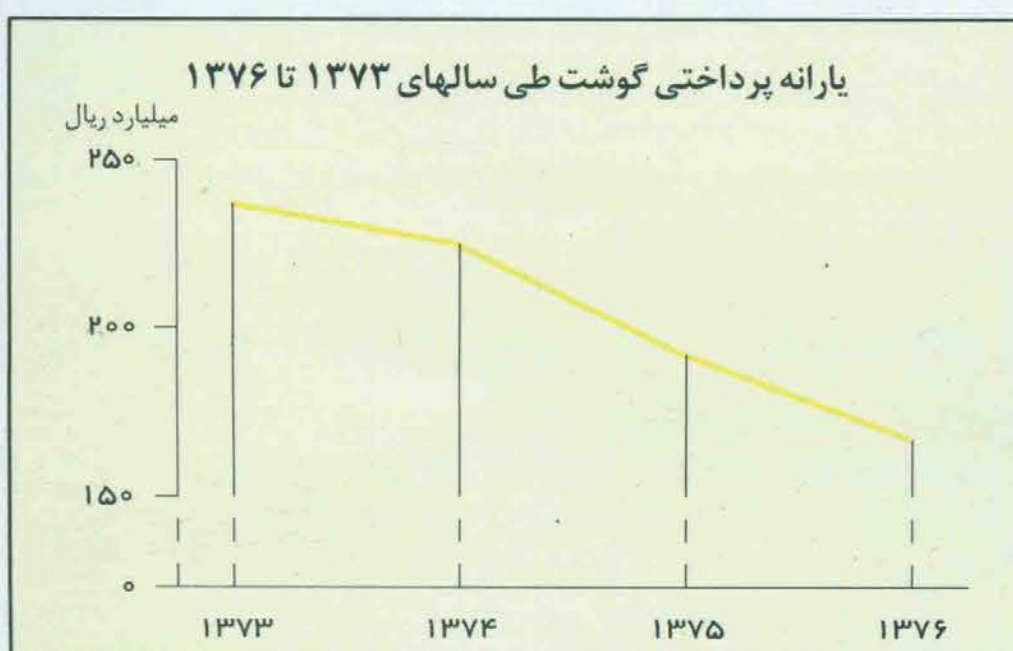
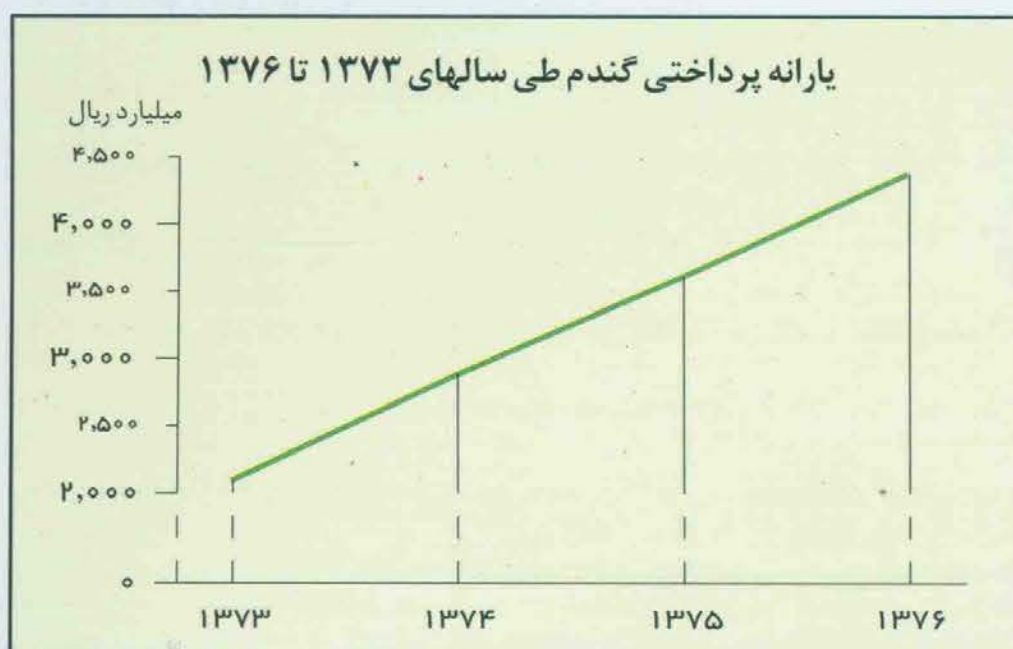
طی این مدت در میان یارانه های مصرفی، گندم بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و از ۵۶/۸ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۶۷/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است. در میان یارانه های تولیدی، کودشیمیایی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است، هرچند که روند نزولی داشته است. به طوری که از ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۸/۵ درصد در سال ۱۳۷۶ کاهش نشان می دهد.

افزایش مبلغ یارانه طی سال های برنامه دوم توسعه به لحاظ جبران تورم کالاها و خدمات مشمول یارانه صورت گرفته است. لیکن باوجود افزایش مبلغ کل پرداختی جهت یارانه مصرفی، تولیدی و خدماتی، رشد یارانه متناسب با نرخ تورم نبوده است.

متوسط ارقام یارانه مصوب سالیانه در برنامه دوم توسعه، به عنوان مابه التفاوت بهای کالاها و خدمات بخش بازرگانی طی سال های ۱۳۷۸-۱۳۷۴ رقم ثابت ۳,۶۹۵/۳ میلیارد ریال است، که جمع دوره مذکور معادل ۱۸,۴۷۶/۵ میلیارد ریال را تشکیل می دهد. ارقام موجود نشان دهنده آن است که طی سال های ۷۶-۱۳۷۳ رقم کل یارانه ها و همچنین رقم کالاهای اساسی (مصرفی) روند صعودی داشته است. به طوری که مبالغ پرداختی برای یارانه کالاهای

مصرفی طی سال های مذکور، اندکی کمتر از کل یارانه های پیش بینی شده طی برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۳) صورت گرفته است. این در حالی است که با افزایش سطح عمومی قیمت ها (نرخ تورم) و ضریب رشد جمعیت، برای حفظ قدرت خرید طبقات کم درآمد، می بایست کل یارانه افزایش می یافت. تغییرات یارانه طی این سال ها اگر چه با روند صعودی پیش بینی گردیده است، لیکن درصد رشد آن نسبت به سال قبل سیر نزولی داشته است.

قابل ذکر است که شاخص رشد بهای کالاهای مصرفی طی سال های ۷۳، ۷۴ و ۷۵ به ترتیب ۳۵/۲ درصد، ۴۹/۴ درصد و ۲۳/۲ درصد بوده است، که در مقایسه با نرخ رشد یارانه طی سال های مشابه در برنامه دوم متفاوت است.



اشتغال در بخش بازرگانی

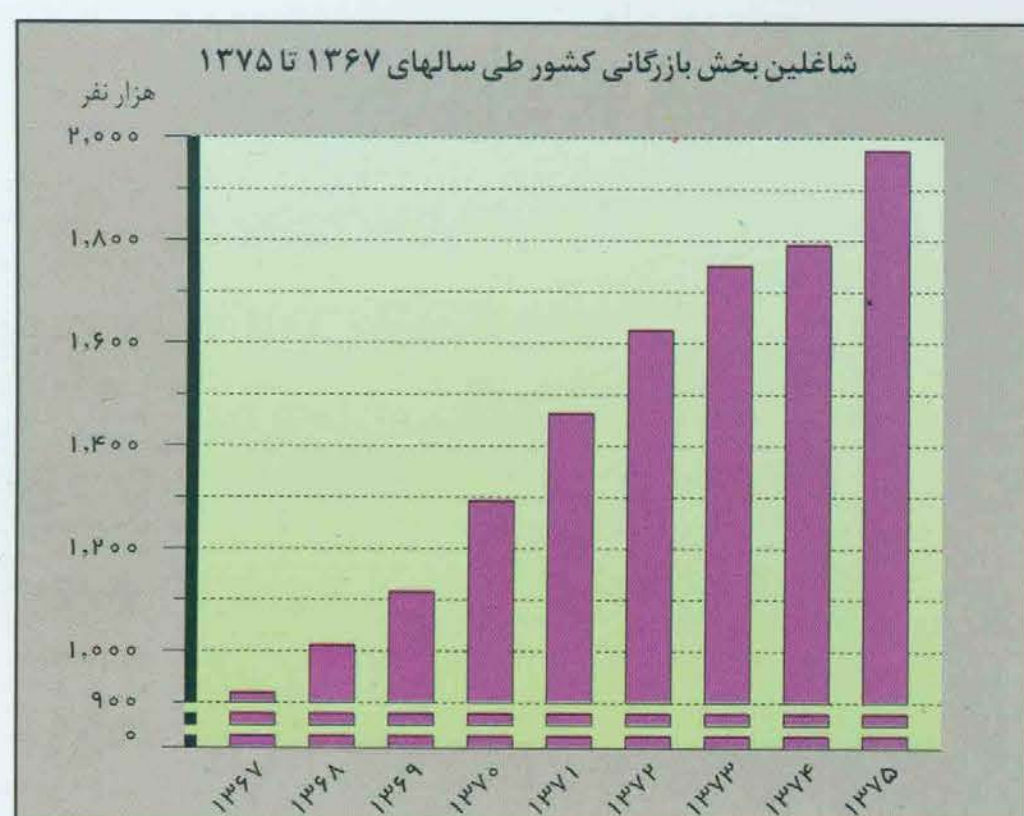
ارقام موجود حاکی است که تعداد شاغلین بخش بازرگانی کشور طی دوره ۷۵-۱۳۶۷ در مقایسه با سایر بخش‌ها همواره سیر صعودی داشته است. به نحوی که از ۹۱۸ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ به ۱/۹۷۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ فزونی یافته است. رشد سالیانه اشتغال این بخش طی دوره مذکور معادل ۸/۹ درصد بوده است. در زیر بخش عمده فروشی تعداد شاغلین از ۳۸/۵ هزار نفر در

افزایش بوده است. به گونه‌ای که از تعداد ۵۶۳ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به تعداد ۶۵۶/۶ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ و سرانجام به ۱/۶۳۴ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است.

در زیر بخش هتلداری و رستوران رشد تعداد شاغلین روند نسبتاً آهسته‌ای داشته است. به گونه‌ای که از ۶۶/۸ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸۰/۳ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ و نهایتاً ۸۴/۷ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است.

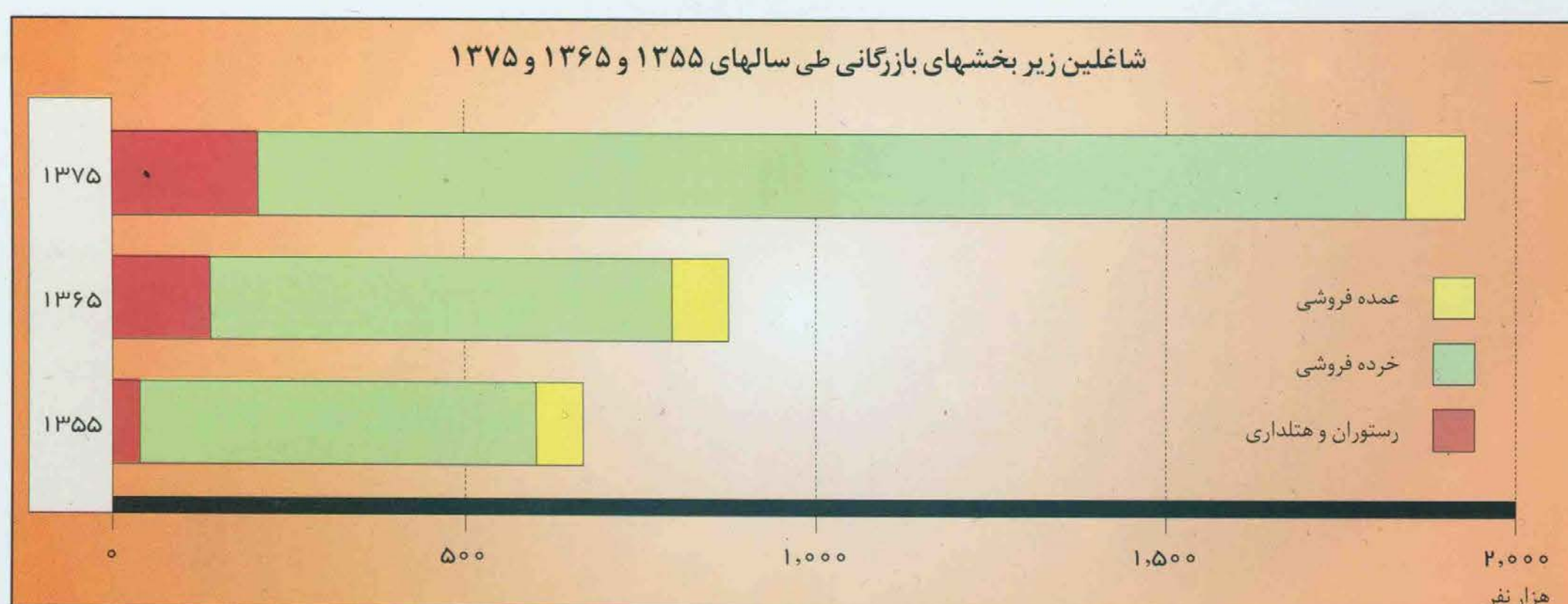


سهم اشتغال در بخش بازرگانی، نسبت به کل شاغلین بخش‌های مختلف کشور نیز طی ۲۰ سال گذشته به طور مستمر افزایش داشته است. این نسبت از ۸/۷ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۳/۴ درصد در پایان سال ۱۳۷۵ تغییر یافته است. برای مثال نسبت تعداد شاغلین در زیربخش عمده‌فروشی، به بخش بازرگانی، که در سال ۱۳۵۵ معادل ۵/۸ درصد بوده است، در سال ۱۳۶۵ به ۱۵/۸ درصد افزایش یافته است، و در سال ۱۳۷۵ با ۵ درصد کاهش به رقم ۱۰/۸ درصد تنزل یافته است. در زیربخش خرده‌فروشی، نسبت شاغلین آن، به کل شاغلین بخش بازرگانی از رقم ۸۴/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۵ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته و مجدداً به ۸۴/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. در زیربخش هتلداری و رستوران، نسبت تعداد شاغلین به کل تعداد شاغلین بخش بازرگانی در سال ۱۳۵۵ از ۱۰ درصد به ۹/۲ درصد، و در سال ۱۳۷۵ به ۴/۴ درصد کاهش یافته است.



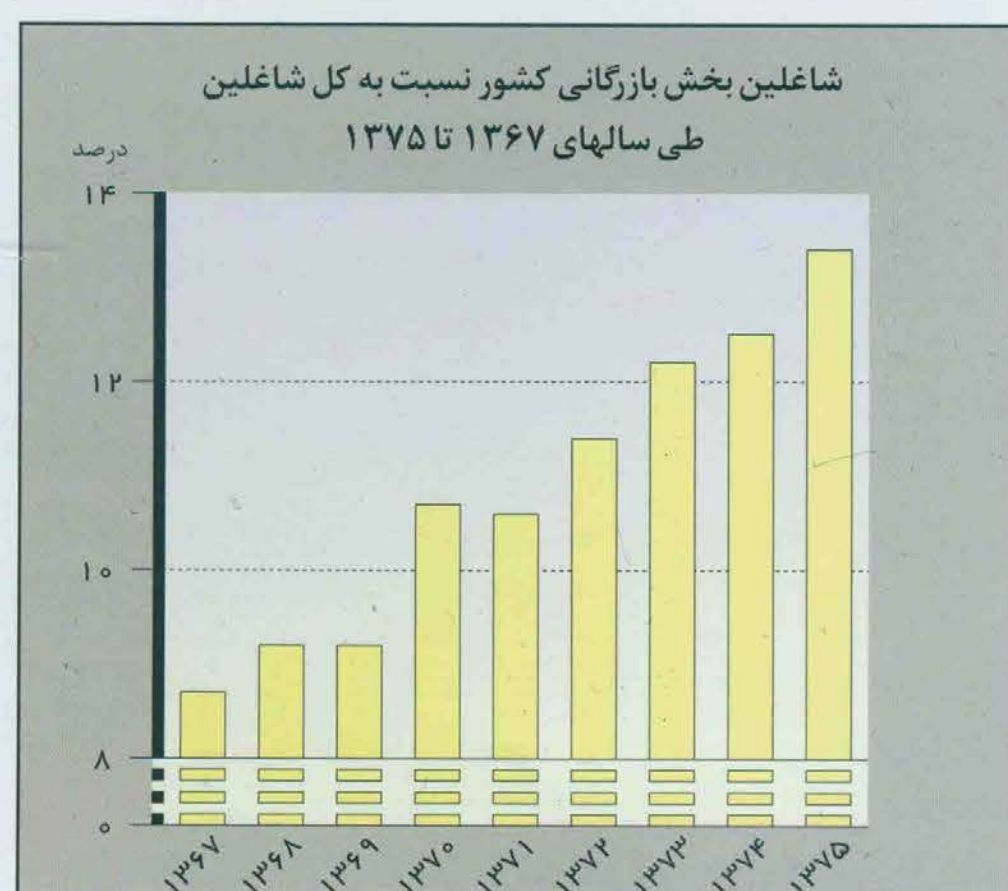
سال ۱۳۵۵ به ۱۳۹ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ و نهایتاً به ۲۰۷/۷ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ تغییر یافته است.

در زیر بخش خرده‌فروشی نیز آمار تعداد شاغلین طی این دوره همراه با



عملکرد بازرگانی داخلی

بخش بازرگانی داخلی طی سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ بر اساس سیاست‌های پیش‌بینی شده برنامه، گامهایی در جهت نیل به اهداف کلی برنامه، و از جمله حمایت از مصرف‌کنندگان کم درآمد، و بهینه‌سازی توزیع، و نگهداری کالا برداشته است، و با واگذاری توزیع کالاهای با اولویت کمتر به بخش غیردولتی، کوششهایی به منظور تحقق اهداف کلان آزادسازی اقتصادی به عمل آورده است. در مورد نقاط ضعف این بخش طی سالیان گذشته می‌توان به موارد متعددی اشاره نمود، که عمده‌ترین آنها عدم تمایل بخش خصوصی و سیستم بانکی به سرمایه‌گذاری در امر تأسیسات نگهداری و توزیع کالا است. نامشخص بودن مسئولیت دستگاههای اجرایی در برخی موارد (نظیر ارایه کمکها و تسهیلات مورد نیاز احداث کارخانه‌های نان ماشینی)، و بی‌ثباتی نسبی در توزیع برخی کالاها، و مشکلات ناشی از تغییر سیاست‌های دستگاه‌های توزیع کننده، از دیگر



مسائل این بخش به شمار می‌رود. افزایش هزینه‌های واحدهای تولید به منظور تأمین مواد اولیه با ارز غیردولتی، و چندنرخ بودن ارز از دیگر عوامل تشدید مشکلات برآورد قیمت‌ها گردیده است. ضعف نظام اطلاعاتی، و تعدد دستگاه‌های مرتبط با بخش بازرگانی، و توزیع غیرعادلانه یارانه آشکار و پنهان، بین مناطق شهری و روستایی، و اقبال آسیب‌پذیر و مرفه، مصرف بی‌رویه و نامناسب برخی مواد نظیر آرد و نان، عدم توفیق در سازماندهی و مدیریت بازار را نیز می‌توان از دیگر مشکلات این بخش برشمرد. اصلاح و کاهش تشکیلات اداری و سازماندهی بخش دولتی، و کاهش هزینه‌های توزیع کالا و نیروی انسانی در بخش دولتی، و تسهیل امور مربوط به تهیه و توزیع کالا، به ویژه کالاهای اساسی و مواد غذایی، و کاهش تعداد سازمان‌های مباشر خرید و فروش، از طریق ادغام و انحلال، از دیگر مواردی است که در رفع آن اقدام مؤثری صورت گرفته است.

با این حال در زمینه کاهش بوروکراسی، و حذف تشریفات زاید صادرات، و انحلال اکثر مراکز تهیه و توزیع کالای وابسته به وزارت بازرگانی، و در زمینه واردات و توزیع کالا اقدامات مثبتی صورت گرفته است.

گسترش بی‌رویه واحدهای توزیع، به ویژه در شرایط رکود اقتصادی، و روند افزایش سهم یارانه در بودجه دولت حاکی است که اصلاح سیستم توزیع و جهت‌دهی یارانه‌ها به اقبال آسیب‌پذیر می‌باید مورد توجه جدی قرار گیرد. جلوگیری از افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی، و جلب منابع به بخش‌های تولیدی، راهکار رهایی دولت از فشار روزافزون پرداخت یارانه‌هاست.

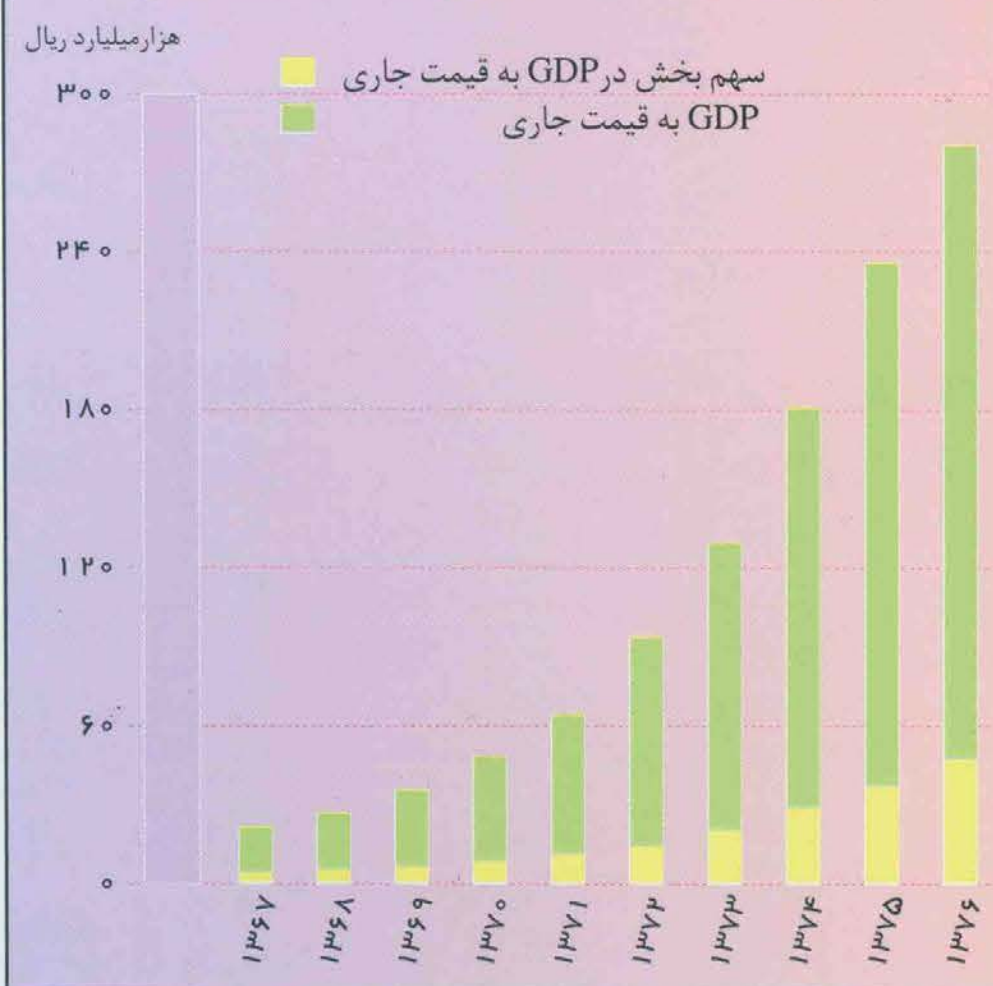
قابل ذکر است که بودجه عمرانی فصل بازرگانی از ۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۹۸/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است، که متوسط نرخ رشد سالانه آن ۳۹ درصد می‌باشد.

همچنین بودجه جاری فصل بازرگانی نیز از ۱۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۷۰/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ رسیده است، که از نرخ رشدی معادل ۳۳/۷ درصد برخوردار بوده است.

سهم بازرگانی داخلی در تولید ناخالص ملی

تجربه‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که، بازرگانی تا حد زیادی تحت تأثیر رونق و رکود حاکم بر فعالیتهای تولیدی کشور می‌باشد. در دوران رونق تولید، حاشیه سود توزیع و دست‌گردانی کالا کاهش می‌یابد، و منابع محدودتری

ارزش افزوده بخش بازرگانی و سهم آن در GDP (قیمت جاری) (۱۳۶۷-۱۳۷۶)



جذب این بخش می‌شوند، اما در شرایط رکود و کمبود کالا وضعیت برعکس می‌شود. از این رو به لحاظ کاهش رشد اقتصادی در سال‌های اخیر، انتظار می‌رود سهم بخش بازرگانی در اقتصاد کشور اندکی افزایش یابد.

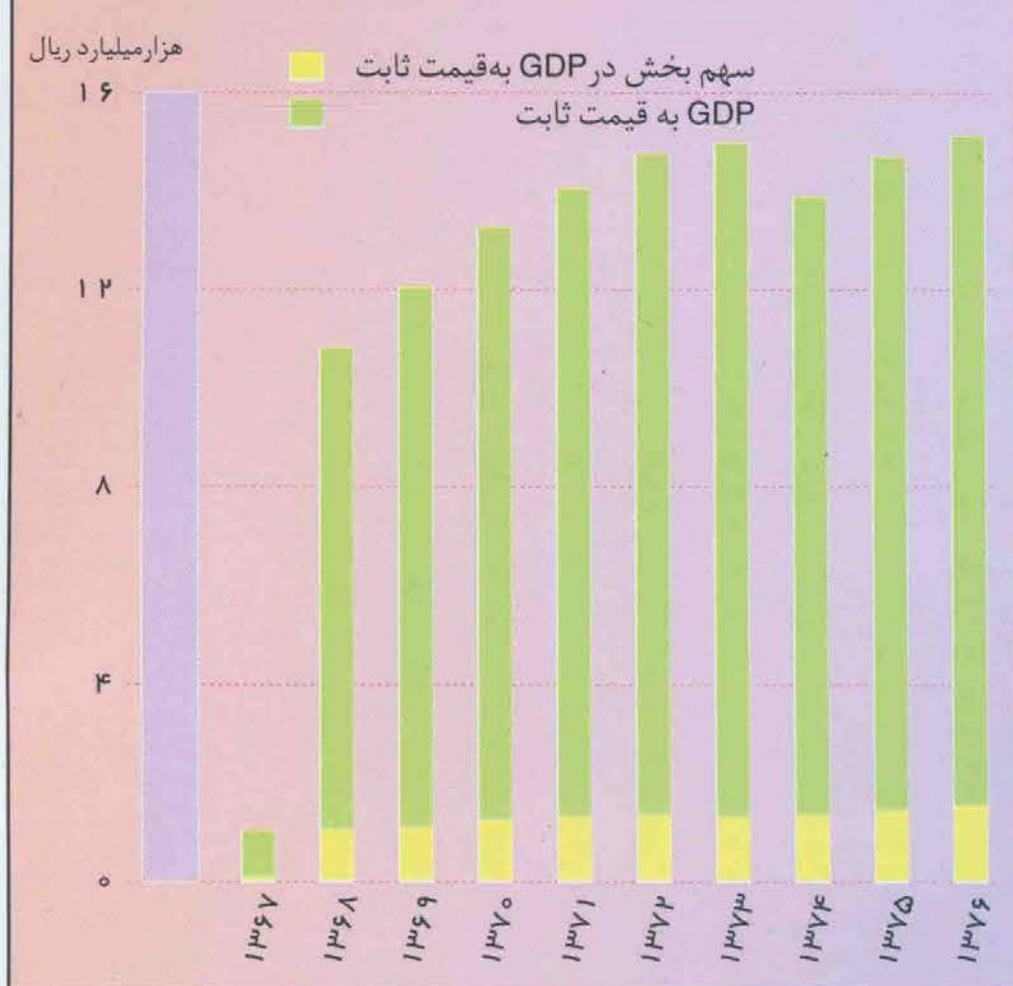
به موجب آمار، سهم بخش خدمات در کل تولید ناخالص ملی از ۵۳/۷ درصد در سال ۱۳۶۷ (به قیمت‌های جاری)، به ۴۵/۱ درصد در سال ۱۳۷۲، و به ۴۱/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

همین روند تحول در مورد سهم بخش بازرگانی، رستوران و هتل‌داری، در تولید ناخالص ملی کشور نیز به چشم می‌خورد. به نحوی که از ۲۰/۱ درصد در سال ۱۳۶۷، به ۱۵/۹ درصد در سال ۱۳۷۲، و ۱۵ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

سهم بازرگانی داخلی در کل ارزش افزوده بخش خدمات نیز از ۳۷/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳۶ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

بر اساس قیمت‌های ثابت، سهم بخش خدمات در تولید ناخالص ملی، از ۴۲/۶ درصد در سال ۱۳۶۷، به ۴۳ درصد در سال ۱۳۷۵ رسید، که تغییر چندانی نداشته است. سهم بازرگانی، رستوران و هتل‌داری در تولید ناخالص

ارزش افزوده بخش بازرگانی و سهم آن در GDP (قیمت ثابت) (۱۳۶۷-۱۳۷۶)



ملی از ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۹/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است، و سهم زیر بخش بازرگانی در کل ارزش افزوده بخش خدمات از ۲۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲۱/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

ارزش افزوده بازرگانی داخلی (به قیمت‌های جاری) طی دوره ۷۶-۱۳۶۷ همواره سیر صعودی داشته است، به نحوی که از ۴,۴۶۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷، به ۴۷,۳۸۶/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶، افزایش یافته است، به عبارت دیگر سالانه به طور متوسط حدود ۳۰ درصد رشد داشته است.

همچنین ارزش افزوده بازرگانی به قیمت‌های ثابت نیز از یک سرعت رشد فزاینده پیروی نموده است. به گونه‌ای که ارزش آن از ۱,۰۰۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷، به ۱,۵۷۶/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ رسیده است که معرف ۵ درصد رشد سالانه است. سهم ارزش افزوده بازرگانی در تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری (به استثنای سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵) دارای روند نزولی بوده، و مقدار آن از ۲۰/۵ درصد در سال ۱۳۶۷، به ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است. قابل ذکر است که سهم ارزش افزوده فعالیت‌های بازرگانی در تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت نیز دارای روند یکنواختی بوده، به نحوی که از ۹/۷ درصد در سال ۱۳۶۷، به ۱۰/۴ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

تولید ناخالص ملی بر مبنای قیمت‌های جاری و ثابت (۱۳۶۷-۱۳۷۵)



فصل دوم: بازرگانی خارجی

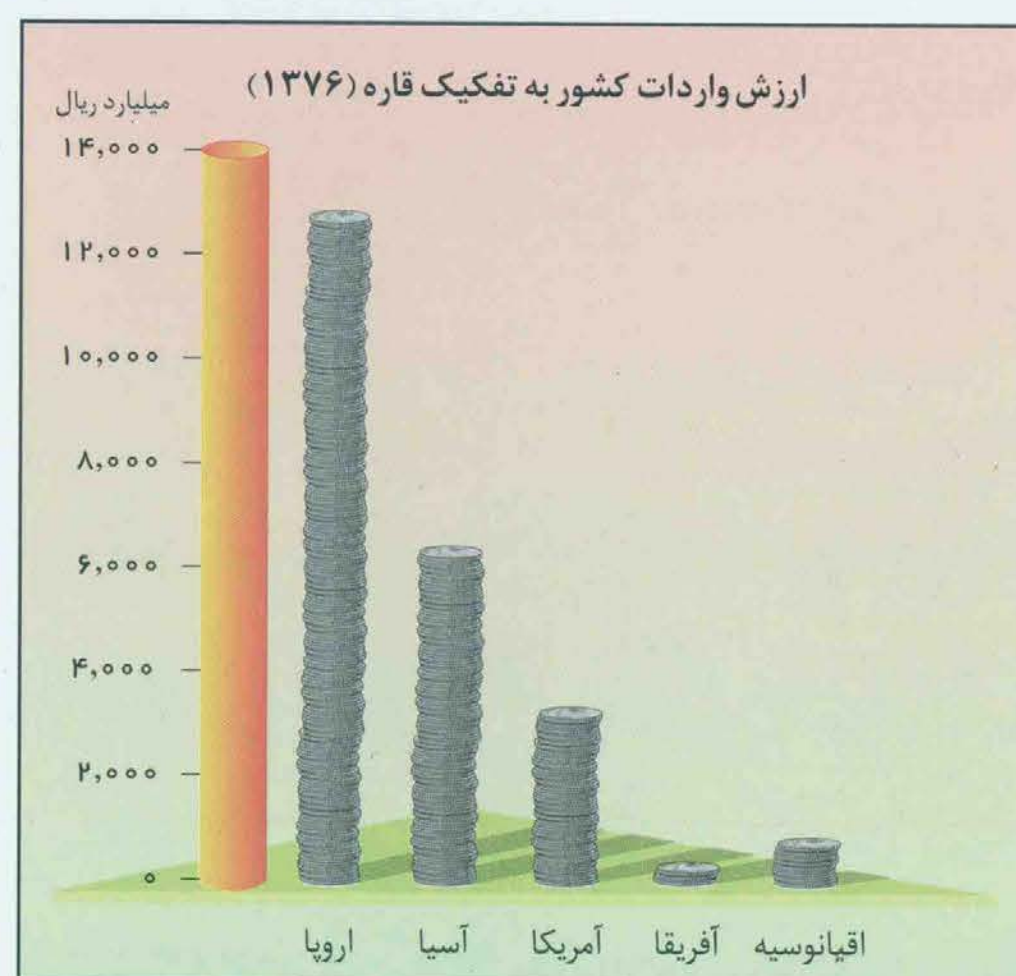
پراکندگی منابع طبیعی و تفاوت‌های موجود در کمیّت و کیفیت عوامل تولید در کشورهای مختلف جهان از یکسو، و الزام به تأمین نیازهای حیاتی مردم کشورها از سوی دیگر، تجارت بین‌المللی را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است. هرچند که به موجب برخی نظرها بازرگانی بین‌المللی می‌تواند به تخصیص بهینه منابع تولیدی در کشورهای جهان انجامیده و از این طریق سطح رفاه را در کلیّه کشورهای جهان بالا برد. لیکن باید خاطرنشان ساخت که تحقق این آرزو تنها در پرتو توزیع عادلانه ثروت، قدرت، تخصص و فن آوری و اطلاع‌رسانی امکان‌پذیر است. ولی واقعیت‌های موجود نشان‌دهنده توزیع نامتوازن این منابع تحت سلطه قدرت‌های انحصاری، سودجویی‌های غیرعادلانه، بهره‌کشی و ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و به تبع آن وابستگی‌های سیاسی است.

اما ورود به این صحنه مستلزم آگاهی و هوشیاری و دقت بیشتر از بازارهای جهانی است. با تحدید درآمدهای ارزی کشور، که طی سال‌های اخیر تحت تأثیر اقتصاد تک محصولی، چندین نوبت اتفاق افتاده است، پایه‌پای تلاش در جهت تنوع و افزایش درآمدهای صادراتی از یک سو، و صرفه جویی و دوراندیشی در خریدهای وارداتی از سوی دیگر، شناخت هرچه دقیق‌تر و عمیق‌تر بازارهای جهانی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

واردات

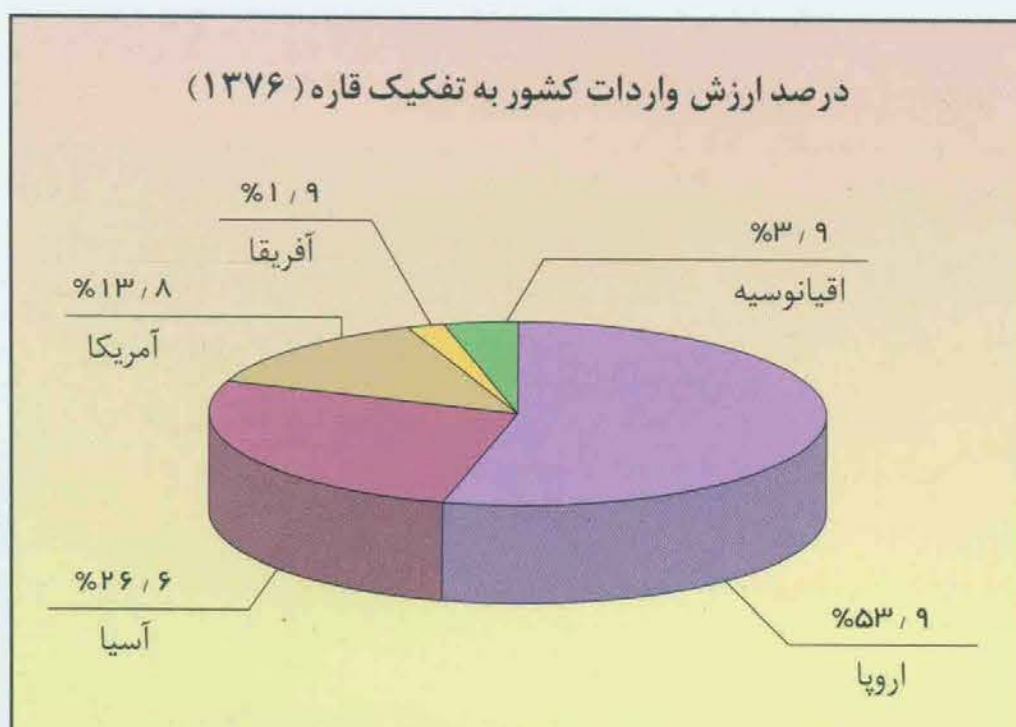
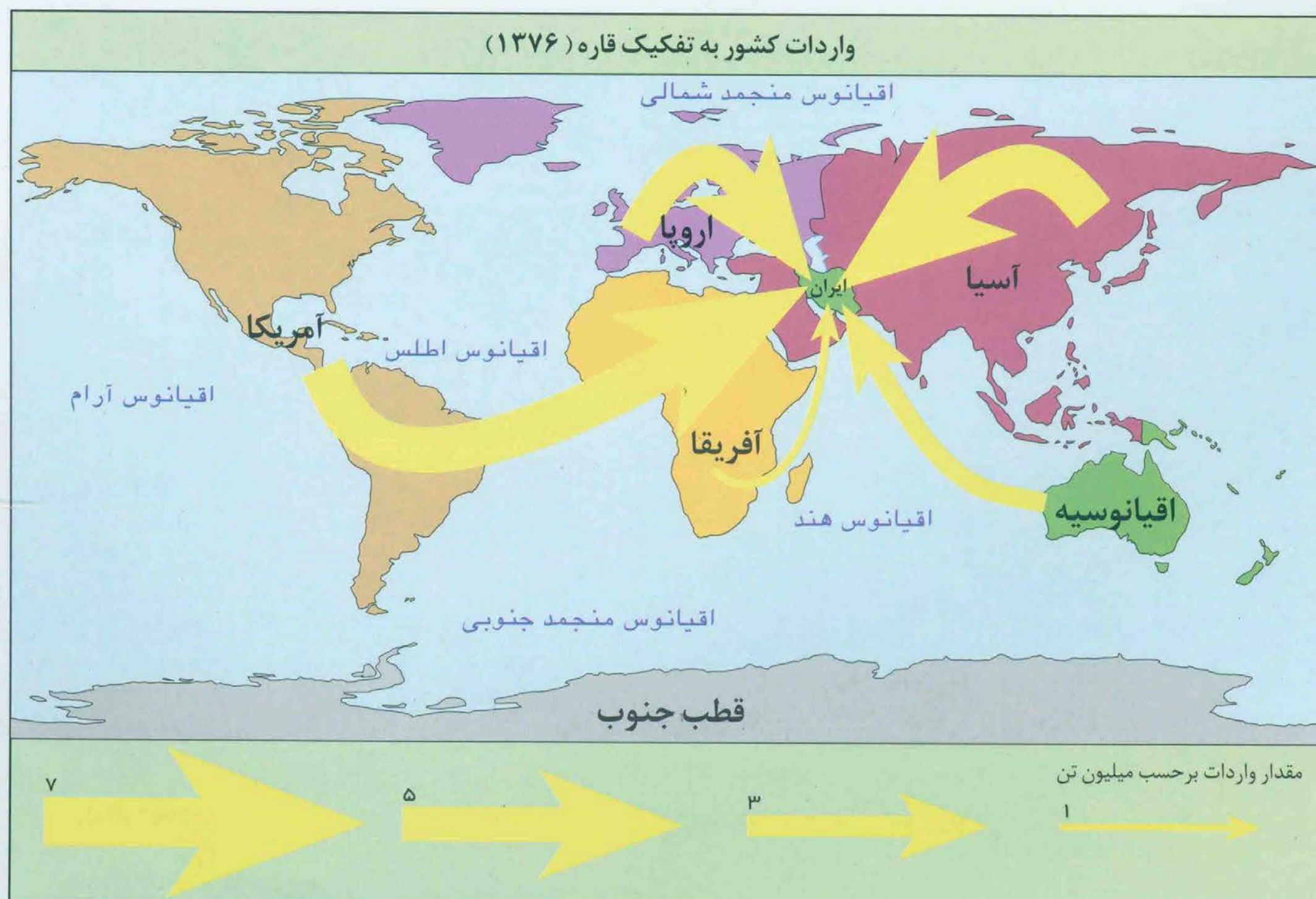
در سال ۱۳۷۶، کل واردات کشور ۲۱/۸ میلیون تن کالا به ارزش ۲۴،۳۵۳/۷ میلیارد ریال، برابر ۱۴/۲ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با سال ۱۳۷۵، از نظر وزن ۴ درصد افزایش، و از نظر ارزش ۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. ارزش متوسط هریک کیلوگرم از کالاهای وارداتی در سال ۱۳۷۶ برابر ۶۵ سنت بوده است، که در مقایسه با سال ۱۳۷۴، معادل ۴/۸ درصد افزایش و در مقایسه با سال ۱۳۷۵، حدود ۹/۷ درصد کاهش داشته است.

بررسی ترکیب ارزش واردات کالاها نشان می‌دهد که بیشترین مقدار واردات مربوط به «ماشین آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی، قطعات یدکی و دستگاه‌های ضبط و پخش صوتی - تصویری» بوده است که ۲۷/۸ درصد از



واردات کشور را به خود اختصاص داده است. "محصولات نباتی" با سهمی برابر ۱۲/۴ درصد و "فلزات معمولی و مصنوعات آنها" با سهمی برابر ۱۱/۸ درصد از کل ارزش واردات، به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را در ارزش واردات کشور، دارا بوده‌اند.

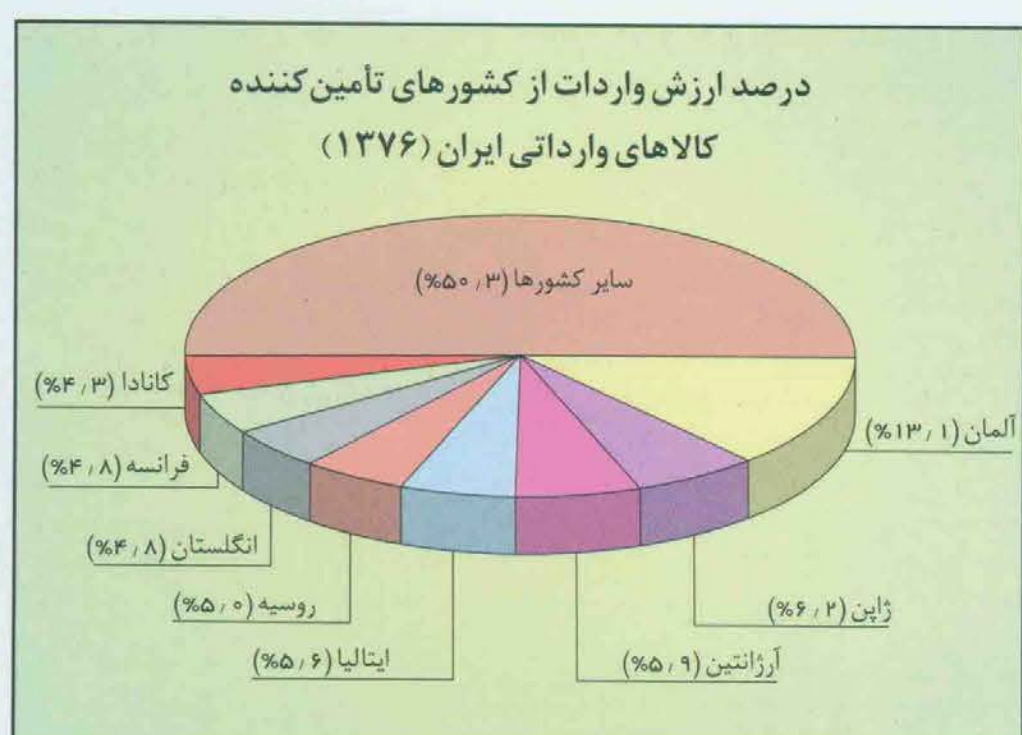
در سال ۱۳۷۶، بیشترین مقدار واردات بر اساس کدهای تعرفه‌ای و سهم هریک از آنها از کل ارزش واردات کشور، به ترتیب زیر بوده است: گندم ۷/۸٪، اجزا قطعات وسایط نقلیه ۳/۳٪، شکر ۲/۸٪، روغن خام (سویا و آفتابگردان) ۲/۸٪، جلا ۱/۹٪، ذرت ۱/۷٪، برنج ۱/۷٪، نفت و روغن حاصل از مواد قیری



۱/۴٪، اجزا و قطعات توربین‌های بخار ۱/۳٪، این تعداد کالا جمعاً ۲۴/۷۵ درصد از کل ارزش واردات کشور را در سال ۱۳۷۶ به خود اختصاص داده‌اند که در مجموع برای واردات آنها ۳/۵ میلیارد دلار ارز پرداخت شده است.

واردات کشور به تفکیک قاره‌ها

در سال ۱۳۷۶ بیشترین واردات ایران از کشورهای اروپایی بوده است، به طوری که در این سال ۴/۹ میلیون تن کالا به ارزش ۷/۶۵ میلیارد دلار از اروپا وارد کشور شده است، که معادل ۵۳/۹ درصد از کل واردات، و ۲۲/۵ درصد از کل وزن واردات را شامل می‌شود. قاره آسیا با ۶/۳ میلیون تن، به ارزش ۳/۸ میلیارد دلار، به ترتیب ۲۸/۹ درصد از کل وزن واردات و ۲۶/۶ درصد از کل ارزش



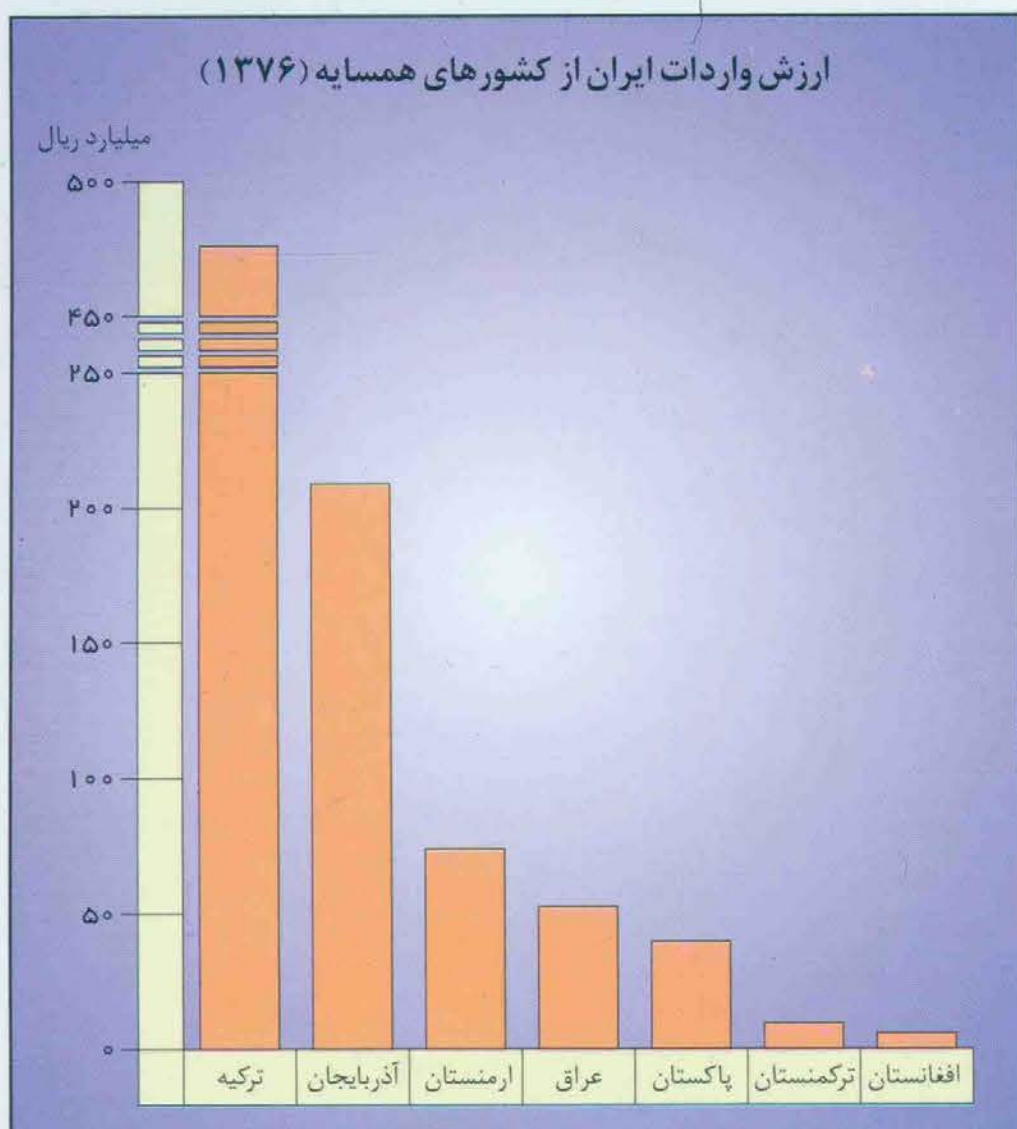
واردات را به خود اختصاص داده است. قاره آمریکا با ۶/۶ میلیون تن به ارزش ۲ میلیارد دلار به ترتیب ۳۰ درصد از کل وزن واردات و ۱۳/۸ درصد از ارزش واردات کشور را شامل گردیده است. قاره آفریقا با ۱/۲ میلیون تن به ارزش ۲۶۸/۹ میلیون دلار به ترتیب ۵/۵ درصد از کل وزن واردات و ۱/۹ درصد از کل ارزش واردات را به خود اختصاص داده است.

قاره اقیانوسیه با حدود ۲/۹ میلیون تن کالا به ارزش ۵۴۹/۴ میلیون دلار ۱۳/۱ درصد وزن واردات و ۳/۹ درصد از کل ارزش واردات کشور را شامل گردیده است.

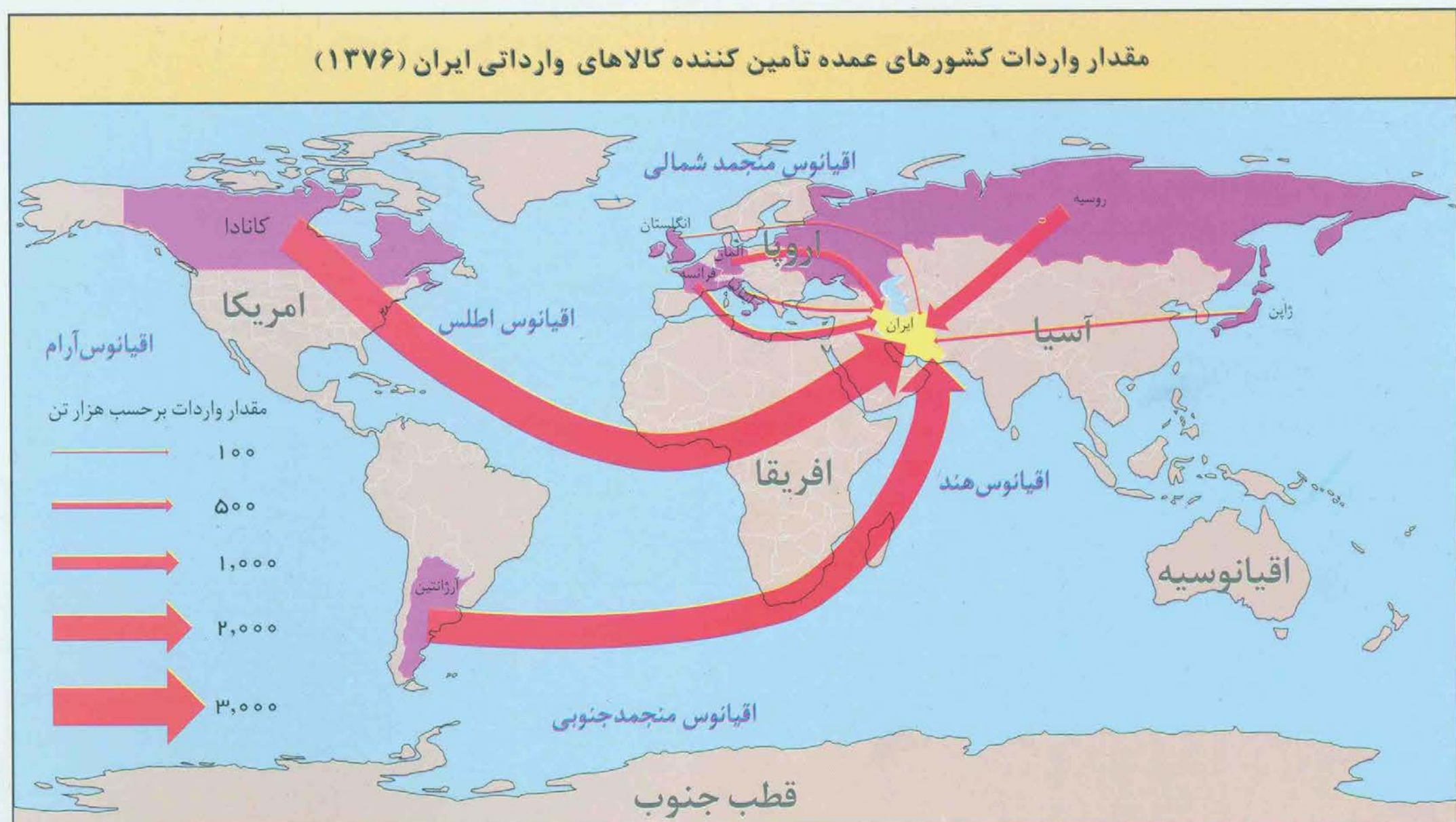
کشورهای مبدأ واردات

جمهوری اسلامی ایران با دسترسی به آبهای بین‌المللی از طریق خلیج فارس و دریای عمان و نیز همسایگی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در آبراهه مهم و استراتژیک خلیج فارس، همسایگی و پیوستگی مستقیم جغرافیایی با هفت کشور همسایه، و نیز برخورداری از موقعیت جغرافیایی ممتاز خود در منطقه خاورمیانه، دارای بازارهای متعدد وارداتی و صادراتی است.

بررسی کشورهای مبدأ تأمین‌کننده کالاهای وارداتی در سال ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که ایران در این سال از ۱۰۷ کشور جهان واردات کالا انجام داده است.

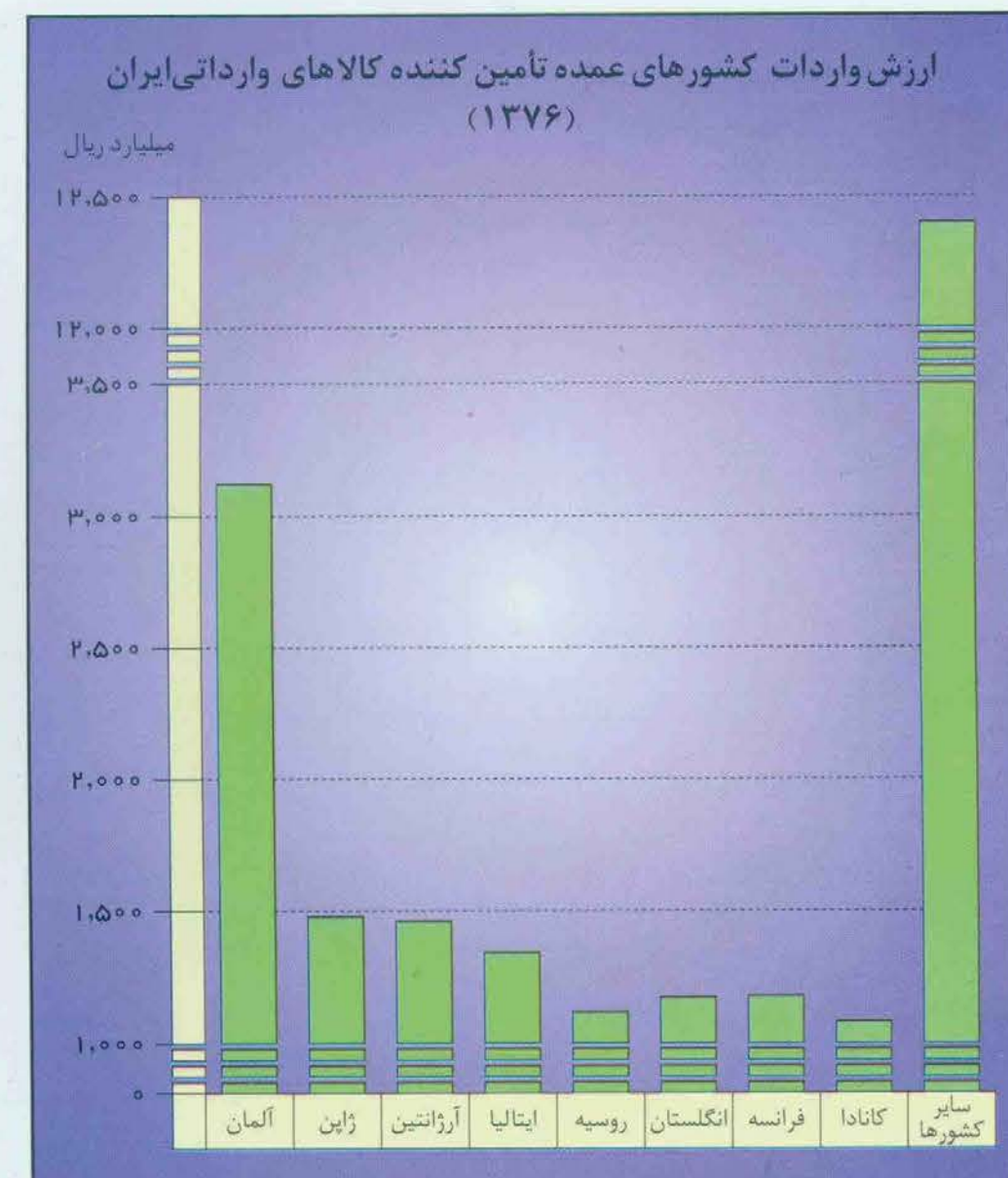


داده است. ترکیه با تأمین ۱۵۷ هزار تن کالا به ارزش ۲۸۹ میلیون دلار، سهمی برابر ۲ درصد از کل ارزش واردات ایران را به خود اختصاص داده و رتبه اول را بین کشورهای همسایه احراز نموده است. پس از ترکیه، آذربایجان با تأمین ۰/۸ درصد و ارمنستان با ۰/۳ درصد از



واردات از کشورهای همسایه در سال ۱۳۷۶ ایران ۵۱۳ میلیون دلار کالا از کشورهای همسایه خود وارد کرده است، که سهمی برابر ۳/۶ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص

تنوع کشورهای تأمین کننده واردات ایران از نکات مثبت در بازرگانی خارجی است که می تواند هر کشور را از مشکلات ناشی از بحرانهای سیاسی - اقتصادی و انحصارات بین المللی شرکتهای چند ملیتی رها سازد.



جمهوری فدرال آلمان با تأمین ۵۸۲ هزار تن کالا به ارزش ۱/۸۵ میلیارد دلار از حیث ارزش در مقام نخست واردات کشور قرار دارد. پس از آلمان، ژاپن با ۸۸۲ میلیون دلار در مقام دوم و آرژانتین با ۸۲۳ میلیون دلار در مقام سوم، ایتالیا با ۷۹۵ میلیون دلار مقام چهارم، و روسیه با ۷۰۴ میلیون دلار مقام پنجم را بین کشورهای تأمین کننده واردات ایران در سال ۱۳۷۶ دارا هستند. این پنج کشور رویهم ۳۵/۷ درصد از کل ارزش واردات ایران را به خود اختصاص داده اند. کشورهای انگلستان، فرانسه، کانادا، امارات متحده عربی و کره جنوبی، به ترتیب مقام های ششم تا دهم را در واردات کشور به خود اختصاص داده اند.

کل واردات ایران، به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را در بین کشورهای همسایه در تأمین واردات ایران دارا بوده‌اند.

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که در مجموع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهند و جز همسایگان دریایی ایران در جنوب محسوب می‌گردند، در سال ۱۳۷۶ در مجموع با تأمین ۲/۲ میلیون تن کالای وارداتی ایران، ۶۹۳ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده‌اند که ۴/۹ درصد از کل ارزش واردات ایران را به خود اختصاص داده است.

واردات از مبادی ورودی

مبادی ورودی کشور شامل مرزهای زمینی، دریایی و هوایی است. مبادی زمینی در شرق، شمال شرقی، شمال، شمال غرب و غرب کشور واقع شده‌اند. به جز مبادی زمینی شمال شرقی در استانهای خراسان و مازندران که پس از فروپاشی شوروی فعال شده‌اند، دیگر مبادی کشور دارای سابقه‌ای طولانی در واردات و صادرات کالا هستند.

کالاها و مواد وارداتی کشور در سال ۱۳۷۶ مجموعاً از ۵۸ مبادی ورودی به کشور وارد شده است که از آن میان، بندرعباس با تخلیه ۹/۶ میلیون تن کالا، به تنهایی ۴۴ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داده است.

بندر امام خمینی با تخلیه ۸ میلیون تن کالا، ۳۶/۷ درصد و بندرانزلی با ۱/۷ میلیون تن، ۸ درصد از کل حجم واردات کشور را پذیرا گردیده‌اند. نقاط مذکور به ترتیب مقام‌های اول تا سوم را از نظر حجم واردات بین مبادی ورودی کشور دارا هستند. این سه بندر روپهم ۱۹/۳ میلیون تن از کالاهای وارداتی، و به دیگر سخن ۸۸/۷ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

مهم‌ترین بنادر جنوبی کشور در خلیج فارس و دریای عمان، شامل چابهار، بوشهر، بندرلنگه، خرمشهر، آبادان و چندین بندر کوچک از جمله بندر خمیر هندیجان، جاسک، اروندکنار، سیریک، چوئیده و بنادر جزیره‌ای سیری، لاوان، خارک، درگهان، نقش مهمی در واردات کشور داشته‌اند. به طوری که در این بنادر طی سال ۱۳۷۶ جمعاً ۱۸/۶ میلیون تن کالاهای وارداتی تخلیه شده است. به بیان دیگر، بنادر دریای عمان و خلیج فارس در سال ۱۳۷۶ جمعاً ۸۵/۴ درصد از کل واردات کشور را برعهده داشته‌اند. بنادر ایران در دریای خزر، شامل بنادر انزلی و نوشهر در همین سال ۲/۵ میلیون تن کالای وارداتی را تخلیه کرده‌اند که ۱۱/۵ درصد از کل حجم واردات کشور را شامل می‌شود.

همچنین از مبادی ورودی زمینی و هوایی کشور نیز حدود ۷۵۰ هزارتن کالای وارداتی به کشور حمل گردیده است که معادل ۳/۱ درصد از کل حجم واردات کشور را به خود اختصاص داده است.

مقدار و ارزش واردات کشور برحسب گروه‌بندی تعرفه‌ای کالاها (۱۳۷۶)				
گروه‌بندی تعرفه‌ای کالاها	مقدار واردات (هزارتن)	ارزش واردات (میلیون ریال)	ارزش واردات به دلار	
			میلیون دلار	درصد به نسبت جمع کل
حيوانات زنده و محصولات حیوانی	۷۸/۳	۲۹۵,۱۹۸	۱۶۸	۱/۲
محصولات نباتی (غلات، میوه، چای و ..)	۸,۷۱۹/۴	۳,۰۹۱,۶۲۳	۱,۷۶۲	۱۲/۴
چربیها، روغنهای حیوانی یا نباتی، فراورده‌های حاصل از تفکیک آنها، چربیهای خوارکی	۶۴۹/۲	۷۸۵,۳۹۲	۴۴۸	۳/۲
محصولات صنایع غذایی، نوشابه، آبگونه‌های الکلی، سرکه‌ها، توتون و تنباکو	۱,۶۶۹/۱	۱,۰۶۱,۶۳۰	۶۰۵	۴/۳
محصولات معدنی	۴,۹۳۳/۶	۸۱۷,۴۴۵	۴۶۶	۳/۳
محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن	۱,۳۷۹/۸	۲,۷۵۲,۳۱۲	۱,۶۲۰	۱۱/۴
مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته‌شده از این مواد، کائوچو و اشیاء ساخته‌شده از کائوچو	۳۴۹/۲	۱,۱۶۲,۱۵۹	۶۷۰	۴/۷
پوست، چرم، پوستهای نرم و اشیاء ساخته‌شده از این مواد، اشیاء زین و برگ‌سازی و لوازم سفر	۰/۲	۱,۲۴۹	۰/۷	۰/۰
چوب و اشیاء چوبی، زغال چوب، چوب پنبه و اشیاء چوب پنبه‌ای، مصنوعات حصیریافی یا سبذیافی	۸۰	۶۳,۶۸۲	۳۹	۰/۳
خمیر چوب یا سایر مواد، الیاف سلولوزی، خرده‌ریز کاغذ یا مقوا و اشیاء	۴۴۶/۳	۷۸۰,۹۹۰	۴۵۷	۳/۲
موادسنجی و مصنوعات از این مواد	۲۱۳/۵	۸۸۳,۷۴۷	۵۲۲	۳/۷
کفش، کلاه، چتر، چترآفتابی، عصا	۰/۰۱	۴۳۱	۰/۲	۰/۰
مصنوعات از سنگ گچ، سیمان	۷۱/۴	۲۳۸,۵۶۵	۱۴۱	۱/۰
مروراید طبیعی یا پرورده، سنگهای گرانبها یا نیمه‌گرانبها، فلزات گرانبها	۲/۴	۵۱۳,۸۴۸	۲۹۳	۲/۹
فلزات معمولی و مصنوعات معمولی و مصنوعات آنها	۲,۶۴۹	۲۷۷,۷۶۸	۱,۶۷۲	۱۱/۸
ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی ادوات برقی، اجزا و قطعات آنها دستگاههای ضبط و پخش صوت (صوتی و تصویری)	۴۲۴/۲	۶,۷۱۰,۰۶۴	۳,۹۴۲	۲۷/۸
وسایل نقلیه‌زمینی، هوایی و آبی و تجهیزات ترابری مربوط به آنها	۱۲۷	۱,۶۵۳,۷۶۸	۹۴۸	۶/۷
آلات و دستگاههای اپتیک عکاسی، سینماتوگرافی، سنجش، کنترل، دقت سنجی، آلات و دستگاهها	۵/۳	۶۹۷,۵۸۴	۳۹۹	۲/۸
کالاها و مصنوعات گوناگون	۲/۴	۵۴,۳۵۱	۳۱	۰/۰
سایر	—	۲۱,۹۵۶	۱۲	۰/۰
جمع واردات	۲۱,۸۴۵	۲۴,۳۵۳,۷۶۲	۱۴,۱۹۶	۱۰۰/۰

درصد از کل حجم واردات کشور را در بر می‌گیرد. از نظر ارزش، حمل با کشتی ۶۵/۸ درصد از کل ارزش واردات کشور را به خود اختصاص می‌دهد. از مبادی ورودی زمینی در نقاط مختلف کشور در سال ۱۳۷۶ جمعاً ۱/۰۴۴ میلیون تن کالا توسط کامیون و ۲۵ هزار تن توسط قطار وارد کشور شده است که به ترتیب ۴/۸ درصد و ۰/۱ درصد از کل حجم کالا را تشکیل می‌دهند.

در سال ۱۳۷۶ جمعاً ۳۸/۸ هزارتن از کالاهای وارداتی با هواپیما وارد کشور شده است که فقط ۲ درصد از کل حجم کالاهای وارداتی را تشکیل می‌دهد.

واردات کشور به تفکیک گروه بندی تعرفه‌ای کالاها

در سال ۱۳۷۶ بیشترین مقدار واردات کالا از نظر وزن و حجم مربوط به محصولات نباتی است، که با وزنی برابر ۸/۷ میلیون تن سهمی برابر ۳۹/۹ درصد از کل واردات را به خود اختصاص داده است. پس از آن محصولات معدنی با ۴/۹ میلیون تن، ۲۲/۶ درصد از کل وزن کالاهای وارداتی کشور را شامل می‌شود. از نظر نوع ارزش، بیشترین مقدارپرداختی به کالاهای وارداتی گروه ماشین

واردات کشور به تفکیک نوع وسیله حمل

همان‌طور که گفته شد، بیش از ۹۶ درصد واردات ایران از طریق بنادر جنوبی و شمالی وارد کشور شده است. به همین سبب حمل و نقل با کشتی ۹۵

مقدار و ارزش واردات کشور بر حسب نوع وسیله حمل و نقل (۱۳۷۶)					
وسیله حمل	وزن		ارزش ریالی (میلیون ریال)	ارزش واردات دلاری	
	مقدار هزار(تن)	درصد		ارزش(هزاردلار)	درصد
کشتی	۲۰,۷۳۶,۹	۹۴,۹	۱۶,۱۵۴,۰۱۸	۹,۳۴۶,۱۷۶	۶۵,۸
کامیون	۱,۰۴۴,۶	۴,۸	۵,۲۹۰,۵۶۸	۳,۱۴۳,۵۲۶	۲۲,۱
هواپیما	۳۸,۸	۰,۲	۲,۸۸۵,۰۱۱	۱,۶۹۱,۹۸۳	۱۱,۹
قطار	۲۵,۱	۰,۱	۲۴,۱۶۶	۱۴,۰۸۷	۰,۱
جمع	۲۱,۸۴۵,۴	۱۰۰,۰	۲۴,۳۵۳,۷۶۳	۱۴,۱۹۵,۷۷۳	۱۰۰,۰



۳/۶ برابر کمتر از ارزش کالاهای وارداتی از جامعه اقتصادی اروپا است. بهای کالاهای وارداتی ایران از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی ۱۱/۹ درصد از کل ارزش واردات ایران را شامل می‌شود.

کشورهای عضو اکو (سازمان همکاریهای اقتصادی) که در عین حال کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیز به شمار می‌روند، در سال ۱۳۷۶ با تأمین ۱/۵ میلیون تن کالا به ارزش ۵۵۷ میلیون دلار، ۳/۹ درصد از کل ارزش کالاهای وارداتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

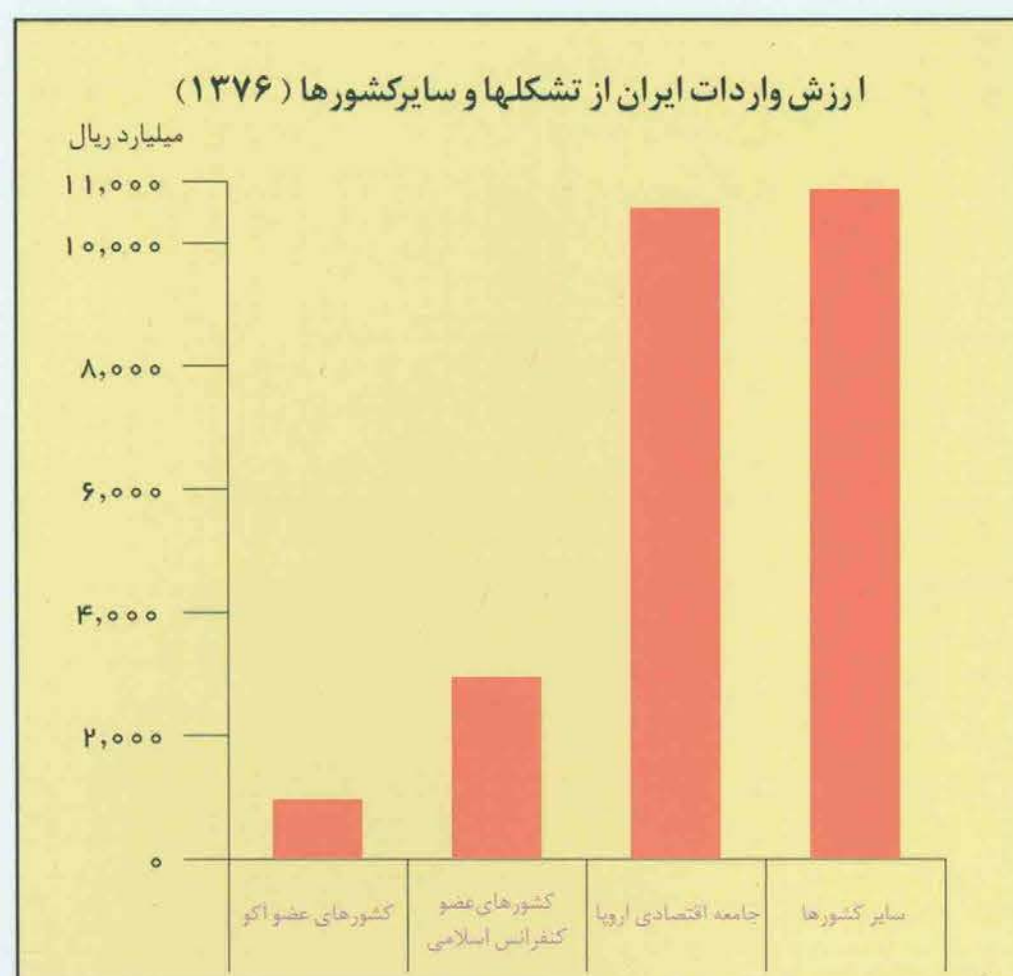
صادرات

صادرات ایران از دو قسمت کاملاً متمایز «صادرات نفتی» و «صادرات غیر نفتی» تشکیل می‌شود. ایران با دارا بودن منابع ارزشمند نفت و گاز، یکی از مهم‌ترین کشورهای صادرکننده نفت جهان، و از تولیدکنندگان عمده نفت خاورمیانه و از اعضای مؤثر سازمان اوپک به شمار می‌رود.

در سال‌های اخیر، ایران به طور متوسط روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت صادر کرده است. ایران بعد از عربستان، دومین کشور بزرگ صادرکننده نفت در میان اعضای اوپک به شمار می‌رود.

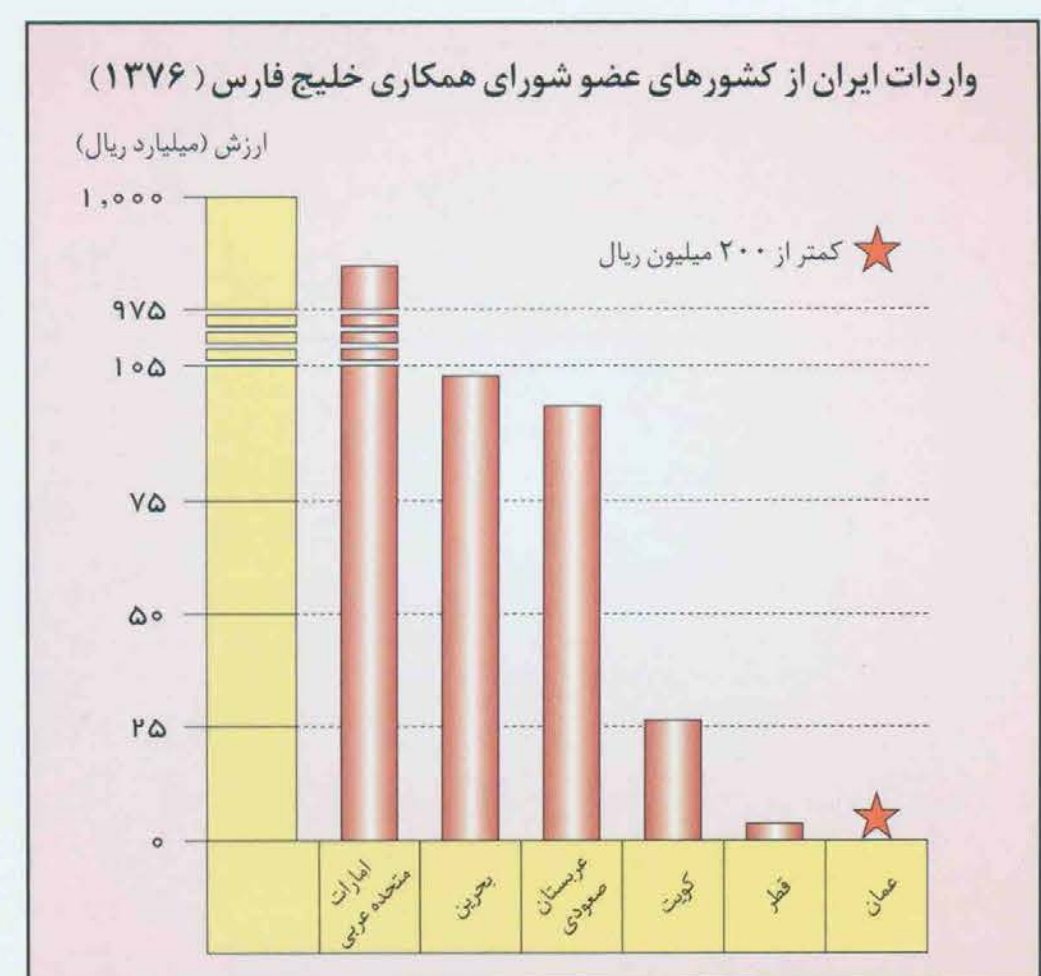
صادرات غیر نفتی

در سال ۱۳۷۶ کل صادرات غیر نفتی کشور ۸,۶۹۰ هزارتن به ارزش ۵,۰۴۶/۷ میلیارد ریال معادل ۲/۸۷ میلیارد دلار بود که در مقایسه با سال ۱۳۷۵ از نظر وزن ۲۳ درصد افزایش و از نظر ارزش ۷/۱ درصد کاهش نشان می‌دهد.



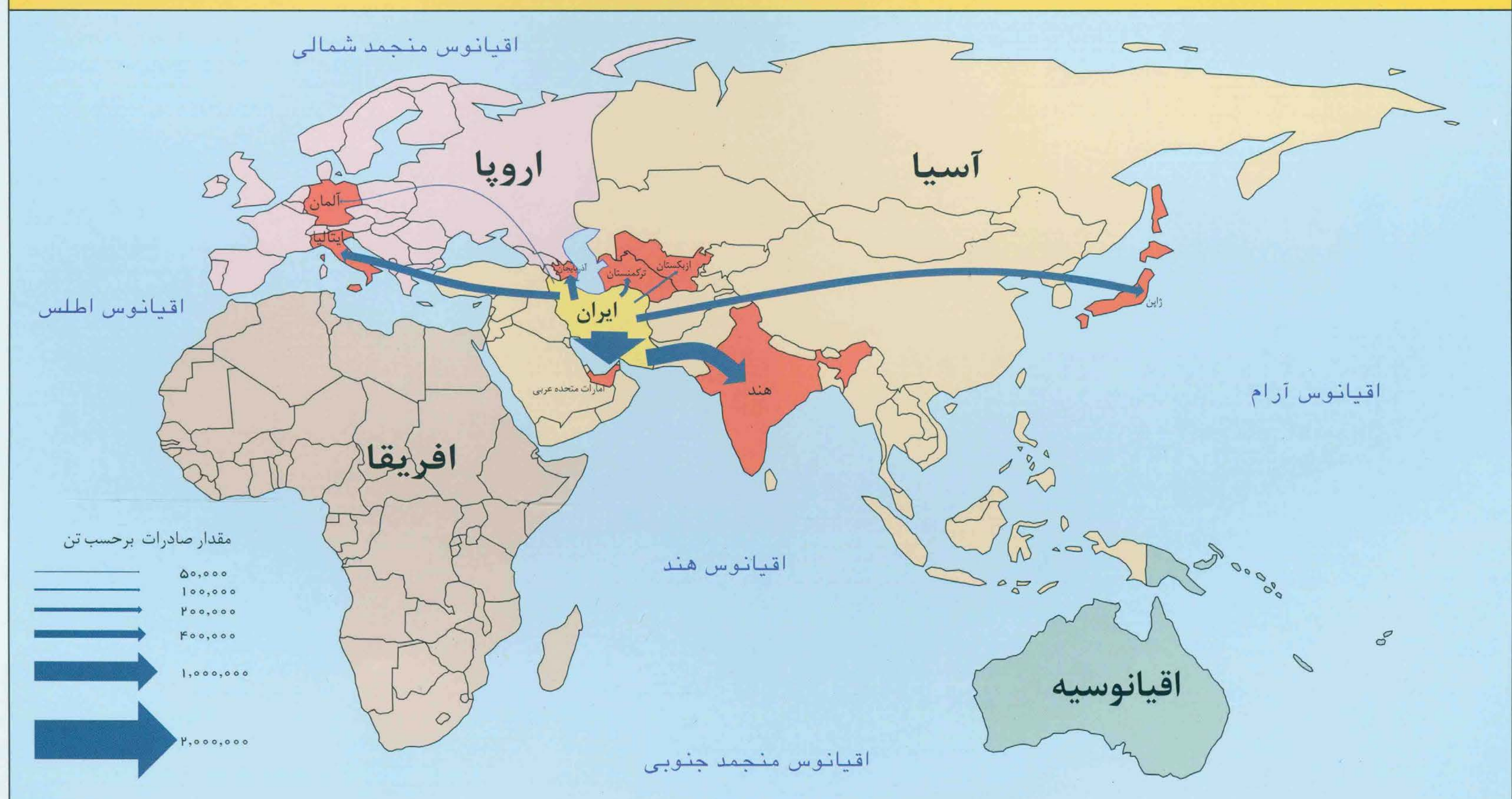
واردات کشور به تفکیک اتحادیه‌ها و تشکیلات: کشورهای اکو، سازمان کنفرانس اسلامی و جامعه اقتصادی اروپا

در سال ۱۳۷۶ کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا با تأمین ۶/۲ میلیارد دلار از کل واردات ایران، به تنهایی ۴۳/۶ درصد ارزش واردات کشور را به خود اختصاص داده‌اند، که شامل ۲/۶۷۷ میلیون تن کالا (معادل ۱۲/۳ درصد از کل وزن کالاهای وارداتی) می‌شود. کشورهای عضو کنفرانس اسلامی حدود ۴/۷۴۹ میلیون تن از کالاهای وارداتی ایران را تأمین کرده‌اند، که به جهت وزنی ۱/۸ برابر کالاهای وارداتی ایران از جامعه اقتصادی اروپا است. ولی از نظر قیمت

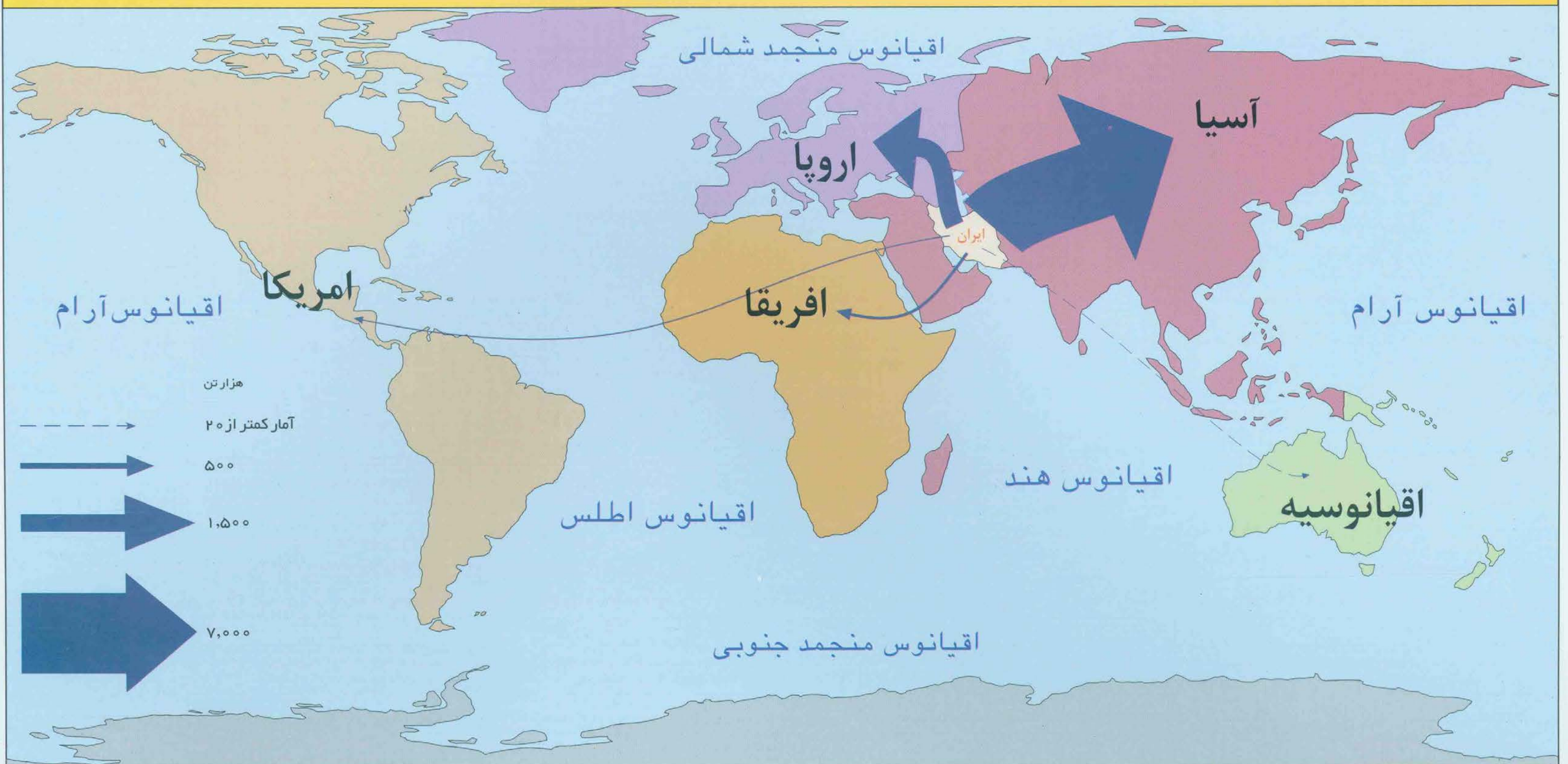


آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی، اجزا و قطعات آنها، و دستگاه‌های صوتی و تصویری با ارزی معادل ۳,۹۴۲ میلیون دلار بوده است. این گروه ۲۷/۸ درصد از کل ارزش پرداختی بابت واردات را به خود اختصاص داده است. محصولات نباتی با ۱,۷۶۲ میلیون دلار، فلزات معمولی و مصنوعات آنها با ۱,۶۷۲ میلیون دلار، و محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن با ۱,۶۲۰ میلیون دلار، به ترتیب مقام‌های دوم تا چهارم را از نظر ارزش واردات، دارا می‌باشند.

صادرات غیرنفتی ایران به هشت کشور عمده (۱۳۷۶)

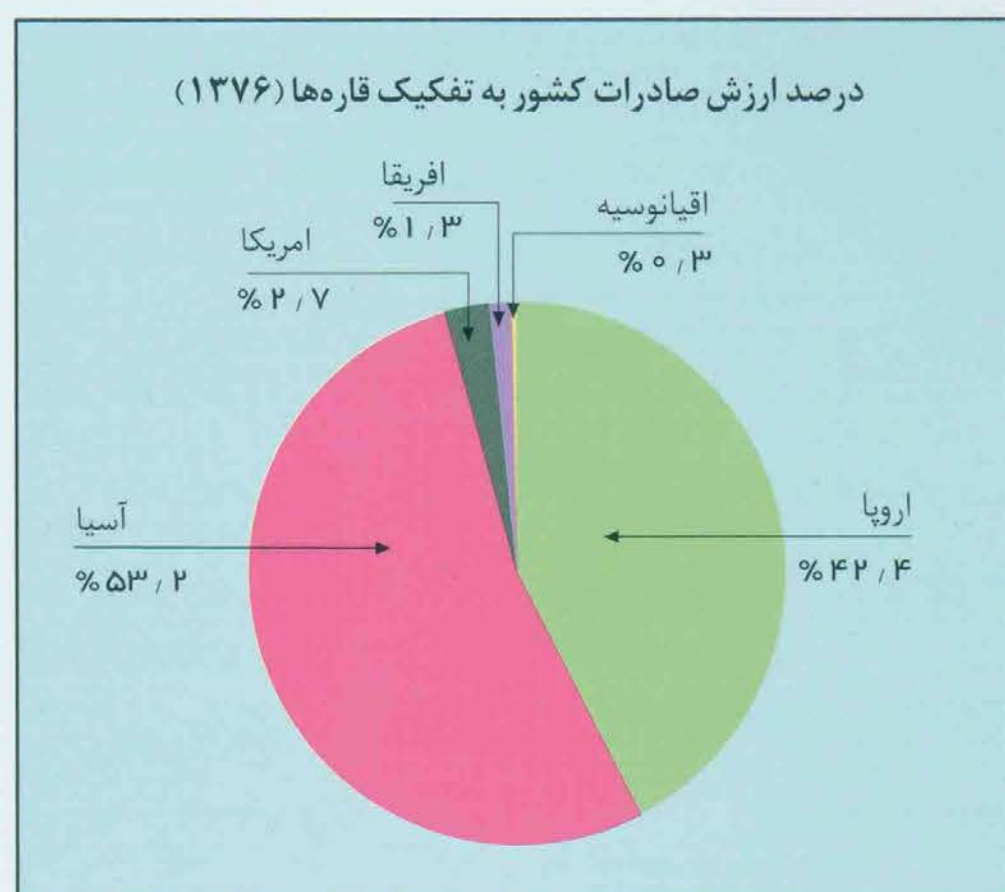
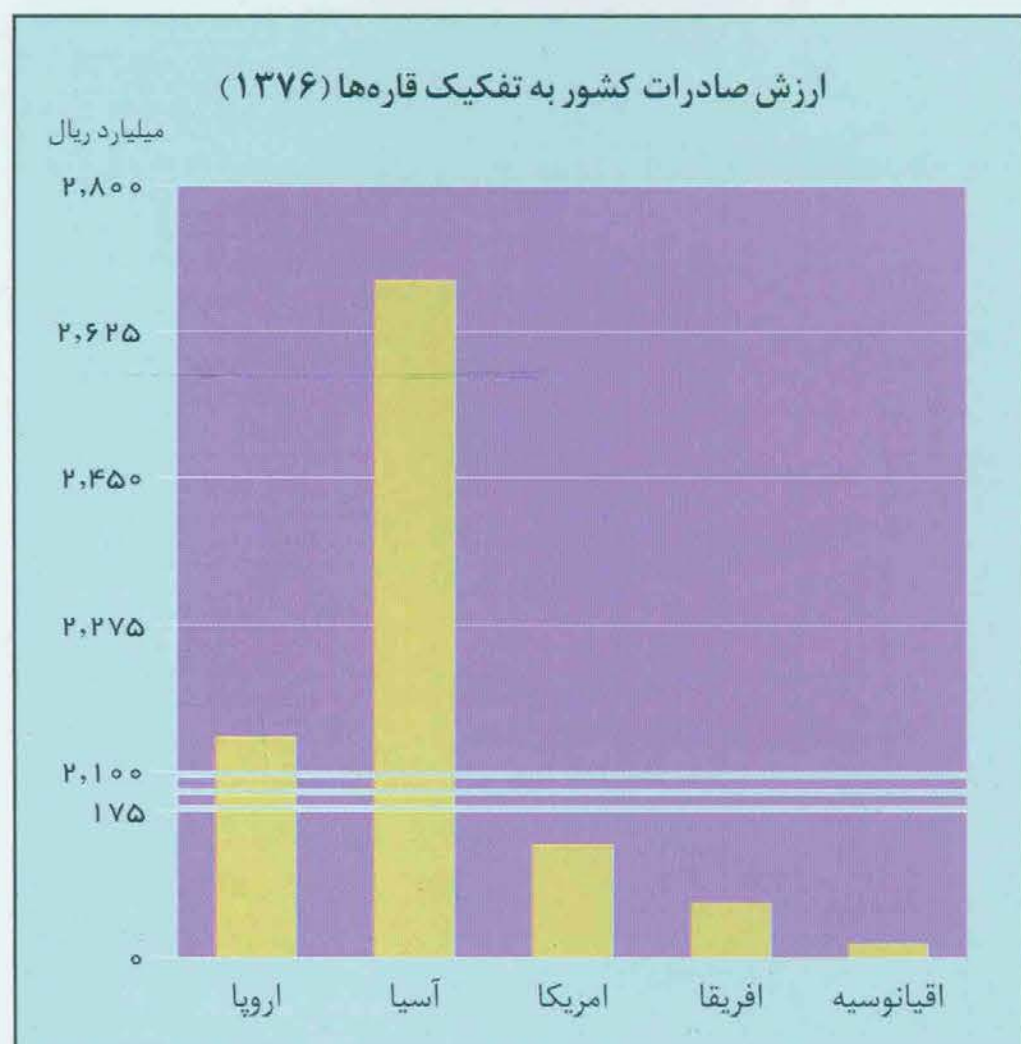


مقدار و ارزش صادرات کشور به تفکیک قاره‌ها (۱۳۷۶)



میلیارد دلار، ۷۷/۲ درصد از کل حجم صادرات و ۵۳/۲ درصد از کل ارزش صادرات را به خود اختصاص داده است، که مقام دوم را در بین قاره‌ها، داراست. قاره آمریکا با واردات ۹۲ هزار تن کالا به ارزش ۷۷/۳ میلیون دلار، یا ۱/۱ درصد از کل حجم صادرات و ۱/۳ درصد از کل ارزش صادرات ایران، مقام سوم را دارا می‌باشد.

قاره آفریقا در بین قاره‌های جهان مقام چهارم را در صادرات ایران داراست، که ۲/۷ درصد از کل حجم صادرات و ۰/۳ درصد از کل ارزش صادرات ایران را به خود اختصاص داده است. قاره اقیانوسیه با اختصاص ۱۹/۵ هزار تن از



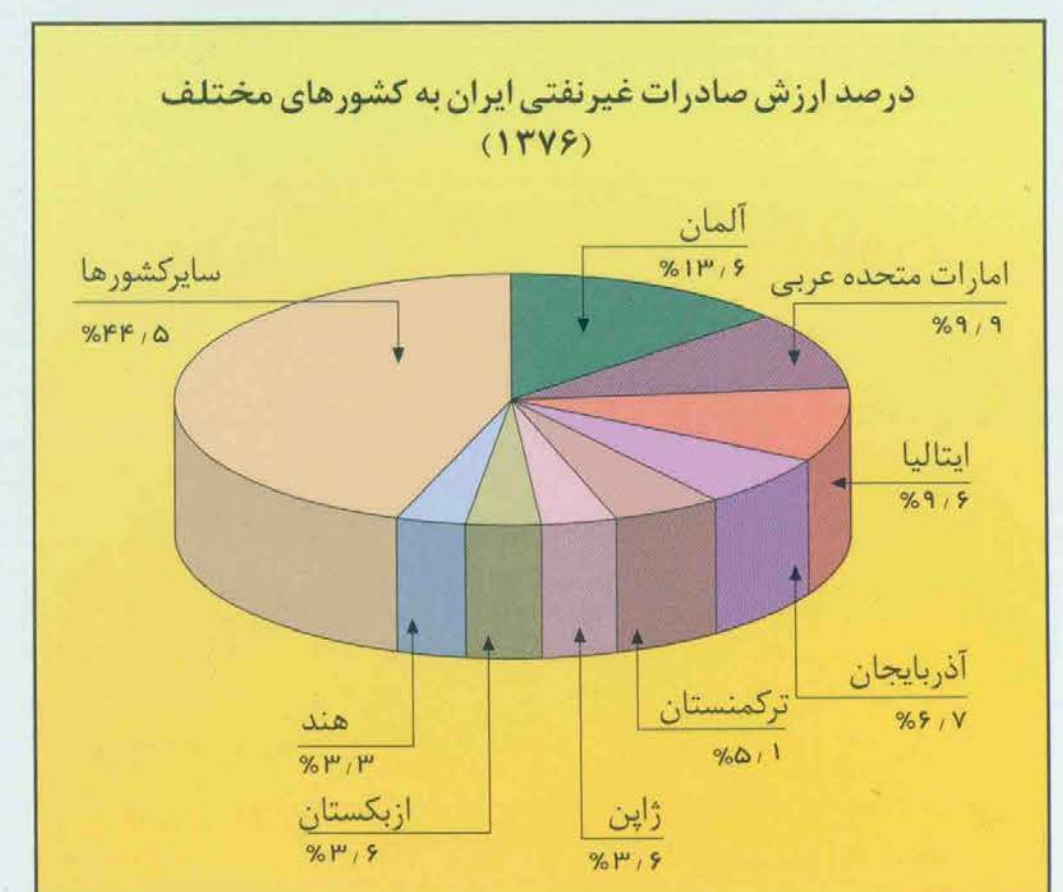
گوسفندی ۳/۰۴٪، نفت و روغن حاصل از مواد قیری ۲/۷۴٪، محصولات تخت نورد شده از آهن و فولاد ۲/۴۵٪، بوتان مایع شده ۲/۲٪، محصولات نیمه تمام از آهن یا فولاد ۲/۰۴٪، بنزین ۱/۸٪، اشیاء سرمیز و آشپزخانه ۱/۶۸٪، این تعداد کالا حدود ۴۸ درصد از کل ارزش صادرات نفتی کشور را در سال ۱۳۷۶ به خود اختصاص داده‌اند.

صادرات کشور به تفکیک قاره‌ها

در سال ۱۳۷۶ بیشترین مقدار صادرات ایران به کشورهای اروپایی بوده است. در این سال ۱/۶ میلیون تن کالا به ارزش ۱/۲ میلیارد دلار به اروپا صادر شده است، که ۴۲/۴ درصد از کل ارزش صادرات و ۱۸/۹ درصد از کل وزن صادرات کشور را در بر می‌گیرد. قاره آسیا با ۶/۷ میلیون تن کالا به ارزش ۱/۵

میانگین ارزش یک کیلوگرم از کالاهای صادراتی کشور ۳۳ سنت بوده، که نسبت به سال گذشته، ۱۱ سنت (۲۵ درصد) کاهش نشان می‌دهد.

بررسی ترکیب ارزش صادرات کالاها نشان می‌دهد که بیشترین مقدار صادرات مربوط به گروه تعرفه‌ای کالاهای «مواد نساجی و مصنوعات از این مواد» بود که ۲۸/۸ درصد ارزش کل صادرات غیر نفتی کشور را به خود اختصاص داده است. پس از آن، «محصولات نباتی» با سهمی برابر ۳/۱ درصد مرتبه دوم و «محصولات شیمیایی» با سهم ۱۰/۹ درصد از کل ارزش صادرات، رتبه سوم را دارا بوده‌اند. در سال ۱۳۷۶، بیشترین مقدار صادرات کشور بر اساس کدهای تعرفه‌ای و سهم هریک از آنها در کل ارزش صادرات کشور به ترتیب زیر بوده است: فرش دستباف ۲۲/۱٪، پسته و مغز پسته ۶/۸۶٪، پروپان مایع شده ۳/۰۷٪، سالامبور





مجموع صادرات کشور در سال ۱۳۷۶ از ۵۷ گمرک صورت گرفته است که از آن میان بندر امام خمینی با بارگیری ۳,۳۵۹ هزار تن کالا، به تنهایی ۳۸/۷ درصد از کل صادرات کشور را به خود اختصاص داده است. بندرعباس با بارگیری ۲,۹۳۲ هزارتن کالا، ۳۳/۷ درصد و بندربوشهر با ۳۳۱ هزارتن کالا، ۳/۸ درصد از کل وزن صادرات، به ترتیب مقامهای دوم و سوم را در بین گمرکات کشور، از نظر وزن به خود اختصاص داده‌اند. این سه بندر بر رویهم ۶/۶ میلیون تن، یا ۷۶/۲ درصد از کل وزن صادرات کشور را برعهده داشته‌اند.

از بنادر ایرانی خلیج فارس و دریای عمان، در سال ۱۳۷۶ جمعاً ۷/۱ میلیون تن کالا به خارج صادر شده است که از نظر وزن ۸۲ درصد از کل صادرات را شامل می‌گردد. بنادر شمالی کشور در دریای خزر شامل بندرانزلی با صادرات ۶۱/۷ هزارتن و نوشهر با ۲۶/۵ هزارتن، رویهم یک درصد وزن صادرات را دارا بوده‌اند.

از دیگر گمرکات کشور، شامل گمرکات زمینی و هوایی، ۱/۶ میلیون تن کالا به خارج صادر شده است که ۲۲ درصد از صادرات کل کشور را شامل می‌شود.

صادرات کشور به تفکیک نوع وسیله حمل

حمل با کشتی - همان‌طور که گفته شد، ۹۶ درصد از حجم واردات ایران و ۸۳ درصد از کل کالاهای صادراتی ایران از طریق بنادر جنوبی و به مقدار کم از بنادر شمالی کشور تخلیه و بارگیری شده‌اند. به همین سبب از کل کالاهای صادراتی کشور در سال ۱۳۷۶ جمعاً ۷ میلیون تن توسط کشتی حمل شده

ترکمنستان با سهمی برابر ۵/۱ درصد، و ترکیه با ۳/۱ درصد از کل واردات کشور، رتبه‌های دوم و سوم را در بین کشورهای همسایه دارا هستند. در این سال صادراتی به عراق، همسایه غربی انجام نشده است.

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که در مجموع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهند، جزو همسایگان دریایی ایران در جنوب به شمار می‌روند. در سال ۱۳۷۶ مجموعاً ۲/۷ میلیون تن کالا به ارزش ۳۷۰ میلیون دلار به این کشورها صادر شده است، که ۱۲/۸ درصد از کل صادرات کشور را به خود اختصاص می‌دهند. امارات متحده عربی با واردات ۱/۹ میلیون تن کالا از ایران به ارزش ۲۸۵/۶ میلیون دلار، رتبه اول را در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و رتبه دوم را بین کشورهای مقصد صادرات ایران به خود اختصاص داده است. پس از امارت متحده عربی، عربستان سعودی و کویت هرکدام به ترتیب ۳۷/۷ میلیون دلار و ۳۰/۴ میلیون دلار رتبه‌های دوم و سوم را دارا هستند.

صادرات از گمرکات کشور

گمرکات کشور، شامل مبادی زمینی، دریایی و هوایی است. به غیر از گمرکات شمال شرقی در استانهای خراسان و مازندران، و نیز شمال غربی در استان اردبیل و آذربایجان شرقی (به استثنای جلفا)، که پس از فروپاشی شوروی فعال شده‌اند، دیگر گمرکات کشور، دارای سابقه‌ای طولانی در صادرات و واردات کالا هستند.



کالاهای صادراتی ایران به ارزش ۹/۸ میلیون دلار در بین قاره‌ها مقام پنجم در صادرات ایران را داشته است.

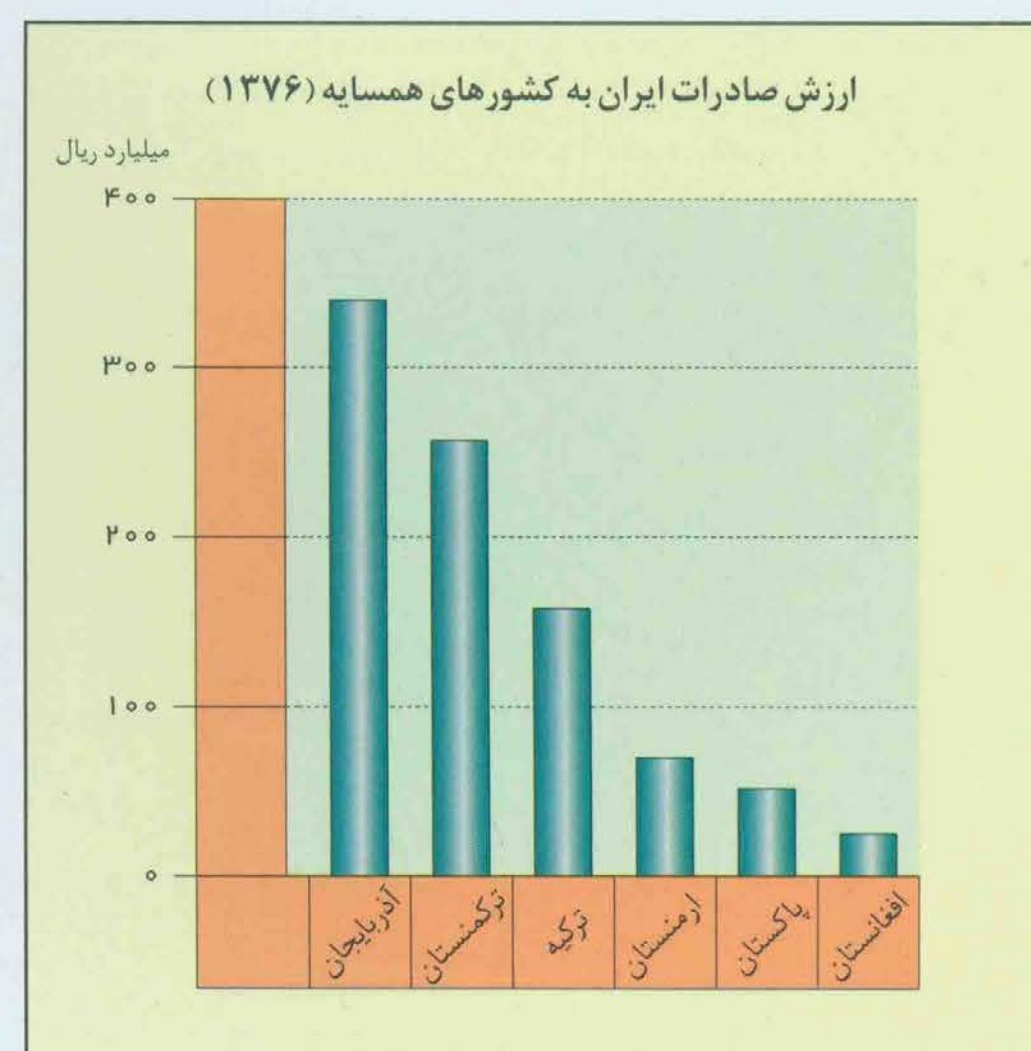
کشورهای مقصد صادرات

بررسی مقصد صادرات کشور در سال ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که در این سال کالاهای صادراتی ایران به ۱۴۲ کشور جهان صادر شده است. در بین کشورهای مقصد، آلمان با ۳۹۱/۵ میلیون دلار در مقام اول قرار دارد، که ۱۳/۶ درصد از کل صادرات ایران را به خود اختصاص داده است. پس از آلمان، امارات متحده عربی با ۲۸۵/۶ میلیون دلار در مقام دوم، و ایتالیا با ۲۷۵/۵ میلیون دلار در مقام سوم، در بین کشورهای وارد کننده کالاهای غیر نفتی ایران در سال ۱۳۷۶ قرار دارند.

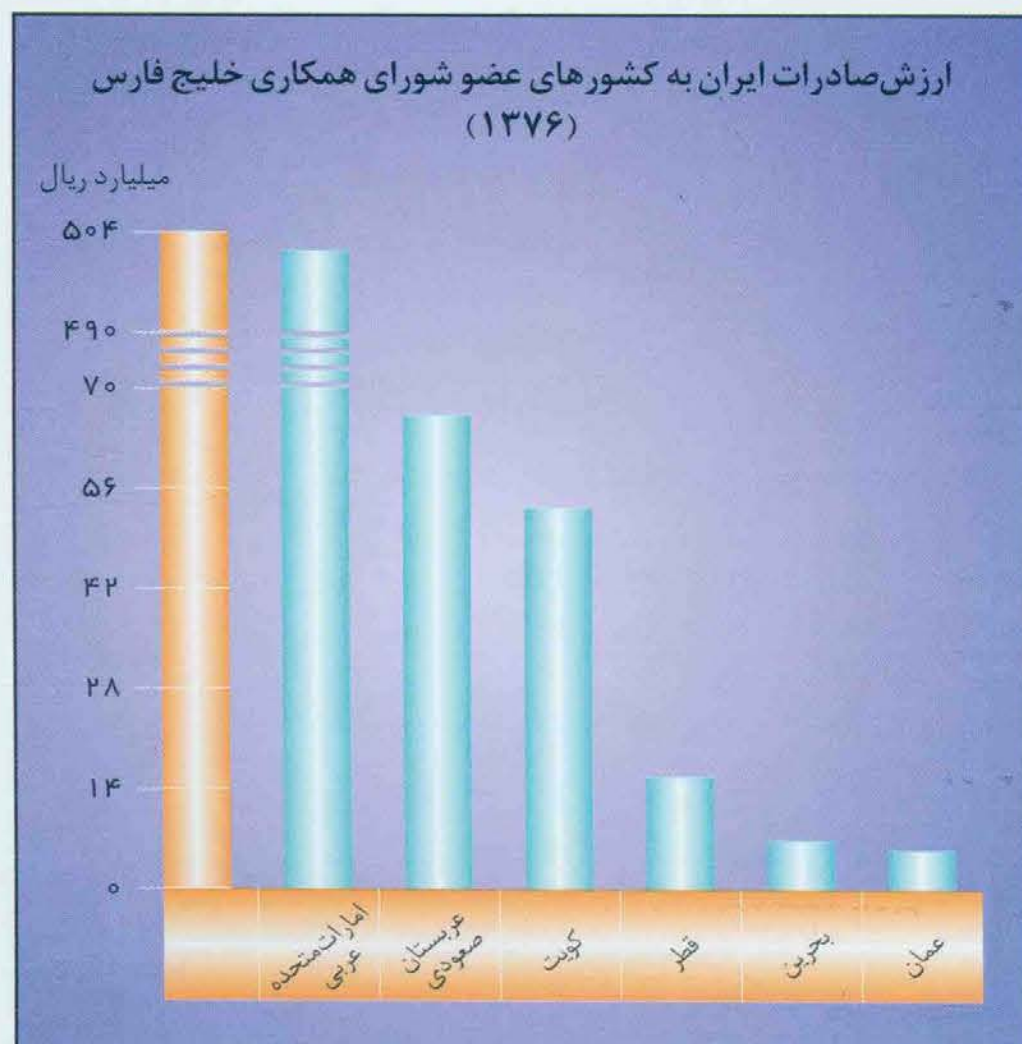
کشورهای آذربایجان، ترکمنستان، ژاپن، ازبکستان، هند، کره جنوبی و ترکیه به ترتیب مقام‌های چهارم تا دهم مقصد صادرات ایران را تشکیل می‌دهند.

صادرات به کشورهای همسایه

در سال ۱۳۷۶ ایران ۵۱۳/۸ میلیون دلار به کشورهای همسایه خود صادر کرده است که سهمی برابر ۱۷/۸ درصد از کل مقدار صادرات کشور را در بر می‌گیرد. آذربایجان با سهمی برابر ۶/۷ درصد از کل صادرات کشور، در بین کشورهای همسایه رتبه اول را در صادرات ایران به خود اختصاص داده است.



۱۳/۱ درصد از کل ارزش صادرات کشور را در برمی گیرد، رتبه دوم را بین گروه بندی کالاهای صادراتی به خود اختصاص داده است. محصولات معدنی با ارزشی برابر ۳۲۷ هزار دلار، و محصولات صنایع شیمیایی با ارزشی برابر ۳۱۴ میلیون دلار به ترتیب ۱۱/۴ درصد، ۱۰/۹ درصد از کل ارزش صادرات کشور را شامل می شوند که در رتبه های سوم و چهارم اقلام صادراتی ایران قرار دارند.



مقدار و ارزش صادرات کشور بر حسب نوع وسیله حمل و نقل (۱۳۷۶)					
وسيله حمل	وزن		ارزش ریالی (میلیون ریال)	ارزش دلاری	
	مقدار (هزار تن)	درصد		ارزش (هزار دلار)	درصد
کشتی	۷,۰۱۱ / ۹	۸۰ / ۷	۱,۷۵۶,۷۸۵	۱,۰۰۱,۰۱۷	۳۴ / ۸
کامیون	۱,۶۲۴ / ۴	۱۸ / ۷	۲,۵۸۲,۶۲۷	۱,۴۷۱,۵۸۲	۵۱ / ۲
هواپیما	۳۵ / ۳	۰ / ۴	۶۹۷,۴۲۸	۳۹۷,۳۹۵	۱۳ / ۸
قطار	۱۸ / ۶	۰ / ۲	۹,۸۲۵	۵,۵۹۸	۰ / ۲
جمع	۸,۶۹۰ / ۳	۱۰۰ / ۰	۵,۰۴۶,۶۶۵	۲,۸۷۵,۵۹۲	۱۰۰ / ۰

صادرات کشورها به تفکیک گروه بندی تعرفه ای کالاها

در سال ۱۳۷۶ بیشترین مقدار صادرات کالا از نظر وزن مربوط به محصولات معدنی بود که با صادرات ۳,۸۹۲ هزار تن، به تنهایی ۴۴/۸ درصد از کل وزن صادرات را به خود اختصاص داده است. پس از آن محصولات صنایع شیمیایی، با ۱,۹۸۲/۸ هزار تن، ۲۲/۸ درصد از کل وزن صادرات کشور را در بر می گیرد. محصولات نباتی که بیشتر شامل محصولات کشاورزی از جمله میوه است، ۹۵۰/۷ هزار تن و فلزات معمولی و مصنوعات آنها با ۹۱۵/۷ هزار تن، در رده های بعدی صادراتی ایران قرار دارند که به ترتیب ۱۰/۹ درصد و ۱۰/۵ درصد از حجم صادرات کشور را به خود اختصاص داده اند.

از نظر ارزش، بیشترین مقدار صادرات کالا به منسوجات و مصنوعات (عمدتاً فرش) اختصاص دارد که در سال ۱۳۷۶ مبلغی معادل ۸۲۸ میلیون دلار عاید کشور کرده است و به تنهایی ۲۸/۸ درصد از کل ارزش صادرات کشور را شامل می شود. صادرات محصولات نباتی به ارزش ۳۷۷ میلیون دلار که

است، که ۸۰/۱ درصد از کل کالاهای صادراتی و ۳۴/۸ درصد از کل ارزش کالاهای صادراتی را به خود اختصاص داده است.

حمل با کامیون - کالاهای صادراتی که از طریق راههای زمینی به کشورهای دیگر حمل شده است؛ شامل ۱/۶ میلیون تن کالا است که ۵۱/۲ درصد از کل ارزش کالاهای صادراتی را شامل می شود.

در سال ۱۳۷۶ در مجموع ۳۵ هزار تن کالا توسط هواپیما صادر شده است که از نظر حجم کمتر از ۰/۵ درصد ولی از نظر ارزش دلاری ۱۳/۸ درصد از کالاهای صادراتی را در بر می گیرد. این نوع کالاها شامل کالاهای کم حجم و گران قیمت است.

حمل با قطار - ۱۸ هزار تن از کالاهای صادراتی ایران را به ارزش ۵/۶ میلیون دلار شامل می شود که فقط ۲ درصد از کل کالاهای صادراتی را در بر می گیرد.

مقدار و ارزش صادرات کشور بر حسب گروه بندی تعرفه ای کالاها (۱۳۷۶)					
گروه بندی تعرفه ای کالاها	ارزش (میلیون دلار)	مقدار (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	مقدار (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)
حیوانات زنده و محصولات حیوانی	۱۷ / ۲	۸۰ / ۶	۵۷,۱۱۳	۸۲۷,۶۹۳	۸۲۷,۶۹۳
محصولات نباتی (غلات، میوه، چای و ...)	۹۵۰ / ۷	۲۲ / ۶	۳۷۶,۵۱۷	۶۲۰,۲۰۵	۶۲۰,۲۰۵
چربیها، روغنهای حیوانی یا نباتی، فراورده های حاصل از تفکیک آنها، چربیهای خوارکی	۱۷ / ۸	۲۳۵ / ۲	۱۲,۸۸۹	۴۷,۹۶۳	۴۷,۹۶۳
محصولات صنایع غذایی، نوشابه، آبگونه های الکلی، سرکه ها، توتون و تنباکو	۳۳۰ / ۲	۰ / ۰	۲۵۹,۷۱۵	۱۵۶	۱۵۶
محصولات معدنی	۳,۸۹۲ / ۰	۹۱۵ / ۷	۳۲۶,۹۷۰	۲۸۹,۹۸۸	۲۸۹,۹۸۸
محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن	۱,۹۸۲ / ۸	۱۲ / ۶	۳۱۴,۰۹۷	۲۸,۱۵۴	۲۸,۱۵۴
مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد، کائوچو و اشیاء ساخته شده از کائوچو	۱۵۶ / ۱	۱۴ / ۴	۱۰۲,۱۲۳	۲۶,۳۵۶	۲۶,۳۵۶
پوست، چرم، پوستهای نرم و اشیاء ساخته شده از این مواد، اشیاء زین و برگ سازی و لوازم سفر	۲۴ / ۱	۱ / ۰	۱۰۲,۹۳۷	۴,۲۶۸	۴,۲۶۸
چوب و اشیاء چوبی، زغال چوب، چوب پنبه و اشیاء چوب پنبه ای، مصنوعات	۱۱ / ۵	۲۲ / ۰	۳,۰۸۲	۲۸,۶۸۸	۲۸,۶۸۸
حصیربافی یا سبدبافی	۳ / ۷	۰ / ۰	۴,۶۰۰	۷۱	۷۱
خمیر چوب یا سایر مواد، الیاف سلولوزی، خرده ریز کاغذ یا مقوا و اشیاء					

فصل سوم: خدمات بازرگانی

مجموعه خدمات و تسهیلاتی که در یک رویکرد تجاری در مسیر عرضه کالا، از مرحله تأمین تا مرحله عرضه نهایی کالا ارایه می‌شود، خدمات بازرگانی نام دارد. موضوعات و سرفصل‌های اصلی خدمات بازرگانی به شرح زیر ارایه می‌شود:

مبادله الکترونیکی اطلاعات تجاری (E.D.I.)

طی سال‌های اخیر باتوجه به تغییر ابزارها و تکنولوژی‌های ارتباط جدید و رایانه‌ها، استفاده از تجارت الکترونیکی، و در راستای آن روشی که به مبادله الکترونیکی اطلاعات (Electronic Data Interchange) شهرت یافته، در حال جایگزینی روش‌های سنتی مبتنی بر استفاده از کاغذ در امور تجارت می‌باشد. استفاده از تجارت الکترونیکی در بر دارنده تغییر و تحول اساسی در شیوه‌های اجرایی تجارت خارجی هر کشور نظیر سیستم بانکی، حمل و نقل، بیمه، گمرک و غیره بوده و منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت و دقت در انتقال اطلاعات تجاری می‌شود. همچنین با افزایش کارایی و بهره‌وری و رفع موانع الکترونیکی و روانی در امور تجارت، تجار هر کشور از وضعیت مطلوب‌تری در عرصه رقابت فشرده در تجارت جهانی برخوردار شده، و مشکلات ناشی از تفاوت زبان و فرهنگ، فاصله جغرافیایی، و مغایرت در روش‌های اداری و تجاری از میان برداشته می‌شود.

در راستای ایجاد یک زبان مشترک بین‌المللی و یا یک استاندارد منحصر به فرد برای تبادل اطلاعات از طریق بهره‌گیری از تجارت الکترونیکی (E.D.I.) در بین سیستم‌های رایانه‌ای گوناگون و متنوعی که در سطح جهانی در اختیار عاملان تجارت بین‌المللی قرار دارد، قواعد و استانداردهایی موسوم به استانداردهای "UN/EDIFACT" به منظور تبدیل اطلاعات تجاری به پیام‌های الکترونیکی قابل مخابره از یک رایانه به رایانه دیگر، توسط سازمان ملل تدوین شده است. این مجموعه که شامل اطلاعات قواعد و دستورالعمل‌های مربوطه

به ساخت و ایجاد پیام‌های الکترونیکی است، بزودی به صورت انحصاری جایگزین کلیه استانداردهای دیگر خواهد شد که در حال حاضر در بعضی از کشورهای جهان به منظور کاربرد "E.D.I."، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

مهمترین اقداماتی که در زمینه E.D.I. در ایران به عمل آمده عبارتند از:

- ۱- عضویت جمهوری اسلامی ایران در هیأت ادیفاکت آسیا.
- ۲- تأسیس کمیته ملی ادیفاکت ایران و زمینه‌سازی‌های لازم به منظور تکمیل ترکیب کمیته مذکور با شرکت وزارتخانه‌ها، سازمانها و مؤسسات مربوط به آن.
- ۳- تأسیس و راه‌اندازی دبیرخانه کمیته ملی ادیفاکت ایران.
- ۴- تأسیس و تقویت شبکه آگاه‌گر بازرگانی به عنوان عامل ملی شبکه‌های ارزش افزوده در زمینه E.D.I.
- ۵- همکاری با دیگر شبکه‌های بین‌المللی ارزش افزوده به منظور تقویت شبکه آگاه‌گر بازرگانی.
- ۶- برگزاری همایش در زمینه E.D.I. به منظور آشناسازی بیشتر مدیران و کارشناسان مربوط ایرانی.
- ۷- اجرای موارد ذیل در زمینه جنبه‌های حقوقی اعمال E.D.I. در جمهوری اسلامی ایران (ج.ا.ا.):

- ۱- شناسایی موضوعات حقوقی ناشی از اجرای E.D.I. در چارچوب ج.ا.ا.
- ۲- برقراری ارتباط با دیگر کشورهای عضو هیأت ادیفاکت آسیا.
- ۳- برقراری تماس با سازمان‌های تخصصی بین‌المللی از جمله کمیسیون ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل.
- ۴- برگزاری سمینار و نمایشگاه تخصصی برای نمایش جنبه‌های اجرایی E.D.I. و بررسی جنبه‌های حقوقی اعمال E.D.I. در ج.ا.ا.
- ۵- دریافت و پردازش روزانه پیام‌های فرصت‌های تجاری (E.T.O.) ادیفاکت از مرکز توسعه نقاط تجاری ملل متحد به منظور توزیع پیام‌های مذکور از طریق



شبکه آگاه‌گر بازرگانی و دفاتر توزیع اطلاعات تجاری.

۶-۷) دریافت فرصت‌های تجاری (E.T.O.) مشترکین ایرانی به زبان فارسی، و ترجمه پیام‌های مزبور به زبان انگلیسی و ارسال آنها از طریق شبکه آگاه‌گر بازرگانی به شبکه جهانی نقاط تجاری.

۷-۷) تأسیس یک خط ارتباطی ویژه به منظور ارتباط با اینترنت.

۸-۷) اتخاذ تمهیدات فنی لازم به منظور ایجاد "Home Page" جمهوری اسلامی ایران در "اینکوبیتور" ملل متحد با همکاری مرکز توسعه نقاط تجاری ملل متحد.

۹-۷) تهیه داده‌های لازم برای ارسال به "اینکوبیتور" ملل متحد.

۱۰-۷) تأسیس "Home Page" جمهوری اسلامی ایران به نام "http://WWW.iran.commerce.com" بروی شبکه جهانی اینترنت.

۱۱-۷) راه‌اندازی مرحله اول پروژه نمایشگاه مجازی تجاری و ایجاد زمینه‌های فنی لازم جهت برقراری ارتباط بین نمایشگاه مجازی مذکور و شبکه جهانی نمایشگاه‌های مجازی.

۱۲-۷) تبدیل محیط شبکه آگاه‌گر بازرگانی به یک محیط گرافیکی.

مرکز ملی شماره‌گذاری کالا و خدمات ایران (بارکد)

ضرورت توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و حضور ایران در مجامع و بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، مسئولان بازرگانی کشور را بر آن داشت تا هماهنگی‌های لازم در خصوص برداشتن موانع و ایجاد تسهیلات لازم برای روند رو به گسترش، و نفوذ بیشتر کالاهای کشور به عمل آورند. نمایندگان ویژه ریاست جمهوری در ستاد پشتیبانی تنظیم بازار طی اعلامیه شماره ۳۵۳۲ مورخ



۷۴/۳/۲۸، وزارت بازرگانی را به عنوان مسئول اجرای طرح شماره‌گذاری کالا در کشور تعیین نمود. در اجرای تصمیم فوق مرکز ملی شماره‌گذاری کالا و خدمات ایران در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی تأسیس و هم‌اکنون این مرکز به عنوان هفتاد و سومین مرکز شماره‌گذاری در مؤسسه بین‌المللی E.A.N به ثبت رسیده است.

اهداف مهم و اصلی مرکز به ترتیب ذیل می‌باشد:

- ۱- تعیین روش شماره‌گذاری برای تولیدات صنعتی، کالاهای مصرفی، خدمات (از قبیل بیمه، حمل و نقل)، تخصیص شماره ملی به کارخانه‌ها و کالاهای تولیدی آنها، و فروشگاه‌ها و مراکز توزیع کننده به تفکیک، به نحوی که شماره منحصر به فرد بوده و معرف یک کالا و خدمت مشخص باشد.
- ۲- فراهم آوردن موجبات تهیه و تأمین دستگاه‌های صندوق فروشگاهی POS که قادر به خواندن شماره‌های اختصاصی باشد.
- ۳- اقدام در جهت معرفی تجارت بدون کاغذ (E.D.I.)
- ۴- همکاری و تشریک مساعی با مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌ها در جهت پیاده‌سازی شماره‌های اختصاصی از دیدگاه فنی و تکنیکی.

در سال ۱۳۷۶، مرکز شماره‌گذاری کالا به منظور بالا بردن توان فنی تبدیل کد ملی به رمزینه (خط نماد)، تعداد شرکت‌های همکار را افزایش داد، به طوری که شرکت‌های همکار مرکز به ۱۵ شرکت افزایش یافت. از سایر اقدامات این مرکز می‌توان به، تهیه و تدوین استاندارد ملی رمزینه (خط نماد) با همکاری مرکز و مؤسسه استاندارد و در نهایت استاندارد EAN/UPC در کمیته ملی استاندارد نام برد، که به عنوان استاندارد ملی شناخته شده است.

با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی مرکز تعمیم سیستم شماره‌گذاری در صنایع مختلف شامل تولید، توزیع، توسعه سیستم در بخش‌های بهداشت و انتشارات است، از شرکت‌های همکار جهت ارایه خدمات مربوط به شرکت‌های تجاری ایرانی استفاده کرده و تا تیرماه ۱۳۷۷ موفق به عضوگیری ۱۶۰۶ شرکت تجاری و شماره‌گذاری (اقلام رمزینه دار) ۴۶,۲۰۰ قلم کالا و خدمت شده است.

نوبین‌سازی شیوه‌های بازرگانی – کمیته ملّی ادیفاکت

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی باتوجه به اهداف وزارت بازرگانی در جهت گسترش نوبین‌سازی تجارت، مطالعات کارشناسی دامنه‌داری را در زمینه‌سازی شیوه‌های بازرگانی کشور انجام داده و با توجه به فراگیری جهانی مجموعه قواعد و معیارهای موسوم به پیام‌های استاندارد "ادیفاکت" درصدد انجام برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات ویژه در سطح ملی و بین‌المللی در این راستا گردیده است.

تشکیل کمیته ملّی ادیفاکت ایران به عنوان مرجع هماهنگ کننده تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های مربوط به کارگیری فن‌آوری‌های تسهیل کننده عملیات و مبادلات تجاری، به ویژه تجارت الکترونیکی، در مرداد ماه سال ۱۳۷۵ و عضویت این کمیته در "هیأت ادیفاکت آسیا" (ASEB) و نیز حضور مستمر در فعالیت‌های "مرکز بین‌المللی تسهیل روشها و عملیات اداری، بازرگانی و ترابری" ملل متحد (CEFACT) از مهمترین اقدامات در این زمینه است.

نقطه تجاری ایران – مرکز خدمات صادراتی

در جهت ایجاد زمینه‌ای مناسب برای بالا بردن کارایی تجاری، در فوریه سال ۱۹۹۲ مجمعی از ۱۷۱ کشور جهان، به مناسبت کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد در کلمبیا تشکیل گردید. هدف اصلی این اجلاس بازکردن پنجره‌های تجارت بر روی جوامع تجاری شامل: بخش‌های بزرگ، متوسط و کوچک و ایجاد امکان بهره‌مندشدن از تکنولوژی‌های پیشرفته در این زمینه بوده است.

یکی از راه‌های اصلی در جهت تأمین هدفهای بالا، اجرای برنامه "نقطه تجاری" شامل: ایجاد، اجرا و اتصال نقاط تجاری دنیا می‌باشد. نقطه تجاری، محلی را برای کلیه عوامل مؤثر در تجارت خارجی شامل: گمرک، مؤسسه‌های تجارت خارجی، اتاق بازرگانی، مؤسسات حمل و نقل، حق العمل کارها، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و... در زیر یک سقف به صورت مجموع، یا از طریق شبکه به صورت مجازی فراهم آورد.

این محل، فضای مناسب برای ارایه آخرین اطلاعات تجاری در خصوص قوانین و فرصت‌های تجاری، بهره‌مندشدن از سایر اطلاعات مربوط به دیگر نقاط تجاری دنیا، و انجام اموراداری بدون مواجهه با مراحل طولانی اداری را فراهم می‌سازد. در این حالت، تاجر بدون نیاز به مراجعه به واحدهای متعدد، در محل‌های مختلف، در یک محل کلیه اقدامات لازم را انجام خواهد داد.

جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را جهت احداث نقطه تجاری در تهران در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۲ به کمیسیون تجاری و توسعه سازمان ملل متحد

اهداف و فلسفه وجودی مراکز خدمات صادراتی	
۱	به حداقل رساندن بوروکراسی و حذف تشریفات زائد صادرات
۲	انجام امور اجرایی و خدماتی صادرکنندگان در زیر یک سقف و در حداقل زمان ممکن
۳	صدور مجوزهای لازم برای صادرات کالا و خدمات در مواردی که برابر مقررات موکول به اخذ مجوز است
۴	پرهیز از مراجعات عدیده صادرکنندگان برای انجام امور اجرایی و یا دریافت خدمات و تسهیلات مختلف به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات متعدد و پراکنده در نقاط مختلف شهر و کشور
۵	ایجاد هماهنگی و ارتباط تنگاتنگ بین دستگاه‌های مختلف مرتبط با امر صادرات
۶	شفاف شدن فرایند اجرایی مرتبط با صادرات و کوشش در جهت رفع تنگناها و موانع موجود
۷	ایجاد نقطه تماس بین صادرکنندگان ایرانی و خریداران خارجی
۸	اطلاع رسانی سریع و به موقع به صادرکنندگان به ویژه در رابطه با تسهیلات، مقررات و بازارهای هدف و فراهم نمودن زمینه عدالت در توزیع اطلاعات
۹	ارائه خدمات مشاوره‌ای به صادرکنندگان

(UNCTAD) اعلام نمود، که به تأیید دفتر مربوطه در آنکتاد رسید.

مرحله اوّل پایگاه اطلاع رسانی نقطه تجاری ایران در مرداد ماه ۱۳۷۶ به بهره‌برداری رسید. در راستای طرح ساماندهی اقتصاد کشور، نقطه تجاری ایران در قالب مرکزی برای ارایه خدمات و صدور مجوزهای صادراتی موردتوجه قرار گرفت. مصوّبات ابلاغی هیأت وزیران در چارچوب طرح ساماندهی ایجاد و تشکیل این واحد در مرکز توسعه صادرات ایران و ادارات کل بازرگانی کشور مقرر نمود، به گونه‌ای که نمایندگی کلیه دستگاه‌های صادرکننده در این مرکز مستقر شده و مراحل صدور مجوز صادراتی در آن مرکز به حداکثر یک هفته کاهش باید. در اجرای مصوّبات هیأت وزیران، مرکز توسعه صادرات ایران در شش ماهه دوم سال ۱۳۷۷ اقدام به آماده‌سازی یکی از سالن‌های نمایشگاهی به عنوان محل استقرار نمایندگی کلیه دستگاه‌های اجرایی مربوط نمود، و بدین ترتیب مرکز خدمات صادراتی در مورخ ۷۸/۳/۱۲ توسط ریاست محترم جمهوری افتتاح گردید.

خدمات نمایشگاهی

یکی از ابزارهای مهم بازاریابی و ارتقای جایگاه کشور در بازارهای جهانی، حضور فعال و موفق در نمایشگاه‌های معتبر جهان و برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی و بین‌المللی است.

مرکز توسعه صادرات ایران به عنوان بازوی اجرایی دولت در این زمینه، متوالی امر برگزاری و مشارکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی است، و ضمن مطالعات و تحقیقات لازم، برنامه ریزی‌های خاصی را در این زمینه انجام داده است که اهم آن در سال ۱۳۷۷ عبارتند از:

نمایشگاه‌های تخصصی داخلی

نمایشگاه خدمات صادراتی ایران – این نمایشگاه با حضور ۸۳ شرکت‌کننده در فضایی به مساحت ۶,۰۰۰ مترمربع در تاریخ ۱۲ – ۸ تیرماه برگزار گردید. اوّلین نمایشگاه خدمات صادراتی توسط مرکز توسعه صادرات ایران با هدف‌شناسایی و معرفی و همچنین ارایه توانمندی و مقرّرات مربوط به سازمان‌ها و نهادهایی که با مقوله صادرات و تولید سروکار دارند، برپا شد. البته در کنار معرفی سازمان‌های مربوط، نمایشگاهی از محصولات دارای ISO نیز برگزار گردید.

نمایشگاه خدمات فنی مهندسی – پتانسیل موجود در بخش خدمات فنی – مهندسی و افزایش روبه رشد این بخش برای کسب ارز، موجب برگزاری نمایشگاهی به مساحت ۳,۵۰۰ مترمربع و با حضور ۶۰ شرکت از تاریخ ۱۲ – ۸ تیرماه شد. لازم به ذکر است که شرکت کنندگان در نمایشگاه خدمات فنی – مهندسی سال ۱۳۷۷ در بعد کمّی ۲۵ درصد رشد داشته‌اند.

نمایشگاه تخصصی صادراتی گرمایش – سرمایش – در نخستین نمایشگاه گرمایش و سرمایش که در تیرماه سال ۱۳۷۷ برگزار شد، ۵۲ شرکت در فضایی به مساحت ۳,۲۰۰ مترمربع، اقدام به ارایه آخرین پدیده‌های این بخش از صنعت نمودند.

نمایشگاه تجهیزات نمایشگاهی و غرفه آرایی – اگر چه سابقه نمایشگاه‌ها به ۲۵ سال گذشته برمی‌گردد. لیکن مباحث خدمات‌رسانی به برگزاری نمایشگاه‌ها همچنان بدون حمایت مانده است. حضور ۱۶ شرکت در اوّلین نمایشگاه، و در فضایی به مساحت ۲۱۰۰ مترمربع، نحوه و چگونگی خدمات قابل ارایه در نمایشگاه‌ها را در معرض دید علاقمندان قرار داد. زمان برگزاری نمایشگاه تجهیزات نمایشگاهی و غرفه آرایی ۱۲ – ۸ تیرماه سال ۱۳۷۷ بوده است.



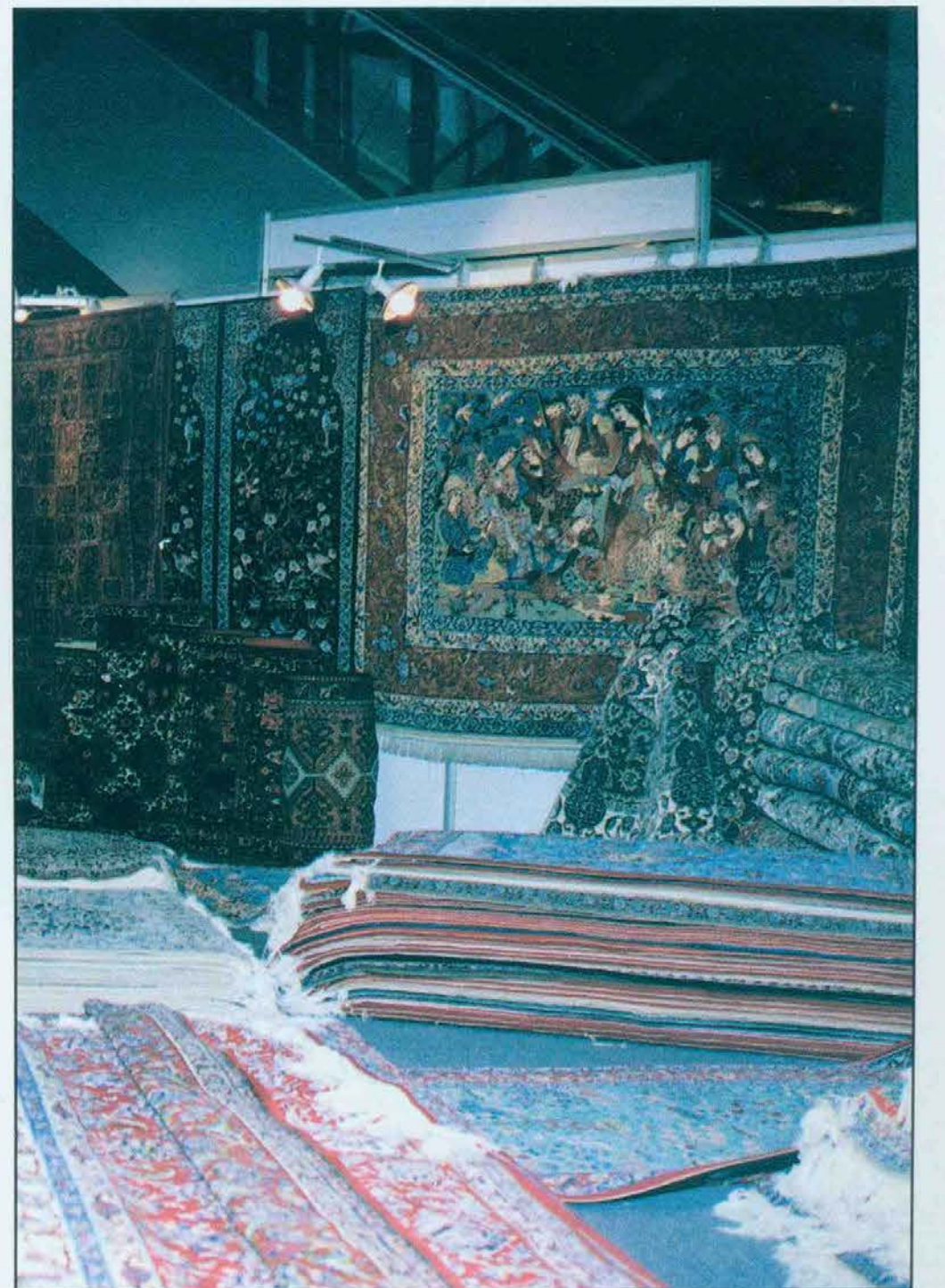
هفتمین نمایشگاه بزرگ فرش دستباف ایران – بیانگر جایگاه ویژه فرش ایران، آمیزهٔ هنر و صنعت در عرصه فرهنگ و اقتصاد است. نمایشگاه فرش در فضای وسیعی از نمایشگاه بالغ بر ۶۰ هزار مترمربع با حضور ۳۵۰ عرضه کننده فرش دستباف در هفته اوّل شهریور سال ۱۳۷۷ برگزار گردید. رشد کمی این نمایشگاه نسبت به سال قبل ۲۰٪ بوده است.

نمایشگاه تخصصی، صادراتی پوست و کالاهای چرمی – مرکز توسعه صادرات ایران نهمین نمایشگاه چرم و پوست را در شرایطی برگزار نمود که با حضور ۷۵ واحد تولیدی – صنعتی در فضای ۳,۰۰۰ مترمربع به عرضه انواع و اقسام چرم سبک و سنگین، کالاهای چرمی و همچنین صنایع وابسته به آن پرداخت. لازم به یادآوری است که در نمایشگاه سال ۱۳۷۷ این صنعت شاهد کاهش در تعداد شرکت کننده بوده ایم.

نمایشگاه تخصصی، صادراتی شوینده ها، مواد پاک کننده، بهداشتی و آرایشی – این نمایشگاه هر دو سال یکبار برگزار می گردد. زمینه های مساعد این صنعت در کشور، موجب گردید این نمایشگاه در یک دوره به صورت بین المللی برگزار گردد. این نمایشگاه در سال ۱۳۷۷ با حضور ۶۸ تولیدکننده در مساحت ۲,۷۶۴ مترمربع به عرضه انواع مواد پاک کننده، بهداشتی و آرایشی پرداخت. **نمایشگاه تخصصی، صادراتی دکوراسیون، مبلمان خانگی – اداری** – در هشتمین نمایشگاه تخصصی صادراتی مبلمان و دکوراسیون که از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ بهمن ماه برگزار گردید، ۱۰۹ واحد تولیدی در فضای ۱۲,۰۰۰ متر مربع آخرین تولیدات مربوط به مبلمان و دکوراسیون خود را در معرض دید علاقمندان قرار دادند.

نمایشگاه تخصصی صادراتی نساجی، پوشاک، فرش ماشینی و موکت – ۸۵ شرکت در مساحت ۴,۷۰۰ مترمربع انواع نخ، منسوجات، فرش ماشینی، موکت، پتو، حوله و طراحی پارچه را در روزهای ۱۳ الی ۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۷۷ در معرض دید علاقمندان قرار دادند.

نمایشگاه تخصصی، صادراتی سرامیک، چینی و شیشه – به جرأت می توان



گفت نتایج حاصل از پیشرفت صنعت چینی، سرامیک و شیشه در سال های اخیر ملموس و محسوس است. اخذ گواهینامه های بین المللی از سوی شرکت های تولیدکننده در کشور نیز گواه صحتّ این ادّعاست. این نمایشگاه در روزهای ۱۳ الی ۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۷۷ با حضور ۲۱۳ شرکت کننده و در مساحتی حدود ۱۵,۵۰۰ مترمربع برگزار گردید.

نمایشگاه تخصصی، صادراتی لوازم خانگی – ششمین نمایشگاه لوازم خانگی با حضور ۷۵ شرکت در مساحتی حدود ۳,۵۷۰ مترمربع در روزهای ۱۳ تا ۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۷۷ برگزار گردید.

نمایشگاه تخصصی، صادراتی لوستر و چراغهای تزئینی – اتحادیه لوستر و چراغهای تزئینی متولی و برگزارکننده نمایشگاه لوستر و چراغهای تزئینی بوده است. برگزاری این نمایشگاه تخصصی ضمن ایجاد تشکّل همگانی، ذوق رقابت را در عرضه تولیدات رونق بخشیده است، به طوری که این صنعت توانسته است در طول ۱۰ نمایشگاه گذشته، کالاهای خود را به بیش از ۴۳ کشور جهان صادر نماید. در نمایشگاه لوستر و چراغهای تزئینی سال ۱۳۷۷ تعداد ۱۱۲ شرکت کننده در فضای ۴,۴۸۵ مترمربع، به عرضه تولیدات خود پرداختند.

نمایشگاه روز ملی صادرات – در سال ۱۳۷۷ همزمان با برگزاری سمینار و همایش صادرات، اوّلین نمایشگاه روز ملی صادرات نیز برگزار گردید. در این نمایشگاه کالاهای دارای گواهینامه ISO در معرض دید مسؤولان و بازدیدکنندگان قرار گرفت. این نمایشگاه با حضور ۲۳ شرکت کننده در فضایی معادل ۳,۲۰۰ مترمربع برگزار گردید.

اسامی سایر فعالیّت های نمایشگاهی بین المللی داخلی در سال ۱۳۷۷ عبارتند از:

- سومین نمایشگاه بین المللی نفت، گاز، پتروشیمی و فرآورده های آنها
 - پنجمین نمایشگاه بین المللی برق، الکترونیک، کامپیوتر، ارتباطات و اتوماسیون صنعتی
 - پنجمین نمایشگاه بین المللی صنایع کشاورزی و موادغذایی
 - سومین نمایشگاه بین المللی لوازم و ماشین آلات ساختمانی و سنگهای تزئینی
 - بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی تهران
 - پنجمین نمایشگاه بین المللی ماشین آلات نساجی و چرم
 - اولین نمایشگاه بین المللی ماشین آلات و تجهیزات صنایع پلاستیک و لاستیک
 - اوّلین نمایشگاه بین المللی ماشین آلات و تجهیزات متالوژی
 - پنجمین نمایشگاه بین المللی ماشین آلات چاپ و بسته بندی
- نمایشگاه های خارجی برگزار شده در سال ۱۳۷۷ شامل ۴۰ نمایشگاه است.

صندوق ضمانت صادرات ایران

به دنبال عدم تکافوی درآمد ارزی در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه خورشیدی و نیاز روزافزون به ارز، با کمک کارشناسان سازمان ملل (آنکتاد)، صندوق ضمانت صادرات ایران برای توسعهٔ صادرات کشور، طراحی شد و در نهایت قانون صندوق در سال ۱۳۵۲ از تصویب مجلس وقت گذشت. ولی با افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳، درآمد سرشار نفتی از یکسو، و دیدگاه نابخردانه نسبت به صادرات غیرنفتی از سوی دیگر، عملاً موجب شد نقشی که صندوق می توانست در توسعهٔ صادرات به عهده گیرد، جدّی گرفته نشود. این عوامل سبب شد که صندوق نتواند در این دوره از حیات خود از بدو تأسیس تا ادغام در مرکز توسعهٔ صادرات ایران (دی ماه ۱۳۵۸) کارنامهٔ مثبت و درخشانی از خود ارایه دهد.

فعالیّت های انجام شده صندوق ضمانت صادرات ایران در پنج بخش فنّی،

اداری، سرمایه گذاری، حقوقی و سایر اقدامات خلاصه می گردد.

اقدامات انجام شده در بخش فنّی

۱– صدور ضمانت ها: وظیفه اعتبارسنجی و صدور ضمانت نامه های داخلی و خارجی برعهده قسمت فنّی است. فعالیّت امور فنّی در صدور ضمانت نامه های مختلف درون مرزی و برون مرزی به منظور تأمین امنیّت لازم برای سرمایه صادرکنندگان می باشد تا فضایی امن و مطمئن برای حضور پایدار و دایمی آنها در بازارهای بین المللی فراهم آید.

۲– پرداخت خسارت: مطابق با تشکیلات سازمانی صندوق، مسؤولیت مطالعه و بررسی پرونده های خسارتی، تعیین و پرداخت خسارت در حدود اختیارات تعیین شده برعهده قسمت فنّی است. بدین ترتیب که پس از صدور هر ضمانت نامه تا قبل از سررسید آنها پیگیری های منظمی جهت ترغیب صادرکنندگان و یا خریداران خارجی به ایفای تعهدات انجام می گیرد و در صورت عدم حصول نتیجه از پیگیری های به عمل آمده، اقدامات لازم جهت تعیین و پرداخت خسارات وارده به ذینفع ضمانت نامه صورت گرفته و پرونده مربوطه جهت پیگیری های لازم و باز یافت خسارت به دفتر حقوقی صندوق ارجاع می شود.

۳– طراحی ساز و کار خط اعتباری (BUYERS CREDIT)، طراحی ضمانت نامه های جدید، توسعهٔ روش های اعتبارسنجی، اتّصال به شبکهٔ اطلاعاتی و اداره روابط بین الملل بانک مرکزی، تشکیل کمیته فنّی، تسهیل در فرآیند صدور ضمانت نامه های عام و تشکیل جلسات تخصصی از جمله سایر اقداماتی است که در بخش فنّی مورد توجه قرار گرفته است.

اقدامات انجام شده در بخش اداری

- ۱– تهیّه و تنظیم تشکیلات صندوق.
- ۲– تهیّهٔ پیش نویس آیین نامه استخدامی صندوق.
- ۳– سایر اقدامات.

اقدامات انجام شده در بخش سرمایه گذاری

یکی از مهم ترین مشکلات صادرکنندگان مسأله نقدینگی آنان است. لذا صندوق علاوه بر تأمین اطمینان و امنیّت برای صادرکنندگان از طریق صدور ضمانت نامه های مختلف، اقدام به اعطای تسهیلات به صادرکنندگان از محل منابع و وجوهی که در اختیار دارد، نموده است.

اقدامات انجام شده در بخش حقوقی

یکی از مهم ترین و حسّاس ترین واحدهای اجرایی صندوق، دفتر حقوقی است که مسؤولیّت آن استیفای حقوقی صندوق و یا به عبارتی حمایت دولت از خریداران خارجی و داخلی است. در سال ۱۳۷۷ مجموعاً ۲۹ پرونده خسارتی مورد بررسی قرار گرفته است که، هر یک در مرحله خاصّ قانونی و دادرسی قرار دارند، و طبعاً دفتر حقوقی باید به منظور حفظ حقوق صندوق در هر مرحله اقدامات خاصّی را به عمل آورد.

در سال ۱۳۷۶ مبلغ ۵۱۷ میلیون ریال و در سال ۱۳۷۷ و سه ماهه اوّل ۱۳۷۸ مجموعاً ۲,۱۳۰ میلیون ریال از خسارات پرداختی صندوق (با اقدامات حقوقی انجام شده) باز یافت شده است.

سایر اقدامات انجام شده

۱– تمديد عضویت در اتّحادیه بین المللی بیمه گران آسیایی و آفریقایی (FAIR) برای سال های ۱۹۹۹–۱۹۹۸ و پیگیری انجام کارهای مقدّماتی جهت عضویت در اتّحادیهٔ برن (BERNE).

۲– راه اندازی واحد نمایشگاهی و آموزش نیروی انسانی برای حضور در نمایشگاه های بین المللی و تخصصی، و اقدامات مشابه.

فصل چهارم: مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی

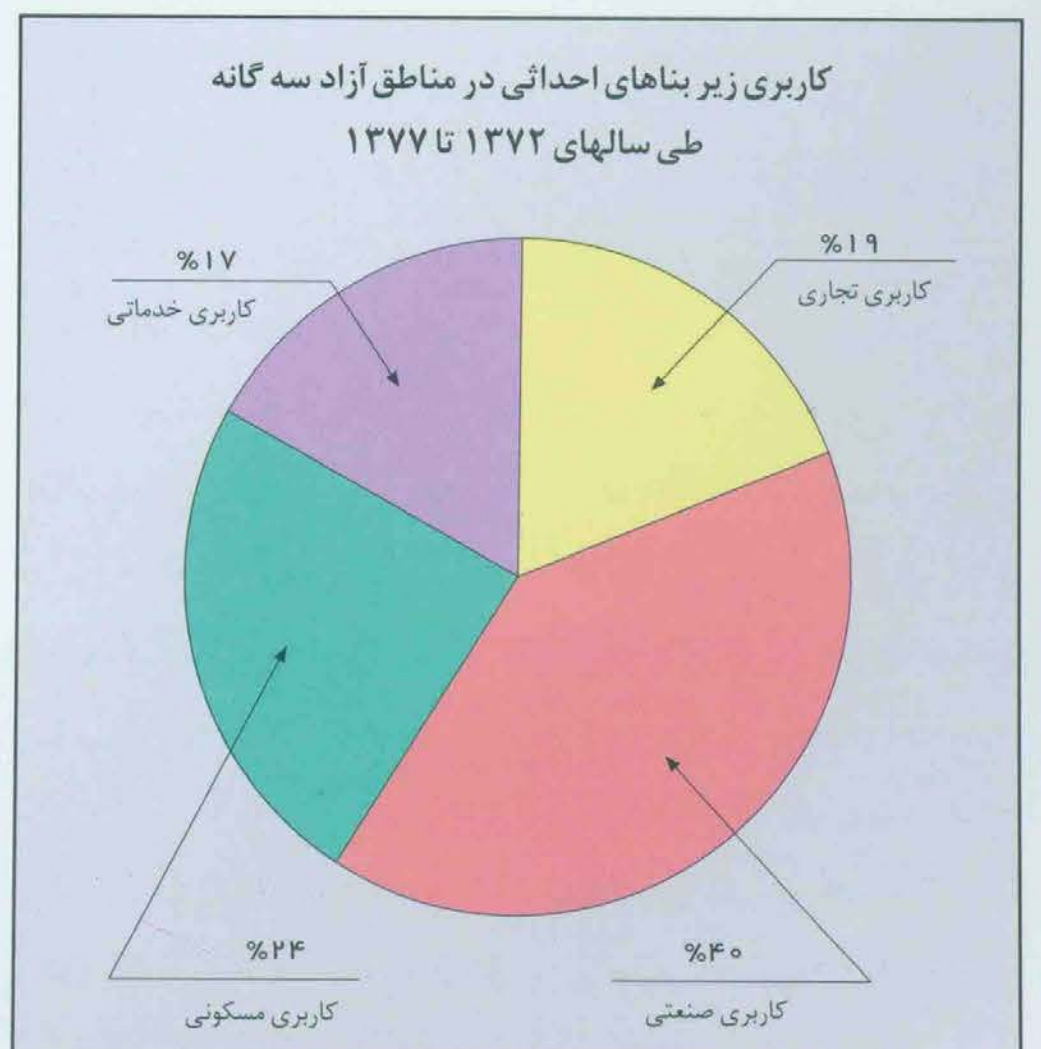
مناطق آزاد تجاری

کشورهای در حال توسعه‌ای که به ایجاد منطقه آزاد روی آورده‌اند براین باورند که توسعه اقتصادی بر مبنای اقتصاد برون‌نگر ضرورتی‌گریزناپذیر است، و منطقه آزاد دریچه‌ای است که می‌تواند آنان را در راه نیل به این هدف یاری داده و برتری‌های بالقوه این کشورها را به توانایی بالفعل تبدیل کند، و پلی مستحکم بین اقتصاد ملی آنها و اقتصاد جهانی برپا سازد.



کشورهای آسیایی از پیشگامان اصلی ایجاد منطقه آزاد در کشورهای در حال توسعه هستند و شاید موفق‌ترین مناطق آزاد جهان که الگوی دیگر کشورهای در حال توسعه شده‌اند نیز در این منطقه قرار دارند. دلیل مهم گسترش سریع مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه آن است که برای این کشورها منطقه آزاد ساده‌ترین ابزار برای رفع موانع اقتصادی داخلی و هماهنگی اقتصادی با دنیای خارج است.

در آبان ماه سال ۱۳۵۶ جزیره کیش با اجرای مجموعه‌ای از تأسیسات زیربنایی و ساختمان‌های رفاهی - تفریحی، با هدف ایجاد مرکزی بین‌المللی برای تفریح و جهانگردی و جذب ثروتمندان دو سوی خلیج فارس و دیگر نقاط رسماً افتتاح شد.



با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ فعالیت‌های جزیره کیش عملاً متوقف شد. در اسفندماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب براساس مصوبه‌ای جزیره کیش را به عنوان اولین منطقه تجارت آزاد جمهوری اسلامی ایران تعیین کرد. ولی تا تیرماه ۱۳۶۵ که مصوبه هیأت وزیران در مورد معافیت از حقوق و عوارض گمرکی کالاهایی که به منظور استفاده، مصرف و فروش وارد جزیره کیش می‌شد، صادر شد عملاً هیچ وظیفه هدف‌داری به جزیره کیش سپرده نشد. پس از آن مطابق

تبصره ۱۹ قانون برنامه اول مصوب سال ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی، به دولت اجازه داده شد در سه نقطه مرزی کشور مناطق آزاد تجاری - صنعتی تأسیس نماید. در اجرای این مصوبه در جلسه مورخ ۶۹/۵/۱ شورای اقتصاد مقرر شد که در زمینه سیاست‌گذاری، خط مشی و سازماندهی عملیات اجرایی مربوط به مناطق آزاد، هماهنگی لازم به عمل آید، و بدین منظور شورایی به نام "شورای مناطق آزاد" تشکیل شد. در سال ۱۳۶۹ دو منطقه آزاد تجاری - صنعتی کیش و قشم رسماً به عنوان "مناطق آزاد تجاری - صنعتی" اعلام شدند و پس از آن منطقه آزاد تجاری - صنعتی چابهار به عنوان سومین منطقه آزاد کشور در سال ۱۳۷۰ تأسیس گردید. در حالیکه جزیره کیش از نظر سابقه توریستی - تجاری و امکانات عمومی و خدماتی مربوط به آن، از موقعیت پیشرفته‌تری برخوردار بود، مناطق آزاد تجاری - صنعتی قشم و چابهار از جمله مناطق محروم و توسعه نیافته کشور محسوب می شدند.

مناطق ویژه اقتصادی

همزمان با گسترش مناطق آزاد، برخی از کشورهای در حال توسعه به ایجاد "مناطق ویژه اقتصادی" مبادرت کردند. اصطلاح منطقه ویژه اقتصادی، برای اولین بار توسط دولت چین در سال ۱۹۷۹ به کار رفت، و بیشتر مبین سیاست رفع محدودیت‌ها و موانع اداری رایج در کشور است. این اصطلاح که مترادف با منطقه پردازش صادرات است، از جذب سرمایه خارجی به منظور متحول ساختن کل اقتصاد ملی و منطقه‌ای در محدوده‌ای وسیع و با کاربری‌های متنوع استفاده می‌نماید.

در ایران از اوایل دهه ۱۳۳۰ و با بروز مسایل و مشکلات فراوان ناشی از فقدان تسهیلات بندری و تأسیسات مورد نیاز برای نگهداری کالاهای وارده به کشور، برای اولین بار درخواست ایجاد "انبارهای آزاد" در بنادر عمده بازرگانی

مناطق ویژه اقتصادی که تا کنون در شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور به تصویب رسیده اند	
۱	سرخس: آستان قدس رضوی
۲	سیرجان: سازمان عمران کرمان
۳	بندرانزلی (منطقه اول): سازمان بنادر و کشتیرانی
۴	بندرانزلی (منطقه دوم): شرکت های سهامی سرمایه‌گذاری توسعه گیلان ۱۴۰ هکتار
۵	خوزستان: شرکت توسعه فراگیر عمران خوزستان ۲,۰۰۰ هکتار
۶	خرمشهر (منطقه دوم خوزستان): سازمان بنادر و کشتیرانی ۲۳۰ هکتار
۷	سلفچگان: سازمان توسعه وعمران قم ۲,۰۰۰ هکتار
۸	ارگ جدید: شرکت عمران ارگ ۱,۰۰۰ هکتار
۹	پتروشیمی بندرامام خمینی (ره): شرکت ملی صنایع پتروشیمی
۱۰	جلفا: ۱,۰۰۰ هکتار
۱۱	بندر بوشهر (منطقه اول): سازمان بنادر و کشتیرانی ۴۱ هکتار
۱۲	بندر بوشهر (منطقه دوم): شرکت عمران و توسعه بوشهر
۱۳	معادن و فلزات (فولاد بندرعباس): شرکت ملی فولاد ایران ۱,۲۰۰ هکتار
۱۴	یزد
۱۵	بندر امیرآباد بهشهر: سازمان بنادر و کشتیرانی ۶۰ هکتار
۱۶	بندر شهید رجایی: سازمان بنادر و کشتیرانی ۲۰ کیلومتر مربع
۱۷	بندر عسلویه

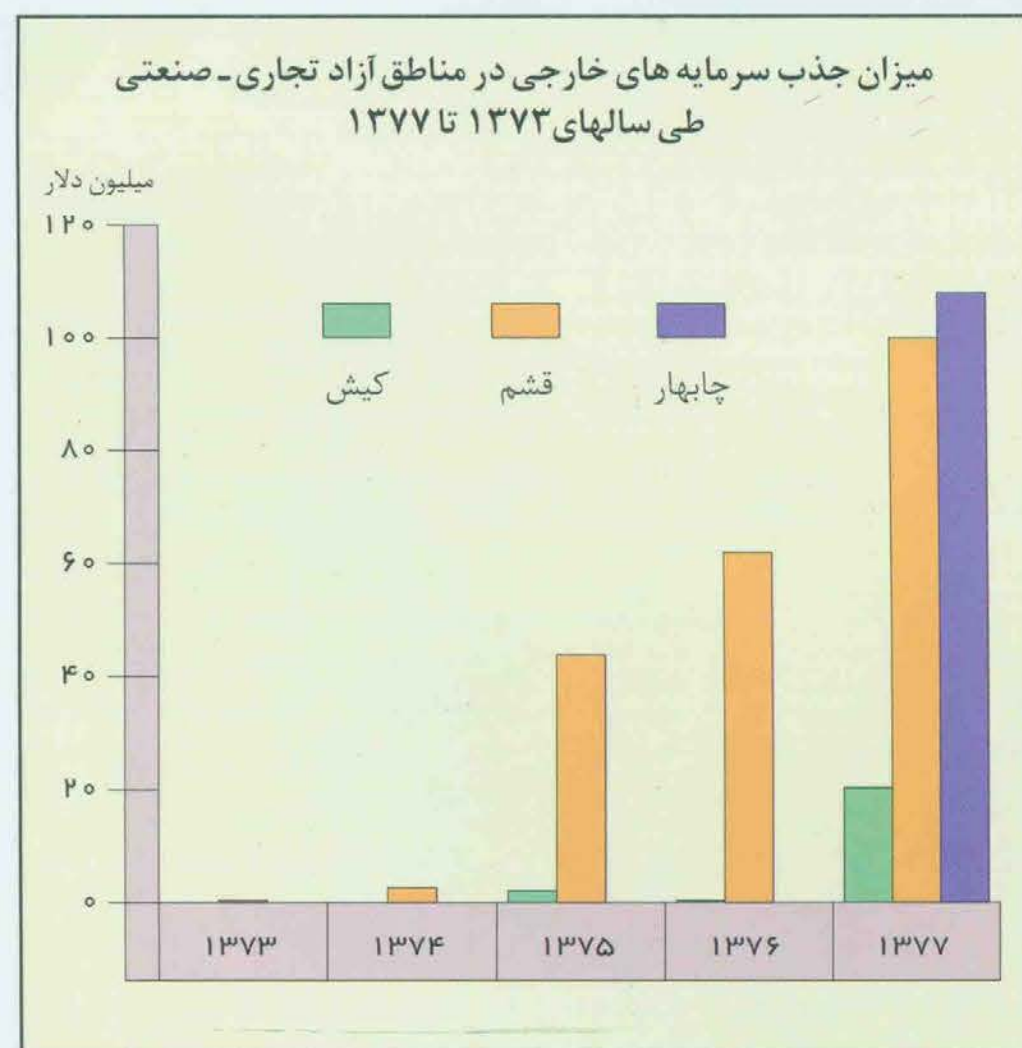
و مبادلاتی جنوب مطرح شد. براساس این پیشنهادها و مطالعات انجام شده در این راستا، در سال ۱۳۳۶ تنها یک انبار آزاد نگهداری کالا در خرمشهر ایجاد شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی براساس تبصره ۲۰ قانون برنامه اول توسعه کشور در سال ۱۳۶۸، گمرک ایران و سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف شدند، مناطق ویژه حراست شده را جهت نگهداری امانی مواد اولیه، قطعات، ابزار و مواد تولیدی که بدون انتقال ارز وارد کشور می‌شوند، تأسیس کنند، بدنبال آن منطقه ویژه حراست شده سیرجان در استان کرمان تأسیس گردید. در مجموع ۱۷ منطقه ویژه اقتصادی در کشور ایجاد شد، که از میان آنها چهار منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندرامام، فولاد بندرعباس، سنگ لرستان و منطقه ویژه اقتصادی انرژی عسلویه عهده دار فعالیت خاص، و بقیه مناطق ویژه اقتصادی به فعالیت‌های عمومی اختصاص یافتند.

جذب سرمایه‌های داخلی

در مناطق آزاد جذب سرمایه‌های داخلی بخش خصوصی در سه زمینه صنعت، تجارت و سایر خدمات صورت گرفته است. همانگونه که ملاحظه می‌شود جذابیت منطقه آزاد کیش برای جلب سرمایه‌های داخلی بیش از دو منطقه دیگر می‌باشد. این در حالی است که منطقه آزاد چابهار تقریباً در جذب سرمایه‌های داخلی ناتوان بوده است و حداکثر ۳/۵ درصد کل سرمایه‌های داخلی جذب شده به مناطق آزاد سه گانه را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر ۸۸ درصد سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از منابع داخلی، در بخش‌های تجارت و خدمات صورت گرفته است و بخش صنعت به مراتب جذابیت کمتری برای سرمایه‌گذاران داخلی داشته است.

روند عمده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و خدماتی انجام شده در مناطق آزاد سه گانه تجاری - صنعتی طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶			
شرح	درصد سهم کیش	درصد سهم قشم	درصد سهم چابهار
بندر	۳۳ / ۵	۶۶ / ۵	-
راه	۹ / ۷	۲۸ / ۱	۶۲ / ۲
فرودگاه	۲۴ / ۱	۷۵ / ۹	-
برق	۵۶ / ۷	۳۵ / ۵	۷ / ۸
آب	۴۶	۱۰ / ۸	۴۳ / ۲
مخابرات	۲۹ / ۴	۳۴ / ۶	۳۵ / ۹
مسکن	۲۱ / ۷	۷۸ / ۲	-
انبار	۲۸ / ۱	۴۴ / ۷	۲۷
گمرک	-	۸۷ / ۳	۱۲ / ۷
هتل	۴۵ / ۱	۳۴ / ۴	۲۰ / ۳
رستوران	-	۹۸ / ۵	۱ / ۵
بیمارستان و درمانگاه	۲۷ / ۲	۵۴	۲ / ۳
دانشگاه و آموزشگاه	۳۲ / ۸	۵۴ / ۷	۰ / ۹



عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی فراهم نگردد، جذب و جلب سرمایه‌های خارجی با توجه به یک یا چند عامل محدود امکان پذیر نیست. بطور کلی سرمایه‌گذاران خارجی با مقایسه امتیازات و تضمین‌های مؤثر بر اصل و سود سرمایه خود، محل مناسب برای سرمایه‌گذاری را انتخاب می‌نمایند.

جذب گردشگران خارجی

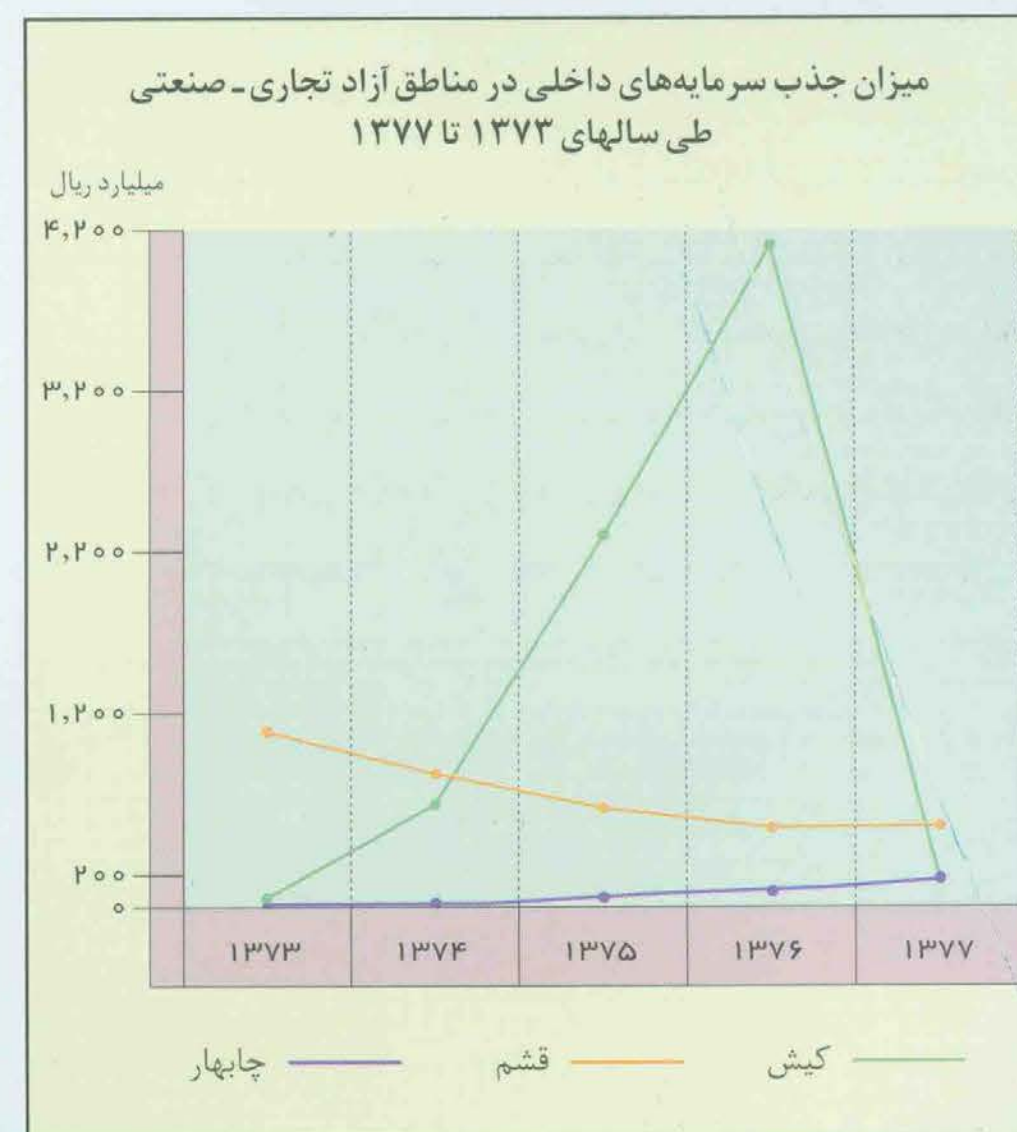
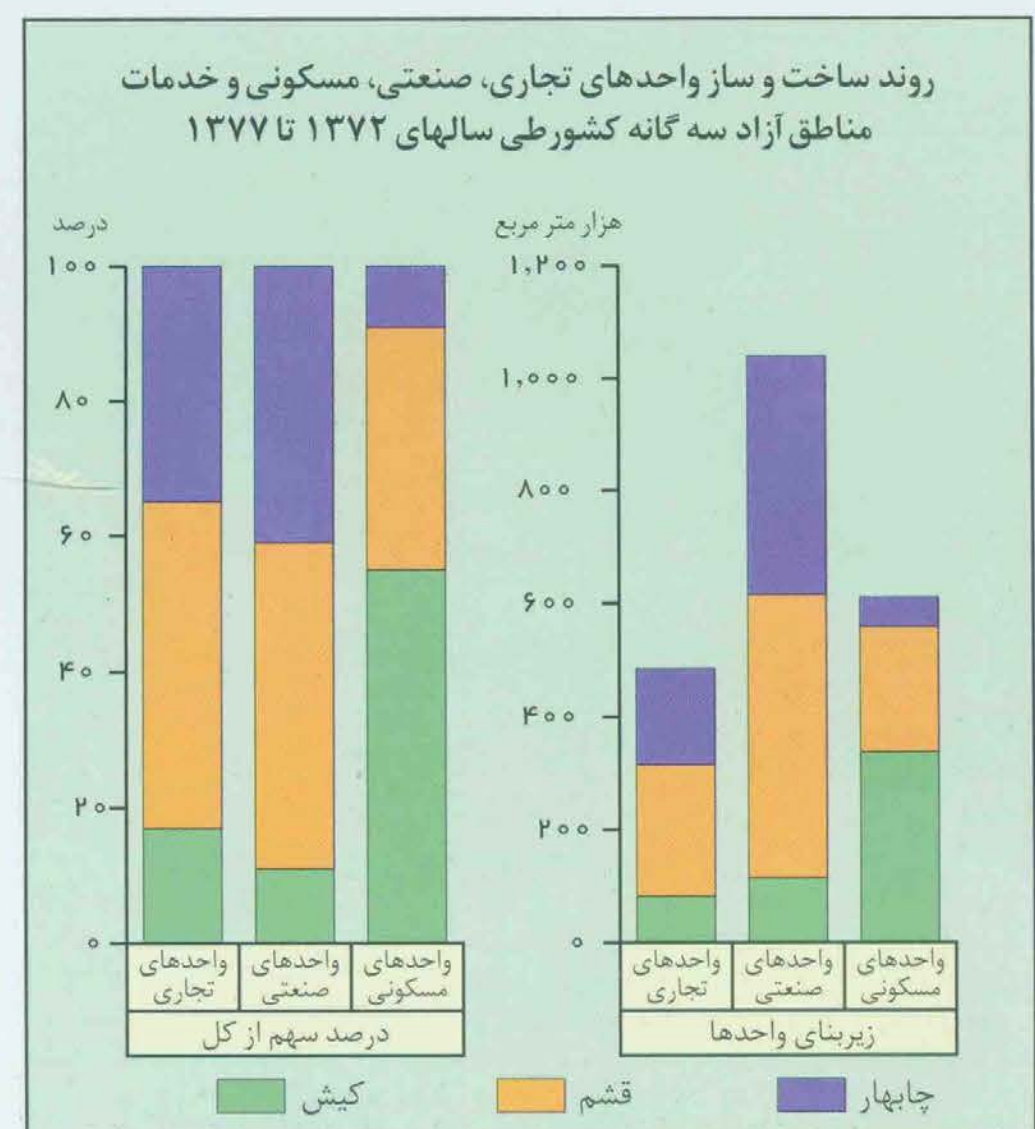
گردشگران خارجی نظیر سرمایه‌گذاران خارجی، شرایط مورد انتظار خود را در مناطق آزاد جستجو می‌نمایند. همانطور که ملاحظه می‌گردد کیش بیشترین گردشگر خارجی را در دوره مورد بررسی به خود اختصاص داده است، ولی جذب

مقایسه مزایای قانونی منطقه آزاد تجاری - صنعتی با منطقه ویژه اقتصادی			
ردیف	شرح مزیت قانونی	منطقه آزاد	منطقه ویژه اقتصادی
۱	امکان ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی به منطقه	وجود دارد	وجود دارد
۲	معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته شده در منطقه به داخل کشور	به تناسب ارزش افزوده و مواد اولیه داخلی بکار رفته در آن	به تناسب ارزش افزوده و مواد اولیه داخلی بکار رفته در آن
۳	امکان ترانزیت و صدور مجدد کالا بدون محدودیت	وجود دارد	وجود دارد
۴	امکان مشارکت و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بدون محدودیت	وجود دارد	حداکثر ۴۹ درصد مشارکت خارجی امکان پذیر است
۵	تضمین کل سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از آنها	در برابر سلب مالکیت و ملی شدن دولت تضمین می‌کند. علاوه بر این مطابق قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی نیز قابل تضمین است.	برطبق قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی تضمین می‌شود
۶	آزادی کامل ورود و خروج سرمایه	وجود دارد	وجود دارد
۷	معافیت مالیاتی	تا ۱۵ سال معافیت مالیاتی	شامل تخفیفات مالیاتی مطابق مقررات داخل کشور می‌شود
۸	امور بانکی، پولی و ارزی	تابع مقررات خاص مناطق آزاد	تابع مقررات داخل کشور
۹	مقررات کار و بیمه‌های اجتماعی در استخدام اتباع خارجی	تابع مقررات خاص مناطق آزاد	تابع مقررات داخل کشور
۱۰	خرده‌فروشی کالا*	برای اتباع داخلی و خارجی امکان پذیر است	فقط برای اتباع خارجی امکان پذیر است
۱۱	مقررات روادید برای اتباع خارجی	نیاز به اخذ روادید قبلی نیست و در مرز ورودی قابل اعطا است	براساس ضوابط داخل کشور

با کاهش شدیدی روبه‌رو بوده است.

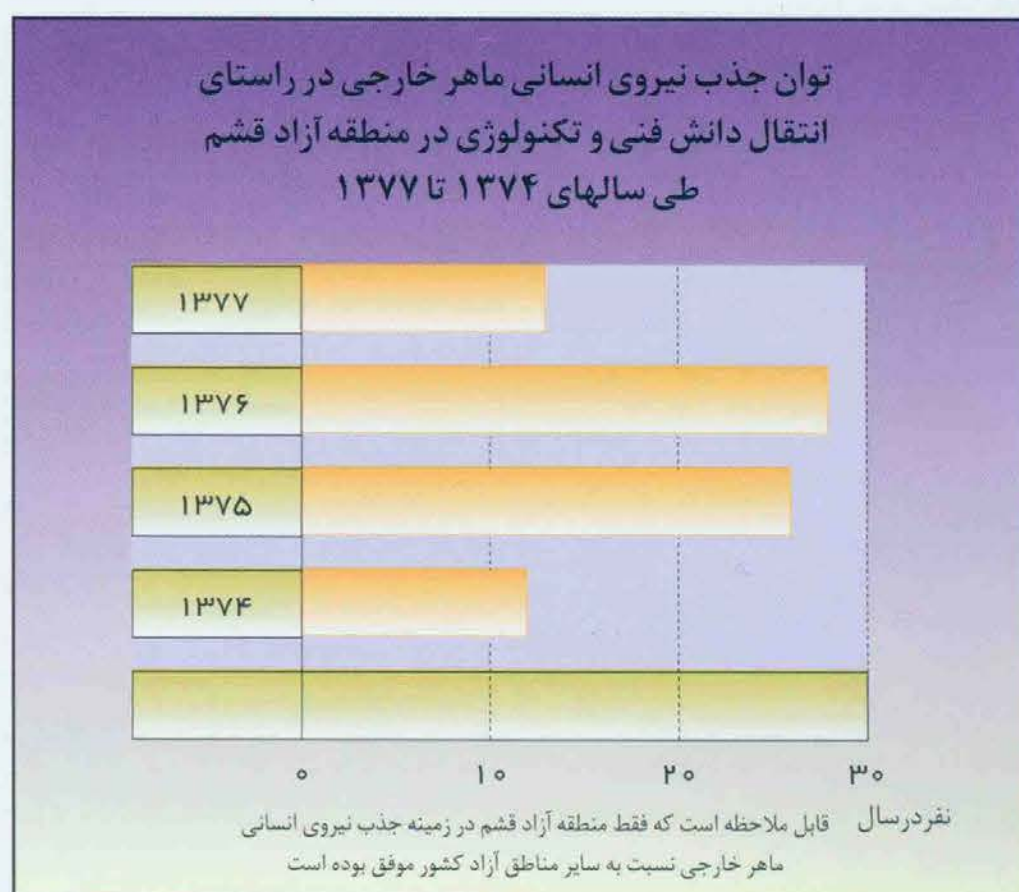
جذب سرمایه خارجی

اجرای پروژه‌های صنعتی با مشارکت سرمایه‌های خارجی قدم مهمی در راه افزایش تولید و دستیابی به هدف‌های یک منطقه آزاد به شمار می‌رود. همانطور که ملاحظه می‌شود منطقه آزاد قشم موفق‌ترین منطقه برای جلب سرمایه‌های خارجی بوده است به گونه‌ای که ۶۱ درصد کل سرمایه خارجی جلب شده به مناطق آزاد را به خود اختصاص داده است. باید توجه داشته باشیم که مجموعه عوامل مختلفی که برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی لازم است و تا کلیه



بهرحال تا زمانی که سودآوری فعالیت‌های صنعتی در مقایسه با فعالیت‌های تجاری و خدماتی نتواند گرایش به تولید را تشویق کند، اعطا تضمین‌ها و امتیازات خاص به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نمی‌تواند انگیزه‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری صنعتی فراهم نماید.

با توجه به روند سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد به نظر می‌رسد که مناطق آزاد کیش و قشم در جلب سرمایه‌های داخلی با یکدیگر رقابت کرده‌اند. به طوری که با افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد کیش طی سال‌های ۷۷ - ۷۵، سرمایه جلب شده به منطقه آزاد قشم طی دوره ۷۷ - ۷۵ نسبت به سال‌های ۷۴ - ۷۲

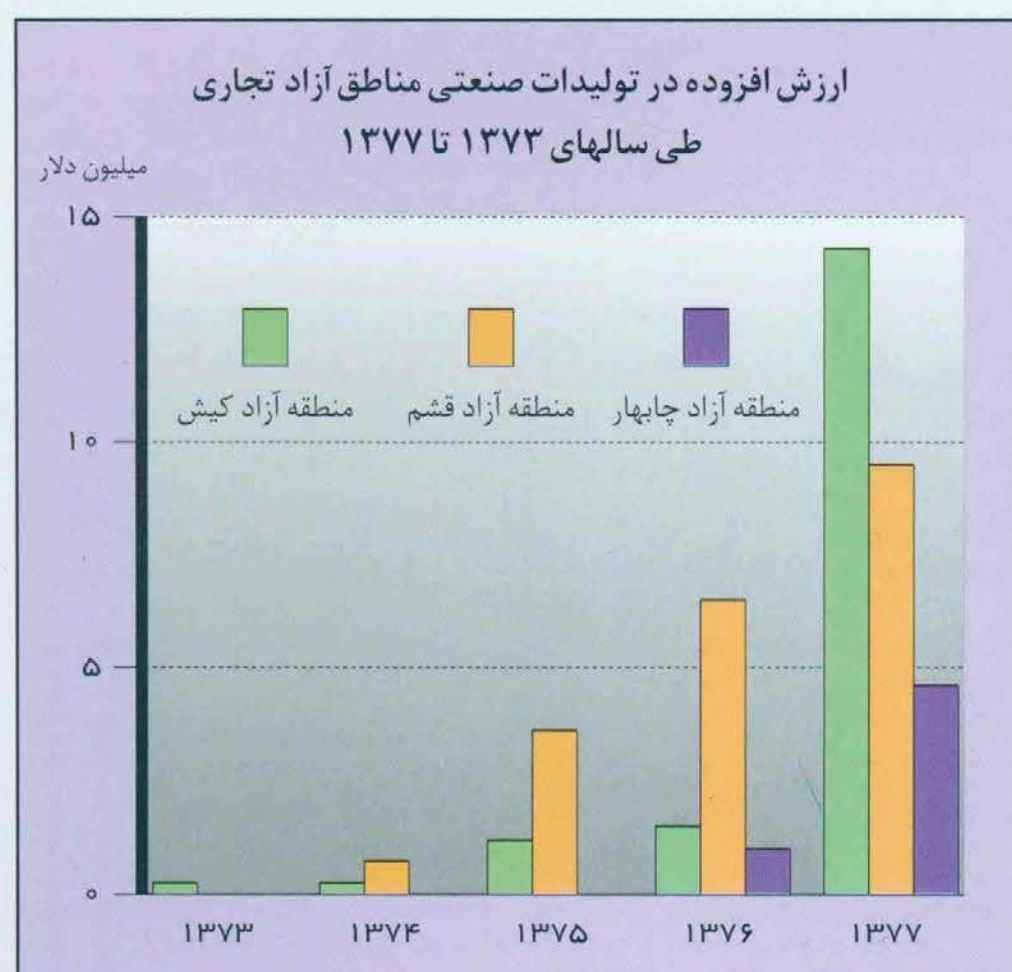


صادرات مناطق آزاد تجاری - صنعتی

صادرات کالا و ارزآوری قطعاً مهمترین هدفهای هر منطقه آزاد در جهان است. نسبت ارزش صادرات ۶ ساله مناطق آزاد سه گانه کشور به ارزش صادرات غیرنفتی سال ۱۳۷۶ کمتر از یک درصد می باشد و این نشان دهنده سهم بسیار ناچیز صادرات مناطق آزاد کشور می باشد. از سوی دیگر مناطق آزاد کیش و چابهار جمعاً کمتر از ۵ درصد کل ارزش صادرات مناطق آزاد را طی دوره مورد بررسی به خود اختصاص داده اند. بنابراین از لحاظ صادرات، منطقه آزاد قشم نسبت به سایر مناطق آزاد کشور موفق تر بوده است.

برای ارزیابی تراز بازرگانی خارجی مناطق آزاد سه گانه، محاسبه شاخص نسبت صادرات به واردات مناطق آزاد پیشنهاد می گردد. این شاخص نشان می دهد که به ازای هر یک دلار صادرات از منطقه چند دلار واردات به منطقه (به عبارتی به داخل کشور) صورت گرفته است.

لازم به توضیح است که واردات مذکور فقط شامل ارزش واردات کالاهای ساخته شده خارجی به منطقه می باشد و شامل ارزش واردات مواد اولیه و قطعات منفصله وارده به منطقه آزاد نمی گردد (طی سال های موردنظر حدود ۱۷۴ میلیون دلار مواد اولیه فقط به منطقه آزاد چابهار وارد شده است). بهرحال باید توجه داشت که واردات کالاهای ساخته شده به مناطق آزاد، از نحوه تأمین مالی سازمان های مناطق آزاد برای انجام هزینه های جاری و عمرانی آن نشأت می گیرد، و بنابر نظر کارشناسان مربوط برای بهبود تراز بازرگانی خارجی مناطق آزاد بایستی از یک سو بخش صادرات در این مناطق تقویت گردد و از سوی دیگر



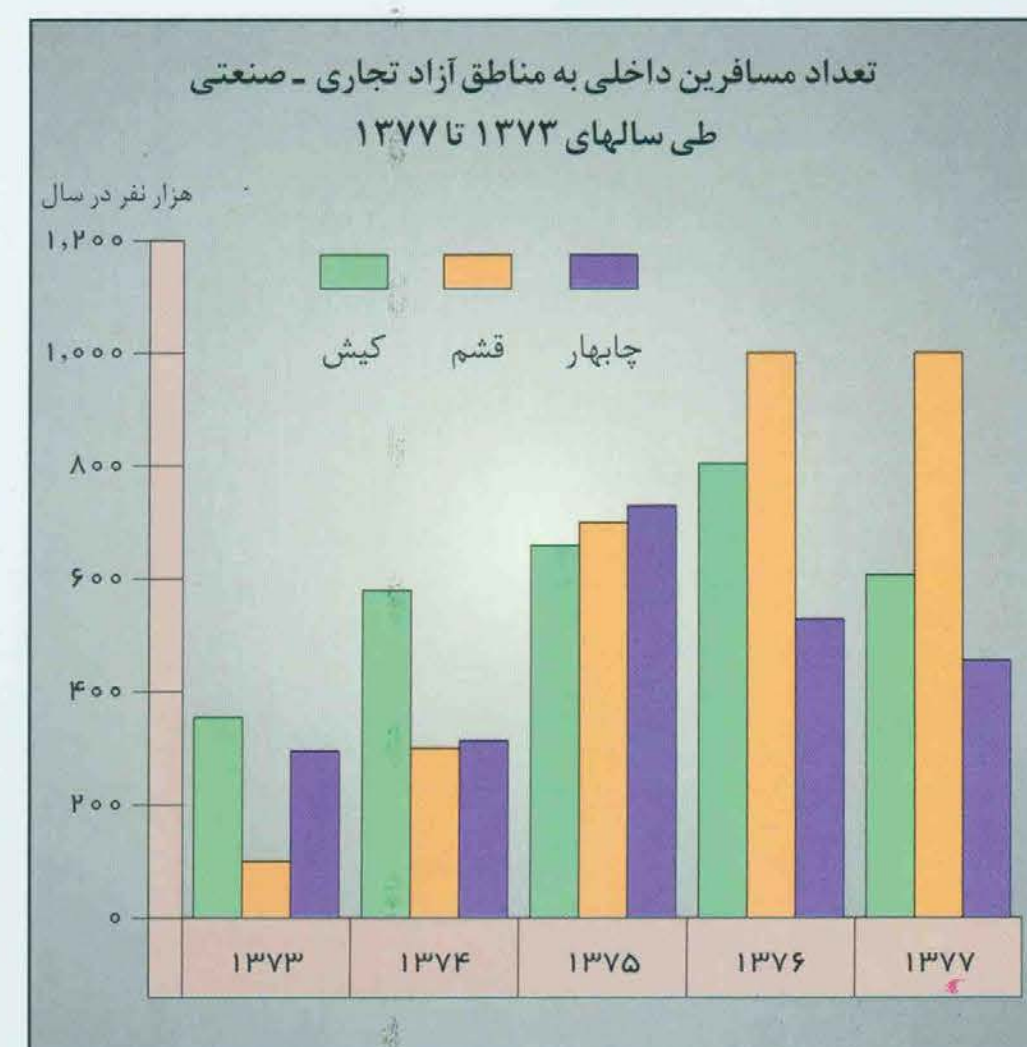
است. به هرحال ارزیابی ارزش افزوده ایجاد شده به ازاء هر واحد نیروی انسانی، به دلیل عدم دسترسی به نیروی انسانی شاغل در بخش صنعت امکان پذیر نیست.

همچنین به علت عدم بهره برداری کامل از سرمایه گذاری های انجام شده، محاسبه شاخص نسبت ارزش افزوده به سرمایه گذاری انجام شده داخلی و خارجی نیز مناسب به نظر نمی رسد.

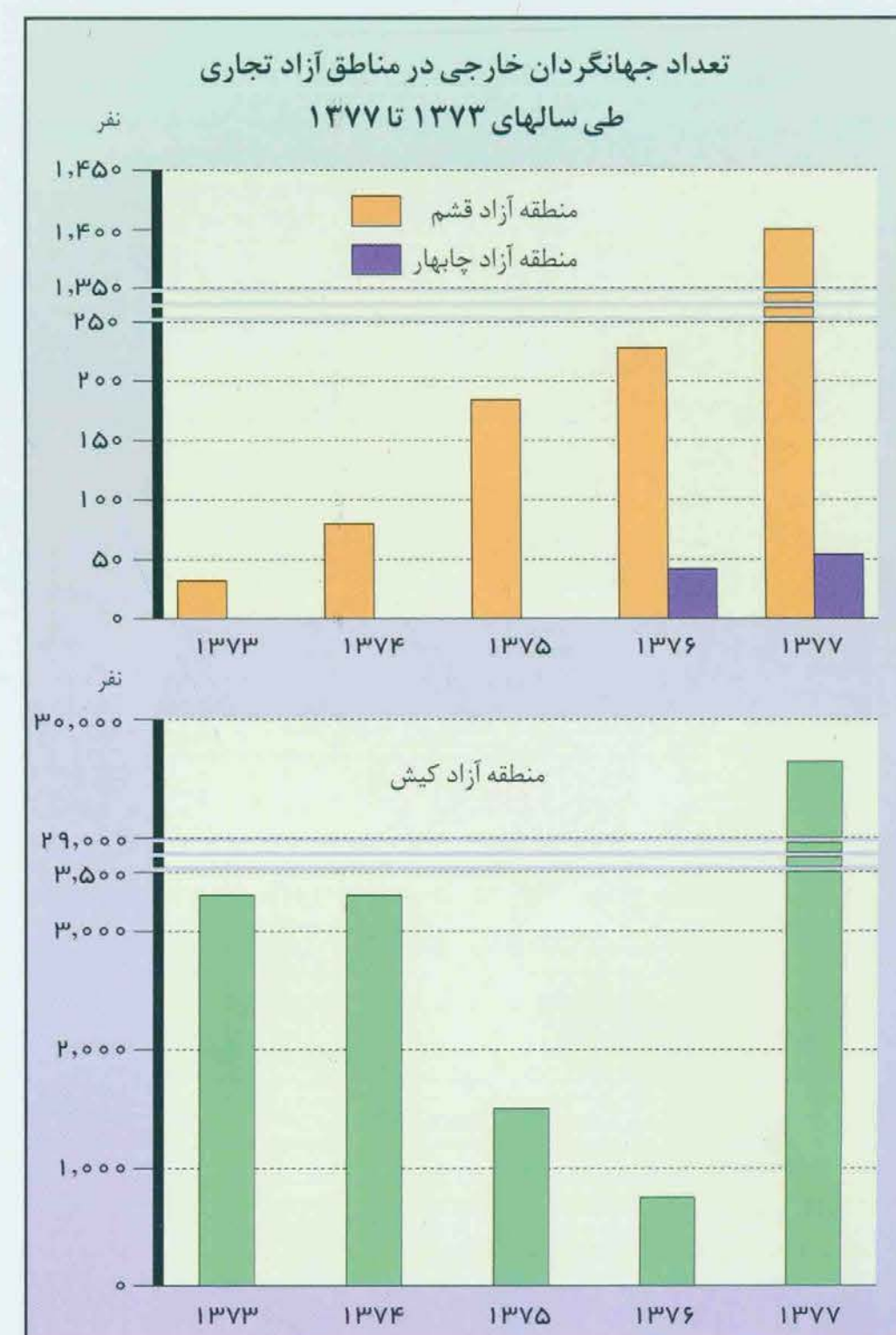
انتقال دانش فنی و تکنولوژی

انتقال فرهنگ صنعتی - تجاری جدید الزاماً با قابلیت جذب تکنولوژی های پیشرفته از سوی کشور میزبان پیوند تنگاتنگ دارد و این فراگرد نیاز به آموزش تخصصی و توان تجهیز کادر لازم برای پاسخ گویی به آن دارد. بنابراین از مهمترین پارامترهای موفقیت اقتصادی مناطق آزاد، توان جذب و بکارگیری "صاحبان اندیشه" است. یعنی امروزه تخصص تولیدی بیش از آنکه در ابزار آشکار شود، در مغزها جمع شده است. تقاضا برای نیروی انسانی متخصص همراه با ضرورت عرضه خدمات با کیفیت بالا، در یک منطقه آزاد که سرعت، دقت، سهولت، اطمینان و کارایی اجزا تفکیک ناپذیر فعالیت های آن به شمار می رود به اینگونه مغزها، تخصص ها و آموزش ها نیاز دارد.

همانگونه که به روشنی قابل ملاحظه است فقط منطقه آزاد قشم در زمینه جذب نیروی انسانی ماهر خارجی نسبت به سایر مناطق آزاد کشور موفق بوده است.



سالانه ۶،۷۷۱ نفر گردشگر خارجی نشان دهنده آنست که کیش برخلاف هدف گذاری برنامه های تدوین شده، نسبت به برخی نقاط گردشگری داخل کشور مانند اصفهان فاصله زیادی دارد.



اشتغال و ارزش افزوده

با توجه به اینکه بخشی از سرمایه گذاری های داخلی و خارجی انجام شده در مناطق آزاد در مرحله ساخت و ساز بوده و هنوز به مرحله بهره برداری با ظرفیت مناسب نرسیده اند، لذا در حال حاضر محاسبه نسبت اشتغال ایجاد شده به سرمایه گذاری های انجام شده، شاخص مناسبی برای ارزیابی وضعیت اشتغال در مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور نمی باشد.

همانگونه که ملاحظه می شود منطقه آزاد قشم بیشترین ارزش افزوده صنعتی و اشتغال را نسبت به سایر مناطق آزاد کشور به خود اختصاص داده



تراز بازرگانی مناطق آزاد کشور طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷			
نوع منطقه	صادرات (میلیون دلار)	واردات (میلیون دلار)	شاخص نسبت صادرات به واردات (درصد)
منطقه آزاد کیش	۰ / ۷	۹۱۰ / ۲	۰ / ۱
منطقه آزاد قشم	۲۵ / ۸	۱۳۸۰	۱ / ۹
منطقه آزاد چابهار	۰ / ۵۶	۱۹۲ / ۱	۰ / ۳

صادرات مناطق آزاد تجاری - صنعتی طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ (میلیون دلار)					
عنوان	سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
منطقه آزاد کیش	۰	۰ / ۲	۰ / ۴	۰ / ۱	۰ / ۱
منطقه آزاد قشم	۲ / ۵	۵	۹	۸ / ۳	۸ / ۳
منطقه آزاد چابهار	۰	۰ / ۵۶	۰ / ۱	۰ / ۴	۰ / ۴

ساختار درآمدی سازمان‌های مناطق آزاد اصلاح گردد، به طوری که وابستگی سازمان‌های مذکور به واردات کالاهای ساخته شده (جهت تزریق به سرزمین اصلی) کاهش یابد.

بازارچه‌های مرزی

همواره ساکنان مناطق مرزی به عنوان گروهی متمایز از دیگر عوامل بازرگانی خارجی مطرح بوده‌اند، دلایل این تمایز را باید در اثرات اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی این گروه بر مناطق مرزی و در نهایت کشور جستجو نمود. مرزنشینان در دو گروه متمایز تعاونی‌های مرزنشین و پيله‌وران حجم قابل ملاحظه‌ای از مبادلات استانیهای مرزی را به عهده داشته و دارند.

در هر حال یکی از اهداف اصلی اعطای تسهیلات به مبادلات مرزی و تشکیل بازارچه‌های مرزی، ایجاد اشتغال برای پيله‌وران و درآمدی حاشیه‌ای برای مرزنشینان به جهت نگهداشت جمعیت در مناطق مرزی و تثبیت مسایل امنیتی بوده است و تجربه نشان داده است که هرگاه به نحوی اینگونه تسهیلات کاهش یافته، بلافاصله اثرات خود را در مهاجرت مردم این مناطق و رونق مبادلات قاچاق جهت جایگزین نمودن درآمد مبادلات فوق نشان داده است. از سوی دیگر خود این عوامل نیز، باعث ایجاد مشکلات امنیتی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی در این مناطق حساس از کشور شده است.

بازارچه‌هایی که با کشورهای عراق و افغانستان مجاور هستند از نوع بازارچه‌های ویژه تحت نظارت شورای عالی امنیت ملی و بازارچه‌هایی که مجاور به کشورهای ترکیه، نخجوان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان و پاکستان می‌باشند، از نوع بازارچه‌های مصوب هیأت وزیران می‌باشند. سقف مبادله برای هر بازارچه مصوب هیأت وزیران ۵ میلیون دلار واردات و ۵ میلیون

دلار صادرات (جمعاً ۱۰ میلیون دلار در سال) و سقف مبادله برای هر بازارچه ویژه ۱۰ میلیون دلار واردات و ۱۰ میلیون دلار صادرات (جمعاً ۲۰ میلیون دلار در سال) می‌باشد.

تفکیک بازارچه‌ها به دو گونه مذکور از جهات مختلف از جمله سقف مبادله و ملاحظات سیاسی و امنیتی در منطقه حایز اهمیت است. در هر حال باید توجه نمود که قوانین و مقررات و امکاناتی که در حال حاضر در بازارچه‌های مرزی وجود دارد، امکان یک مبادله محدود و پایاپای را بین مرزنشینان اطراف هر بازارچه مرزی فراهم می‌کند. از جمله اینکه بازارچه‌ها توسط مقامات محلی (استانداری‌ها) اداره می‌شوند و تشکیلات گسترده‌ای برای نظارت بر مبادلات در بازارچه‌ها وجود ندارد.

ماده ۲۲ "آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات" - مصوب سال ۱۳۷۳ - ضمن تعریف بازارچه‌های مرزی، استقرار گمرک در درب ورود و خروج بازارچه مرزی را ضروری دانسته و اعمال مقررات صادرات و واردات و نظارت بر رعایت آن در بازارچه را برعهده گمرک نهاده است. همچنین وزارت بازرگانی مکلف گردیده است فهرست کالاهای قابل داد و ستد در بازارچه مرزی و میزان ارزشی آنها را با در نظر گرفتن امکانات و نیازمندی‌های استان‌های مرزی و

تفاهم‌های به عمل آمده با کشور مقابل و مقررات صادرات و واردات کشور، تهیه و اعلام نماید. ورود و خروج کالا به بازارچه ها منوط به رعایت کلیه قوانین و شرایط مقرر برای ورود و صدور کالا است، و کالاهای وارداتی به کشور از طریق بازارچه‌ها، مشمول تخفیف یا معافیت حقوق گمرکی و سود بازرگانی نمی‌باشند، مگر اینکه تخفیف یا معافیت به اعتبار وارد کننده و یا نوع کالا تعلق گیرد.

عملکرد بازارچه‌های مرزی

از سال ۱۳۷۱ که بستر قانونی ایجاد بازارچه‌های مرزی فراهم گردید، تعداد بازارچه‌های مرزی در استان‌های مرزی کشور رو به گسترش نهاد. مطابق مصوبه مورخ ۷۲/۵/۲۴ هیأت وزیران، وزارت کشور مجاز گردید در صورت ایجاد تأسیسات مورد نیاز گمرک طبق آیین‌نامه تشکیل بازارچه‌های مرزی و تفاهم‌نامه منعقد به کشورهای همجوار، در مناطق سرو، ساری‌سو، رازی و پلدشت در استان آذربایجان غربی، جلفا، بیله سوار، نوردوز در استان آذربایجان شرقی، آستارا در استان گیلان، باجگیران و دوغارون در استان خراسان، میرجاوه، پیشین و کوهک در استان سیستان و بلوچستان، همچنین منطقه‌ای در مرز مشترک با جمهوری ارمنستان، بازارچه مشترک مرزی تأسیس نماید. (مجموعاً ۱۵ بازارچه مرزی).



فصل پنجم: بازرگانی و تعاون

شیوه تعاون از نهضت‌های موفق اقتصادی ـ اجتماعی عصرماست، که منشأ تحولات اساسی در بهبود زندگی جوامع مختلف قرار گرفته است. مهم‌ترین عامل موفقیتّ این جنبش مردمی، جلب مشارکت عمومی در ادارهٔ امور جامعه و سهمیم ساختن مردم در سرنوشت اجتماعی و اقتصادی خویش است. توسعهٔ ارتباطات و مبادلات بین‌المللی از یک طرف و اصول و ارزش‌های متعالی نهضت تعاون مانند مسؤولیتّ اجتماعی توجه به دیگران، مشارکت در فعالیت‌ها، مسؤولیتّ‌پذیری، برابری، صداقت و آزادگی از طرف دیگر باعث توسعه فراگیر تعاون، ابتدا در قاره اروپا، و سپس در قاره‌های دیگر جهان شد، به‌طوری که در سال ۱۹۹۸ بیش از ۷۲۵ میلیون نفر از جمعیتّ جهان در ۷۴۹ هزار شرکت تعاونی عضو بوده‌اند.

تعاون، به مفهوم همکاری و همیاری از گذشته‌های دور بخشی از فرهنگ کشور ما محسوب گردیده است. این نهضت در پرتو تعالیم ارزشمند اسلامی بارور گردیده و یکی از تجلیّات بارز شخصیتّ مردم این سرزمین تلقّی گردیده است. در قرن حاضر، اوّلین شرکت تعاونی ایران در سال ۱۳۱۴ تشکیل شد و تا سال ۱۳۴۰ مجموعهٔ تعاونی‌های ثبت شده کشور به ۱,۱۷۸ واحد رسید، که از این تعداد ۸۱ درصد آنها تعاونی روستایی، و ۱۹ درصد بقیّه تعاونی‌های شهری بوده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی در قالب تشکّل‌های تعاونی مورد توجه قرار گرفت و تحولات گوناگونی در ارتباط با تعاونی‌ها پدید آمد، که هر کدام از آنها در توسعهٔ بخش تعاون تأثیر اساسی داشته است. به نحوی که تعداد این تعاونیها طی دوره ۱۳۷۶ ـ ۱۳۵۶ به ۵,۹۵۴ واحد رسید.

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش تعاون به عنوان دوّمین بخش اقتصاد کشور تعیین گردید، و کوشش‌های بسیاری برای توسعهٔ تعاونی‌های این بخش صورت پذیرفت.

اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی بخش تعاون را به عنوان یکی از ارکان نظام اقتصادی کشور و در واقع دومین بخش اقتصادی کشور شناخت، و براساس آن کلیهٔ حمایت‌های قانونی برخاسته از اصول مذکور در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی و برنامه اجرایی دولت به اجرا گذارده شد. در راستای روند تکاملی بخش تعاون، تعداد تعاونیها تا شهریور ماه ۱۳۷۷ به ۴۹,۹۴۹ واحدافزایش یافت و نهادهای این بخش شامل اتحادیه‌های تعاونی، اطاق تعاون شهرستان، استان، و مرکز هر یک با هدف ارایهٔ خدمات پشتیبانی برای توسعه تعاون در کشور ایجادگردید.

در پایان شهریور ماه سال ۱۳۷۶ از مجموع جمعیتّ کشور ۱۵/۲ میلیون نفر ـ حدود ۲۵ درصد ـ عضو تعاونیهای مختلف می‌باشند، و هر تعاونی به طور متوسط ۳۰۵ نفر عضو دارد. مجموع سرمایه ثبت شده تعاونی‌ها به ارزش دفتری ـ تا تاریخ مذکور ـ معادل ۲,۳۱۲ میلیارد ریال، و متوسط سرمایه ثبت شده هر شرکت تعاونی بالغ بر ۴۶ میلیون ریال، و میانگین سرمایه ثبت شده هر عضو حدود ۱۵۲,۰۰۰ ریال می‌باشد. این تعاونی‌ها در گرایش‌های مختلف بازرگانی، صنعتی، معدنی، خدماتی و فرهنگی و هنری، ... فعالیتّ دارند.

با این حال بررسی‌های موجود حاکی است که سهم بخش تعاون در اقتصاد ملّی متناسب با جایگاه قانونی و ارزش آن نیست. به موجب آخرین اعلام نظرها سهم تعاونی‌های کشور در تولید ناخالص داخلی تنها، ۳ درصد است. لذا با توجه به مشکلات کشور در زمینه سرمایه‌گذاری، تولید، صادرات، تورم، اشتغال و

توزیع درآمد، توسعهٔ بخش تعاون و ارتقای سهم آن در اقتصاد ملّی، به‌عنوان یکی از راهکارهای عملی برای تعدیل و رفع نسبی مشکلات مورد نظر قرار گرفته است.

عملکرد تعاونی‌های بخش بازرگانی

الف ـ تعاونی‌های توزیع؛ توسعهٔ شبکهٔ تعاونی و بهبود کارآیی آن یکی از راه‌های سالم سازی نظام توزیع در بخش بازرگانی داخلی کشور است، و در کنار فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌تواند سطح رقابت در توزیع کالا را افزایش دهد. این واحدها در مجموع انواع تعاونی‌ها، به لحاظ اهمیّتی که از دیرباز در تأمین نیاز افراد جامعه به‌خصوص اقشار آسیب‌پذیر، تعدیل قیمت‌ها، تثبیت بازار، و جلوگیری از احتکار و گرانیفروشی برعهده داشته‌اند مورد اقبال عمومی و توجّه و حمایت مسؤولین بوده است.

تعاونی‌های توزیع در بخش بازرگانی شامل تعاونی‌های مصرف کارمندی، کارگری، محلّی، آموزشگاهی، روستایی، عشایری، مرزنشینان، اصناف و تأمین نیاز تولیدکنندگان (واحدهای صنعتی، تولیدی و کارگاهی)، خدمات (بازرگانی، فنّی و مهندسی، ایرانگردی و جهانگردی، صنوف خدماتی و خدمات عمومی و ...) و اتّحادیه‌های آنهاست.

اتحادیه‌های تعاونی

اتحادیه‌های تعاونی به ثبت رسیده تاپایان شهریور ۱۳۷۷ جمعاً ۵۴۸ واحد می‌باشد، که از این تعداد ۲۷۲ واحد تحت پوشش سازمان مرکزی تعاون روستایی است. میانگین تعداد تعاونی‌های عضو هر اتحادیه ۱۷ شرکت، و میانگین سرمایه هر اتحادیه ۲۸۰ میلیون ریال می‌باشد.

در ۲۷۶ اتحادیه تحت پوشش وزارت تعاون ۹,۹۲۴ شرکت تعاونی عضو می‌باشند، و با سرمایه ۷۷ میلیارد ریال فعالیتّ می‌نمایند. میانگین تعداد اعضا هر اتحادیه ۳۶ شرکت تعاونی، و میانگین سرمایه آنها ۲۸۰ میلیون ریال می‌باشد.

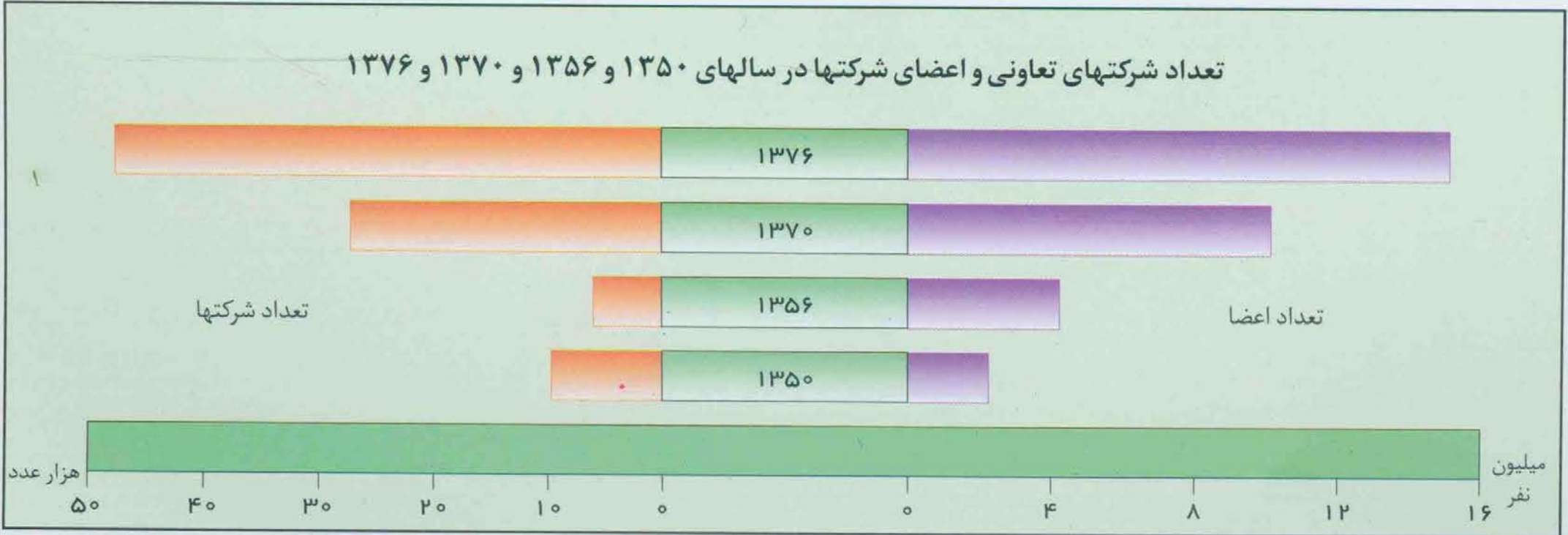
تعاونی‌های مصرف

در مجموع ۱۵۷۶۱ شرکت تعاونی با حدود ۱۰/۷ میلیون نفرعضو، تأمین نیاز مصرف‌کنندگان رابرعهده دارند. این تعداد بااحتساب بُعدخانوار تحت پوشش بیش از نیمی از جمعیتّ کشور را دربر می‌گیرد. نسبت واحدهای عمده فروشی (اتحادیه‌ها)، به خرده فروشی (شرکت تعاونی) در بخش تعاون یک به ۱۱۶ می‌باشد. این نسبت در بخش خصوصی یک به ۲۸ است. در هر واحد خرده‌فروشی ۷۰۴ نفر عضو می‌باشند (این نسبت در واحدهای صنفی سال ۱۳۷۵ معادل

آمار کلان شرکتهای تعاونی به ثبت رسیده سال ۱۳۷۷ در گرایشهای مختلف			
گرایش	تعداد تعاونی	تعداد اعضاء	سرمایه (میلیون ریال)
کشاورزی	۸,۱۹۴	۹۶۷,۲۱۸	۳۱۸,۹۲۸
عمرانی	۱,۶۸۰	۲۵,۷۶۱	۹,۷۴۱
صنعتی	۵,۰۸۲	۷۵,۹۵۳	۳۲۴,۲۵۳
معدنی	۱,۴۱۳	۱۴,۶۶۸	۴۵,۲۹۱
فرش دستباف	۱,۰۴۱	۴۳۷,۰۰۳	۵۳,۳۸۸
تأمین نیاز تولیدکنندگان	۲,۳۷۳	۳۲۹,۸۸۳	۲۰۴,۸۴۸
خدمات	۲,۶۹۱	۶۲,۸۳۵	۱۰۲,۵۰۹
حمل و نقل	۹۰۹	۲۰۲,۷۳۵	۴۵,۱۶۵
مسکن	۸,۲۶۰	۱,۵۹۹,۶۵۱	۲۰۴,۹۲۱
اعتبار	۹۱۳	۲۶۶,۳۹۰	۸۷,۰۹۵
تأمین نیاز مصرف‌کنندگان	۱۵,۷۶۱	۱۰,۷۰۳,۱۶۷	۶۱۸,۷۰۵
چند منظوره	۷۱۸	۲۸۴,۳۸۱	۱۲۱,۸۳۶
اتحادیه	۵۴۸	۱۴,۵۳۷	۱۵۳,۴۹۶
زمین روستایی (تحت پوشش جهاد سازندگی و تعاون روستایی)	۱۷۸	۲۲,۹۸۴	۱,۴۸۴
تعاون عشایری (تحت پوشش جهاد سازندگی)	۱۸۸	۲۲۱,۴۹۷	۱۰,۰۷۸
جمع کل	۴۹,۹۴۹	۱۵,۲۲۸,۶۶۳	۲,۳۰۱,۷۳۸

۴۵ نفر به ازای هر خرده فروشی بوده است). براساس بررسی انجام شده، اتحادیه‌های تعاونی مصرف حدود ۳۰ درصد کالای موردنیاز تعاونی‌های مصرف تحت پوشش خود را تأمین می‌نمایند. جمع فروش این گروه از تعاونی‌ها درسال ۱۳۷۶ حدود ۵,۳۴۰ میلیارد ریال برآورد می‌گردد.

بر اساس طرح آمارگیری از قیمت‌های خرده فروشی تعاونی‌های مصرف





تعاونی مصرف تحت پوشش وزارت تعاون در سال ۱۳۷۶ بالغ بر ۱,۶۸۳ میلیارد ریال بوده است که در مقایسه با سال ۱۳۷۵ حدود ۷/۷ درصد افزایش نشان می‌دهد. همچنین مجموع فروش شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاون روستایی کشور در سال ۱۳۷۶ مبلغ ۱,۴۳۲ میلیارد ریال اعلام گردیده است.

بیشترین درصد افزایش در این سال متعلق به اتحادیه سراسری کارکنان دولت با ۲۷/۴ درصد، و کمترین آن مرتبط به اتحادیه سراسری فرهنگیان کشور با ۳۷ درصد کاهش بوده است.

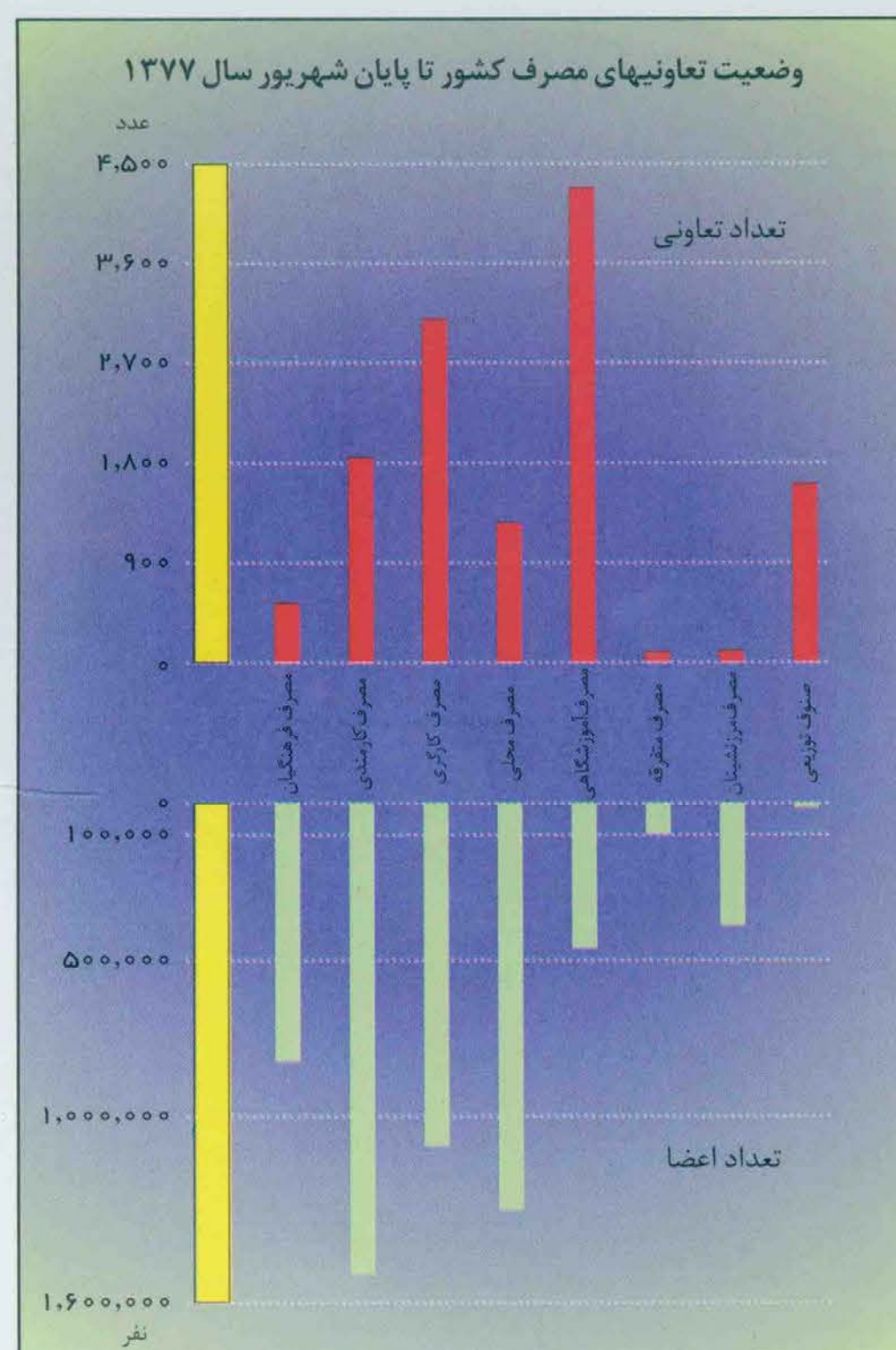
تعاونی‌های تأمین نیاز تولیدکنندگان

این گروه از تعاونی‌ها بیشتر از محل سرمایه‌گذاری اعضا و با استفاده محدود از تسهیلات بانکی مبادرت به احداث واحدهای تولید و نگهداری مانند کارخانه تولید پروفیل، آلومینیوم، چوب، و نئوپان و... در بخش صنایع تبدیلی و نگهداری، کارخانه آرد و سیلو و... نموده‌اند.

در مجموع تعداد ۲,۳۷۳ شرکت تعاونی در زمینه تأمین نیاز تولیدکنندگان در انواع گرایش‌ها از قبیل تعاونی‌های درودگران، خیاطان، نانویان، درب و پنجره‌سازان، تراشکاران، صنایع غذایی و بهداشتی و... فعالیت دارند.

عملکرد این گروه از تعاونی‌ها علاوه بر اثرات مثبت در تعدیل قیمت‌ها، تعادل بازار، و حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده، به عنوان شاخص مقایسه با عملکرد واحدهای مشابه در بخش دولتی و خصوصی مورد بهره‌برداری است. در زمینه تأمین نیاز کشاورزان نیز تعاونی‌های بزرگ و با اهمیتی تأسیس گردیده، و فعالیت دارند. به عنوان نمونه می‌توان به تعاونی زعفران کاران، شرکت تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان اشاره نمود که نقش ارزنده‌ای در ثبات بازار، تأمین ماشین‌آلات، نهادهای کشاورزی و ابزار تولید مورد نیاز اعضا و حمایت

آموزشگاهی با متوسط سرمایه ۲,۴۰۰ ریال برای هر عضو می‌باشد. از نقطه نظر مبلغ فروش لازم به ذکر است که مجموع فروش اتحادیه‌های



سراسر کشور، که گزارش آن تا پایان نیمه اول سال ۱۳۷۷ تهیه شده است، در مورد ۹ قلم ماده خوراکی به طور متوسط نرخ عرضه کالا در تعاونی‌ها ۲۰ درصد از قیمت اعلام شده در طرح آمارگیری وزارت بازرگانی ارزانت‌تر بوده است.

میزان خرید اتحادیه‌های تعاونی مصرف تحت پوشش وزارت تعاون در سال ۱۳۷۶ بالغ بر ۱,۶۰۲ میلیارد ریال می‌باشد، که نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۱۲/۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

اتحادیه امکان با ۲۷/۷ درصد رشد بیشترین خرید و اتحادیه‌های استانی تعاونی‌های مصرف فرهنگیان با ۸/۶ درصد کمترین رشد را داشته‌اند.

روند تأسیس تعاونی‌های مصرف کشور از ابتدا تا پایان سال ۱۳۶۷ تعداد ۶,۳۶۸ شرکت بوده است. لیکن طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ روند تشکیل این گروه از تعاونی‌ها رشدی معادل ۲ تا ۳ درصد در سال داشته است. افزایش تعداد تعاونی‌های مصرف ثبت شده طی سال‌های ۷۴، ۷۵ و ۷۶ به دلیل ترویج فرهنگ تعاون و تشکیل تعاونی‌های آموزشگاهی به تعداد ۱۲۱۹، ۱۹۶۵ و ۸۸۷ شرکت در این سال‌ها بوده است.

عضویت مضاعف اعضا در تعاونی‌های مصرف کارکنان دولت، آزاد، و محلی، صنفی و آموزشگاهی نیز وجود دارد. که آمار دقیق آن در دسترس نیست. همچنین اعضای تعاونی‌های مرزنشینان نیز عموماً در تعاونی‌های روستایی عضو می‌باشند. تعداد اعضای تعاونی‌ها با کسر عضویت مضاعف بالغ بر ۷/۵ میلیون نفر برآورد می‌شود.

قابل ذکر است که متوسط سرمایه اعضا در این گروه از تعاونی‌ها در سال ۱۳۶۸ حدود ۴۰ هزار ریال، و در سال ۱۳۷۶ به ۱۷۲ هزار ریال رسیده است. دلیل کاهش نسبت سرمایه در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ تشکیل تعاونی‌های



از تولیدکنندگان عضو دارند. تعاونی‌های به ثبت رسیده تأمین نیاز مصرف کنندگان نیز طی سال‌های ۷۱-۱۳۶۷ تعدادشان ۱۹۰ شرکت بوده است، لیکن طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۱ تعداد ۸۱۵ شرکت بدان افزوده شده و از رشدی معادل ۳۳۰ درصد برخوردار بوده است. شایان ذکر است که رشد تشکیل این گروه از تعاونی‌ها به دلیل استفاده محدود از تسهیلات بانکی و ناشی از فعالیت‌های ترویجی و ضرورت نیاز اعضا آنها بوده است.

تعاونی خدمات

تعداد ۲,۶۹۱ شرکت تعاونی خدمات با ۶۲,۸۳۵ نفر عضو در گرایش‌های مختلف خدمات بازرگانی، اداری، فرهنگی و هنری، خدمات شهری، فنی و مهندسی، گردشگری و نظایر آن فعالیت دارند. این گروه تعاونی‌ها در سال‌های اخیر از رشد چشمگیری برخوردار بوده‌اند، و حضور آنها در بازار عرضه خدمات به لحاظ رعایت استانداردهای مربوط، موجب بهبود نسبی در عرضه خدمات شده است. تشکیل تعاونی‌های خدمات پس از تأسیس و شروع فعالیت اجرایی وزارت تعاون نسبت به سال‌های قبل آن از رشد مناسبی برخوردار بوده است. مجموع تعاونی‌های به ثبت رسیده در این بخش طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ تعداد ۲۹۱ شرکت، و طی سال‌های ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۶ تعداد ۲,۰۲۴ شرکت است که از رشد ۶۰۰ درصد برخوردار می‌باشد. کاهش تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی زمینه تشکیل و توسعه این گروه را فراهم آورده است.

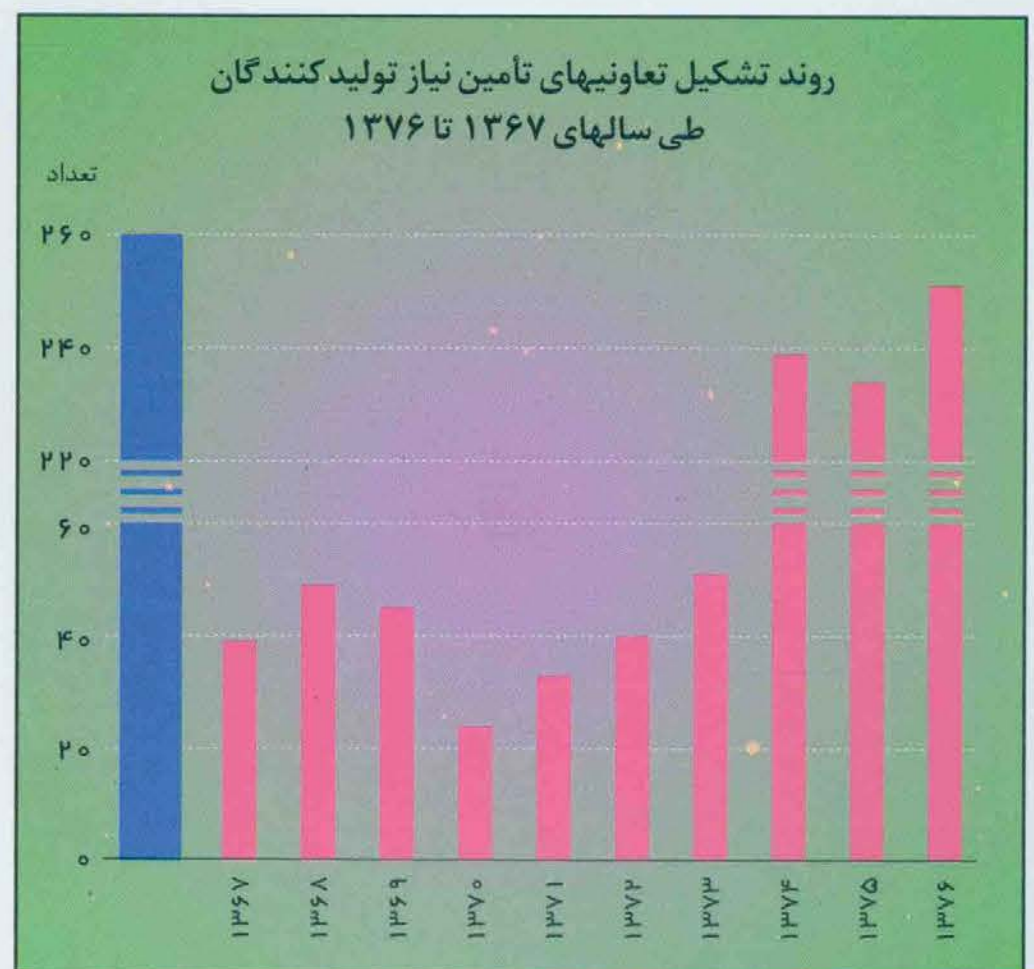
سازمان تعاون مصرف شهر و روستا

نخستین فروشگاه تعاون شهری با امکانات و تجهیزات جدید، فروشگاه فردوسی بود، که با مشارکت کشورهای ایران و آلمان، در سال ۱۳۳۶ تأسیس گردید، و در سال ۱۳۴۰ کلیه سهام و مدیریت آن به ایران تعلّق یافت. در فروردین ۱۳۵۲ با هدف کوتاه کردن فاصله تولید تا مصرف، و برقراری ارتباط بین شبکه‌های تولید روستایی با بازارهای مصرف شهری و عرضه مستقیم کالا به مصرف‌کنندگان نهایی، فروشگاه فردوسی به سازمان تعاون مصرف شهر و روستا تغییر وضعیت و تغییر نام داد. در سال‌های بعد از انقلاب سازمان مذکور تغییرات اساسی یافت، و در یک مرحله فروشگاه‌های آن در استان‌ها به استانداری‌ها واگذار شد، لیکن به دلیل مشکلات موجود، بار دیگر به سازمان تعاون مصرف شهر و روستا انتقال

یافت.

به موجب مصوبه هیأت وزیران فعالیت‌های بخش بازرگانی داخلی شرکت سهامی بازرگانی برای تهیهٔ ۷۲ قلم کالا‌های مصرفی و تدارک ۴۲ قلم کالا‌های مصرفی نیروهای مسلح به این سازمان واگذار شد، و توزیع کالا‌های یارانه‌ای را نیز عهده‌دار شد. این سازمان با در اختیار داشتن ۸۸ شعبه در شهر تهران، و ۳۸۰ واحد در سایر شهرهای کشور به شکل دولتی فعالیت می‌کند، و از نظر حقوقی به عنوان تشکّل تعاونی شناخته نمی‌شود. در مجموع سازمان تعاون مصرف شهر و روستا در پایان سال ۱۳۷۵ زبان انباشته‌ای معادل ۶۱,۳۹۹ میلیون ریال، و تعاونی سپه اندوخته‌ای معادل ۲۵,۲۶۰ میلیون ریال داشته‌اند.

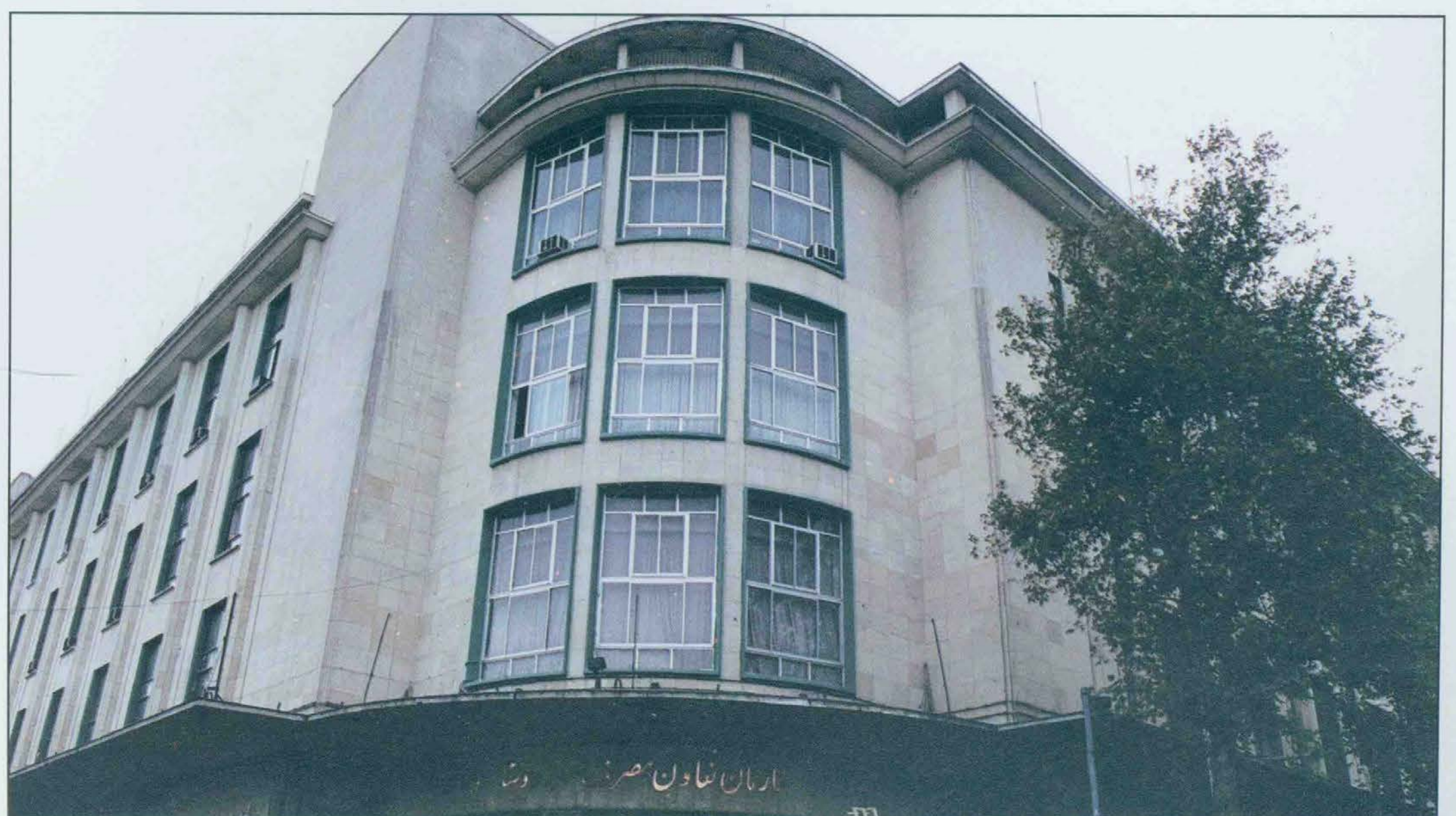
توان رقابت بخش تعاون با بخش‌های دولتی و خصوصی محدود به نمونه‌های عنوان شده نیست، و در اکثر فعالیت‌های بازرگانی مشابه نظیر حمل



و نقل، خدمات، تولید و توزیع مشهود است.

صادرات تعاونی‌ها

سهم بخش تعاون در صادرات غیرنفتی کشور، در برنامه دوم توسعه، معادل ۴/۰۳ میلیارد دلار پیش بینی شده است. لیکن به دلیل عدم تحقّق اهداف تعیین شده با تشکیل شورای توسعه صادرات در وزارت تعاون، و فعال شدن اطاق تعاون



و با همکاری و مشارکت تعاونی‌ها در جهت رشد و توسعه بخش تعاون در صادرات غیرنفتی تلاش بیشتری آغاز شده است.

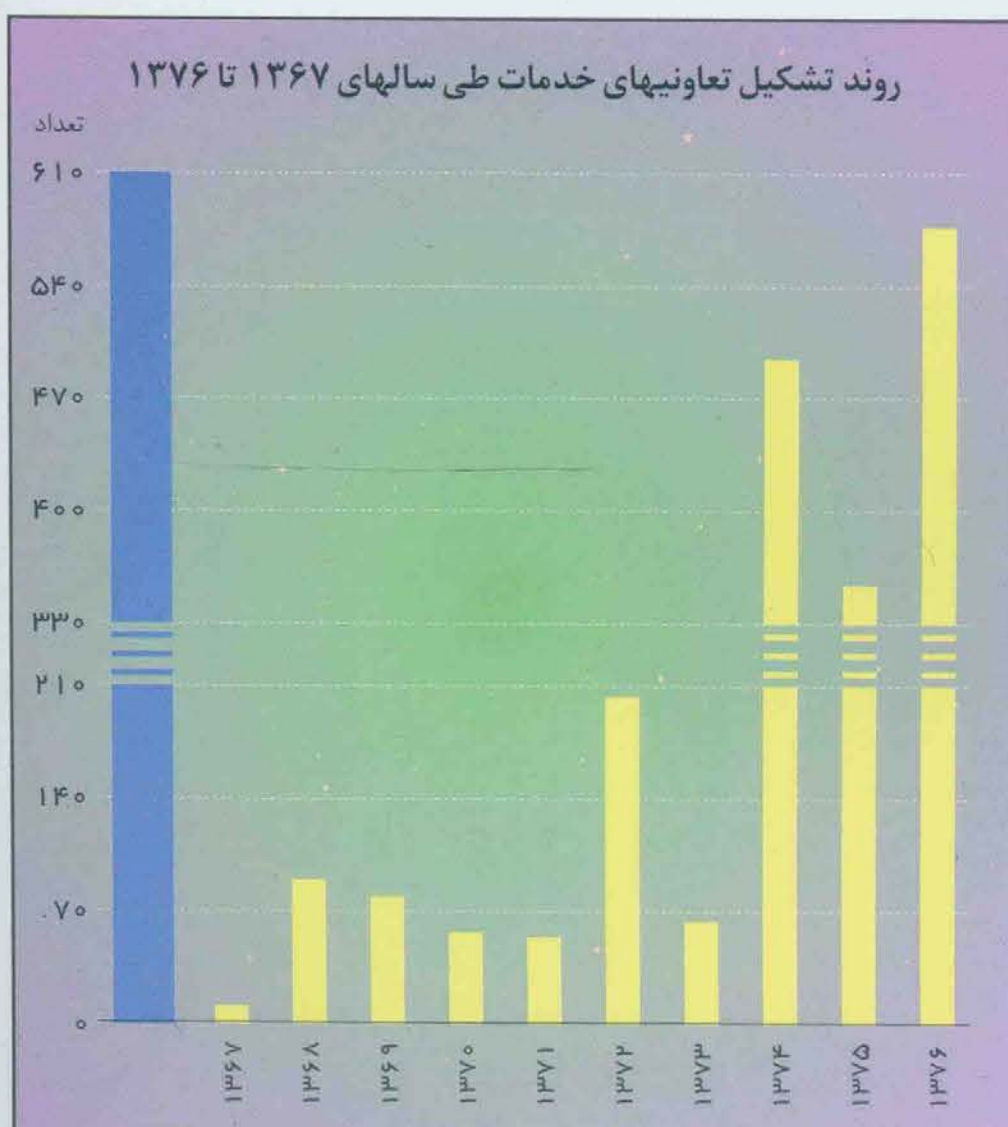
سهم بخش تعاون طی سال‌های ۷۷-۱۳۷۳ به کل صادرات معادل ۱۵ درصد و میزان عملکرد آن ۱۱/۳ درصد، و درصد تحقّق اهداف برنامه ۷۵ درصد محاسبه شده است.

سهم بخش تعاون در تولید ناخالص ملی

با تفکیک اقتصاد کشور در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی به سه بخش دولتی، تعاونی، و خصوصی، تعیین سهم بخش تعاون در کل تولید ناخالص داخلی، و در اشتغال کشور، براساس بررسی‌های انجام شده در سال ۱۳۷۳، مجموع ارزش افزوده شرکت‌های تعاونی مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفت. براساس یافته‌های مطالعه مزبور، مجموع ارزش افزوده شرکت‌های تعاونی زیر پوشش وزارت تعاون و شرکت‌های تعاونی عشایری در سال ۱۳۷۳ به قیمت جاری برابر ۱,۴۷۰/۸ میلیارد ریال برآورد گردیده است، که سهم آن در تولید ناخالص داخلی کشور در همان سال معادل ۱/۶ درصد بوده است. بدیهی است این سهم در مقایسه با فعالیت‌های بخش دولتی و خصوصی در اقتصاد کشور بسیار اندک بوده، و تناسب لازم با اهداف اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ندارد.

گرچه در طول سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ اقدامات بسیاری برای توسعه بخش تعاون و افزایش سهم آن در اقتصاد ملی صورت گرفته است. به نحوی که تعداد شرکت‌های تعاونی در پایان سال ۱۳۷۶ به بیش از ۴۹ هزار و تعداد اتحادیه‌های تعاونی به بیش از ۵۴۵ واحد رسید. با این حال به نظر می‌رسد که بخش تعاون هنوز جایگاه واقعی خود را در کل اقتصاد و اشتغال کشور نیافته است. در بخش بازرگانی کل تعاونی‌های مصرف زیر پوشش وزارت تعاون و سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور حدود ۹/۷ میلیون نفر می‌باشد، که با احتساب بُعد خانوار، افراد زیر پوشش آنها، نیمی از جمعیت کشور را در برمی‌گیرد.

قابل ذکر است که، اتحادیه‌های تعاونی مصرف، تعاونی سپه، اتحادیه‌های استانی، و اتحادیه‌های روستایی کشور طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۴ در مجموع ۷,۷۰۰ میلیارد ریال کالا بین شرکت‌های تعاونی و در نهایت بین اعضای آنها توزیع کرده‌اند.



فصل ششم: عضویت در تشکّل ها و مجامع بازرگانی

دفتر امور بین الملل وزارت بازرگانی، مسؤولیت تنظیم روابط بازرگانی کشور با سازمان‌ها و مجامع بازرگانی منطقه‌ای و جهانی را عهده‌دار است.

سازمان‌های بین‌المللی

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متّحد (انکتاد)، و موافقت‌نامه نظام جهانی ترجیحات تجاری بین کشورهای در حال توسعه (GSTP)، و سازمان جهانی تجارت (WTO)، در این گروه قرار می‌گیرند.

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد)

این تشکّل در سال ۱۹۶۴ پایه‌گذاری و دبیرخانه آن در ژنو تأسیس شد. از آن تاریخ به بعد هر ۴ سال یکبار به صورت یک کنفرانس تخصّصی بین‌المللی برگزار می‌شود. فعالیت‌های انکتاد در فاصله کنفرانس‌ها توسط شورای تجارت و توسعه ملل متحد پیگیری می‌شود. جلسات سالانه شورا و جلسات متعدّد فنی کارشناسی به طور مرتّب برگزار می‌شود. جمهوری اسلامی ایران عضو انکتاد و کلیّه ارکان فرعی آن است. تولیت امور انکتاد در وزارت امور خارجه است، و وزارت بازرگانی و سایر دستگاه‌ها حسب مورد با آن همکاری دارند.

نظام جهانی ترجیحات تجاری بین‌کشورهای در حال توسعه GSTP
این موافقت‌نامه بین کشورهای در حال توسعه در سال ۱۳۶۷ در بلگراد به امضا رسید. براساس این موافقت‌نامه کشورهای عضو گروه ۷۷ بین خود امتیازات تجاری قابل می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات اوّلیه بلگراد شرکت نموده و به عنوان اوّلین گام امتیازات تعرفه‌ای بسیار محدودی را با کشورهای بنگلادش، سریلانکا، کره شمالی، آرژانتین، یوگسلاوی، برزیل و کره جنوبی مبادله نموده است.

اعضای GSTP درحال حاضر ۴۶ کشورند. در سال ۱۳۷۰ قانون‌الحاق جمهوری اسلامی ایران به این موافقت‌نامه به تصویب رسید. در سال ۱۳۷۳ کشور ما با ۱۳ کشور عضو (کوبا، کلمبیا، آرژانتین، برزیل، اروگوئه، تایلند، نیجریه، مغرب، هند، کره جنوبی و اندونزی) به توافق‌های مقدّماتی برای مبادله ترجیحات تعرفه‌ای رسید. در چارچوب این توافق‌ها ایران بر ۱۷ گونه کالا تخفیف تعرفه‌ای قابل شد، و در مقابل برای صادرات ۲۸ گونه کالا از تخفیف گمرکی کشورهای طرف مذاکره بهره‌مند خواهد شد. رسمی بودن این توافق‌ها در اجلاس وزرای کشورهای عضو، در سال ۱۹۹۸ در کوبا نهایی گردید.

سازمان جهانی تجارت WTO

این سازمان در سال ۱۹۴۸ تحت عنوان "موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت" (گات) پایه‌گذاری شد، و دولت ایران از بدو تأسیس این سازمان تا سال ۱۹۹۵ به عنوان ناظر در جلسات آن حضور داشت. در این سال گات به عنوان "سازمان جهانی تجارت WTO" تغییر نام داد.

پس از برگزاری دور اروگوئه بررسی موضوع عضویت ایران در این سازمان مورد توجّه جدّی دستگاه‌ها و افراد مسؤول کشور قرار گرفت. تشکیل کمیته ملّی بررسی عضویت ایران در گات، ضمن ترجمه سندنهایی مذاکرات دوراروگوئه و اسناد تحلیلی دیگر، موجب گردید تا در سال ۱۳۷۵ وزارت بازرگانی رسماً به عنوان نماینده تام‌الاختیار تجاری دولت در مسأله عضویت در سازمان تجارت جهانی منصوب گردد. با این حال این موضوع هنوز مورد تصمیم‌گیری جدّی قرار نگرفته است. این در شرایطی است که عضویت ناظر کشور ما نیز در این سازمان منتفی گردیده است. به نظر می‌رسد که عدم توجّه جدّی به تنظیم یک

راه حل بلندمدّت صادرات غیرنفتی، امکان ارزیابی دورنمای عضویت یا عدم عضویت ایران در این سازمان را با اشکال مواجه ساخته است.

سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در گروه سازمان‌های منطقه‌ای به اتحادیه همکاری‌های اقتصادی حاشیه اقیانوس هند، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، سازمان کنفرانس اسلامی، کمیسیون اقتصادی، اجتماعی ملل متّحد برآسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) و گروه D8 اشاره می‌شود.

اتحادیه همکاری‌های اقتصادی حاشیه اقیانوس هند(IROA)

در پی بررسی راه‌های همکاری‌های منطقه‌ای میان هفت کشور حاشیه اقیانوس هند در موریس در سال ۱۹۹۵، نمایندگان رسمی و غیررسمی ۲۳ کشور حاشیه اقیانوس هند شامل استرالیا، هند، آفریقای جنوبی، کنیا، موریس، عمان، سنگاپور، ایران، کویت، بحرین، بنگلادش، اندونزی، مالزی، ماداگاسکار، مالدیو، موزامبیک، پاکستان، عربستان سعودی، سی‌شل، سریلانکا، تایلند، و امارات متحدهٔ عربی در شهر "پرت" در غرب استرالیا گرد آمدند و بر سر ایجاد یک تشکّل منطقه‌ای به منظور بهبود همکاری‌های اقتصادی توافق کردند. حاصل این نشست توافق برای تأسیس یک جامعه منطقه‌ای با سه تشکیلات موازی بود، که نمایندگان بخش دولتی، تجاری، و دانشگاهی را به منظور ارتقای همکاری‌های اقتصادی گرد هم می‌آورد.

پیش نویس منشور اتحادیه در مارس ۱۹۹۷ نیز در شورای وزیران، در آفریقای جنوبی به تصویب رسید، و طی آن اهداف، عضویت، و ساختار تشکیلاتی و مالی معین گردید.

در آخرین اجلاس وزیران این اتحادیه، که در آوریل ۱۹۹۹ برگزار شد، درخواست عضویت ۵ کشور ایران، بنگلادش، تایلند، سی‌شل، و امارات متحده عربی مورد تأیید قرار گرفت.

کمیسیون اقتصادی واجتماعی آسیا واقیانوسیه (اسکاپ)

این تشکّل که در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد، یکی از کمیسیونهای ۵ گانه منطقه‌ای سازمان ملل متحد است، و هدف اساسی آن توسعه و رشد اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی ۵۸ کشور عضو آن می‌باشد. اسکاپ دارای ۵ کمیته تخصّصی است، که یکی از آنها کمیته همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای است.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۳۷ به عضویت اسکاپ پذیرفته شد.

سازمان برنامه و بودجه مرجع ملّی اسکاپ در ایران محسوب می‌گردد، و کلیّه امور اقتصادی – منطقه‌ای از سوی وزارت خارجه به این سازمان ارجاع می‌شود. در اوایل دهه ۷۰ بخش همکاری‌های اقتصادی – منطقه‌ای اسکاپ اقدام به شناخت و بررسی توانایی‌ها و امکانات آزادسازی تجاری در سطح منطقه نمود، که در نهایت منجر به انعقاد موافقتنامه بانکوک بین ۵ کشور کره جنوبی، هند، سریلانکا، لائوس و بنگلادش در سال ۱۹۷۶ گردید. دو کشور چین و گینه نو نیز تمایل خود را برای پیوستن به این موافقت‌نامه اعلام داشتند. عملکرد گذشته تجارت درون منطقه‌ای، و برون منطقه‌ای اعضا موافقت‌نامه بانکوک نشان می‌دهد که در هر دو حالت از روند صعودی برخوردار بوده است. میزان مبادلات جمهوری اسلامی ایران نیز طی ۱۰ سال گذشته روند صعودی و چشم انداز خوبی را نشان می‌دهد.

سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)

این سازمان در سال ۱۹۷۱ به طور رسمی آغاز به کار کرد. تعداد کشورهای اسلامی عضو این سازمان ۵۲ کشور است، و آفریقای مرکزی، گینه، توگو، ازبکستان و مسلمانان شمال قبرس و جبهه آزادی بخش مورو نیز به عنوان ناظر در جلسات آن شرکت می‌جویند. در چارچوب اهداف سازمان در زمینه اقتصادی یک قرارداد عمومی برای همکاری‌های اقتصادی، فنی، و تجاری در سال ۱۹۸۱ به مرحله اجرا گذاشته شد. این موافقت زمینه‌ساز ایجاد پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و همکاری‌های تجاری، ارتقا و حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو گردید.

در کمیته همکاری‌های اقتصادی و تجاری (OIC) در سال ۱۹۹۳ مقرّر شد، مفاد قرارداد عمومی سال ۱۹۸۱ بازنگری شود. در نشست وزیران صنایع کشورهای عضو در سال ۱۹۸۲ نیز همکاری‌های صنعتی شامل سرمایه‌گذاری مشترک در صنایع ماشین آلات کشاورزی، و صنایع پایه پرداخته شد.

از کمیته‌های تخصّصی سازمان کنفرانس اسلامی می‌توان از کمیسیون اسلامی برای امور اقتصادی، فرهنگی واجتماعی و کمیته دایم برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری (COMCEC) که در سال ۱۹۸۱ نام برد.

گروه هشت کشور اسلامی (D8)

این تشکّل که با شرکت سران هشت کشور مسلمان اندونزی، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه، در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۷، در استانبول ترکیه

میزان تجارت درون گروهی سه کشور اصلی عضو اکو								
سال	۱۹۸۹		۱۹۹۱		۱۹۹۳		۱۹۹۵	
کشور	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
ایران – پاکستان	۱۰۰	۱۴۴	۱۳۵	۱۸۸	۱۳۵	۲۰	۱۷۱	۱۳۵
ایران – ترکیه	۲۵۰	۶۹۹	۳۲۱	۵۲۶	۶۹۲	۳۱۸	۶۲۷	۲۹۲
ترکیه – ایران	۵ / ۱	۲۳۳	۴۸۷	۹۱	۲۹۰	۷۶۱	۲۶۶	۶۸۹
ترکیه – پاکستان	۴۱	۴	۵۱	۷۰	۴۳	۰	۷۲	۱۵۴
پاکستان – ایران	۱۳۴	۱۲۸	۱۷۱	۱۴۴	۱۸	۱۴۹	۱۲۳	۱۸۸
پاکستان – ترکیه	۱۳	۳۷	۵۴	۷۳	۱۰۳	۵۸	۱۳۵	۸۶
میلیون دلار								



برگزار گردید، سازمان همکاری‌های اقتصادی و تجاری جدیدی را با عنوان "D 8" تأسیس کردند.

این گروه در واقع از تشکیلات جانبی "سازمان کنفرانس اسلامی" است. سازمان مذکور دارای سه رکن اصلی اجلاس سران، شورای وزیران، و کمیته کارشناسان ارشد که خود شامل ۱۰ گروه کاری در زمینه‌های صنعت، کشاورزی، مخابرات و اطلاعات، علوم و تکنولوژی، تجارت، توسعه نیروی انسانی، بهداشت، توسعه روستایی، بانکداری و انرژی است. در حال حاضر این گروه‌ها به بررسی بیش از ۵۰ طرح مختلف که توسط اعضا مطرح شده مشغول می‌باشند. از میان ۲۵ طرح تصویب شده توسط گروه‌های کاری، در اجلاس ۱۴ ژوئن ۱۹۹۷، تعداد ۶ طرح برتر تعیین و پیگیری و اجرای آنها به گروه‌های مذکور واگذار گردیده است.

سازمان همکاری اقتصادی (ECO)

در سال ۱۹۸۵ پیمان آر-سی-دی، با نام سازمان همکاری اقتصادی (اگو) حیات جدیدی یافت. کشورهای عضو دریافتند که این سازمان بدون پشتیبانی سیاسی و حقوقی لازم نمی‌تواند کارایی داشته باشد. به دنبال برگزاری کنفرانس ۱۹۹۰ در اسلام آباد، و گشودن دبیرخانه آن

در ۱۹۹۱ در تهران، فعالیت این سازمان به طور جدی آغاز شد. در سال ۱۹۹۲ با پیوستن کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، و دولت اسلامی افغانستان نیرویی تازه یافت. در ترکیب جدید همه اعضای اگو به استثنای ازبکستان و قزاقستان، عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند.

در کنفرانس سران اگو در سال ۱۹۹۲ برای برقراری نظام محدود ترجیحات تعرفه‌ای میان اعضا توافق به عمل آمد، و ۱۰ درصد کاهش تعرفه‌ها پذیرفته شد. در اجلاس ۱۹۹۳، در ترکیه، چشم انداز بلندمدت اگو تدوین شد، و بر اقتصاد مبتنی بر بازار تأکید شد. حاصل نشست‌های بعدی امضای تعدادی سندها و موافقت نامه‌هایی است که به منظور بالا بردن همکاری بین کشورهای عضو صورت گرفت، و پیش‌بینی گردید که تا سال ۲۰۰۰ منطقه اگو با جاده‌ها و راه‌آهن، و خطوط هوایی، و شبکه مخابراتی به هم متصل شود. فعالیت‌های این سازمان بیشتر به برگزاری جلسات در رده‌های گوناگون منجر شده است. به طوری که جمهوری اسلامی ایران میزبان ۱۴ اجلاس، ترکیه ۷ اجلاس، و پاکستان ۶ اجلاس بوده‌اند. عملکرد اقتصادی اگو را به طور کلی با حجم مبادلات درون

گروهی آن می‌توان سنجید.

با نگاهی گذرا به میزان تجارت درون منطقه‌ای کشورها و مقایسه آنها با تجارت جهانی، در می‌یابیم که تجارت اعضای اصلی اگو طی ۶ سال مورد بررسی کمتر از ۱۰ درصد بازرگانی خارجی این کشورها است.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC)

این سازمان در سال ۱۹۶۰ به منظور تشکل و حمایت از منافع کشورهای که منبع عمده صادرات آنها را نفت تشکیل می‌داد، برگزار شد. کشورهای ایران، الجزایر، اندونزی، عربستان سعودی، لیبی، نیجریه، قطر، امارات متحده عربی، و ونزوئلا اعضای اوپک را تشکیل می‌دهند، که ۷۵ درصد ذخایر شناخته شده نفت خام جهان، و ۴۰/۵ درصد ذخایر شناخته شده گاز دنیا را در اختیار دارند. سهم کشورهای عضو اوپک در تولید نفت در سال ۱۹۹۴ بیشتر از ۴۱/۲ درصد بوده است. تعیین سهمیه صادراتی اعضا، و سعی در ثبات قیمت‌های نفت، در سطح قابل قبول از اهم اقدامات کمیسیون اقتصادی اوپک است، که حداقل سالی دوبار تشکیل جلسه می‌دهد. این سازمان متشکل از واحد مطالعات انرژی، واحد اقتصادی و مالی، و واحد خدمات آماری است.

فهرست منابع و مآخذ

- آمارنامه کشاورزی، سال زراعی ۷۶-۱۳۷۵، اداره کل آمار و اطلاعات، معاونت برنامه‌ریزی، وزارت کشاورزی، فروردین ۱۳۷۷.
- آمار فعالیت‌های راه آهن ج.ا.ا. در سال ۱۳۷۶، دفتر آمار و خدمات ماشینی، مرداد ۱۳۷۷.
- اطلس حمل و نقل ایران، نگارش محمدعلی حلیمی، سازمان نقشه برداری کشور، اسفند ماه ۱۳۷۷.
- اقتصاد حمل و نقل، دکتر علی محمودی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خرداد ۱۳۷۶.
- اقتصاد غله و نان در ایران، سیدمهدی شفاالدین دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۰.
- بازار جهانی شکر، محمدرضا صادقی، موسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی، مهر ماه ۱۳۶۵.
- بازار جهانی گندم، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آذرماه ۱۳۷۰.
- بررسی آماری برنج طی سال‌های ۷۰-۱۳۶۱، معاونت طرح و برنامه، وزارت کشاورزی، اردیبهشت ۱۳۷۳.
- بررسی وضعیت قند و شکر در ایران طی دوره ۷۵-۱۳۶۶ با نگاهی به وضعیت تولید جهانی شکر، نادر ذکریاپور، دبیرخانه شورای اقتصاد، معاونت امور اقتصادی، سازمان برنامه و بودجه، اسفندماه ۱۳۷۶.
- برنامه ۵ ساله توسعه ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، منطقه آزاد کیش، سازمان منطقه آزاد کیش، ۱۳۷۶.
- تحولات غلات، دن مورگان، ترجمه امیرحسین جهانگیرلو، تهران ۱۳۶۷.
- توصیه‌ها و رهنمودهایی برای کارآیی تجاری، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شهریور ۱۳۷۶.
- تولید قند و شکر، موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، مهندسین مشاور بنیاد صنعتی ایران، سال ۱۳۷۴.
- تولید، واردات، صادرات، توزیع و قیمت برنج طی سالهای ۱۳۷۵، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، وزارت بازرگانی، مرداد ۱۳۷۶.
- جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی، خسرو نورمحمدی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شهریور ۱۳۷۳.
- دانه‌های روغنی و روغن‌های خوراکی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، دی ماه، ۱۳۶۹.
- روغن نباتی، صورتجلسات شورای اقتصاد ۶۵-۱۳۵۲، معاونت اموراتصادی، دبیرخانه شورای اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۷.
- روزنامه‌های یومیه، فصلنامه‌های اقتصادی سنوات مختلف.
- سازمان غله کشور، گزارش توزیع و مصرف گندم و آرد، منضم به نامه شماره ۵۱/۳۲-۳۹۴۲۰ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۸.
- سالنامه آماری حمل و نقل جاده‌ای ۱۳۷۶، دفتر آمار و خدمات ماشینی، سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور، شهریور ۱۳۷۷.
- سالنامه گمرک ایران در سال ۱۳۷۶، جلد اول واردات، سال ۱۳۷۷.
- سالنامه گمرک ایران در سال ۱۳۷۶، جلد دوم صادرات، سال ۱۳۷۷.
- صنایع آردسازی (گندم و برنج) و نان، موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، مهندسین مشاور بنیاد صنعتی ایران، ۱۳۷۴.
- صنایع روغن کشی و دانه‌های روغنی، موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، مهندسین مشاور بنیاد صنعتی ایران، سال ۱۳۷۴.
- صنایع نگهداری، سردخانه‌ها، موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، مهندسین مشاور بنیاد صنعتی ایران، سال ۱۳۷۴.
- صنایع نگهداری، قسمت اول سردخانه‌ها، موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، سال ۱۳۷۵.
- طرح جامع کالبدی منطقه آزاد چابهار- مهندسان مشاور.
- علل ضایعات نان در خانواده‌ها و نانوايي‌های تهران، فریدون میرفخرایی، کنگره چهارم صنایع غذایی ایران.
- عملکرد چشم انداز بخش بازرگانی کشور، ویرایش پنجم، وزارت بازرگانی، مهرماه ۱۳۷۷.
- عملکرد وضعیت موجود بخش بازرگانی کشور، کمیته بازرگانی شورای صنعت و معدن و بازرگانی، آذرماه ۱۳۷۷.
- قانون و پیوست برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)، سازمان برنامه و بودجه.
- قانون و پیوست برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۳)،
- سازمان برنامه و بودجه.
- قند و شکر، صورتجلسات شورای اقتصاد، معاونت اموراتصادی، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۷.
- گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۵، معاونت اموراتصادی، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۷۶.
- گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۶، معاونت اموراتصادی، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۷۷.
- گزارش تفصیلی بررسی بازار و تکنولوژی صنایع غذایی و سلولزی روغن نباتی، مهندسین مشاوراسوه.
- گزارش عملکرد منطقه آزاد چابهار، معاونت اموراتصادی وزارت اموراتصادی و دارایی، ۱۳۷۷.
- گزارش عملکرد منطقه آزاد چابهار، معاونت اموراتصادی وزارت اموراتصادی و دارایی، ۱۳۷۷.
- گزارش عملکرد منطقه آزاد کیش، معاونت اموراتصادی وزارت اموراتصادی و دارایی، ۱۳۷۷.
- گزارش عملکرد منطقه آزاد قشم، معاونت اموراتصادی وزارت اموراتصادی و دارایی، ۱۳۷۷.
- گزارش عملکرد و برنامه پیشنهادی ۵ ساله ۸۱-۱۳۷۷ منطقه آزاد چابهار، سازمان منطقه آزاد چابهار، ۱۳۷۶.
- گزارش عملکرد و برنامه ۵ ساله منطقه آزاد قشم، سازمان منطقه آزاد قشم، ۱۳۷۶.
- گندم از مرحله تولید تا مصرف در دهه ۱۳۵۰، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بهمن ۱۳۶۰.
- گندم، آرد و نان، هسته خودکفایی، تحقیقاتی صنایع آرد و نان، مهرماه ۱۳۷۲.
- مجله اقتصادی، وزارت اموراتصادی و دارایی، سال اول، شماره ۵.
- مدیریت بازریابی صادرات (راهنمای کاربردی)، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شهریور ۱۳۷۶.
- مستندات مربوط به فرایند تهیه و تدوین قانون مناطق آزاد تجاری- صنعتی ج.ا.ا.، اسفندماه ۱۳۷۲.
- مطالعات فراگیر مناطق آزاد صنعتی- تجاری ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات و معماری ایران، سال ۱۳۷۳.
- مطالعات جامع حمل و نقل کشور- موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، سازمان برنامه و بودجه، اسفندماه ۱۳۷۱.
- مناطق آزاد (تجاری و صنعتی)، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اسفند ۱۳۶۸.
- مناطق آزاد (تجاری و صنعتی)، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اسفند ۱۳۶۸.
- مصوبات هیئت وزیران و شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی.
- ماهنامه مناطق آزاد، شماره های مختلف.
- نان، رسول پایان، انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور- شهریور ۱۳۷۴.
- نان و گندم در دهه ۵۰، مرکز مطالعات و پژوهشهای بازرگانی- وزارت بازرگانی.
- نگاهی به تولید، توزیع، واردات و قیمت قندو شکر در سال ۱۳۷۶، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، وزارت بازرگانی، تیرماه ۱۳۷۷.
- نگاهی به عملکرد مناطق آزاد ایران- (گزارش برای هیئت دولت)- دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری، صنعتی- ۱۳۷۷.
- نگرشی بر جایگاه و عملکرد مناطق آزاد در جهان با نگاهی ویژه به ایران، معاونت اموراتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴.
- با تشکر فراوان از همکاری و تشریک مساعی بیدریغ کلیه دستگاههای ذیربط در ارائه گزارش‌ها، آمار و تصاویر به ویژه:
- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ایران.
- سازمان غله کشور، وزارت بازرگانی.
- مجری طرح سیلوه‌ها، وزارت جهادسازندگی.
- مدیریت بازرگانی- سازمان برنامه و بودجه.
- دفتر آمار و اطلاعات- وزارت تعاون.
- دفتر آمار و اطلاعات- مرکز توسعه صادرات ایران.

National Atlas of Iran

Commerce



Islamic Republic of Iran
Plan and Budget Organization
National Cartographic Center

Volume 11

ISBN: 964-6922-04-X



9 789646 192204